در احوال و اندیشه های حضرت آیة الله علامه

حاج میرزا خلیل کمره ای قدس سره

براساس خاطرات

حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره ای

دکتر کامیار صداقت ثمر حسینی

مجموعه تاریخ شفاهی طلایه داران وحدت اسلامی مجلد اول

در احوال و اندیشه های آیة الله علامه حاج میرزا خلیل کمره ای

دکتر کامیار صداقت ثمر حسینی

هو الباقی

آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای قدس سره

تولد ۱۲۷۷ رحلت ۱۳۶۳

تالیفات ایشان درباره:

موسس دعوت: پیامبر اکرم (ص)

کتاب دعوت: قران مجید

خانه دعوت: کعبه معظمه

رهبران دعوت: چهارده معصوم (ع)

لوح مزار معظم له

ISBN:978-600-7593-02-8

9 786007 593028

مرکز اسناد فرهنگی آسیا
asian cultural documentation center for unesco_tehran

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشر فرهنگ مشرق زمین

گرامیداشت هفتادمین سالگرد تاسیس رسمی دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه

(قاهره: ۱۹۴۷ - ۲۰۱۷ م / ۱۳۶۶ - ۱۴۳۶ ه‍ق) _ کتاب چهارم

در احوال و اندیشه‌های
آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای قدس سره

بر اساس خاطراتِ حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای

دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی

مرکز اسناد فرهنگی آسیا
asian cultural documentation center for unesco_tehran

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نشر فرهنگ مشرق زمین

مجموعه تاریخ شفاهی طلایه داران وحدت اسلامی – ۱

گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس رسمی دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه

(قاهره ۱۹۴۷- ۲۰۱۷ م / ۱۳۶۶ - ۱۴۳۶ ه.ق)

سرشناسه: صداقت ثمرحسینی، کامیار، ۱۳۵۱ –
عنوان و نام پدیدآور: در احوال و اندیشه‌های آیه‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای (قدس‌سره) کامیار صداقت ثمرحسینی؛ بر اساس خاطراتِ ناصرالدین کمره‌ای؛ [با گفتاری از سیّد مهدی ابن‌الرضا خوانساری و مقدمه‌ای از سیّد هادی خسروشاهی]
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ مشرق زمین: مرکز اسناد فرهنگی آسیا: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.: مصور .
فروست: مجموعه تاریخ شفاهی طلایه‌داران وحدت اسلامی؛ ۱.
شابک: دوره۰-۱۱-۷۵۹۳-۶۰۰-۹۷۸:؛ ۲۲۰۰۰۰ ریال۸-۰۲-۷۵۹۳-۶۰۰-۹۷۸:
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتاب حاضر چهارمین مجلد از مجموعه گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس رسمی دارالتقریب قاهره است.
یادداشت: کتاب‌نامه.
موضوع: کمره‌ای، خلیل۱۲۷۸ – ۱۳۶۳.
موضوع: مجتهدان و علما – ایران – سرگذشت نامه
شناسه افزوده: کمره‌ای، ناصرالدین
شناسه افزوده: ابن الرضا، مهدی، ۱۳۱۴-
شناسه افزوده: خسروشاهی، سیدهادی، ۱۳۱۷ – ، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: مرکز اسناد فرهنگی آسیا
شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رده‌بندی کنگره: BP۱۳۹۵۳/۵۵ ۴ ص۸ ک/
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۸۶۸۱

نشر فرهنگ مشرق زمین

نام کتاب: **در احوال و اندیشه‌های آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای**ﷺ (بر اساس خاطراتِ حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای)
با گفتاری از آیةالله حاج سید مهدی ابن الرضا خوانساری و مقدمه‌ای از آیةالله حاج سیّد هادی خسروشاهی.
دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی
ناشر: فرهنگ مشرق زمین (با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
چاپ اوّل: زمستان ۱۳۹۵
قطع: وزیری / تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / بها: ۲۲۰۰۰ تومان
شابک: (دوره تاریخ شفاهی طلایه‌داران وحدت اسلامی: ۹۷۸۶۰۰۷۵۹۳۱۱۰) جلد اوّل: ۸-۰۲-۷۵۹۳-۶۰۰-۹۷۸

تهران، فرهنگ مشرق زمین، تلفکس: ۲۲۰۰۶۹۷۶ ایمیل: pmzamin@gmail.com

به مناسبت گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس رسمی دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه (قاهره ۱۹۴۷- ۲۰۱۷ م / ۱۳۶۶ - ۱۴۳۶ ه.ق) -۴

بسم الله الرحمن الرحيم



حضرت آیةالله آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای ﷺ

و فرزند گرامی‌شان حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای

سپاسگزاری

کتاب حاضر چهارمین مجلد از مجموعه گرامیداشت هفتادمین سالگرد تأسیس رسمی دارالتقریب قاهره (۱۹۴۷ – ۲۰۱۷ میلادی / ۱۳۶۶ – ۱۴۳۶ هجری قمری) است که در چارچوب برنامه مصوب مرکز اسناد فرهنگی آسیا (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) باعنوان «صلح پایدار و جهان عاری از خشونت و افراطی‌گری» تألیف شده است.

بی‌شک اگر بذل عنایت و یاری بسیاری از حضرات علماء و اساتید ارجُمند حوزه و دانشگاه نبود، تألیف این کتاب ناممکن می‌گشت. بدینوسیله مراتب قدردانی و تشکر قلبی خود را به حضور ایشان اعلام می‌دارم.

ابتدا تشکر و مراتب سپاس قلبی خود را تقدیم حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای، فرزند گرامی مرحوم آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای‌ﷺ می‌دارم که مرا به حضور پرفیض‌شان پذیرفتند و با بذل عنایت و صرف اوقاتِ گرانبها، موجب شدند تا اولین گام در نگارش «تاریخ شفاهی طلایه‌داران وحدت اسلامی» برداشته شود؛ و سپاس بسیار از استاد ارجُمند جناب آقای دکتر احمد کتابی که با لطفِ بی‌دریغ ایشان، زمینه آشنایی و دیدار با حجةالاسلام والمسلمین کمره‌ای مهیا شد.

لازم می‌دانم از دانشمند عالیقدر حضرت آیةالله حاج سیّد مهدی ابن‌الرضا خوانساری که به این حقیر فرصت دادند تا خوشه‌چین خاطراتِ ارزشمندشان باشم، تشکر کنم. براستی که لحظاتِ دیدار با آن عالم ربّانی سراسر درس‌هایی فراموش‌ناشدنی از زندگی و اخلاق حسنه است. همچنین از حضرت حجةالاسلام والمسلمین آقای سیّد محسن ابن الرضا که متن نهایی را به رؤیت والد مکرم‌شان رساندند و آن را پس از تأیید معظم‌له، ارسال کردند (مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ه.ش) صمیمانه سپاسگزارم. ان شاء الله تعالی همواره در پناه حضرت حق تبارک و تعالی باشند.

از حضرت آیةالله حاج سیّد هادی خسروشاهی که بر این حقیر منّت نهادند و مقدمه مبسوطی را بر کتاب حاضر نگاشتند؛ و نیز از حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد حجت کشفی (رییس محترم موزه آستان مقدس حرم حضرت معصومه علیهاالسلام) که با راهنمایی‌های ارزشمندِ ایشان مسیر پژوهش روشن‌تر و هموارتر شد، صمیمانه تشکر

می‌کنم. ابتدا به همّت ایشان رونوشتی از شجره اجازه روایت مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای (کتاب «مواقع النجوم») فراهم شد که در آن زمان نیاز مبرمی به آن بود، تا آنکه استاد ارجُمند جناب آقای دکتر منوچهر صدوقی سُها، نسخه‌ای از کتابِ ارزشمندِ «مواقع النجوم» (که در پایان کتاب آورده شد) و کتاب گران‌بهای «مشجره علماء امامیّه» (به‌تصحیح علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای) را به این حقیر اهداء فرمودند که چون جان برایم عزیز و گرامی‌اند[1]؛ و علاوه بر آن، این توفیق حاصل شد تا کتابِ حاضر مُزیّن به پاره‌ای از خاطراتِ جناب آقای دکتر صدوقی سُها شود که موجبِ مزید سپاس و امتنان از ایشان است. اجرشان با خدا باد!

همچنین از همه اساتید گرامی که مرا با تشویق‌ها و راهنمایی‌های خود در نگارش مجموعه حاضر یاری کرده‌اند؛ خصوصاً حضرت آیةالله حاج شیخ محمدعلی تسخیری، دکتر مهدی گلشنی و حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اصغر اوحدی که بر این حقیر الطاف و مَراحمشان بسیار است و امکان انتشار کتاب را در نشر فرهنگ مشرق زمین فراهم کردند؛ نیز از همکاران ارجمند خود در مرکز اسناد فرهنگی آسیا، به‌ویژه اساتید گرامی جناب آقای دکتر سیّد حمید تنکابنی (رئیس مرکز) و سرکار خانم مهندس زهره عطایی آشتیانی (معاون مرکز) که با مدیریتِ خوب خود فضای مطلوبی را برای به ثمر رسیدنِ مجموعه حاضر فراهم کردند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. اجرشان با خدا باد!

در خاتمه، ضمن آرزوی توفیق بهره‌مندی از نظرات پژوهشگران و اساتید دلسوز، که بی‌شک در رفع کاستی‌ها مؤثر و درنهایت بر ارتقای سطح اثر خواهد افزود، از خدای بزرگ مسألت دارم که در ادامه این راه توفیق بیشتری عنایت فرماید و این خدمت به قرآن و اسلام را از ما بپذیرد. «إنه حمید مجید» «والْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ ... وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ.»

کامیار صداقت ثمرحسینی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز اسناد فرهنگی آسیا
اوّل محرم الحرام سال ۱۴۳۸ قمری

---

۱. بحمد الله این دو کتاب ارزشمند با کیفیت مناسبی بازنشر شد و در قالبِ دو طومار بزرگ (هریک بالغ بر سه‌متر) تقدیم موزه آستان مقدس حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) و برخی مراکز حوزوی شد.

فهرست مطالب



خطاب به آیة‌الله حاجی میرزا خلیل مجتهد کمره‌ای

ای خلیل خدا به فضل خدای — وی دلیل هدی بفکرت و رأی
خلّت ایزدی به فطرت تو — کرده خلقی خلیل طینت تو
نک خلیل دوم توئی به ظهور — او به نار آزمون شده تو به نور
نُور دین، نُور علم، نُور کمال — طودی از نور حق به طُور کمال
آن دقائق که عقل مانده در او — قلمت شرح نقل خوانده بر او
تا یراع تو شرح روعه نوشت — «هذه شبهة عویضه» نهشت
هر مکابر ز گرمی سخنت — چون سخن بوسه داده بر دهنت
با عدو احتجاجت از همه باب — حجت قاطع است و فصل خطاب
ای بسا نکته از نکات علوم — کز تو شد منجلی چو شب ز نجوم
وی بسا مشکل از مشاکل دین — کز تو شد منصرف چو شک ز یقین
آتش کفر مدّعی به نبرد — گشت از سلم تو سلامت و برد
هر خلال از قلامه قلمت — شد به میدان علم و دین علمت
سازی از یک سخن به خوش قلمی — صد کتاب از دقائق حکمی
زان، سلف عقده‌ها بنگشادند — که ترا جای در خلف دادند
ورنه، بودی به طیب خاطرشان — قال الاستاذ، زیب دفترشان
عدد منشآت تو به ورق — از نجوم سپهر برده سبق
هر اثر کز تو در شمار آید — رقم افزون تر از هزار آید
تا چو آثار خود به عمر دراز — باشی آئین نواز و کُفر گُداز
هم به تأیید هر مسلمانت — باد اجر از دعای سلمانت

سروده حضرت استاد امیری فیروزکوهی (سال ۱۳۵۰ه.ش)

جلسات گفتگو به روایتِ تصویر

ملاقات اوّل ۴ / ۹ / ۱۳۹۴



حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای و استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد کتابی



در محضر حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای



ملاقات دوّم ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۴



ملاقات سوم: سفر به طالقان روستای گلیرد در خانه موزه آیةالله سیّد محمود طالقانی ۴ / ۶/ ۱۳۹۵



از راست به چپ:
دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیّد حجت کشفی (رییس محترم موزه آستان مقدسه حضرت معصومه (س)؛ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اصغر اوحدی، جناب آقای سیّد مجید کشفی
۸ / ۶ / ۱۳۹۵



ملاقات با استاد دکتر منوچهر صدوقی سها
۱۲ / ۱۰ / ۱۳۹۵

در محضر حضرت آیةالله حاج سیّد مهدی ابن الرضا حفظه‌الله تعالی



ملاقات چهارم: سفر به شهر خوانسار ۲ / ۷/ ۱۳۹۵

نشسته حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای؛ حضرت آیةالله حاج سید مهدی ابن الرضا خوانساری؛ جناب آقای دکتر ابوالحسن کمره‌ای
ایستاده: دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی؛ حضرت حجةالاسلام والمسلمین سیّد محسن ابن‌الرضا؛ جناب آقای علیرضا کسایی (نوه آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای)

نوشتاری از حضرت آیةالله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی (مدظله‌العالی)

آیةالله کمره‌ای ﷺ (۱۳۱۷ - ۱۴۰۵هـ ق)
دانشمند بزرگ[۱]

علّامه بزرگوار آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای فقیه، فیلسوف، مورخ، نویسنده، و محقق عالی‌قدر در سن ۸۸ سالگی پس از ۵ سال بیماری سخت و طولانی بدرود حیات گفت.

وی در سال ۱۳۱۷ قمری در «کمره» از توابع خمین دیده به جهان گشود و پس از تحصیل علوم ابتدائی در زادگاه خود، برای کسب علوم و معارف به «خوانسار» عزیمت نمود و در آنجا از محضر یکی از علمای بزرگ به نام «آخوند ملّا محمد بیدهندی» که در آن سامان به قدس و تقوا معروف بود، تلمذ کرد و پس از فوت آن مرد بزرگ نزد مجتهد بزرگوار مرحوم حاج سیّد علی‌اکبر بیدهندی و آقا سید احمد جاده‌ای، به تحصیل پرداخت و از محضر آن دوعالم ربانی استفاده شایان نمود و در سن ۱۹ سالگی به کمره بازگشت سپس برای ادامه تحصیل علوم عالیه عازم حوزه علمیه اراک گردید و از محضر مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بهره‌ها گرفت.

در سال ۱۳۴۰هجری قمری در قم رحل اقامت افکند و در آن موقع استاد فلسفه و حکمت حوزه علمیه قم مرحوم حاج میرزا علی‌اکبر یزدی بود که در عصر خود کم‌نظیر بود، وی فلسفه و حکمت را نزد او آموخت و در سال ۱۳۵۴ در رابطه با غائله «کشف حجاب» به دستور رضاخان دستگیر و زندانی شد، و بعد از یک ماه زندانی شدن، به قید عدم خروج از تهران آزاد گردید.

---

۱. از مجلد هشتم کتاب سیمای فرزانگان تألیف حضرت آیةالله العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی (دام‌ظله‌العالی). اجازه نقل آن از طریق برخی از محققان گرامی مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل‌البیت علیهم‌السلام از معظم‌له کسب شد.

مرحوم آیةالله کمره‌ای در سال ۱۳۷۱ در کراچی به ریاست «مؤتمر عالم اسلامی» انتخاب گردید، و بار دوم در سال ۱۳۷۹ قمری در مؤتمر اسلامی بیت‌المقدس شرکت کرد و در پایان مؤتمر با اشاره مرحوم آیةاللهالعظمی بروجردی همراه با مرحوم آیةالله طالقانی با فقیه بزرگوار اهل سنت «شیخ محمود شلتوت» درباره اتحاد اسلامی دیدار و گفتگو کرد.

مرحوم کمره‌ای از علما و دانشمندان بزرگواری است که به سهم خود از راه بیان و قلم خدمات بسیار ارزنده‌ای به اسلام نموده است و تألیفات فراوانی (حدود ۷۰ جلد) از آن مرحوم به یادگار مانده است از آن جمله:

۱. افق وحی
۲. افق اعلی
۳. علی علیه‌السلام و الزهراء علیهاالسلام
۴. ملکه اسلام
۵. شرح نهج‌البلاغه در ۲۳ جلد
۶. عنصر شجاعت در ۷ جلد (در حالات امام حسین علیه‌السلام و یارانش)
۷. قبله اسلام، ۸. تفسیر سوره نور
۹. مجلس مباحثه امام رضا علیه‌السلام با عمران صابی
۱۰. امناء الهی در کتاب سلمان فارسی و ده‌ها آثار دیگر.

آیةالله کمره‌ای در ۱۵ محرم‌الحرام ۱۴۰۵هـ برابر با ۱۹ مهرماه ۱۳۶۳ بدرود زندگی گفته‌اند.

بیانات حضرت آیةالله حاج سیّد مهدی ابن الرضا خوانساری مدظله العالی[۱]

در تاریخ ۲ / ۷/ ۱۳۹۵ شمسی توفیق الهی یار شد تا به لطف و مهربانی حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای و برادر ارجمندشان جناب آقای دکتر ابوالحسن کمره‌ای و جناب آقای علیرضا کسایی (نوه گرامی آیةالله کمره‌ای) شبی مهمان ایشان در روستای فرنق کمره شدم و در معیّت ایشان توفیق سفر به خوانسار و ملاقات با دانشمند عالیقدر حضرت آیةالله حاج سید مهدی ابن‌الرضا را یافتم و از سخنان و خاطرات معظم‌له بهره‌مند شدم. متن اولیه پس از پیاده شدن از نوار خدمت حضرت آیةالله ابن‌الرضا ارسال شد و اینک متن نهایی مورد تأیید معظم‌له (طی نامه مورخ ۱۶ / ۱۱/ ۱۳۹۵ه.ش) تقدیم می‌شود. (پاورقی‌های این بخش از اینجانب است.)

خوانسار قبل از صفویه مرکز علم بوده است و در زمان صفویه، دختر شاه سلیمان صفوی به احترام آیةالله آقا حسین خوانساری، یک مدرسه بنام مدرسه «مریم بیگم» بنا کرد که اکنون از مدارس دائمی خوانسار بوده و چند مرتبه نیز تعمیر شده است. در آن زمان علمای بزرگواری بودند که شخصیت علمی مستقلی داشتند و در بیوت خودشان و نه در مدارس، تدریس می‌فرمودند. آیةالله میرزا ابوالقاسم موسوی خوانساری معروف به میر کبیر در «قودجان[۲]» بود، یک جمعه را در گلپایگان اقامه نماز جمعه می‌کرد و یک جمعه را در خوانسار؛ و نماز جمعه را واجب عینی می‌دانست. بعد از او فرزندانش حضرات آیات مرحوم آقا سید حسین و آقا سید محمد و آقا سید علی و آقا سیّد حسن تدریس داشتند. معلوم نیست مرحوم آقا سید حسن اولادی داشته است و یا خیر و معلوم نیست قبرش

---

۱. حضرت آیةالله حاج سید مهدی ابن‌الرضا خوانساری فرزند مرحوم آیةالله سید محمدعلی ابن‌الرضا از علمای بزرگ شهر خوانسار و رییس حوزه علمیه آن شهر موسوم به نام مبارک حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) هستند. معظم له از شاگردان آیات عظام بروجردی، گلپایگانی، امام خمینی، اراکی، محقق داماد و طباطبایی است. از تألیفات مهم ایشان می‌توان به کتاب ارزشمندِ «ضیاء الابصار فی تراجم علماء خوانسار» اشاره کرد.

۲. قودجان روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان خوانسار در استان اصفهان است.

کجاست. مرحوم آقا سید حسین در خوانسار و مرحوم آقا سید محمد در گلپایگان بودند و اولاد آقا میرزا ابوالقاسم مانند حضرات آیات حاج سید صادق، آقا سید حسن دوم، آقا سید کاظم امام و آقا سید حسن اخیر – آخرین امام‌جمعه گلپایگان – در گلپایگان امامت جمعه را داشتند.

مرحوم آیةالله آقا سیّد حسین موسوی (رحمة الله تعالی علیه) از خوانسار بیرون نرفت و تحصیلات او پیش پدرشان بود و بعد از پدر در خوانسار تدریس داشت. در بیت ایشان مرحوم آیةالله میرزای قمی بود. میرزا اهل گیلان بود که همراه با پدرش به اصفهان آمده بود. یکی از علمای بزرگ گیلانی که به اصفهان آمده بود، پدر میرزا را برای تحصیل با خود آورده بود. آن آقا به مناسبتی به خوانسار می‌آید و ازاین‌رو مرحوم میرزا همراه با پدرش به خوانسار آمده بودند. در خوانسار پدرِ میرزا کارگزار منزل آقا سیّد حسین بود. میرزا شروع به تحصیل می‌کند تا آنکه مجتهدی مسلّم می‌شود و مبانی فقهی و اصولی خود را در خوانسار درست می‌کند. تشیید مبانی کتاب قوانین او در خوانسار انجام گرفته و حوزه خوانسار در این حد بوده است؛ هرچند تدریس در بیوت علماء بوده است و نه در مدارس.

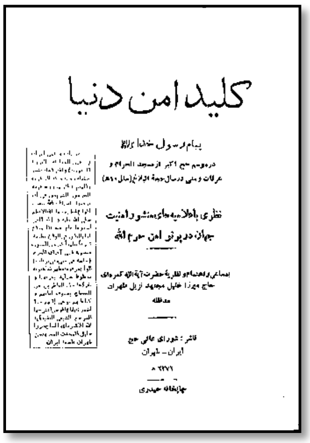
به‌موازات ایشان، علمای دیگری هم بوده‌اند؛ ازجمله مرحوم آیةالله آقا شیخ محمد امینی که از علمای طراز اول نجف و مجتهدی مسلم و شاگرد ملّا حسینقلی[1] هم بوده است؛ یعنی هم اهل سیر و سلوک — عرفان به معنای واقعی کلمه — بوده است و به قول قدماء اهل باطن بوده و باطنش را اصلاح می‌کرده و هم اهل فقه و اصول و غیره.

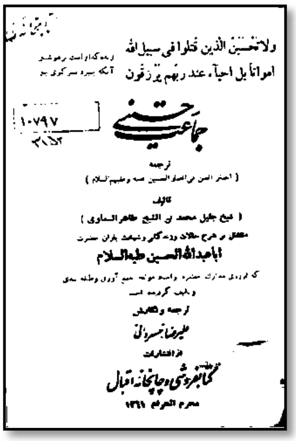
مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل و شاید بعدتر آقا شیخ عبدالرحمن فرنقی - خدا رحمت‌شان کند - این دو می‌آیند خوانسار و وارد بر آقا شیخ محمد امینی می‌شوند. مرحوم آقا شیخ محمد که فوت می‌شود، مرحوم آیةالله آقا سیّد علی‌اکبر موسوی بیدهندی که از علمای طراز اول زمان خودش در نجف بود و معاصر و هم بحث مرحوم آیةالله میرزای نائینی بود، ایشان را می‌آورند خوانسار؛ مرحوم میرزا خلیل کمره‌ای منزل آقا سیّد علی‌اکبر

۱. آخوند ملا حسینقلی همدانی (۱۲۳۹ – ۱۳۱۱ه.ق) از شاگردان شیخ اعظم مرتضی انصاری در فقه و اصول و و آقا سید علی شوشتری (در عرفان و سیر و سلوک شرعی) از او مجموعه آثاری در فقه و اصول و نیز مکاتبات عرفانی به‌جای مانده است.

می‌رود و بعد با مرحوم آقا شیخ عبدالرحمن فرنقی، پس از مدّتی اقامت در خوانسار، ازاینجا می‌روند. حالا اینکه تا چه حد در اینجا بوده‌اند، من نمی‌دانم آن موقع نهایت سطح، «قوانین» بود و کفایه هنوز رسم نبود. احتمالاً آن‌ها مکاسب را خوانده‌اند و از خوانسار رفته‌اند.

من در خوانسار خدمتشان نرسیده بودم ولی بعداً ایشان را در تهران دیدار کرده بودم. جلد اول کتاب عنصر شجاعت یا هفتادودو تن را که منتشر شد، برای ابوی ﷺ آورده بودند و من هم آن را خواندم. سبک خاصی دارد. رحمةالله تعالی علیه و سبکی منحصر به خودشان است اخیراً آن کتاب توسط مؤسسه دارالعرفان تجدید چاپ شده است. در چاپ قدیم که من آن را دیده بودم، سبک نوشتار – هم نوشته‌اش و هم شیوه چاپش – پیام دارد. ایشان در مجلد مسلم بن عقیل علیه‌السلام و اسرار کوفه در آن کتاب بیداد کرده است. اصحاب را از سماوی گرفته است. مرحوم سماوی[1] کتابی دارد بنام «ابصار العین فی انصار الحسین» و خسروانی که از مترجمان خوب پارسی بوده آن را با عنوان «جماعت حسینی» به فارسی ترجمه کرده است[2].


کلید امن دنیا
پیام رسول خدا ﷺ
ناشر: شورای عالی حج
ایران – تهران
چاپخانه حیدری


ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون
جماعت حسینی
ترجمه
تألیف
(شیخ جلیل محمد بن الشیخ طاهر السماوی)
اباعبدالله الحسین علیه السلام
ترجمه و نگارش
علیرضا خسروانی
از انتشارات
کتابفروشی و چاپخانه اقبال
محرم الحرام ۱۳۶۱

تصویری از کتاب جماعت حسینی ترجمه مرحوم استاد علیرضا خسروانی

---

۱. شیخ محمد بن الشیخ طاهر السماوی.

۲. از ترجمه‌های دیگر «ابصار العین ...» ترجمه عقیقی بخشایشی با عنوان «حماسه سازان کربلا» است که توسط دفتر نشر نوید اسلام (قم) منتشر شده است.

نمونه‌ای از جلد کتاب کلید امن جهان ... اثر حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

خود «ابصار العین» هست و ترجمه‌اش که مال خسروانی است، نیز موجود است. اساس کتاب «هفتادودو تن و یک‌تن» این ابصار العین است ولی مرحوم آقای کمره‌ای (رحمةالله تعالی علیه) آمده است و شرح و بسط مفصلی داده است. یک جلد آن نیز یک‌شب و روز عاشوراء است که جمعاً شاید هفت جلد بشود و بسیار ارزنده است.

قبله اسلام به‌جای خود، این خطبه حضرت زهراء علیهاالسلام، خطبه هم نیست بلکه ملاقاتی است که زن‌های مدینه با حضرت زهراء علیهاالسلام کردنددر حال کسالت، و حضرت علیهاالسلام می‌خواهد تغییر مسیر خلافت و ناراحتی‌های آن روز را بازگو کند و صحنه این عمل تا قیامت را مُجَسم کند. مجموع این‌ها در آن سخنان کوتاه آمده است. مرحوم آیةالله کمره‌ای حضرت علی علیه‌السلام را که خلیفةالله است؛ امام معصوم علیه‌السلام است؛ وصیّ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ از زبان حضرت زهراء معرفی کرده. علیٌ علیه‌السلام و زهراء علیهاالسلام یعنی حضرت امیر علیه‌السلام از دید حضرت زهراء علیهاالسلام و ایشان در سایر کتاب‌هایش، در هر کاری که دست‌به‌قلم زده، ابتکار داشته است.

بعد آمدند نهج‌البلاغه را شرح دادند. ایشان نهج‌البلاغه را بیست‌وچهار قسمت کرد و از این بیست‌وچهار قسمت، دو قسمت آن چاپ‌شده است؛ یکی نهج‌البلاغه و جنگ و دیگری نهج‌البلاغه و خلقت آسمان و زمین. بقیه‌اش دیگر چاپ‌نشده و قاعدتاً باید نوشته‌شده باشد.

آیةالله حاج‌آقا رضا صدر – نجل ارشد آیةاللهالعظمی آقای صدر، برادر بزرگ آیةالله آقا موسی که ازنظر فقه و اصول اعلم از حاج‌آقا موسی بوده - او جنبه سیاسی‌اش غلبه داشته و این جنبه فقاهت و شخصیت علمی‌اش - ایشان در زمان حیات مرحوم پدرشان آیةاللهالعظمی صدر در شب‌های پنجشنبه برنامه درس اخلاقی در منزل خودشان در کوچه ارک داشت و در آن زمان درباره حَسَد صحبت می‌کردند که در آن زمان کمتر از حالا اختلافاتی بوده که منشأ آن حسد بوده است. بعدازآن نیز رساله حقوق حضرت سجاد علیه‌السلام را تدریس می‌کردند. بعد از فوت مرحوم آیةالله العظمی صدر در سال ۱۳۳۴ آن جلسات به بیرونی منزل پدرشان منتقل شد. بنده شرکت می‌کردم. در جلسات شب‌های پنجشنبه، یکی از شب‌ها ایشان گفتند یکی از علمای بزرگ خواب دید که حضرت امیر علیه‌السلام زمینی را می‌خواهند تقسیم کنند و یک سر متر را حضرت به دست داشته و سر دیگر را

هم آن آقا؛ و آن آقا نهج‌البلاغه را بیست‌وچهار قسمت تقسیم کرده بود. بعداً من پرسیدم و معلوم شد مراد ایشان آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای (رضوان‌الله تعالی علیه) بود. حالا نهج‌البلاغه تا کجا نوشته شده است و چه بخش‌هایی از آن نوشته شده و هنوز چاپ نشده است و سبک ایشان چگونه بوده است؛ آیا از ابتدا می‌آمده و مسئله را در ذهن خود ترسیم می‌کرد و بعد بابْ بابْ و کتابْ کتاب می‌کرد، سپس فیش‌برداری می‌کرد و چه مقدارش انجام‌شده، من نمی‌دانم، [خطاب به حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای] آقا می‌دانند و باید [انتشار مابقی مجلدات آن را] انجام دهند. شرح نهج‌البلاغه از تألیفات بسیار ارزنده ایشان است. مخصوصاً این نهج‌البلاغه و جنگ؛ و نهج‌البلاغه و خلقت که منتشر شده است.

مرحوم آقای بازرگان کتابی دارد بنام مطهرات در اسلام، مرحوم کمره‌ای مقداری از بحث جنگ طبیعت را از آن کتاب گرفته است و بعد می‌آید جنگ‌های اسلام را شرح می‌دهد.

نوع مطالبی که ایشان در ذهن دارد؛ اصول کلی است که به مبدأ و معاد و مخصوصاً مسئله امامت و رسالت برمی‌گردد؛ یعنی این معلومات یکجا به‌صورت کتاب «عنصر شجاعت و هفتادودو تن و یک‌تن» درآمده است، یکجا به‌صورت کتاب «قبله اسلام» درآمده است؛ یکجا به‌صورت کتاب «علی علیه‌السلام و زهراء علیهاالسلام» و یکجا به‌صورت کتاب «ملکه اسلام» درآمده است و درجاهای دیگر و ایشان رساله‌های کوچک‌تری هم داشته‌اند مانند غروب آفتاب در اندلس.

بعد در کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی در پاکستان و سایر کشورها شرکت می‌کردند و نظریات خاصی داشته‌اند. شخصیت علمی ایشان چنین بوده است.

من محضر ایشان شرفیاب نشده بودم. ایشان سفری به قم آمده بودند و در منزل دامادشان که اهل خوانسار بود، اقامت داشتند. آمده بودند مدرسه فیضیه و من آن موقع که کم سن و سال بودم در راهرو مدرسه ایشان را دیدم. بعدها در سال ۱۳۴۴ یا ۱۳۴۵ که با آقای مصباح زاده منجم خطاط مسافرتی به اصفهان داشتم در راه تصادفی شد و پرده شبکیه چشم من پاره شد برای معالجه به نزد پرفسور شمس به تهران رفتم و درمان پانزده روز بطول انجامید. در آن زمان در منزل دایی خود در خیابان گرگان اقامت داشتم.

روزها پیاده به بازار سرای عادلی در میدان اعدام می‌رفتم و گاهی تا مسجد شمس‌العماره و سپهسالار می‌آمدم. زمانی بود که به طلبه‌ها کارت معافیت از سربازی نمی‌دادند و آقا و گروهی دیگر گواهی طلّاب را امضاء می‌کردند. من تفریحی راه آمدم و خسته شدم. آمدم به مسجد فخرالدوله و در گوشه‌ای نشستم. وقتی نشستم دیدم آقایی وارد شدند، آقای کمره‌ای بودند. ایشان به‌طرف من که یک طلبه ابتدایی بودم و من را هم نمی‌شناختند، آمدند. اما معرفت ایشان، آقایی ایشان، توجه‌شان به کمال و علم و دانش بود که به‌طرف من طلبه کوچک آمدند؛ خیلی با آغوش باز و بشاشت احوال‌پرسی کاملی کردند. فرمودند کجایی هستی؟ گفتم: خوانساری هستم و اسمم را پرسیدند: گفتم: ابن الرضا. پدرم از شاگردان تفسیر مرحوم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای در قم بودند[۱]. ایشان جدّ من[۲] را کاملاً می‌شناخت. خیلی صحبت کردند، خیلی بزرگواری کردند که به یک طلبه کوچک چنین عنایت کنند.

من یک‌ساعتی در محضر ایشان بودم. یک آقایی هم آمد گفتند شما این آقا را می‌شناسید؟ گفتم: خیر گفت: این آقای صولت خادم مسجد است که خوانساری است و از خان‌زاده‌های خوانسار (نواده صولت الملک) بود. من بیشتر از این محضر آقا را درک نکردم. مکرر می‌گفتم چرا حضرت آقای حاج آقا ناصر کتاب‌های پدرشان را چاپ نمی‌کنند؟ ما عموزاده‌ای داشتیم در تهران بنام آقای کمالی به مسجد آقا رفت‌وآمد داشت و

---

۱. آیةالله حاج سیّدمحمدعلی ابن الرضا خوانساری (۱۲۹۱ – ۱۳۸۹ ش) از علمای معاصر خوانسار است. معظم‌له مقدمات را در محضر آخوند ملا محمدحسن شاکریان و برادرشان آقا میرزا رضا رضوی معروف به ابن الرضا آموخت و سطح فقه و اصول را از پدر فرا گرفت. برای تکمیل اندوخته‌های علمی، رهسپار قم گردید و از اساتیدی چون آیات ادیب تهرانی، حاج میرزا خلیل کمره‌ای، سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و سیّد محمدرضا گلپایگانی بهره برد. معظم‌له خارج فقه و اصول را در محضر آیةالله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیةالله العظمی حاج سیّد محمّدتقی خوانساری آموخت.

۲. حضرت آیةالله آقا میرزامحمود رضوی معروف به ابن‌الرضا (۱۲۸۵ – ۱۳۵۶ق) از شاگردان آیات عظام میرزاهاشم چهارسوقی، آقانجفی اصفهانی، جهانگیرخان قشقایی در اصفهان و حضرات آیات عظام آخوند خراسانی، سید محمّدکاظم یزدی، شیخ‌الشریعه اصفهانی، سیّد اسماعیل صدر و ملاّ فتحعلی سلطان‌آبادی در نجف اشرف است. معظم‌له از اساتید بزرگانی چون آیات عظام حاج سید محمدتقی خوانساری، حاج سیّد احمد خوانساری، حاج شیخ موسی خوانساری و حاج سید مصطفی صفائی خوانساری است.

با ایشان هم کمی آشنا بود و بعدها به خوانسار آمد و دفتردار ما در حوزه بود. به ایشان گفتم: شما که به تهران می‌روید کتاب‌های ایشان را برای کتابخانه مدرسه ما تهیه کنید.

***

من سال ۱۳۴۷ مقدمات حوزه علمیه را در اینجا فراهم کردم. اساسنامه‌ای را تهیه کردم و سال ۱۳۵۱ به ثبت رساندم و دارای شناسنامه حقوقی شد. مؤسس را هم آیة‌اللهالعظمی آقای حاج سید احمد خوانساری قرار دادیم که آن موقع اینکار لازم بود. بعدازآن هم حضرات آیات عظام امام خمینی، آقای خویی، آقای گلپایگانی؛ آقای اراکی و بعد از ایشان سایر مراجع قم و نجف همگی‌شان تأیید کردند. تا ابوی بودند من هیچ کاری را بنام خودم انجام ندادم، همه را بنام ایشان انجام دادم. اجازات و مدارک هرچه بود بنام ایشان بود.

درباره حوزه خوانسار باید جداگانه بحث کرد. یک سفری حضرات آقایان رسولی محلاتی و آقا شیخ حسن صانعی به خوانسار آمدند و به مناسبتی مسائلی مطرح شد و من نیز مسائلی را گفتم. آقای حاج شیخ حسن در بحثی که شد بیان کرد که من از طرف حضرت امام خمینی موظفم که خدمتشان [مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای] بروم؛ امام دستور داده‌اند.

پس از این زمان، جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای سیّد مرتضی صالحی اینجا آمدند، همراه با آقای موسوی همدانی که المیزان را ترجمه کرده است، به کتابخانه مدرسه آمدند. در کتابخانه مدرسه برخی از کتاب‌ها ممهور به مهر آقای صدرای اراکی است. گفت: این کتاب‌ها مال صدراست؟ گفتم: بله ورثه ایشان هزار جلد از کتاب‌هایش را به اینجا واگذار کرده‌اند. الحمدلله کتابخانه‌ای غنی در خوانسار است و ما ازنظر کتابخانه خطی و غیرخطی و چاپ سنگی و الآن کتابخانه مجازی وضعیت خوبی داریم. آقای حاج سیّد مرتضی صالحی در کتابخانه گفت: الآن قضیه‌ای یادم آمد. او گفت: قضیه صدرا را می‌دانی؟ گفتم: خیر گفت: آقای صدرا بعد از آقای بروجردی به آقای گلپایگانی گرایش داشت و امام بعدتر عنوان مرجعیّت را یافت و رساله نداشت. اولین رساله‌ای که نوشتند حضرات آیات آقایان تقدیری با آقای مؤمن دونفری از روی حواشی ایشان رساله را

نوشتند. آقای صدرا این‌طوری بود و خیلی موردتوجه و عنایت نبود؛ لذا عده‌ای از آقایان با ایشان مرتبط نبودند. امام خمینی وقتی تشریف آوردند ابتدا در تهران، بعد قم و سپس به تهران بازگشتند. یک روز همین‌طور که در حیاط منزلشان قدم می‌زدند و به فکر دوستان قدیمشان و علمای بزرگوار بودند، می‌فرمایند: صدرا! صدرا کجاست. می‌گویند: خبری از او نداریم. خبر داشتند، بنا نداشتند بگویند. امام خمینی می‌فرماید: صدرا را پیدا کنید. می‌گویند: ایشان کسالت دارد و مریض است. می‌فرماید من باید ایشان را ملاقات کنم. دیگر کسی نمی‌توانست حرفی بزند. ایشان را می‌آورند خدمت امام، وقتی‌که از نزد امام می‌خواهد برود، امام چکی به مبلغ پانصد هزار تومان به او می‌دهد صدرا می‌گوید من نیاز مالی ندارم ولی باشد. من هم اطلاعی از این جریان‌ها نداشتم یک‌وقت مطلع شدم داماد صدرا که اهل «خم پیچ» است، نامه‌ای از ایشان آورد که نوشته بود من در خم پیچ می‌خواهم مسجدی را بسازم شما بفرستید مهندسان بروند طرح دهند و مسجد خوبی هم ساخته شد و جنازه صدرا را در همین مسجد به خاک سپردند. نماز را آقای مرعشی خواندند و آقای گلپایگانی هم هیئتی را برای شرکت در جلسه ختم فرستادند. منظور از نقل این‌ها این بود که امام حواسشان جمع همه این مسائل بود. امام خمینی که می‌دانستند وضع آقا میرزا محمدباقر کمره‌ای که مرد عالم و بااستعدادی بوده، بد است به اطرافیان گفته بودند از طریق چاپ و خرید کتاب‌هایش به ایشان کمک شود.

«لاحول و لا قوة الّا بالله . رحمة الله تعالی علیهم اجمعین»

مقدمه به قلم حضرت آیةالله حاج سیّد هادی خسروشاهی تبریزی[1]

یادکرد عالمی بزرگ و ژرف‌اندیش

این کتاب که به نوشته مؤلف محترم، چهارمین مجلد از مجموعه هفتادمین سالگرد تأسیس دارالتقریب و اولین گام در نگارش تاریخ شفاهی طلایه‌داران وحدت اسلامی است، به تبیین احوال و شخصیت و آثار اندیشه‌های بزرگ‌مرد عرصه‌های دین، علم، فلسفه و اخلاق، مرحوم آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای می‌پردازد و در اصل، تک‌نگار ماندگاری است که در خصوص یکی از بزرگ‌مردان عرصهٔ فکر و قلم و بیان ایران، به تبیین و ایضاح‌هایی ارزشمند دست‌زده است.

اهمیت این کتاب ازآن‌روست که تا امروز، غیر آنچه به کوشش فرزند آیةالله کمره‌ای، حجت‌الاسلام‌والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای با عنوان «یادنامه» در اولین سالگرد ارتحال ایشان در سال ۱۳۶۳ منتشر کرد، کتاب مستقل دیگری درباره زندگی، شخصیت و آراء و اندیشه‌های مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به قلم نیامده است و تا آنجا که حقیر اطلاع دارم، حق یکی از مردان بزرگ دین و دانش ایران در قرن اخیر نه‌تنها ادانشده است، بلکه حق این است که بگوییم بر زمین‌مانده و مغفول افتاده است. درواقع، به یک اعتبار آیةالله کمره‌ای از گمنامان تاریخ معاصر است و بااینکه مردی بزرگ و عالمی ارزشمند و کم مانند بود، کار و تحقیق «مستقلی» پیرامون او صورت نگرفته است تا بتوان به آن اشاره و اشعار داشت. بی‌شک این نقصی از نقص‌های تاریخ‌نگاری معاصر ماست که

۱. آیةالله سیّد هادی خسروشاهی (متولد ۱۳۱۷ ه.ش) فرزند مرحوم آیةالله سیّد مرتضی خسروشاهی و از شاگردان آیات عظام سیّد حسین بروجردی، امام خمینی، سیّد محمّدکاظم شریعتمداری و علّامه سیّد محمدحسین طباطبایی است. معظم‌له از چهره‌های شاخص جریان تقریب مذاهب اسلامی است و به مدّت پنج سال سفیر ایران در واتیکان و سه سال رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره بوده است. همچنین معظم‌له مؤسس«مرکز بررسی های اسلامی قم» (وابسته به حوزه علمیه قم) در سال ۱۳۵۲ه.ش است.

باوجود نهادهای فراوان و مراکز و مؤسساتی گسترده و زیاد از حد، درباره بزرگ‌مردی که دارای سوابق طولانی علمی و فکری بوده است و در حساس‌ترین برهه‌های تاریخ معاصر در شاخه دین و فقاهت حضورداشته و منشأ اثر بوده و جایگاه رفیعش در برخی از عرصه‌های تاریخ معاصر کاملاً غیرقابل‌انکار است، دفتری برای خواندن پدید نیامده باشد. خوشبختانه این نقیصه چشمگیر با تألیف این کتاب ارزشمند و تحقیقات مفید و بجایی که جناب آقای دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی انجام داده‌اند، برطرف شده و جای خوشحالی است که بحمدلله رساله‌ای مفید و قابل‌اعتنا درباره یکی از خدمتگزاران صادق و خالص و برجسته تشیع و ایران فراهم آمده است که امید است برای اهل تحقیق و پژوهشگران این عرصه‌ها مفید باشد و پاسخگوی سؤالات متعددی باشد که قاعدتاً در جای‌جای تاریخ معاصر وجود دارد و پاسخگویی به آن‌ها در رفع ابهام‌ها و برطرف شدن اشکال‌ها و از بین رفتن مجهول‌ها، لاجرم مؤثر خواهد افتاد.

من در سال‌های جوانی افتخار داشتم که با آثار عالم بزرگ آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای آشنا شوم و خود معظم له را هم از نزدیک بشناسم و جزو ارادتمندانش باشم. توفیق زیارت ایشان به‌دفعات نصیب این‌جانب شد که در پایان این مقدمه به آن اشاره خواهم کرد و خواهم گفت که چگونه در حضور آیةالله سید محمود طالقانی، توفیق یار می‌شد که آن عالم جلیل را در روزهای آمدن به تهران از نزدیک زیارت کنم و در منزل مرحوم حاج موسی ابریشمچی، مستمع گفتارها و بیانات ارزشمند آن دین‌شناس ارزنده باشم.

چه می‌توان گفت درباره عالمی که در تمام عمر، پیوسته در مرزهای تلاش و کوشش و اخلاص قدم زده است؟ چه می‌توان گفت درباره عالم عزیزی که جزو زبدگان طبقهٔ اهل علم و تحقیق بود و از هیچ تلاشی برای شناساندن دین حق و اعلام پیام آن به اهلش و کنار زدن پرده‌های جهل و زدودن اختلافات تاریخی فروگزاری نکرد؟ تأمل در زندگی و آراء و اندیشه‌های آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، چهره عالم ارزشمند و زمان‌شناسی را در برابر ما قرار می‌دهد که از مصادیق «علمای ربانی» و «علمای عامل» است و در برابر او جز با زبان احترام نه چیزی می‌توان گفت، نه می‌توان چیزی نوشت.

با توجه به اینکه زندگی‌نامه مرحوم آیةالله کمره‌ای و سوانح حیات و خاطرات ایشان در این کتاب به‌صورت دقیق و مفصل ذکر شده است، قاعدتاً لازم نیست که بنده در این دیباچه وارد مسائلی ازاین‌دست شوم، جز تذکر به این نکته که آیةالله کمره‌ای را باید از نخستین چهره‌های برجسته حوزه علمیه قم در اوان تأسیس و شکل‌گیری و نضجش به شمار آورد، هم در ساحت طلبگی که با حضور دانش طلبانه‌اش در شکل‌گیری و تثبیت حوزه علمیه قم مؤثر افتاده است، هم در ساحت بسط و اشاعه علوم عقلی و فلسفه با مداومت بر دروس معقول که چندین سال مباحثه «اسفار اربعه» همگام با امام خمینی نشانگر آن است، هم در ساحت روشنگری‌های دینی با نوشتن کتاب‌ها و مقالات سودمند به‌گونه‌ای که از ایشان می‌توان با عنوان یکی از عالمان کثیر التألیف یاد کرد و هم در ساحت اندیشه وحدت اسلامی، با اقدامات عملی‌اش در این حوزه، با قلم و قدم‌هایی که در این عرصه به حرکت درآورد و نام خودش را بر بلندای این عرصه تعیین‌کننده ثبت و حک کرد.

تأمل در تلاش‌های بی‌پایان آن مرد الهی حکایت‌گر سلوک‌های سالکی است که برای رسیدن به قلّه‌های حقیقت از هیچ تلاشی بازنمی‌ایستد. به همین جهت او را پیوسته در حال حرکت می‌بینیم. از منزلی به منزلی و از موقفی به موقفی. بی‌جهت نیست که زمانی او را در خوانسار می‌بینیم که مجدانه به تحصیل مشغول است، زمانی دیگر او را در اراک می‌یابیم که همراه اعلام و بزرگانی چون امام خمینی حوزه علمی آن سامان را با حضورشان در گرد شمع وجودی آیةالله شیخ عبدالکریم حائری یزدی تثبیت می‌کنند و سپس او را در قم می‌یابیم که همراه با آیةالله شیخ عبدالکریم حائری یزدی تن به مهاجرت می‌دهند و نخستین سنگ بنای علمی حوزه علمیه قم را به نام خود ثبت می‌کنند. ادامه زندگی آن مرحوم، همچون بخش‌های نخستش مملو از شور و شوق و عشق و ایمان و حرکت و سیر و صعود است. اگر کسی در بخش‌های آغازین و پایانی زندگی آیةالله کمره‌ای تأمل کند، خواهد دید که او بسان «مجاهد فی سبیل الله» دمی نیاسوده است و پیوسته در حال جوش‌وخروش و حرکت و تکاپو بوده است و وجودش چونان شمعی پرفروغ منبع و معدنی از نور دیده می‌شود که مشتاقان و دوستداران دین و مکتب را سیراب می‌کرد.

به نظر این‌جانب خاطرات آیة‌الله کمره‌ای خاطراتی بسیار ارزشمند و تعیین‌کننده است و آنچه آن مرحوم از روزگار جوانی خودش روایت می‌کند، ارزشی ویژه دارد. در این میان، آنچه آن عالم بزرگ از روزگار درس و تحصیل در نزد عالمان بزرگ نقل می‌کند، حالتی کاملاً منحصربه‌فرد دارد. حضور آیة‌الله فقید در جمع حلقه‌های نخست شاگردان شیخ عبدالکریم حائری – مؤسس حوزه علمیه قم – آن‌هم قبل از تأسیس حوزه علمیه قم و سپس حضورش در حوزه علمیه قم، این امکان ویژه را در اختیار او قرار داده است که اصلی‌ترین روایت‌ها را نه‌تنها از شیخ عبدالکریم حائری بلکه تمام عالمان آن عهد برای آیندگان ارائه کند. به همین خاطر، خاطرات آن فقید سعید از شکل‌گیری حوزه علمیه و سال‌های نخست درس و بحث فقه و فلسفه در این حوزه تناور، جزو معدود روایاتی است که شاید نتوان نمونه دومی برایش در نظر گرفت. همچنین شیفتگی او برای تحصیل در نزد عالمان بزرگ را می‌توان مورد مداقه قرار داد که باعث شکل‌گیری شخصیت او شده است و در ادامه همین ماجرا، دوستی او بین اعلام و اساطینی مانند امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و نامدارانی چون آیة‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی تبریزی گشته است که تا دهه‌ها ادامه داشت و از اتفاقات ویژه تاریخ معاصر است. شک نیست که هرچقدر درباره این بخش از قضایای تاریخ معاصر تأمل و تفکر و کاوش صورت بگیرد، جا دارد و حتماً ثمرات تاریخی ویژه‌ای بر آن متفرع خواهد شد که اهل تاریخ اهمیت و خصوصیت آن را بیش از دیگران می‌دانند.

مؤلف محترم این کتاب، جناب آقای دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی، با به کار بستن شیوه‌ای تاریخ‌نگارانه و علمی توانسته است مراحل اصلی زندگی علمی و عملی آیة‌الله کمره‌ای را به‌صورت پی‌درپی و مسلسل و متعاقب روایت کند به‌گونه‌ای که خواننده با خواندن این کتاب می‌تواند اطمینان حاصل کند که از بخش‌های زندگی آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای مرحله‌به‌مرحله، اطلاع حاصل کرده و بخش عمده‌ای از زندگی او را شناخته است.

در حقیقت، با تلاش مؤلف در شناخت و شناسایی آیة‌الله کمره‌ای، اتفاق جالب و ارزشمندی روی داده است و پرده از وقایعی برداشته شده است که تا امروز کمتر کسی آن را یکجا در کنار هم قرار داده است. بررسی حوادث زندگی آیة‌الله حاج میرزا خلیل

کمره‌ای و درنگ و تأمل در فرازها و فرودهای کارها و اقدامات او باملاحظه روابطی که او با اشخاص و جریان‌ها داشته است و نیز روابطی که اشخاص و جریان‌های مختلف با او داشته‌اند، روایت صحیحی از تاریخ معاصر را در اختیار ما قرار می‌دهد که بر اهمیت آن با گذشت زمان افزوده شده است و ضرورت پژوهش در آن‌ها به‌مراتب بیشتر از گذشته شده است. به همین منوال، در این کتاب با بیان مسلسل‌وار حوادث و قضایا، مسائلی روشن می‌شود که هیچ بخش آن کم‌اهمیت نیست؛ نه نوع مواجهه شیخ محمدتقی بافقی با مقوله کشف حجاب رضاخانی بی‌اهمیت است، نه نوع مواجهه حاج شیخ عبدالکریم حائری آن‌گونه که آیةالله کمره‌ای گزارش می‌کند, بی‌اهمیت است و نه نوع مواجهه امام خمینی با این دو مواجهه بی‌اهمیت است. و نه نوع مواجهه‌ای که خود آیةالله کمره‌ای داشته است که موجب دستگیری و تبعیدش به تهران شده است. به همین ترتیب، مواجهه‌های بعدی آن فقید سعید را می‌توان در نظر گرفت که هرکدام دارای بهره‌ای از ریزبینی‌های تاریخی است و نمی‌توان از کنار آن‌ها به‌سادگی عبور کرد.

***

در بخشی از این کتاب روایتی به نقل از این‌جانب آمده است مبنی بر اینکه آیةالله سید محمود طالقانی، شخصیت بلندآوازه تاریخ دین و جهاد در ایران، در محضر آیةالله کمره‌ای تلمذ می‌کرده است. لازم می‌دانم در این نوشته، این مطلب را بیشتر شرح و بسط و غیر ازآنچه بیان‌شده، شخصاً درباره آن سطوری چند بنگارم و به قلم بیاورم.

البته این موضوع صحت دارد و در محافل حوزوی هم از این قبیل رویدادهای پسندیده، بسیار است اما نکته‌ای که به آن اشاره نشده و من خود شاهد و ناظر آن بودم، جلسات تفسیری «نهج‌البلاغه» در صبح روزهای جمعه در منزل مرحوم حاج موسی ابریشمچی است که در خیابان عین الدوله تهران واقع بود.

مرحوم آقای حاج موسی ابریشمچی از اخیار بود. او جزو هیئت تحریریه مجله «مکتب اسلام» بود و به علّت حضور در هیئت مالی مجله «مکتب اسلام» و سفرهایی که همراه دوستان دیگر به قم می‌کرد، شخصاً دیدارهای مکرری با او داشتم. در همین دیدارها و

گفتگوها بود که او به من خبر می‌داد که آیةالله کمره‌ای در روزهای جمعه در منزل او درس تفسیر قرآن یا جلسه شرح نهج‌البلاغه دارد. البته این جلسه عام نبود، بلکه صرفاً چند نفر از خواص در آن حضور می‌یافتند و می‌توانستند از افاضات آیةالله کمره‌ای بهره‌مند شوند.

پاتوق این‌جانب به تهران که می‌رسیدم، منزل حاج احمد آقا ابریشمچی برادر حاج موسی بود که با چند باب خانه فاصله، منزل او قرار داشت و من هر وقت به تهران می‌آمدم، همراه مرحوم حاج احمد آقا ابریشمچی به منزل مرحوم حاج موسی می‌رفتم. حاضرین با صبحانه ساده نان و پنیر و چایی پذیرایی می‌شدند و سپس آیةالله کمره‌ای افاضه می‌کردند و حضّار استفاده می‌کردند و بهره می‌گرفتند. ازجمله کسانی که من شاهد بودم در این جلسه همیشه حضور داشت، آیةالله سید محمود طالقانی بود که با تواضع ذاتی و ادب ویژه در کنار آیةالله کمره‌ای می‌نشست و با دقت به بیانات ایشان گوش می‌داد و البته گاهی هم طبق روش حوزوی، جملاتی در نقد یا تأیید آیةالله کمره‌ای بیان می‌کرد، اما در کل سکوت مطلق بود و فقط گوش می‌داد.

البته آیةالله طالقانی در همان برهه خود درس تفسیر قرآن در مسجد هدایت داشت ولی از تلمذ و افزودن علم و آموختن مسائل جدید از «افواه الرجال» ابایی نداشت و متواضعانه در جلسه‌ای که ناطقش آیةالله کمره‌ای بود شرکت می‌کرد که نکته قابل‌تأملی است. به خاطر دارم در این مجلس، آیةالله کمره‌ای چندین جلسه درباره آفرینش آسمان و زمین و خلقت موجودات گوناگون با استناد به مطالب نهج‌البلاغه بیاناتی را عنوان کرد که بسیار جالب و قابل‌استفاده بود و البته بعضی از آن مطالب، بعدها در تألیفات ایشان نقل‌شده که در این کتاب هم مورداشاره قرارگرفته است.

خوب به خاطر دارم که دریکی از جلسات، آیةالله کمره‌ای درباره منشأ و علّت تکاثر و ثروت‌اندوزی از دیدگاه امام علی عليه‌السلام و مفاسد حاصله آن در جامعه بشری مطالبی را بیان کرد و از مسئلهٔ فقر و غنا صحبت کرد و توضیحات ارزشمندی درباره مفاسد ثروت‌اندوزی بیان داشت. آن مرحوم بر این فرمایش حضرت علی عليه‌السلام تکیه داشت که جمع‌آوری ثروت توسط عده‌ای، بالضروره موجب فقر و بدبختی در میان افراد دیگر جامعه می‌گردد و

تکیه‌کلامش هم این جمله حضرت علی ؏ بود که «ما رایت نعمة موفورة الّا و لدیه حق مضیع» در هیچ کجا ثروت انباشته‌ای ندیدم مگر اینکه در کنار آن حق دیگری پایمال‌شده و ضایع‌شده است.

در مطرح‌شدن این قبیل مسائل، آیة‌الله طالقانی هم به‌عنوان مؤید، به آیات و روایات مرتبط دیگر اشاره می‌کرد که در این زمینه وارد شده است.

***

... این جلسه هفتگی تقریباً خصوصی، سالیان درازی ادامه داشت و سرانجام با پیش آمدن مسائل خاص در جامعه و پیدایش آشوب و اخلال، جلسه علمی – فرهنگی آیة‌الله کمره‌ای در منزل حاج موسی تعطیل شد. از غرایب روزگار آنکه در این جلسه که ذکرش گذشت دو تن از فرزندان حاج موسی ابریشمچی به نام‌های مهدی و حسین ابریشمچی که نوجوانانی ساکت و آرام بودند، حضور می‌یافتند و در پذیرایی و آوردن چایی و اداره امور صبحانه فعال بودند. می‌دانیم که بعدها آن دو، روی انگیزه‌های دینی به یک جمعیت یا سازمان اسلامی که شعار جهاد فی سبیل الله می‌داد! پیوستند و در کنار آن سازمان به‌تدریج از راه راست منحرف‌شده و درواقع به راه کج رفتند. حسین و مهدی ابریشمچی، با قرار گرفتن در کادر رهبری سازمان مجاهدین و آنچه بعدها از این دو نفر روی داد مصداق واقعی آیه شریفه‌ای شدند که نشان می‌داد سال‌ها تلمذ در محضر قرآن و نهج‌البلاغه با حضور آیة‌الله میرزا خلیل کمره‌ای و آیة‌الله طالقانی آن‌ها را سودی نبخشیده است: «و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الّا خساراً»

اما در جریانات نهضت امام خمینی، آیة‌الله کمره‌ای به‌عنوان دست دیرین و همدرس و هم مباحثه روزگار جوانی که سال‌ها باهم مباحثه کرده بودند، حضوری کاملاً چشمگیری داشت و بااینکه به سنین کهولت و پیری رسیده بود، حتی در تظاهرات خیابانی پیشاپیش جمعیت حرکت می‌کرد و در نمازهای اقامه‌شده هم امامت را بر عهده داشت. این نشان

می‌داد که ایشان همچنان درراه امام علی ؑ گام برمی‌دارد و از نهج‌البلاغه آموخته است که در چه مسیری حرکت کند.

اما افسانه اخیر شبکه بی‌بی‌سی خبیث در نشر این شایعه که «آیةالله کمره‌ای از سوی امام خمینی به آمریکایی‌ها پیغام داده که منافع آن‌ها در خطر نخواهد افتاد» بی‌تردید کذب محض است و دروغ خالص؛ زیرا:

اولاً در دورهٔ حصر خانگی امام در قیطریه تهران، ایشان ممنوع‌الملاقات بود و آیةالله کمره‌ای نمی‌توانست به دیدار ایشان برود و حامل پیامی باشد.

ثانیاً آیةالله کمره‌ای چه ارتباطی می‌توانست با سفارت آمریکا داشته باشد؟

و ثالثاً موضع‌گیری امام خمینی در قبال شیطان بزرگ، از آغاز تا رحلت نشان می‌دهد که منافع نامشروع آمریکا در ایران همچنان در خطر خواهد بود.

در پایان انتظار و پیشنهاد آن است که جناب آقای دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی (ایّده الله تعالی) همراه چند نفر از دوستان علاقه‌مند، مجموعه کامل آثار علّامه بزرگوار آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای را با ویراستی جدید، آماده نشر سازند و به‌طور تک‌جلدی یا مجموعه‌ای چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار دهند که بی‌تردید پاداشی نیکو عندالله خواهد داشت. و ما التوفیق الّا من عنده

سید هادی خسروشاهی

حوزه علمیّه قم: مردادماه ۱۳۹۵

تقریظ حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای

دانشمند محترم جناب آقای دکتر صداقت دامت اقباله

سلامٌ علیکم و رحمة الله و برکاته

زحمات شما در انتشار آثار مرحوم آیةاللهالعظمی حاج میرزا خلیل کمره‌ای موجب نشر فرهنگ اسلامی در میان امت اسلامی عموماً و شیعیان خصوصاً بسیار درخشان است.

بدین‌وسیله تشکر و امتنان این‌جانب و همه خاندان و دوستان آن مرحوم را پذیرا باشید. از خداوند متعال مسئلت دارم که اجر شما و همه همکاران و یاران را در دنیا و آخرت فراوان عنایت فرماید. ﴿إن الله لا یضیع اجر المحسنین﴾ (توبه: ۱۲۰)

افتخار دارم که بر اثر فعالیت و کوشش این‌جانب تا این تاریخ دوازده جلد از تألیفاتِ والد معظّم برای چندمین بار چاپ و منتشر شده است. با استفاده از آیات و روایات قرآن مجید، خداوند متعال پاداش خادمین به قرآن و پیامبر اکرم ﷺ و ائمه بزرگوار دین را در دنیا و عقبی عنایت می‌کند و این نشر آثار علمی و دینی آن مرحوم پاداش معظم له در این جهان اسلام و اجر و مزد آخرت را خداوند می‌داند و بس.

ناصرالدین کمره‌ای

۱۳۹۵ / ۶ / ۴

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مدخل

تاریخ شفاهی روایتی است از تجربیاتِ مستقیم راویانی که در وقایع و تحولاتِ رخ‌داده در دوران خود سهیم هستند و همچون شاهدی عینی، گزارشی از شنیده‌ها و دیده‌های خود را ارائه می‌دهند. برای مثال، گزارشِ خاطراتِ آیةالله علّامه کمره‌ای‌ﷺ از دیدار با استاد اکبر شیخ محمود شلتوت، سندِ تاریخی مهمی است از دیدار دو عالم بزرگ فریقین که جزئیات آن تنها در پرتو خاطراتِ کسانی آشکار می‌شود که بی‌واسطه در آن حضور داشته‌اند. بسیاری از تجربیاتِ انسان‌ها در قالبِ خاطرات شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و این اتفاق دائماً و به‌طور روزمره در زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد و نقش مهمی را در هویت‌یابی و هویت‌سازی انسان‌ها ایفا می‌کند. برای مثال، بخش مهمی از معلومات هر فرد درباره اجداد خویش از طریق نقل‌های سینه‌به‌سینه‌ای است که از والدینش به او رسیده‌اند. در خلال همین نقل‌های شفاهی است که ما با شیوه‌های زندگی گذشتگان آشنا می‌شویم و می‌توانیم از آن‌ها درس بگیریم و در زندگی خود استفاده کنیم.

متأسفانه امروز فقدان تاریخ شفاهی در برخی از زمینه‌ها کاملاً محسوس است. آیةالله حاج شیخ محمد واعظ زاده خراسانی (متوفی ۱۳۴۸ه.ق) در نوشتاری به مناسبت رحلتِ جان‌گداز مرحوم آیةالله‌العظمی سیّد محمدرضا گلپایگانی‌ﷺ، ضمن بیان جایگاه مهم معظم له در تاریخِ معاصر حوزه‌های علمیّه در شهرهای اراک و قم، می‌نویسد:

> ... و اینک تنها عالمی که همین خط طولانی را طی کرده و سرنوشتی مشابه سرگذشتِ آیةالله گلپایگانی داشته است، همانا حضرت آیةالله العظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی است که بحمدالله در مسند مرجعیت عظمای شیعه جای دارد، و به گمان بنده در حال حاضر هیچ‌کس دیگر وجود ندارد که از سرگذشت آیةالله گلپایگانی کاملاً باخبر باشد **و چه خوب است، تا آن مرد کهن بجای مانده از صدسال پیش‌ازاین، از دست نرفته خاطرات فراوان ایشان را دربارهٔ آیةالله گلپایگانی و سایر بزرگان دین و اساطین حوزه از**

زبان ایشان بشنوند و ضبط کنند که بسیار مغتنم است. ... (واعظ زاده خراسانی، پاییز ۱۳۷۲: ص ۱۷۲)

و یکسال بعد، معظم‌له در پی رحلت جانگداز مرحوم آیةاللهالعظمی حاج شیخ محمدعلی اراکی قدّس سرّه می‌نویسد:

> ... او گرچه در متن جامعه نبود و جدای از خلق به نظر می‌رسید، امّا کاملاً ازآنچه در حوزه و در مجامع علمی نجف و دیگر حوزه‌ها می‌گذشت و نیز از حوادث سیاسی کشور، آگاه بود و همه را به خاطر می‌سپرد و همان‌طور که گفتم سینه‌اش خزانه اسرار و دیوانِ یک قرن تاریخ بود. عجیب آن است که حافظه بی‌نظیر وی همه را مانند ضبط‌صوت ضبط کرده و تحویل می‌داد.
>
> من در هنگام رحلت آیةالله العظمی گلپایگانی رضوان‌الله تعالی علیه در همین مجله مشکوة نوشتم که تا فرصت از دست نرفته، خاطرات آیةالله اراکی از آن عالم بزرگ را که از اوّل جوانی در اراک و بعداً در قم با هم بوده‌اند، بپرسند و ضبط کنند و همچنین دیگر خاطرات او را، حال، اگر این خاطرات ارزنده ضبط‌شده (فبها و نعمت) **و الّا جامعه روحانیّت، اطلاعات گران‌بهایی را ازدست‌داده است. ...** (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳: ۲۰۰)

بنابراین، گزارش مشاهداتِ زندگی بزرگان دین و علم و فرهنگ هر کشور، سرمایه عظیم فرهنگی آن کشور است که موجبِ پیوند میان نسل‌های جدید و قدیم می‌شود و به‌صورت نظام‌مند این امکان را می‌دهد که خاطرات شفاهی از حالت شخصی خارج شده و به منابعی قابل استناد جهتِ توصیف و تحلیلِ وقایع یا اندیشه‌ها تبدیل شوند.

مصاحبه‌ها و جلسات گفتگو دربردارنده «اطلاعاتِ ذی‌قیمتِ خام» از مشاهدات و تجربیاتِ مصاحبه‌شونده هستند؛ امّا برای ساختنِ تاریخ شفاهی در هر موضوعی باید مجموعه خاطراتِ سینه‌به‌سینه «مشابه» را (عیناً) در کنار خاطراتِ راوی اصلی قرار داد. در اینجا محقق باید نکته و کلیدواژه اصلی در گفتگو را بیابد. برای مثال، در خاطرات دکتر سیّد حسین خدیو جم (۱۳۰۶ – ۱۳۶۵ ه.ش) محقق و غزالی پژوه عالی‌مقام معاصر، از کنگره هزاره شیخ طوسی، این گفتهٔ او که سخنرانی آیةالله کمره‌ای در آن کنگره تنها به‌مدت پانزده دقیقه بوده است، سخنی نادرست است و چنانکه بیان خواهد شد، مدت آن سخنرانی ابتدا سی دقیقه تنظیم شده بود که معظم له در ضمن حرکت برای قرار گرفتن

در جایگاه سخنرانی، با حُسن و لطافتِ انتخاب، آیه شریفه: «وَ وَاعَدْنَا مُوسَی ثَلاَثِینَ لَیْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِینَ لَیْلَةً...» (اعراف، بخشی از آیه ۱۴۲) را قرائت کردند که به همین دلیل مدت زمان سخنرانی ایشان به چهل دقیقه افزایش یافت. چه‌بسا غُبار زمان و فاصله گرفتن افراد از رخدادها، موجبِ بروز چنین اشتباهاتی شود؛ امّا چنین وضعیتی درباره ارادت قلبی افراد و لحظاتی که موجبِ تحول روحی‌شان می‌شود، معمولاً پیش نمی‌آید. اینجاست که توصیفِ اولین برخورد مرحوم خدیو جم با علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای که در کتاب حاضر بدان اشاره شده است، اهمیّت دارد. بنابراین هر خاطره را باید در ذیل عنوان اصلی خود قرار داد و جانِ کلام و کلیدواژه‌های اصلی آن را پیدا کرد.

مجموعه «تاریخ شفاهی طلایه‌داران وحدت اسلامی» از بسیاری از کتاب‌های تاریخ شفاهی که صرفاً خود گفتگوی انجام‌شده‌اند، فاصله می‌گیرد و بر اصلِ **«با هم دیدنِ خاطرات»** تأکید دارد؛ چه خاطرات راوی اصلی که در مقاطع تاریخی مختلفی روایت شده‌اند؛ و چه خاطراتِ دیگران درباره همان موضوعات. برای مثال، از حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای، مصاحبه‌های مختلفی در سال‌های مختلف در دسترس است که بنا بر موقعیّت مصاحبه، در هریک نکاتی جدیدی درباره زندگی مرحوم علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای‌قدس‌سره نهفته است. همچنین نگاه دیگران درباره هریک از محورهای زندگی معظم‌له جالب‌توجه است، مثلاً در خاطرات مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی دوانی‌قدس‌سره مسائل پشت پرده کنگره شیخ طوسی‌قدس‌سره و نیز خاطرات او از واکنشِ استاد شهید آیةالله مطهری‌قدس‌سره درباره سخنرانی آیةالله کمره‌ای که می‌گفت: «آقای کمره‌ای گُل کاشت.» (دوانی، ۱۳۷۲: ۳۲) روایتِ دو راوی را در نقطه‌ای به هم متصل می‌کند و این موجب می‌شود تا خواننده از جزئی‌نگری و برداشت‌های عجولانه فاصله گرفته و متوجه ساختار کلی خاطرات؛ یعنی ساختار کلی وقایع اجتماعی – سیاسی و اندیشه‌های موردبحث در آن دوران شود. با هم دیدن خاطره‌ها علاوه بر آنکه گره از بسیاری از معماها می‌گشاید، درکی به‌مراتب عمیق‌تر از جزئی‌نگری رایج می‌دهد. بنابراین در ساختِ تاریخ شفاهی، باید در کنار مصاحبه‌های جدید، مصاحبه‌های قبلی مصاحبه‌شونده را لحاظ کرد و نیز نظر مصاحبه‌شونده را درباره مصاحبه‌های قبلی‌اش جویا شد. علاوه بر اینها، تاریخ شفاهی باید متصل به زندگینامه‌های خودنوشت و خاطراتِ مستند مکتوب به

قلمِ شخصیت موردنظر شود. برای مثال مقدمه کتابِ «رسایل حکمیّه» به قلم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای محقق را در شناخت وضعیّت تحصیل علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای یاری می‌رساند و نیز آخرین مقاله معظم‌له با عنوان «عرب این ننگ را به کجا می‌برد؟» دربردارنده نکته‌های بسیاری از فعالیّت‌های تقریبی و وحدت‌بخش ایشان است که بدون در نظر گرفتن مقاله مذکور نمی‌توان تحلیلی دقیق از مواضع معظم له ارائه کرد.

شیوه‌نامه تدوین مجموعه حاضر

۱. محور هر کتاب بر پایهٔ روایتِ خود شخصیت و یا یکی از نزدیکان و یا شاگردانشان است.
۲. در موردِ برخی از شخصیت‌ها که هیچ‌گونه دسترسی به نزدیکان و یا شاگردان میسر نیست، از اسنادِ موجود و خاطرات مکتوب افراد که در حالتِ عادی در میان کتاب‌ها پراکنده هستند، به‌صورت مستند و مقایسه‌ای استفاده می‌شود.
۳. خاطراتِ راویان و افراد مصاحبه‌شونده، با رعایت جانبِ امانت‌داری از نوار پیاده می‌شوند.
۴. متن اولیّه کتاب، تقدیم راوی یا مصاحبه‌شونده می‌شود تا تغییرات و اصلاحاتِ مورد نظرِ خود را اعمال کند و درصورتی‌که در قبال خاطراتِ خود و یا دیگران، نکته‌ای را لازم بداند، اضافه نماید.
۵. متن نهایی همانی است که به امضای مصاحبه‌شوندگان معظم رسیده است.
۶. تلاش می‌شود حتی‌الامکان مقدمه‌ای مکتوب (هرچند کوتاه) از مصاحبه‌شوندگان گرفته شود.
۷. خاطراتِ مکتوب مرتبط با موضوع نیز عیناً بر پایهٔ منبع موردنظر نقل می‌شوند.
۸. با توجه به وجود مصاحبه‌ها و خاطرات چاپ‌شده پیشین راویان کتاب، کلیّه موارد مورداستفاده به سمع و نظر ایشان می‌رسد و با تأیید و احیاناً اصلاحاتِ خود ایشان مورداستفاده واقع می‌شوند. ازاین‌رو، اعتبار استناد به منابع پیشین حاصل می‌شود. [در شرایط عادی امکان دارد که خبرنگار مطلب را به‌درستی منتقل نکرده باشد و یا نظر مصاحبه‌شونده در طول زمان تغییر کرده باشد.]

۹. اساس کتاب بر پایهٔ شیوه «نقل‌قول مستقیم» است تا قابلیت‌های بهتری برای ارجاع و استنادهای بعدی سایر نویسندگان فراهم آید.

۱۰. محور مجموعه «تاریخ شفاهی وحدت اسلامی» بر مبنای مصاحبه با راوی اصلی است؛ ولی به‌صورت ترکیبی از سه منبع دیگر استفاده شده است:

الف – مصاحبه‌ها و مقالات پیشین راوی در موضوعات موردنظر

ب– مصاحبه‌ها یا تألیفات دیگران که متضمنِ نقلِ خاطرات بی‌واسطه درباره موضوع موردنظر هستند.

ج - زندگینامه‌های خود نوشت شخصیّت یا شخصیّت‌های موردنظر.

۱۱. به دلیل کنار هم نهادن خاطراتِ مشترک نویسندگان مختلف، به‌جای آنکه از سبک پرسش و پاسخ استفاده شود، به ترتیب: عنوان (تیتر) توضیح اجمالی و ارائه نقل‌قول‌ها آورده می‌شوند.

۱۲. به جهت نزدیک شدن به فضای خاطرات، به‌تناسب مطالب از تصاویر استفاده می‌شود.

۱۳. در پایان کتاب، منتخباتی از آثار شخصیّت موردنظر آورده می‌شود تا خوانندگان آشنایی بهتری با ایشان پیدا کنند.

معرفی اجمالی

آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای (۱۲۷۷–۱۳۶۳ ه.ش) از علمای عامل و جامعِ علوم معقول و منقول است که در یکی از درخشان‌ترین دوران آموزش تحصیلات حوزوی معاصر در ایران، چه به لحاظ اساتید و چه به لحاظ طلّاب هم‌درس و هم بحث که بعدها هریک ستارگانی از آسمان دانش و فضیلت شدند، ظاهر شد و خوش درخشید.

برخی شیوخ اجازات روایت آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای عبارت‌اند از:

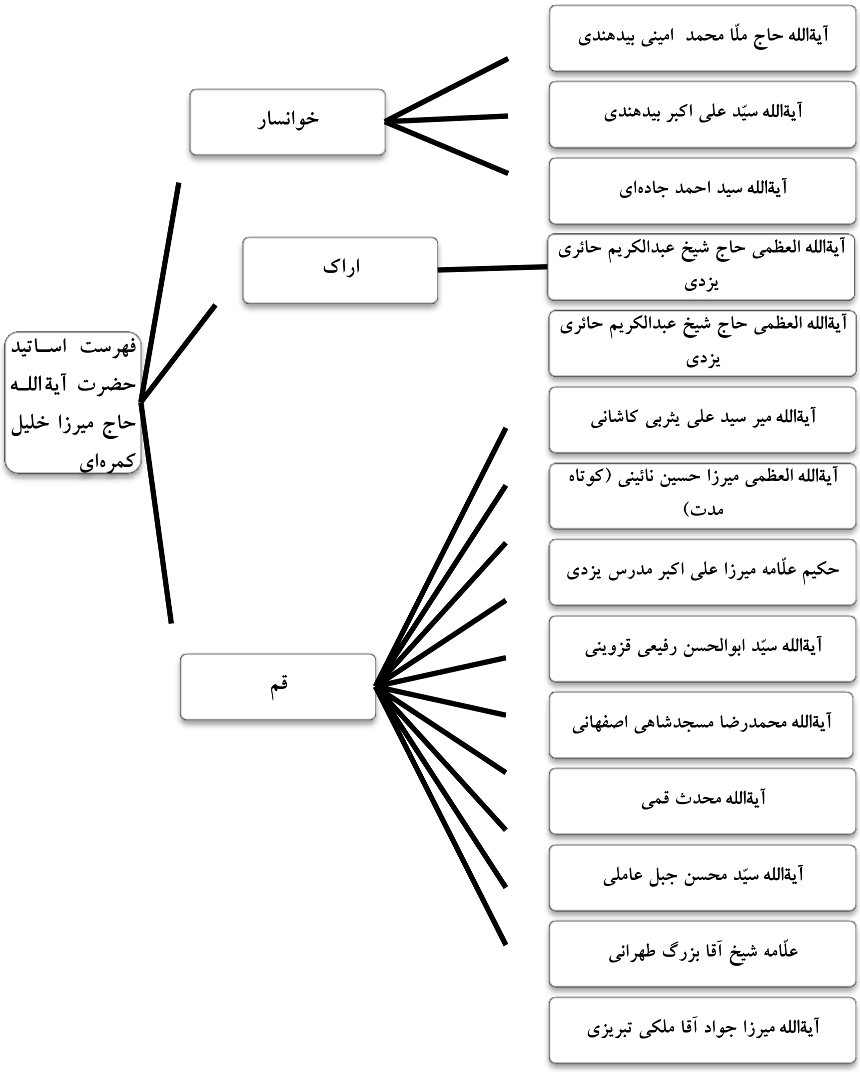
آیات اسلام: سید علم‌الهدی ابوبصیر ملایری؛ سید ابی القاسم دهکردی اصبهانی؛ شیخ عبدالکریم حائری یزدی؛ سید هبةالدین شهرستانی؛ شیخ ابوالمجد محمدرضا اصفهانی؛ سید باقر قزوینی قمی؛ شیخ عباس محدث قمی؛ شیخ آقا بزرگ طهرانی؛ سید محسن جبل عاملی.

شجره اجازه روایت حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای از طریق اجازه مرحوم مُحدّث نوری با عنوان «کتاب مواقع النجوم یا شجره علمای حدیث و اجازه» توسط دانشکده علوم معقول و منقول تنظیم و توسط مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی منتشر شده است. اثر مذکور در قالب صفحاتی با ابعاد ۵۰ در ۶۸ سانتی متر است. شجره اجازات مذکور در طومار پایانی کتاب آورده شد.[۱]

فهرست اساتید ایشان در فقه و اصول و فلسفه و اخلاق و عرفان در تصویر صفحه بعد آمده است:

---

۱. اوّل بار این اثر نفیس را در منزل حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای مشاهده کردم. بعدها با کمک و لطف حضرت حجةالاسلام والمسلمین آقای سیّد حجت کشفی مدیر محترم موزه حرم حضرت معصومه (ع) تصاویری از آن را جهت کتاب حاضر برداشته شد و نسخه کاملتر را استاد گرامی جناب آقای دکتر منوچهر صدوقی سها به این حقیر اهداء فرمود. (ملاقات مورخ یکشنبه ۱۲/ ۱۰/ ۱۳۹۵شمسی) اجرشان همگی‌شان با خدا باد. بحمد لله تعالی از این نسخه تعدادی محدود (در طوماری به طول تقریبی ۳ متر) منتشر شد و به موزه آستان مقدس حرم حضرت معصومه (س) و برخی از مراکز حوزوی در شهر قم و مشهد تقدیم شد. نسخه‌ای از آن نیز در کتابخانه آیةاللهالعظمی گلپایگانی (ره) قم موجود است.



فهرست اساتید حضرت آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای
خوانسار
آیةالله حاج ملّا محمد امینی بیدهندی
آیةالله سیّد علی اکبر بیدهندی
آیةالله سید احمد جاده‌ای
اراک
آیةالله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
قم
آیةالله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
آیةالله میر سید علی یثربی کاشانی
آیةالله العظمی میرزا حسین نائینی (کوتاه مدت)
حکیم علّامه میرزا علی اکبر مدرس یزدی
آیةالله سیّد ابوالحسن رفیعی قزوینی
آیةالله محمدرضا مسجدشاهی اصفهانی
آیةالله محدث قمی
آیةالله سیّد محسن جبل عاملی
علّامه شیخ آقا بزرگ طهرانی
آیةالله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

سال‌شمار زندگی (بر اساس تاریخ هجری شمسی)

۱۲۷۷ - ولادت علّامه جلیل حاج میرزا خلیل کمره‌ای
۱۲۹۸ - ورود به حوزه علمیّه اراک (سلطان‌آباد)
۱۲۹۹ - ورود به حوزه علمیه قم
۱۳۱۴ - انتقالِ اجباری به تهران
۱۳۱۵ - امامتِ مسجد شاه‌آباد
۱۳۲۰ – تبعید رضاشاه و لغو محدودیت خروج علّامه کمره‌ای از تهران.
۱۳۲۲ - امامت مسجد فخرالدوله تهران (۱۳۲۲ – ۱۳۵۸ ه.ش)
۱۳۲۵ – انتشار کتاب تفسیر نور و نقد نظریه‌های لزومِ کاهش جمعیت در آن کتاب.
۱۳۲۸ - اولین سفر حج
۱۳۳۰ - سفر به پاکستان به دعوت جمعیت شعوب پاکستان.
۱۳۳۸ - سفر به کشور اردن و مصر
۱۳۴۰ - پایه‌گذاری مسجد خلیل‌الرحمن در محله یوسف‌آباد تهران
۱۳۴۲ - انتشار کتاب «پیام ایران به نجد و حجاز و مصر: امام نزد ما شیعه خدا نیست، ولی ناخداست.» (عنوان به عربی: آراء ائمة الشیعة الإمامیة فی الغلاة) که موردتوجه و تقدیر دارالتقریب قاهره واقع شد.
۱۳۴۳ - ارسال نامه برای ملک فیصل پادشاه وقت سعودی
۱۳۴۳ - ارسال نامه وحدت بخش برای علمای اهل سنت کردستان
۱۳۴۴ - شرکت در کنگره رابطة العالم الاسلامی.
۱۳۴۸ - شرکت در کنگره جهانی هزاره شیخ طوسی (مشهد: ۱۱-۱۵ محرم ۱۳۹۰ق)
۱۳۴۹ - تأسیس مسجد خاتم الأنبیاء در دهکده فرنق کمره. (زادگاه معظم‌له)
۱۳۵۱ – طرح نظریه ولایت‌فقیه مطلقه در کتاب فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی ...
۱۳۵۳ - مکاتبه معروف کلیسای واتیکان با معظم له.
۱۳۵۶ - سفر حج و متعاقب آن سفر به سوریه (به دعوت شیخ احمد کفتارو)
۱۳۵۷ - شرکت در راهپیمایی عظیم روز تاسوعا (۱۳۹۹ ه.ق) همراه با آیةالله سیّد محمود طالقانی.
۱۳۶۳ – وفات معظم له (۱۹ مهر ۱۳۶۳ه.ش)

منابعِ مطالعاتی موجود

برای آشنایی با حضرت آیة‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای منابعِ چندی نگاشته شده است که در درجهٔ اول یادنامه‌ای است که به کوششِ فرزند گرامی ایشان، حجة‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای با عنوان «عنصر تلاش و کوشش؛ نگاهی به زندگی آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای» به رشته تحریر درآمده و به مناسبت اوّلین سالگرد رحلت آن عالمِ ربانی در سال ۱۳۶۴ه.ش منتشر شده است. کتابِ مذکور با شماره کتابشناسی ملی ۷۳۰۷ در کتابخانه ملی ایران موجود است و در سال ۱۳۸۶ تجدید چاپ شده است.

علّامه شیخ آقابزرگ تهرانی در «الذریعة الی تصانیف الشیعة» به زندگی و آثار آیة‌الله کمره‌ای پرداخته است که بخشی از آن در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ مهر ۱۳۶۳ شماره ۱۷۴۲۳ ص ۱۵ به فارسی با عنوان «انا لله و انا الیه راجعون» حضرت آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به لقاءالله پیوست» ترجمه و منتشر شده است.

همچنین حجة‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای به همراه دکتر عباس قانع کتابی را با عنوان «فهرست تألیفات حضرت آیة‌الله آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای» مدون کرده‌اند. [کتابخانه ملی ایران: شماره کتابشناسی ملی ۵۳۲۴۶] بعدها کتاب مذکور در ضمیمه جلد دوم کتاب «سروش مقدس وادی ایمن مکّهٔ و مدینه و کربلا» در سال (۱۳۶۰ شمسی) بازنشر شد. مجلهٔ یاد نیز مصاحبه کوتاهی را با آیة‌الله کمره‌ای با عنوان «خاطرات حضرت حجة‌الاسلام حاج میرزا خلیل کمره‌ای» در شماره ۵ مورخ زمستان ۱۳۶۵ ه.ش (ص ۲۹ الی ۳۳) منتشر کرده است.

از دیگر منابع موجود که «بخشی» از آن‌ها به شرح زندگانی آیة‌الله کمره‌ای اختصاص دارد، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- «تربت پاکان قم» تألیف عبدالحسین جواهر کلام (جواهر کلام، ۱۳۸۲: ج۱ / ۶۶۷ – ۶۷۴)
- «آینه دانشوران قم» تألیف مشترک علیرضا ریحان و ناصر باقری بیدهندی؛ (ریحان، علیرضا و ناصر باقری بیدهندی، ۱۳۷۴ : ۱ / ۴۹۱ – ۴۹۳)

- «اثرآفرینان» تألیف محمدرضا نصیری و همکاران (نصیری و همکاران، ۱۳۸۴: ج۵ / ۵۸ – ۵۸)
- مقدمه چاپ جدید کتاب «کلید امن جهان در پرتو پیام رسول خدا ﷺ» (تهران، ۱۳۹۴، نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.)
- «خمین در گذر تاریخ» تألیف محمدجواد مرادی‌نیا (قم، ۱۳۸۰ه.ش، انتشارات نور السجاد، ص ۲۰۳ الی ۲۱۵)
- «ستارگان حرم – شرح حال علماء» از گروهی از نویسندگان فرهنگ کوثر (قم، ۱۳۸۹ه.ش، انتشارات زائر – آستانه مقدسه قم)
- مقدمه کتاب «نامه‌ای از امام علی علیه‌السلام» تألیف آیت‌الله کمره‌ای. (تهران، ۱۳۹۵، نشر فرهنگ مشرق‌زمین باهمکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم‌انسانی‌ومطالعات‌فرهنگی.)
- مقاله «مقدمه‌ای بر کتاب عالم و آدم» (معتمد، تابستان و پاییز ۱۳۸۱: ص ۱۹۷ تا ۲۰۸) تألیف دکتر احمد معتمد که ایشان ویراستاری علمی کتاب «آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه» (تهران ۱۳۸۷، (چاپ اوّل) بنیاد نهج‌البلاغه) را انجام داده‌اند.
- دو مقالۀ حجةالاسلام والمسلمین رسول جعفریان یکی با عنوانِ «مرحوم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای و مسائل حج» (جعفریان، زمستان ۱۳۸۲) و دیگری با عنوان «مرحوم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای و مسائل حج» اشاره کرد. (جعفریان، ۲۳ و ۲۴ و ۲۹ مهر ۱۳۸۶: ۶)
- بخشی از کتابِ «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی) سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷» همچنین حجةالاسلام رسول جعفریان که به‌تفصیل به زندگی علّامه میرزا خلیل کمره‌ای پرداخته و شرح مبسوطی از زندگی معظم له را ارائه کرده است. (جعفریان، ۱۳۹۰: ۸۷۸ – ۸۸۸)

با ارتحال آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» (آذر سال ۱۳۶۳ شمسی) یادداشتی با عنوان «درگذشت آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای» (سال ۲۴، شماره ۹، ص ۶۵) منتشر شد. از مقالاتِ دیگر در باب اندیشه های معظم له می‌توان به

مقاله «الگوهای چهارگانه وحدت اسلامی و نظریه میرزا خلیل کمره‌ای» تألیف آقای غلامرضا جلالی اشاره کرد. (جلالی، تابستان ۱۳۸۹: ص ۳۳۹)

در خصوص تألیفات آیةالله کمره‌ای ابتدا باید توجه داشت که ایشان یکی از ارکان مهم علمی نشریات دینی زمانه‌شان معروف به «اسلامیّات» بوده‌اند. نمونه‌ای از آن را می‌توان در نشریه «آیین اسلام» مشاهده کرد. حجةالاسلام رسول جعفریان می‌نویسد:

> نشریه «آیین اسلام»را باید بهترین نشریه دینی سال‌های پس از ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷ دانست. این نشریه با تیراژ بالایی چاپ می‌شد و مقالات ارزشمندی در آن به چاپ می‌رسید. همچنین مهم‌ترین ویژگی آن، درج اخبار مراسم مذهبی، اخبار مراجع تقلید و حتی چاپ جلسات تفسیری آیةالله طالقانی برای دانشجویان بود. نصرت‌الله نوریانی - که آن موقع خیلی جوان بود - این نشریه را با کمک حاج سراج چاپ می‌کرد. افرادی مانند میرزا خلیل کمره‌ای، محمدباقر کمره‌ای، سیّد محمود طالقانی و خود حاج سراج در آن مقاله می‌نوشتند. جالب است بدانیم که در این نشریه مطالب زیادی درباره حکومت اسلامی هم نوشته شد. (جعفریان، آبان ۱۳۸۶: ۲۸)

از خلال برخی از آن مقالات می‌توان به متن دروس تفسیر قرآن معظم له دست‌یافت؛ چنانکه در مجله طالب حق، شماره ۹ مورخ بهمن ۱۳۳۶ شمسی تقریرِ درس تفسیر سوره الرحمن توسط آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای منتشر شده است که معظم له آن را در تاریخ جمعه ۱۵ مهر ۱۳۱۷ ایراد فرموده بود و حالت گفتاری آن در متن مشخص است. بخشی از آن چنین است:

> [...] «خَلَقَ الْإِنسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)» (الرحمن، آیات شریفه ۳ و ۴) داخله خود انسان شاهد حاضری است، خلق کردن ساختن است و روی‌هم چیدن؛ علاوه بر اینکه ساخته‌شده، به او الهام کرده که فهمیده‌های خودش را تعلیم کند و به دیگری هم بفهماند نه آن‌طور که حیوانات ترس و وحشت خود را می‌فهمانند، بلکه انسان، باکمالِ قدرت و آسانی به‌وسیله زبان می‌تواند واضح کند. باید تهیه‌های این انسان را ببینی و ملاحظه کنی که تا چه مرحله مهیا شده، آن‌وقت می‌توانی تصدیق کنی: انسانی را که این‌قدر مهیا شده، ضایع و باطل نخواهد گذاشت. چه‌کسی ضایع و باطل نخواهد گذاشت؟ آن خدائی که هیچ افتاده را

ضایع نخواهد گذاشت و نمی‌گذارد. علاوه یک جوششِ مهری در او هست و رحمان است؛ یعنی به‌شدت رحمت دارد. قانون‌گذارها که مختصری علاقه دارند، قانون را ضایع نمی‌گذارند و اگر واضع این قانون مادر و پدر شد، دیگر قرار و آرام ندارد. بالاتر از رحمتِ پدر و مادر این جوشش رحمت (الرحمان) است؛ پس ازاین‌جهت، این آیات را به‌این‌ترتیب فرمود. اول، آن با رحمت پرجوشش، تعلیم فرموده این قرآن را چون خلق کرده این انسان را ازاین‌جهت، نباید ضایع گذارد و ضایع نگذاشته. بعد از داخله به بیرون پرداخته. اوّل شمس و قمر، بعد زیر پا را فرمود، در داخله هم این انسان دو مرحله دارد: یک‌چیز آن اولی و بالفطره است که از خلقتِ خودش خودبه‌خود تراوش دارد که عبارت است از نطق و بیان و تعلیم و تعلم و در مرحله دوم به‌وسیله قرآن و وحی آنچه نقص و کسر داشته وحی فرموده و سند اینکه این قرآن با انسان بسته است، همین است که در بالا و پائین یک‌چیزی یافت نمی‌شود که خدا آن را فروگذار کرده باشد که ضایع شود. ... (کمره‌ای، ۱۳۳۶/۱۱/۹: ۱۴)

و مواردِ مشابه آن در نشریّات آن دوران بسیار است.

*****

چنانکه بیان خواهد شد، کتاب‌های معظّم له بر حول چهار محور اساسی به رشته تحریر درآمده‌اند که همگی ناظر به دعوتِ اسلام‌اند؛ و آن‌ها عبارت‌اند از:

مؤسسِ دعوت (پیغمبر اکرمﷺ)
کتابِ دعوت (قرآن کریم)
خانهٔ دعوت (کعبه بیت‌الله الحرام)
رهبرانِ دعوت (ائمهٔ اطهارﷺ)

و اینک اسامی پاره‌ای از تألیفات معظم له بیان می‌شود که عمده آن‌ها در کتابخانه‌های بزرگ کشور مانند کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملک تهران، کتابخانه آیةالله العظمی مرعشی نجفی در قم و کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد موجود است.

(الف)

۱. آثار مقدس احادیث و اخبار علم الحدیث و طبقاته الکبری

درباره حدیث و طبقات آن در نزد شیعه است.

همچنین از ایشان مقاله‌ای با عنوان «الحدیث و السنة: تاریخ تدوین حدیث الحدیث عند الشیعه» در مجله «مکتب تشیع» منتشر شده است. (اردیبهشت ۱۳۳۸ – پیش‌شماره، ص ۵۱ – ۸۵)

۲. آفاق کعبه

با عنوان اصلی: «مکه و آفاق کعبه و نثار هشت اختر و سه ستاره و یک کوکب بر فراز آن؛ ملاحظات فقیه شیعه مرجع عالی حضرت آیةالله کمره‌ای حاج میرزا خلیل؛ مقتبس و متخذ از مقام ابراهیم»

موضوعات آن عبارت‌اند از: اهمیّت حج؛ کاروان‌های حج؛ پیام به مفتیان سعودی؛ اسرار خانه کعبه؛ جواب سؤال از قبله از ایالت پرایس‌یوتا آمریکا؛ مناسک حج؛ دعاهای مناسک؛ کتاب ارض النبوة جسر عظیم (به عربی) نامه‌ای به ملک فیصل در تدریس فقه امامیّه در دانشگاه مدینه (به عربی)؛ نامه‌ای به ملک فیصل در تدریس فقه امامیّه در دانشگاه مدینه (به عربی) کلید امن جهان؛ کلید امن دنیا؛ نهیب پیغمبرﷺ جمعاً در ۴۶۴ صفحه.

۳. ارض النبوة جسر عظیم و هی جسر العباد للمعبود

الخلیل الکمره‌ای، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۵ ه.ق. ۱۲۹ صفحه، از منابع مطالعاتی تقریب مذاهب اسلامی و موضوع وحدت اسلامی است.[۱]

۴. فلسفه و اسرار حج: مناسک حج

نیز با عنوان: رساله مناسک : دستورالعمل حج و عمره، تهران، ۱۳۸۵ ه.ق. لازم به ذکر است که در تألیفات اولیّه معظم له، همچون کتاب فوق، نام معظم له با عنوان «خلیل صیمری کمره» نوشته‌شده است.

---

۱. شیخ محمدمردوخ کردستانی در پاسخ به کتاب «ارض النبوة جسر عظیم ...» رساله‌ای را با عنوان «حل الاختلاف» نگاشته که برخلاف نام آن، مضمونش مایه تشدید اختلاف است. محسن بن ابوالقاسم اشرف‌زاده در پاسخ رساله «رساله اشرفیه» را نوشت که در مقدمه آن به موضوع فوق اشاره دارد. رساله اشرفیه به صورت خطی (به شماره ثبت: ۱۱۶۴۷) در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و از طریق کتابخانه دیجیتال آن قابل مشاهده است: کرد:digital.aqr.ir (آخرین بازدید: ۱۳۹۵/۱۰/۱ش)

همچنین کتاب مذکور در ذیل کتاب «فلسفه و اسرار حج: تاریخ و جغرافیای مختصر مکه معظمه» ترجمه و تالیف ابوالقاسم سحاب (۱۲۶۶–۱۳۳۵ ه.ش) منتشر شده است: (تهران: کتاب سحاب، ۱۳۶۲. ۲۰۸ ص)

۵. افق وحی

تهران، کتابفروشی اسلامیه، خیابان بوذرجمهری، عید فطر ۱۳۷۸. دربارهٔ کشف حقیقت وحی، و مقایسهٔ وحی انبیاء موسی علیه‌السلام عیسی علیه‌السلام و محمدﷺ. در آن، احادیث وحی را از طرق فریقین مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۶. افق اعلی: نگاهی بچهره محمدﷺ و چهره علی علیه‌السلام در افق اعلی

در سال ۱۳۴۶ شمسی در کتاب‌فروشی اسلامیه - شرکت سهامی طبع کتاب منتشر شده است.

(ب)

۷. بارگاه امامزاده عبدالله (در ری): ری و جغرافیا و تحولات آن

در سال ۱۳۷۴ قمری برابر با ۱۳۳۲ شمسی توسط نشر اختر شمال منتشر شده است.

۸. بیانیه و پیام بملوک عرب هنگام بحبوحه جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق عرب به کشور

در قطع رقعی در ۲۰ صفحه در سال ۱۳۵۹ شمسی منتشر شده است.

نیز از معظم له در پنجشنبه اوّل آبان ماه ۱۳۵۹ در روزنامه اطلاعات مقاله‌ای مهم با عنوان «این ننگ را عرب به کجا می‌برد» منتشر شده است.

۹. بیت‌المقدس و تحوّل قبله

به‌ضمیمه شرح مسافرت معظم له به اردن و سوریه و مصر و نیز پاسخ معظم له به پرسش‌های کشیشی از واتیکان و پاسخ به پرسشی از آمریکا درباره نماز است.

(پ)

۱۰. پنج رساله در حج و قبله

شامل پنج رساله: اهمیت حج و ثواب حج ص ۲ – ۴۹ ؛ پرچم‌داران حج و کاروان‌های حج ایران و غیر ایران، ص۵۰–۶۷؛ پیام ما به مقامات روحانی سعودی... ص۶۹–۸۴؛ خانه کعبه لوای قبله و حج و راز آن ص۸۵–۱۲۲؛ سؤال و جوابی از قبله از آمریکا. ص۱۲۳– ۱۲۸.

۱۱. پیام ایران بنجد و حجاز و مصر: مبارزات رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام با غلات

تهران، کتابخانه شمس، ۱۳۸۲ هجری قمری. در عنوان فرعی روی جلد آن آمده است: امام به عقیده ما شیعه امامیه ناخداست نه خدا؛ مبارزه رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام با غلات و عظمت ناخدایان کشتی نجات.

۱۲. پیام میلاد امیرالمؤمنین علیه‌السلام به سلاطین اهل قبله در وحدت کلمه و نقش امم متحده،

تهران چاپ اسلامیه (۱۳۵۲ ه.ش) ترجمه کتابِ «أرض النبوة جسر عظیم» همراه با تلخیص آن است.

۱۳. پیام به کنگره‌های اسلامی هند حیدرآباد لکهنو

کتاب در سال ۱۳۴۵ شمسی به همت حجت‌الاسلام والمسلین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای منتشر شده است.

نیز کتاب مذکور در سال ۱۳۵۴ در چاپخانه فردوسی تهران منتشر شده است.

(ت)

۱۴. تاج مامون‌الرشید یعنی ترجمه مکتوبی از مامون‌الرشید

[بی‌جا: بی‌نا]، ۱۳۴۱. ۳۲ ص.

دفاعیه مکتوب مأمون در مقابل استیضاح شاهزادگان عباسی است که در آن از امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام دفاع کرده است.

۱۵. تحشیهٔ «رسالهٔ لقاءالله یا کتاب دیدار» و تصحیحِ کتاب المراقبات از تألیفاتِ آیةالله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

معظم له از شاگردان آیةالله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بود که اهتمام ویژه‌ای به تصحیح آثارِ المراقبات و رساله لقاءالله داشت.

کتاب المراقبات در آن زمان توسط مرحوم علیرضا خسروانی قاجار ترجمه شد و اخیراً نسخه تصحیح‌شده آیةالله کمره‌ای توسط آقای صادق حسن‌زاده بازنشر شده است.

۱۶. ترجمه قصیدة النبی محمد

ترجمه قصیده‌ای است در مدح پیامبر اکرم ﷺ سروده مارون بک عبود رییس دانشگاه لبنان. در ۴۸ صفحه.

۱۷. تفسیر سورهٔ نور

کتاب مذکور تقریرات درس آیةالله کمره‌ای است و در انتشارات اقبال تهران منتشر شده است. دیگر عنوان کتاب: طایر فرخنده: تفسیر سوره نور، اثر یک بانوی اسلامی [ر– ک]: تقریرات خلیل مجتهد معاصر کمره‌ای. تهران: [بی‌نا]، ۱۳۲۵ شمسی (تهران، اقبال).

نویسنده مقدمه کوتاهی مبنی بر عظمت آیه شریفه «نور» در اول کتاب آورده و آن گاه آیه مبارکه «نور» را تفسیر کرده است بحث‌های لغوی، ادبی، اقوال مفسران سلف وروایاتی فراوانی را عنوان کرده و در پایان تفسیر این آیه شریفه، تفسیر کوتاهی برای تمام سوره نوشته است.

۱۸. تفسیر کامل قرآن کریم

(منتشرنشده است. جهت آشنایی با مجلدات منتشر شده به شماره ۵۷ و ۵۸ رجوع شود.)

(ج)

۱۹. جواب به سؤال‌های شیخ جابر فاضلی خوئی

(ح)

۲۰. حادثه وحی امّ الحوادث

(تهران، کتاب‌فروشی اسلامیّه)

بر اساس دروس معظم له است که در ۷۲ صفحه منتشر شده است.

(خ)

۲۱. خواب دیدن ائمهٔ اطهار

دیگر عنوان: «خواب دیدن مادر امام زمان نرگس (ع)» تهران: به همت محمدحسین صدریه ، [۱۳۸۴ق.] عنوان روی جلد: خوابدیدن ائمه اطهار . نظریه حضرت آیةالله کمره‌ای، خلیل مجتهد درباره خوابنامه.

(چ)

۲۲. چند مرحله از زندگانی امام حسین

۲۳. چهره وفا؛ به یاد شعب ابی‌طالب و دیدار سیمای زیبای وفاداری و حمایت یاران

به کوشش: علی‌اکبر صفری، فصلنامه سفینه، شماره ۴۹، زمستان ۱۳۹۴ ص ۱۲۳ منتشر شده است.

(د)

۲۴. دروس متون احادیث

نیز ببینید: آثار مقدس احادیث و اخبار علم الحدیث و طبقاته الکبری

۲۵. دوازدهمین امام ﷺ **و فلسفه غیبت مهدی** (ارواحنا فداه)

للعلامة خلیل الکمره‌ای، تهران، بی‌تا، به‌همّت سید عباس کسائی اردستانی مدیر ملی – دبیرستان جلال‌الدین رومی، ۱۲۴ص.

(ر)

۲۶. رابطة العالم الاسلامی قبس من ولاء علی ﷺ

۲۷. رابطهٔ عالم اسلامی و هم‌بستگی مسلمین: (فارسی)

ترجمه عربی کتاب رابطهٔ عالم اسلامی توسط احمد الحسینی است که در قم (مطبعه العلمیه، ۱۳۹۲ق/۱۳۵۰ ش) منتشر شده است.

۲۸. رسالهٔ عملیه توضیح المسائل

کتاب‌فروشی اسلامیه، بی‌تا. (به همراه رساله آیةالله‌العظمی سید محسن طباطبائی حکیم)

۲۹. رسالهٔ مناسک و مسائل حج و عمره

در ۴۶۳ صفحه، دو باب بر سایر مناسک علماء اضافه دارد.

۳۰. رساله در اصول فقه[۱]

رساله‌ای دراصول فقه تألیف آیةالله خلیل کمره‌ای است که در سال ۱۳۲۰ شمسی به‌اهتمام اسدآقا در ۵۴ صفحه منتشر شده است.

(س)

۳۱ – ۳۲. سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه افق قاب قوسین

تهران، ۱۳۹۸ قمری، چاپخانه حیدری.

کتاب سروش مقدس در دو جلد به تصحیح و تنظیم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای منتشر شده است. بخش عمده کتاب در نقد عقایدِ فرقه وهابیّت است.

---

۱. کتاب مذکور را خود ندیده‌ام. بر اساس یافته‌ها از موتور جستجوی وبگاه نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور: www.samanpl.ir نسخه‌ای از آن در کتابخانه تربیت تبریز موجود است. [رده:ر۷۱۸ک ۳۱۲ /۲۹۷ ، بارکد: ۱۶۶۶BF۰۱۱۰۱، بخش: کتاب‌های سنگی عربی] (آخرین مشاهده: مهرماه ۱۳۹۵ه.ش)

(ش)

۳۳. شرح‌حال محمّد بن ابوبکر

در پایان کتاب لقاء اللّه اثر آیةالله میرزا جواد ملکی تبریزی منتشر شده است.

کتاب توسط سیّد عبدالله افقهی منتشر شده است و بدین مناسبت شرح حال شجره سادات تفرشی حاج سیّد عبدالله افقهی تا محمّد بن ابی‌بکر در آن نقل شده است.

۳۴. شرح نهج‌البلاغه در چند جلد

(جز دو مجلدی که چاپ شده‌اند، سایر مجلدات تاکنون منتشر نشده است.)

(ع)

۳۵. علی علیه‌السلام و الزّهراء علیهاالسلام سرچشمهٔ آب حیات

جلد دوم کتاب ملکه اسلام است که به همّت محمدرضا تناوش (در ۶۸۴ + ۱۰ صفحه مقدمه) منتشر شده است.

۳۶ – ۴۳. عنصر شجاعت یا فداکاری، هفتادودو تن و یک‌تن

تهران، اسلامیه ۸ ج. بر روی جلد آن حدیث ثقلین درج‌شده و کلمه «و یک‌تن» در عنوان اصلی به‌رنگ قرمز نوشته است. نیز در پایین کتاب این عبارت نوشته‌شده است:

پیامی از کوی شهیدان:

ای رهگذر از ما به محمدی‌های هم‌کیش ما بگو ما در این خاک خفته‌ایم که به قرآن و به دودمان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله وفادار باشیم.

کتاب فوق، در سال ۱۳۸۹ شمسی توسط انتشارات دارالعرفان قم بازنشر شده است.

نیز ببینید: یک‌شب و روز عاشورا

(ف)

۴۴. فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی رضی‌الله‌عنه در دوره رهبری در اصول و فروع آئین اسلام

تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۸۸۶ ص.

۴۵. فتح مکه

تهران، بی‌تا از سلسله مآثر اسلامی؛ شماره ۱.

(ق)

۴۶. قبلهٔ اسلام کعبه یا مسجدالحرام

تهران،: بی‌نا، چاپخانه آفتاب.

(ک)

۴۷. کتابی به قلم امیرالمؤمنین ﷣

سخنرانی آیةالله کمره‌ای در انجمن ماهانه به‌ضمیمه مقاله معظم له است که در مجلد دوّم کتاب گفتار ماه منتشر شده است.

در سال ۱۳۹۵ با عنوان نامه‌ای از امام علی ﷣ با مقدمه و تحقیق دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی توسط نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.

۴۸. کلید امن جهان در پرتو پیام رسول خدا ﷺ

در سال ۱۳۹۴ با مقدمه و تحقیق دکتر کامیار صداقت ثمرحسینی توسط نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تجدید چاپ شده است.

(م)

۴۹. مادر، وظایف زن در اسلام

به کوشش محمدرضا تناوش توسط چاپ اختر شمال منتشر شده است.

۵۰. مجلس مباحثهٔ حضرت امام رضا ﷣ با عمران صابی

در جلد اوّل زندگی امام رضا ﷣ تألیف ابوالقاسم سحاب منتشر شده است.

۵۱. محنت اسلام

کتابی کوچک در قطع ۱۶ صفحه، در خصوص باز شدن راه تحریک عوام بر امام امیرالمؤمنین ﷣ در هنگام تعارض اهم و مهم است.

۵۲. مقدمهٔ کتاب «مواقع النجوم و مرسله الدر المنظوم یا شجره علمای حدیث و اجازه»

(تهران، ۱۳۳۵، وزارت دارایی)

کتاب «مواقع‌النجوم و مرسله الدرالمنظوم یا شجره علمای حدیث و اجازه» تألیف حاج میرزا حسین نوری است که به معرفی محدّثان و فقیهان امامیه و تعیین نسبت قرب و بعد آنان با

یکدیگر ازنظر زمانی» است که توسط علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای جهت دانشجویان دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران تدریس شده بود.

معظم له در بخشی از مقدمه آن می‌نویسد:

«اکنون برای اولین دفعه این کتاب مبارک «مواقع النجوم» به‌وسیله این ضعیف خادم العلم والدین خلیل کمره‌ای (عفی عنه) و با تصویب دانشکده علوم معقول و منقول از اعتبارات مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی طبع شد. نسخهٔ آن را از کتابخانه شخصی یکی از شخصیت‌های اصیل حوزه علمیّه «قم» شیخنا و مولینا الحاج میرزا عبدالحسین صاحب الداری که سرپرست کتابخانه مدرسهٔ فیضیه و تا حدّی سرپرست طلّاب بوده و هستند و به مرحمت ایشان باینجانب رسید و امر طبع و نشر آن به من مفوّض گردید و ایشان هم از نسخه‌ای که از کتابخانه مرحوم حاجی نوری و متروکات آن مرحوم در دست بوده، استنساخ و تهیّه فرموده‌اند که بنابراین واسطهٔ امین و با کمال وثاقت و امانت آن نسخه تنظیم‌شده است. و این ناچیز از باب تیمُّن و تبرُّک مشایخ اجازه حدیث خود را هم بر اصل کتاب افزوده ولی به‌طوری‌که صورت اصل محفوظ می‌باشد و این کتاب بنام ضمیمهٔ کتاب «علم الحدیث و طبقاته الکبری» در درجهٔ اول برای دانشجویان و محصلین دانشکده علوم معقول و منقول و مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی تهیه‌شده است.»

معظم له در پایان ابراز امیدواری کرده‌اند که کتاب «جداول الروایة» تألیف علّامه شهیر و مصلح کبیر سیّد هبةالدین شهرستانی به‌همت دانشگاه تهران منتشر شود.

۵۳. ملاقات دوقطب فقاهت: پیرامون وحدت اسلامی و هدف مشترک. مفاوضة قیمة حول تعاون المذاهب الاسلامیة

کتاب حاضر مذاکرات بین آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای و شیخ محمد بن ناصر العبودی دبیر کل دانشگاه اسلامی مدینه است که توسط حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای تنظیم‌شده و به همت مرحوم محمدحسین صدریه به چاپ رسیده است. متن کتاب شامل متن عربی گفتگوها به همراه ترجمه آن به فارسی است و در سال ۱۳۹۲ قمری برابر با ۱۳۵۰ شمسی در تهران منتشر شده است.

در کتاب حاضر، بخش فارسی آن با عنوان: «گزارشی از ملاقات با یکی از علمای کشور سعودی» آورده شده است.

۵۴. ملکهٔ اسلام«فاطمهٔ زهرا (ع)»

تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۴۸ ه.ش، ۳۱۲ ص.

(ن)

۵۵. نسیم من روح الفرج بعد الشدة

تهران، ۱۳۴۶ ه.ق، لجنة البحث و التحقیق للمعارف الاسلامی، تهران، در موضوع جنگ اعراب و اسرائیل است.

۵۶. نامهٔ کودک در مسجد (ایام کودکی حضرت امام حسین علیه‌السلام)

کتابی است کوچک که در دو بخش به ایّام کودکی امیرالمومنین علیه‌السلام؛ و خط نوشتن حسنین علیهماالسلام اختصاص دارد.

۵۷. نهج‌البلاغه و خلقت آسمان و جهان

شرح قسمتی از خطبهٔ اوّل نهج‌البلاغه دربارهٔ خلقت آسمان و زمین و عالم و آدم است.

۵۸. نهج‌البلاغه و جنگ

در شرح شش خطبهٔ جنگ امیرالمؤمنین علیه‌السلام ؛ است که توسط کتابفروشی محمدعلی علمی در ۵۹۶ صفحه منتشر شده است.

۵۹. ندای آسمان در احادیث اذان و ثواب آن

کتاب در سال ۱۳۷۱ قمری به همّت سیّد محمدرضا تناوش در ۴۸ صفحه منتشر شده است. در برخی چاپ‌ها به همراه رساله‌ای است با عنوان «تحفه سال نو عید شده خانه تکانیت کو؟» در ۱۹۱ صفحه.

۶۰. ندایی از سرزمین بیت‌المقدس

سفرنامه مؤلف به کنگره مؤتمر اسلامی اردن هاشمی در سال ۱۳۷۹ قمری است و شرح جامعی درباره آن سفر و سفر به مصر جهت ملاقات با شیخ اکبر شیخ محمود شلتوت ارائه شده است. این سفرنامه ضمیمه کتاب «بیت‌المقدس و تحوّل قبله» نیز منتشر شده است.

۶۱. نماز، الصلاة عمود الدّین

کتاب نماز به تصحیح آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای است که کتاب راهنمای آموزش نماز است. تهران، کتابخانه سقراط – امیرکبیر. ۲۴ صفحه،

۶۲. نهیب پیغمبر ﷺ به ملوک و امراء و فقهاء

شرح خطبه منی است که در آن پیامبر اکرم ﷺ مردم را به اتحاد امر فرموده‌اند.

۶۳. نوید اسلام

کتاب در اصل ترجمه «بِشارة الاسلام في علامات المهدي» تألیف علّامه سیّد مصطفی حسنی حسینی کاظمی است که توسط محسن جزائری به فارسی ترجمه شد و با مقدمه و تحشیه علّامه میرزا خلیل کمره‌ای (تقریرات درسِ معظم له) توسط آقای یدالله طیبی نائینی بارها منتشر شده است.

(ی)

۶۴. یک‌شب و روز عاشوراء

بخشی از جلد سوم کتابِ «عنصر شجاعت هفتادودو تن و یک‌تن» است که به‌طور مستقل منتشر شده است. (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲ه.ش)

خاطرات زندگی علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای

■ آغاز تحصیلات

در سال ۱۳۱۷ قمری (۱۲۷۸ شمسی) در دهکده سرسبز فَرْنَق از توابعِ کمره، کودکی به دنیا آمد که او را «خلیل» نامیدند. معاش مردمان فرنق از طریق شغل شریف کشاورزی بود و خانواده «خلیل» نیز نسل‌اندرنسل کشاورز بودند و انتظار می‌رفت که فرزندشان نیز کشاورز شود؛ امّا دو عاملِ مهم باعث شد تا مسیر زندگی خلیل تغییر یابد؛ اوّلین آن‌ها، تحولِ درونی شگرفی بود که با شنیدنِ بانگ ملکوتی اذان در او رخ داد و باعث شد زندگی‌اش مصروف اعتلای کلمه الله شود، این نشان از توفیق الهی و پاکی ضمیر ایشان داشت که در آن هنگام حدوداً دوازده‌ساله بود.

دوّمین عامل، همراهی خانواده (مرحوم مشهدی ابوطالب و مرحومه بی‌بی خاتون جان) با اوست که رضایت به تحصیل فرزند خود دادند و این‌چنین مسیر شکوفایی فکری و معنوی او را هموار کردند. حجةالاسلام والمسلمین حاج‌آقا ناصرالدین کمره‌ای می‌گویند:

> ایشان در ۱۹ مهر سال ۱۳۶۳ در سن ۸۸ سالگی به رحمت خدا رفته‌اند، تا الآن حدوداً ۳۱ سال و چند ماه است که فوت کرده‌اند. ایشان با کوشش و زحمت فراوانِ خودش، به درجات بالای علمی رسیده بود، جدّ بنده در دهکده فَرْنَق از دهات کمره، کشاورز بود، عموهای من هم کشاورز بودند. کمره همان خمین است و اطراف آن؛ و روستای فَرْنَق بیست کیلومتر بالای خمین است.
>
> یک روز جدّ من به ایشان می‌گوید: برو فلان زمین را شخم بزن.
>
> می‌گوید: چشم و گاوها را برمی‌دارد و می‌رود. در آن زمان حدوداً ۱۲ – ۱۳ ساله بوده است؛ سر ظهر که با گاوها و وسایل در حال شخم زمین بود، مؤذن اذان

می‌گوید. این اذان استارتِ اوّل حرکت علمی پدر بنده است. هرچه گوش می‌کند نمی‌فهمد معنایش چیست؟ «حیّ علی الفلاح»؛ «حی علی خیر العمل» این موضوع محرکی برای دانستن معنای آن می‌شود و می‌گوید من باید بروم درس بخوانم تا معنای این‌ها را بفهمم و در ادامه حوادثی دیگری پیش می‌آید. پدرش هم می‌گوید: من از اوّل می‌دانستم که تو به دردِ کشاورزی نمی‌خوری، بلکه به دردِ درس و کتاب و تحصیلِ علم می‌خوری؛ برو پیش فلان ملّای مکتبی؛ قرآن یاد بگیر من هم می‌آیم سفارش می‌کنم. در آن زمان همیشه آموزش قرآن مقدم بود؛ همین کار را هم می‌کنند.

کم‌کم در درس خواندن ایشان یک جوشش و حرکت و جنبش و فعالیّت بسیار عظیمی به وجود می‌آید؛ مدتی را در ده درس می‌خواند. سواد آن ملّای ده تمام می‌شود. بعد ده بالاتر تا آنکه به خوانسار می‌رود و ایشان مدتی در خوانسار اقامت داشت. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

ایشان در خوانسار ابتدا در نزد حاج ملّا محمّد امینی بیدهندی، و سپس در نزد مجتهد بزرگ مرحوم حاج سیّد علی‌اکبر بیدهندی و آقا سیّد احمد جادّه‌ای تحصیل خود را ادامه دادند. حاج‌آقا سیّد علی‌اکبر بیدهندی از علمای مقیم خوانسار و از تلامیذ مرحوم میرزای شیرازی بود. در این دوران بود که حضور حضرت آیةاللهالعظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در اراک زمینه‌ساز تحول بزرگی در حوزه‌های علمیّه کشور می‌شود. حضور معظم له شور و شوق زائدالوصفی را در میان طلّاب علوم دینی برانگیخت و یکی از درخشان‌ترین دوره‌های آموزش علوم دینی در حوزه‌های علمیّه ایران را ابتدا در اراک و سپس در شهر قم به راه انداخت. شور و غوغای تحصیل علم در میان طلّاب و حتی عالمان آن روزگار که با تأسیس حوزه علمیّه قم به اوج خود رسید، در خاطراتِ مستقیم خودِ مرحوم علّامه میرزا خلیل کمره‌ای کاملاً هویداست:

جذبهٔ عمومی حوزه طوری بود که از طهران علماء و مراجع، مثل مرحوم آیةالله حاج میرزا احمد آشتیانی و آقازاده ایشان آقای میرزا محمدباقر آشتیانی و مرحوم حاج میرزا عبدالله مسیح تهرانی و میرزا فخرالدین جزایری، به‌عنوان تحصیل و تکمیل و بعضی جهت افاضه به حوزه قم آمده بودند. شور حضور استادی مثل مرحوم آیةالله حائری که قبلاً کاری کرده بود که از قم عده‌ای متشخص مانند

آقای سیّد محمّد صدر قمی و آقای حاج میرزا محمود روحانی و حاج میرزا ابوالفضل زاهدی از قم به اراک آمده بودند، موجب شد برای استقبال معنوی، همه در شب عید نوروز به قم حرکت **کردند. متوطنین اراکی و مهاجرین قمی به قم آمدند و آیةالله آقای حاج سیّد احمد خوانساری که چندی بعد آمدند، شور و شعف در سر ما جوانان از حدّ گذشت، از دیوار فیضیه بالاتر و بالاتر می‌رفت.**

درس آقای حائری در مدرسه فیضیه بود، در ایوان وسط، بین فیضیه و دارالشّفا، درس حاج میرزا سیّد علی یثربی کاشانی اصولِ کفایه؛ و اصولِ حائری بزرگ، اصول سامّرا بود. **آقای حاج میرزا سیّد علی یثربی که اصول نجف دیده بود، غوغایی برپا می‌کرد،** چه درس کفایهٔ خودشان که ما حاضر بودیم و چه در پای درس مرحوم حائری. امّا درس استاد فیلسوف بزرگ آقای آقا میرزا علی‌اکبر مدرّس یزدی در مدرسهٔ خان، واقع در میدان آستانه بود. طلّاب دور ایشان را گرفته بودند، حتّی میرزا هدایت گلپایگانی که یادم هست مرد موقری بود به آنجا می‌آمد.

این‌چنین زندگی طلبگی علّامه کمره‌ای را باید در ضمن نهضت فرهنگی بزرگی دید که با میرزای شیرازی در حوزه سامراء آغاز شد و توسط حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در اراک و سپس قم پایه‌گذاری شد. ازاینجا به بعد، حیات علمی آیةالله کمره‌ای با حوزه درس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گره خورده است. به بیانِ حجةالاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای:

بعد از مدتی که در خوانسار بودند، آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، عالم بزرگوار، از کربلا به دعوت یکی از علماء بنام آیةالله فرید محسنی به اراک می‌آید. ایشان دعوت کرده بود که ما در اراک در خدمت شما هستیم، شما در اینجا حوزه علمیه تشکیل بدهید. ایشان قبول می‌کند و به اراک می‌آید حوزه علمیّه را در اراک تشکیل می‌دهند. مرحوم پدر ما نیز برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیّه اراک عزیمت می‌کنند. آن حوزه چند سال در اراک برقرار بود. عید نوروز که طلّاب به وطن خود مراجعت کرده بودند، مرحوم پدر نیز به احوال‌پرسی پدر و مادر خود رفت، در آن زمان آقای حاج شیخ عبدالکریم برای زیارت به قم

> می‌آید [و به روال معمول] به یزد نمی‌رود – ایشان یزدی بودند – در قم، بزرگان شهر از ایشان دیدن می‌کنند، وقتی دو نفر از آن‌ها از دیدن ایشان باز می‌گردند، به هم می‌گویند: این آقا جایشان در قم است نه در اراک؛ دیگری هم می‌گوید: عین این مطلب به ذهن من هم رسیده بود. در اصطلاح تداعی معانی شده بود. می‌گوید: برگردیم پیش آقای حاج شیخ و برمی‌گردند. سلام عرض می‌کنند و می‌نشینند و می‌گویند: آقا جای شما قم است نه اراک، شما باید اینجا بمانید و ما هم در خدمت شما هستیم. این سبب می‌شود که آقای حاج شیخ در قم می‌ماند.[۱]
>
> مرحوم حائری می‌فرمایند: «من به‌قصد زیارت آمده‌ام و در اینجا منزلی برای سکونت ندارم.»
>
> آن‌ها می‌گویند، «ما برای شما در ظرف چند ساعت محل سکونت پیدا می‌کنیم.» و بیرونی منزل حاج میرزا علی‌اصغر سلامت را که یکی از تجار محترم قم بود و نسبتی هم با ما دارد، اقامتگاه آیةالله حائری قرار می‌دهند و ایشان در آنجا سکونت می‌کنند. شاگردان ایشان وقتی به اراک می‌آیند و می‌شنوند که استادشان را در قم نگه‌داشته‌اند، تصمیم می‌گیرند به قم بروند. مرحوم پدر ما یک گاری کرایه می‌کنند و تعدادی کتاب و مختصری اثاث را برمی‌دارند و سه شبانه‌روز در راه بودند تا به قم برسند. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

و در جای دیگر نیز اشاره به خواب مرحوم آیةالله حائری کرده‌اند که حضرت حاج شیخ آن را برای آیةالله کمره‌ای نقل کرده بود:

> بعدها آیةالله حائری برای مرحوم ابوی تعریف کرده بودند که «من چند روز قبل از اینکه به قم بروم، خواب دیده بودم که به قم رفته‌ام و دارم گُل می‌کارم و نمی‌دانستم تعبیر آن چیست.» (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

---

۱. آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حائری در آن زمان در منزل حاج شیخ مهدی حکمی (از اصحاب حوزه سامرّا) مهمان بودند و نام آن دو شخصیت که جناب حاج آقا ناصرالدین کمره‌ای اشاره فرموده‌اند، یکی حاج میرزا محمّد ارباب (متوفی ۱۳۴۱ ه.ق) که از نظر سنی از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بزرگتر بوده است و دیگری مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم کبیر بوده است که هر دو از علمای بزرگ شهر قم بودند. (نک: سیّد موسی شبیری زنجانی، (۱۳۹۲ ه.ش) ***جرعه‌ای از دریا***، ج۱ / ص ۵۴۱ – ۵۴۲.)

■ خاطراتی از دوران تحصیل

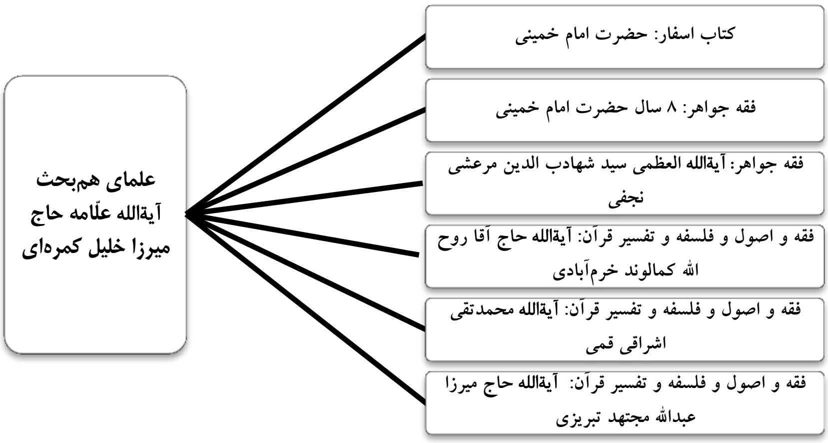
تلاش و کوشش علّامه میرزا خلیل کمره‌ای در تحمل سختی‌ها جهت کسب علوم آل محمد ﷺ مثال‌زدنی است. در اینجا خاطره‌ای از او نقل می‌شود که بیانگر استقامت و عزّت نفس و پاک‌دامنی معظم‌له و نیز برخورد تحسین‌آمیز پدرشان است و خوابِ شیرینی که با واقعیّت قرین می‌شود:

پدر ما مدتی خوانسار بود، بعد مرحوم آیةالله حائری یزدی به اراک تشریف آوردند، آقایان حضرت امام خمینی ؒ و آقای گلپایگانیؒ و آقای خوانساری و مرحوم پدر من وقتی مطلع شدند، آنان نیز از خوانسار به اراک آمدند و حوزه علمیه اراک تشکیل شد. حدود پنج شش سال؛ ایشان همگی شاگردان آقای حاج شیخ بودند.

مرحوم پدر من می‌گفت: من آذوقه و خرج و خوراکم تمام شده بود، پول هم نداشتم و خجالت می‌کشیدم از کسی یک ریال قرض کنم، درنتیجه، صبح که بلند شدم دیدم هیچ پولی برای تهیه غذا ندارم. گفتم: حالا می‌روم درس؛ یک روز هم بدون صبحانه باشم تا ظهر شد، دیدم باز همان وضع است؛ گفتم: حالا امروز روزه هستم. شب که شد باز هم چیزی نداشتم. آن شب هم گرسنه خوابیدم فردا باز هم رفتم سر درس، در طی چهل‌وهشت ساعت یا کمی بیشتر، یک‌لقمه‌نان گیر من نیامد که بخورم بعد از دو شبانه‌روز کامل، شب در حجره خوابیده بودم خواب دیدم پدرم از ولایت به سمت اراک می‌آید و در داخل خورجین، مقداری نان و پنیر و گردو و کشمش و این‌جور چیزها گذاشته بود.

پدرشان وارد شهر اراک شد و پرسید مدرسه سپهدار کجاست؟ نام آن مدرسه در اراک، «مدرسه سپهدار» بود. راهنمایی کردند. سحرگاهان بود که به مدرسه می‌رسد. همان موقع خادم مدرسه بالای پشت‌بام مدرسه اذان صبح می‌گفت. می‌پرسد کیست؟ می‌گوید: میرزا خلیل اینجاست و مؤذن می‌گوید: بله اذان را بگویم می‌آیم در را باز می‌کنم. پایین آمده، در را باز می‌کند و حجره ایشان را نشان می‌دهد. پدرش می‌آید درب حجره را می‌زند میرزا خلیل از خواب بیدار شده در را باز می‌کند. ایشان می‌گوید: «گفتم پدر جان اوّل کمی نان و پنیر بخورم

چون خیلی گرسنه‌ام.» پدر ایشان نیز فهمید که فرزندش مدت‌هاست گرسنگی کشیده است؛ گریه‌اش گرفت.
این‌یکی از خاطرات جالب طلبگی مرحوم پدر ما بود. طلّاب و روحانیون قدیمی این‌جوری درس می‌خواندند. اصل برایشان درس بود نه مسئلهٔ لباس، نه مسئلهٔ خوراک؛ اصلاً به این قبیل امور اهمیت نمی‌دادند، الآن هم کم‌وبیش همین‌طور است. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)



■ هجرت به قم

با هجرت آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حائری به قم، حوزه علمیّه قم تأسیس شد. مستقر شدن حاج شیخ کافی بود تا علماء دوران و دسته‌ای از بهترین طلّاب آن روزگار در پیرامونش گرد هم آیند. شاگردان حاج شیخ رخت سفر بستند و به قم هجرت کردند:

آقایان [شاگردان برجسته حاج شیخ] که در عید نوروز برای دیدن پدر و مادر و بستگان رفته بودند، وقتی به اراک برمی‌گردند، مطلع می‌شوند که آقای حاج شیخ در قم مانده‌اند. مرحوم آقای امام خمینی و پدر من و آقای گلپایگانی و آقای مرعشی نجفی در یک سن و در یک وضع، هم مباحثه و هم‌درس بودند. همین بزرگان که همگی‌شان فوت‌شده‌اند، خدا رحمتشان کند. پدر من می‌گفت: «یک گاری کرایه کردیم به مبلغ یک تومان یا دو تومان؛ از شهر اراک سه شبانه‌روز در

راه بودیم تا آمدیم به قم». آن آقایان هم یا جلوتر و یا عقب‌تر از ایشان در مسیر اراک به قم بودند. این‌چنین در قم حوزه تشکیل شد. (ملاقات اول، ۴/ ۹/ ۱۳۹۴)

و در خصوص رابطه معظم له با امام خمینی می‌گویند:

به‌واسطه نقل‌های موثق، مرحوم امام هم یک روز زودتر از پدر من به آنجا رسیده بودند. در قم، پدر بنده با امام، آیةالله گلپایگانی و آیةالله مرعشی نجفی همدرس بودند و به‌طور مشخص، هشت سال با امام، فقه و مقداری از اسفار را مباحثه می‌کردند[1] و به منزل یکدیگر هم زیاد رفت‌وآمد داشتند. بعدها ایشان از شهامت، شجاعت و عزت‌نفس امام هم تعریف‌های زیادی می‌کردند و رابطه این دو به‌رغم برخی از فراز و نشیب‌ها، همچنان صمیمی باقی ماند. (کمره‌ای، شهریور ۱۳۸۶: ۱۲۳)

علّامه میرزا خلیل کمره‌ای رشته خارج فقه و اصول را چندین دوره نزد استاد بزرگوارش آیةاللهالعظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری‌ؒ و اندکی در محضر آیةاللهالعظمی آقای حاج میرزا حسین نائینی‌ؒ[2] و تا حد بیشتری در نزد آیةاللهالعظمی آقای میر سیّد علی یثربی کاشانی‌ؒ گذراند و طی سالیان دراز، رشته معقول و ریاضیات و فلسفه و حکمت را نزد استاد عالی‌قدر و فیلسوف مرحوم حاج میرزاعلی اکبر مدرس یزدی‌ؒ معروف به حکیم تلمذ کرد. معظم‌له اسفار صدر المتألهین را نزد آیةاللهالعظمی رفیعی قزوینی‌ؒ و رشته حدیث را نزد آیةالله شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی[3]ؒ و حاج شیخ عباس محدث قمی‌ؒ و آیةالله سیّد محسن جبل عاملی‌ؒ و آیةالله حاج شیخ آقابزرگ طهرانی

---

۱. استاد مهدی حائری یزدی می‌گوید: «آقای خمینی [امام خمینی ؒ] می‌گفتند اسفار را نخوانده‌اند، امّا آن را باحاج میرزا خلیل کمره‌ای مباحثه کرده‌اند...» (حائری یزدی، بهار ۱۳۷۴: ۱۰۴)

۲. آیةالله شبیری زنجانی می‌نویسد:

«سال ۱۳۴۱ ه.ق در ماجرای تبعید آشیخ مهدی خالصی از علمای محترم عرب، آقای آسیّد ابوالحسن اصفهانی و آقای نائینی در اعتراض به این اقدام به قم می‌آیند و شش ماه در قم می‌مانند و در قم تدریس می‌کنند و در سال ۱۳۴۲ ه.ق به عراق باز می‌گردند.» (شبیری زنجانی،۱۳۹۲ : ج۲/ ۴۹۰)

۳. آیةالله شیخ محمدرضا مسجد شاهی اصفهانی مدتی در قم تدریس داشتند.

 گذرانید و در اخلاق و عرفان از محضر آیةالله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی بهره برد.

■ زندگینامه علمی خود نوشت

متن زیر توسط حضرت آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای نوشته شده است که در تجلیل از حکیم الهی مرحوم آیةالله آقا میرزا علی‌اکبر یزدی (۱۲۶۷ - ۱۳۴۴ ه.ق) معروف به حکیم الهی در مقدمه کتابِ «رسایل حکمیّه» منتشر شده است. (مدرس یزدی، ۱۳۷۲: ۱۳ الی ۱۷) و اطلّاعاتی بسیار ارزشمند از حوزه علمیّه قم و اراک به دست می‌دهد:

نویسنده سطور در سال ۱۳۳۹ قمری از حوزهٔ علمیّه اراک به همراه مؤسس حوزه، مرحوم آیةالله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، تقریباً با فاصلهٔ یک ماه به قم منتقل شدم بدین قرار که آن مرحوم شب عید نوروز برای زیارت به قم آمدند و به تقاضای تجّار تهران که در قم بودند با تعهد آنان در قم ساکن گردیدند.

نویسنده در آن ایّام در اراک غیبت داشته، به هوای مراسم نوروزی رفته بودم و بعد از یک ماه که برگشتم، به همراه عدّه‌ای شاخص از طلّاب، سوار ارّابه (دلیجان) شده و به قم آمدیم. به‌محض ورود به قم به ما بشارت دادند فیلسوفی عدیم النظیر از پیران فلسفه در قم هستند، شاگرد مرحوم جهانگیرخان قشقایی و بعد معلوم شد علاوه بر درس جهانگیرخان، از درس مرحوم آقا محمّد خان قمشه‌ای معروف نیز استفاده کرده‌اند. معظم له، درس فلسفه را شروع کردند، چنان‌که مرحوم مؤسس حوزه آیةالله حائری فقه و اصول را [تدریس می‌کردند]؛ به همین مناسبت شوری در سرها پیدا شد و ما که به فاصلهٔ یک ماه به قم آمدیم، شاگردان مخصوص بودیم که ذوق فلسفی را در اراک بروز داده بودیم و از مقارنهٔ این نعمت دل‌شاد شدیم که فقه و اصول (علوم ظاهری) و فلسفه و عرفان (علوم باطنی) در تأسیس حوزه قم به هم‌دست داده‌اند.

جذبهٔ عمومی حوزه طوری بود که از طهران علماء و مراجع، مثل مرحوم آیةالله حاج میرزا احمد آشتیانی و آقازاده ایشان آقای میرزا محمدباقر آشتیانی و مرحوم حاج میرزا عبدالله مسیح تهرانی و میرزا فخرالدین جزایری، به‌عنوان تحصیل و

تکمیل و بعضی جهت افاضه به حوزه قم آمده بودند. شور حضور استادی مثل مرحوم آیةالله حائری که قبلاً کاری کرده بود که از قم عده‌ای متشخص مانند آقای سیّد محمّد صدر قمی و آقای حاج میرزا محمود روحانی و حاج میرزا ابوالفضل زاهدی از قم به اراک آمده بودند، موجب شد برای استقبال معنوی، همه در شب عید نوروز به قم حرکت کردند. متوطنین اراکی و مهاجرین قمی به قم آمدند و آیةالله آقای حاج سیّد احمد خوانساری که چندی بعد آمدند، شور و شعف در سر ما جوانان از حدّ گذشت، از دیوار فیضیه بالاتر و بالاتر می‌رفت.

درس آقای حائری در مدرسه فیضیه بود، در ایوان وسط، بین فیضیه و دارالشّفا، درس حاج میرزا سیّد علی یثربی کاشانی اصولِ کفایه؛ و اصولِ حائری بزرگ، اصول سامّرا بود. آقای حاج میرزا سیّد علی یثربی که اصول نجف بود، غوغایی برپا می‌کرد، چه درس کفایهٔ خودشان که ما حاضر بودیم و چه در پای درس مرحوم حائری. امّا درس استاد فیلسوف بزرگ آقای آقا میرزا علی‌اکبر مدرّس یزدی در مدرسهٔ خان، واقع در میدان آستانه بود. طلّاب دور ایشان را گرفته بودند، حتّی میرزا هدایت گلپایگانی که یادم هست مرد موقری بود به آنجا می‌آمد.

در اوّلین روز که به مدرسه خان برای استماع درس آمدیم، بحث از وجود به عقیدهٔ پهلویون بود که قائل به تشکیک مراتب در وجودند: چنان‌که اضعف انوار نور است و اقوی هم نور است، پس وجود در مراتب وجود، در عین مراتب، وحدت دارند بااینکه لایتناهی است عدّة و مدّة و قوّة.

استاد شرح این سه موضوع می‌دادند، لایتناهی عدّی و لایتناهی مدّی و لایتناهی شدّی را بیان می‌کردند. ما بی‌اندازه سرمست می‌شدیم و دنبال کار درس را گرفته، هرروز یک‌قدم به استاد نزدیک‌تر می‌شدیم تا ما از مخصوصین ایشان شدیم. عدّه‌ای از طلّاب، منظومه سبزواری را با کثرت اوّلیه و هجوم دسته‌جمعی شروع کردند، امّا اندک‌اندک عدّه‌ای عقب‌نشینی کردند؛ به‌عکس اخصّا، پا به جفت استقامت کردیم. حتّی یادم هست درسی هم از الهیّات اخصّ و درسی هم از طبیعیّات نزد ایشان شروع کردیم و معظم له را سرگرم کردیم.

در نظر دارم در طبیعیّات در شرح مسألهٔ طفره، که آیا هست یا نیست، ابراهیم مرزجرانی که بعدها به نام دهگان مشهور گردید، خبطی در مسألهٔ تقریر و تفهیم طفره کرد، آمد و گفت: شب دوشین من مسئله طفره را حل کردم، بدین قرار

کلّاب که به معنی قلّاب است، او کلاغ تصور کرده بود؛ گفت: از کلاغ که در وسط چاه است طنابی به بالا می‌کشیم تا لب چاه، طفره ثابت می‌شود! غافل از اینکه نظر آن‌ها این است که قلّابی در وسط چاه می‌کوبیم و دلوی بر طنابی به‌قدری که به آن قلّاب برسد، سرازیر می‌کنیم و از قلّاب می‌گذرانیم و طناب وسط چاه را در حلقهٔ مزبور داخل کرده به بالا می‌کشیم، وقتی دلو ته چاه به لب چاه رسید، ریسمان وسطی هم سررسیده، عمق چاه بالا آمده و مسافت نیم عمق چاه هم بالا آمده است. بالاخره بعد از تشریح و توضیح مسئله، دهگان خجالت کشید. مقصود اینکه به‌عکس آن‌ها که متفرق شدند، ما متفرق نشدیم هیچ، بلکه کوشش خود را افزودیم تا طبیعیّات و منظومه و اخلاق را که فصل آخر کتاب است، تمام کردیم.

به یاد دارم روزی دُروس آخر اخلاق را به‌تنهایی در مدرسِ زیر کتابخانه فیضیّه با استاد بودیم. در این ضمن، مرحوم آیةالله حائری، به تمایل انس و مجانست با استاد، نزد ما آمدند و در نزد استاد جلوس نمودند. بعد از احوالپرسی از استاد، فرمودند: فلانی - یعنی نویسنده این سطور - از روزه لاغر شده است؛ از خوش‌خُلقی فقیه بزرگ و نشستن بی‌آلایش پهلوی استاد و فیلسوف بزرگ نمونه‌هایی بود.

مقایسه فرمایید این دو قطب با هم می‌نشستند و به آن صمیمیت صحبت می‌داشتند.

ملّا ابراهیم، پیرمردی بود که حجره‌ای در فیضیه تصرف کرده بود بعد از تشکّل حوزه آن را رها کرد، برای طلّاب تازه‌نفس جدّی. او خود اهل جدّ نبود؛ یک روز بر نقد فلسفه این شعر را خواند و خود را چرخی داد:

در «محسن فیض» هم‌سخن‌هاست

زیرا که قرابتش به «صدرا» ست.

اگرچه استاد از فقه قواعد علّامه را هم درس می‌داد و می‌دانید آن کتاب به‌عنوان فصاحت است.

خلاصه اینکه پس از ختم منظومه مرحوم سبزواری، اسفار را شروع کردیم که مورد رغبت افاضل حوزه شد؛ حتّی مرجع مقدس آیةالله خوانساری و مرحوم آیةالله آقای حاج سیّد محمدتقی خوانساری و مرحوم آقا میرزا محمدتقی اشرافی

ارباب هم شرکت فرمودند و شنیدم بعضی دیگر مانند آیةالله آقای حاج میرزا سیّد علی یثربی و آیةالله «کبیر» هم به‌طور خصوصی در درس استاد شرکت می‌کردند؛ امّا بیشتر مداومت روی من و آقا سیّد محمّدعلی اراکی شاه زندی می‌چرخید.

در آخر هفته به نام درس تعطیلی نزد استاد، ریاضیّات و فارسی و هیئت و حساب می‌خواندیم. بعد از تدریس اسفار، شروع کردیم به درس شرح فصوصِ محیی‌الدّین از قیصری، در نزد معظّم له، کتاب شرح قیصری را آقا شیخ محمّد آیةالله زاده مازندرانی معروف به ابن شیخ در دست من دید، گفت: این‌گونه کتاب‌های عرفان خطرناک است، البته نه در فلسفه. شیخ محمّد یزدی، کتاب شرح نفیسی را که شرح بر کلیّات قانون ابن‌سینا است نزد استاد می‌خواند.

به خاطر دارم در وفات مرحوم استاد معظم، آیةاللّه حائری درس را تعطیل کرده، با همهٔ طلّاب حوزه و جمع کثیری از قمی‌ها در تشییع‌جنازهٔ آن مرحوم، باشکوه و جلال خاصی که کمتر در گذشته نظیر داشت، شرکت نمودند. جنازهٔ آن مرحوم در محلّ شیخان، که مرکز مدفن علماء است مدفون گردید.

این مختصری بود از فضایل استاد در قرن اخیر. خداوند تبارک‌وتعالی ایشان را مشمول عنایات و رحمت خود قرار دهد و مقام او را متعالی فرماید.

بعد از رحلت استاد، درس الهیّات اخصّ اسفار را من با حضرت آیةاللهآقای خمینی مذاکره بینابین داشتیم و همچنین مقداری خارج فقه جواهر را با شرکت حضرت معظم له و میرزا عبد اللّه مجتهدی تبریزی مذاکره می‌کردیم.

غرض از تحریر این تاریخچه، بیان و شرح خلاصه‌ای از درس و تقریرات استاد بود در شهر قم. درحالی‌که شنیدم مرحوم استاد معظم زمانی در مدرس مدرسهٔ شیخ عبدالحسین در تهران تدریس داشته‌اند که از برجستگان علماء وقت مثل حضرت آیةاللهالعظمی آقای حاج‌آقا حسین قمی طباطبائی و مرحوم آیةاللهحاج میرزا احمد آشتیانی و سایرین در درس ایشان شرکت داشته‌اند.

از یادگارهای استاد، خطّ بسیار زیبای ایشان است که اشهد باللّه می‌توان گفت استاد خوش‌نویس هم بودند؛و نیز حاشیه‌ای بر اسفار صدر المتألهین و فصوص و قوانین مرحوم میرزای قمی نوشته‌اند.

فرزند ارشد ایشان آقای محمود حکمی که در حیات و زمان وفات پدر طفل بوده، اینک با کسب معلومات و دانش و آشنایی به زبان‌های انگلیسی و فرانسه، ازنظر علایق دینی و اشاعهٔ علوم اسلامی، بخصوص تألیفات استاد، درصدد جمع‌آوری آن آثار برآمده است. ازجمله آثار آن مرحوم، رساله‌هایی است در اثبات صانع، حاوی نظرات فلاسفه و عرفا؛ و نظریات شخص استاد، مهیای برای چاپ و انتشار است. ضمناً قرار است به زبان‌های خارجی نیز ترجمه و انتشار یابد. علی هذا چون ازنظر نشر آثار و نظریات فلاسفه و عرفا، در سطح بسیار عالی و بسیار باارزش است، جهت مطالعهٔ اساتید فنّ و طلّاب عاشق فلسفه و عرفان و تدریس در دانشگاه توصیه می‌نمایم. الأحقر حاج میرزا خلیل کمره‌ای.

در علوم حوزوی از میان طلّاب همدرس، افراد هم‌طراز به مباحثه درباره درس می‌پردازند و هم بحثان باید کم‌وبیش از قدرت علمی متناسب با هم برخوردار باشند. این موضوع که همدرسان علّامه کمره‌ای همگی همچون او به استوانه‌های اصلی علم و فضیلت دوران خود مبدل گشتند، نشان از سطح بالای علمی او در زمان تحصیل دارد که از همان زمان ایشان را موردتوجه علمای وقت قرار داد و به‌تدریج بانام «میرزا خلیل مجتهد» شناخته شدند.

■ خاطراتی از استاد

آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در مصاحبه با مجلهٔ یاد به چند خاطره از مرحوم آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی اشاره کرده‌اند، که تقدیم می‌شود:

□ یک‌شب، حاج شیخ عبدالکریم از مهمانی برمی‌گشتند، آقا مرتضی هم از پشت سر می‌آمد. حاج میرزا محمدعلی بروجردی گفت: آقا مرتضی. چرا تند نمی‌آیی؟ گفت: به خاطر اینکه در خانهٔ ما چیز خوردنی نیست، (ازاین‌جهت عجله‌ای ندارم). [۱]

---

۱. نشان‌دهنده زهد و سادگی زندگی مؤسس عالیقدر حوزه علمیّه قم است.

☐ دیگر اینکه: یک روز برای درس فلسفه خدمت حاج شیخ رفتیم. می‌خواستیم برای درس خواندن، آقا میرزا علی‌اکبر را در قم نگه‌داریم. (این موضوع را با حاج شیخ در میان گذاشتیم) ایشان هم پول بیشتری برای آقا میرزا علی‌اکبر دادند.. .[۱]

☐ مرحوم حاج شیخ، یک روز به مدرسهٔ فیضیه آمد، دید که من با استادم آمیرزا علی‌اکبر نشسته‌ایم و درس فلسفه را تمام کرده‌ایم. رو کرد به ما و گفت: از روزه پیداست که ضعف پیداکرده‌اید.

☐ قضیهٔ دیگری که پیش آمد، قضیهٔ سیل قم بود. یک‌شب، سیل آمد و قم را فراگرفت. اهالی قم برای جلوگیری از خسارت، نزد حاج شیخ رفتند و گفتند، شما دستور بدهید که مردم قم کمک کنند به برگرداندن سیل. مرحوم حاج شیخ فرمود: هم امر می‌کنم و هم خودم می‌آیم. پیرمرد، خودش حرکت کرد و در آن شب، همراه با دیگر مردم، آن‌قدر که توانست، با بیل و چیزهای دیگر مسیر سیل را برگرداندند. و اگر کوشش حاج شیخ نبود، شاید خسارت زیادی وارد می‌شد. این از کرامت‌های اخلاقی آن مرحوم بود، که خودش هم مثل دیگران کار می‌کرد. بعد، مرحوم حاج شیخ برای جبران خرابی‌ها، دفتری باز کرد که هرکس می‌خواهد، کمک کند. رئیس عدلیهٔ تهران گفت: آقا در ادارهٔ بایگانی، مقداری مال مجهول‌المالک هست. ایشان فرمود: ما به کسی نمی‌گوییم پول بدهید، اگر خودشان آوردند، ما قبول می‌کنیم. خلاصه آن دفتر را باز کرد و بوسیلهٔ کمک‌های مردم، تمام آن خرابی‌ها را ترمیم کرد. البته طلّاب هم کمک کردند.[۲]

☐ قبل از اینکه احمدشاه به خارج برود، یک سفر به قم آمد. قائم‌مقام را خدمت حاج شیخ فرستاد که به دیدنش بیاید. مقدسین می‌گفتند: آخوند، نباید اصالتش را پائین بیاورد و مرحوم حاج شیخ می‌گفت: خیر. این چه‌حرفهایی است که می‌زنید، می‌رویم، خلاصه، مرحوم حاج شیخ به دیدن احمدشاه رفت و با او ملاقات کرد. .. ایشان نقل می‌کرد که رضاخان گفته من با این مرد نمی‌توانم کار کنم. به این دلیل احمدشاه رفت و دیگر برنگشت. ... (کمره‌ای، زمستان ۱۳۵۶: ۳۳)

---

۱. بیانگر اهتمام حضرت حاج شیخ ﷺ به نگاه‌داشتن اساتید طراز اوّل در حوزه علمیه قم و توجه به رفع مشکلات آنان است.

۲. خاطره مذکور ویژگی مردمی بودن حاج شیخ ﷺ را نشان می‌دهد.

■ تأسیس کرسی درس تفسیر قرآن در حوزه علمیّه قم

علّامه میرزا خلیل کمره‌ای از پیشگامان تدریس تفسیر قرآن و مؤسس کرسی تفسیر قرآن در حوزه علمیّه قم است.[۱] آیةالله علّامه سیّد مرتضی عسکری، یکی از شاگردان بنام اوست که خاطراتِ بی‌واسطه‌ای از درس تفسیر قرآن آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای را ارائه داده است. علّامه سیّد مرتضی عسکری در بیان خاطرات دوران طلبگی خود می‌گوید:

> من می‌دیدم که در حوزه آن روز قم، تفسیر خواندن، اصلاً تکلیف درسی نبود و یک کار ذوقی محسوب می‌شد. این بود که با یکی دو نفر همفکر، جمعی نُه نفره درست کردیم و تصمیم گرفتیم در حوزه قم و در معرض دید طلبه‌ها، درس تفسیر بگذاریم و تفسیر بخوانیم. آن روزها حوزه اصلاً تنوّع درسی امروز را نداشت. طلبه‌ها درس تفسیری را که برای حاج میرزا خلیل کمره‌ای در مسجد نو (پشت شیخان) گذاشته بودیم یا مباحثه تفسیری را که در ایوان مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام داشتیم، می‌دیدند و می‌خندیدند و رد می‌شدند و می‌گفتند: این‌ها در شب‌های درس و تحصیل، تفسیر می‌خوانند! خوب، ما می‌خواستیم درس تفسیر و درس عقاید و درس حدیث، در حوزه رواج پیدا کند و خودمان هشت نُه نفری، همین درس‌ها را در جنب درس‌های فقه و اصولمان می‌خواندیم و در مورد وضعیت مسلمان‌های دنیا هم مطالعه و گفتگو می‌کردیم و من خودم هر نوبت که برای سر زدن به اقوامم به تهران می‌رفتم، کتاب‌های تازه‌ای می‌خریدم که ببینم در دنیا و جهان اسلام و در ایران و در قشر روشن‌فکر ما چه می‌گذرد. (عسکری، تابستان ۱۳۸۰: ۶)

حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ محسن قرائتی نیز در ضمن بیان خاطرات دوران تحصیل خود در حوزه علمیّه قم می‌نویسد:

---

۱. محمد اسفندیاری در کتاب «**پیک آفتاب، پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیةالله سید محمود طالقانی**» (قم، صحیفه خـرد، ۱۳۸۳) در بخش «دانش اندوزی» به تلاش‌های آیةالله طالقانی و برخی دیگر در استقرار کرسی درس تفسیر و فلسفه در حوزه علمیه قم به دست آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای اشاره کرده است.

... علّامه عسکری می‌فرمود: من و آیةالله طالقانی، دو طلبهٔ سیّد بودیم که پیش مرحوم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای تفسیر می‌خواندیم. [در حوزه علمیّه قم تنها همین] یک تفسیر بود. ... (قرائتی، بهار ۱۳۷۵ : ۱۱۰)

بعدها که علّامه میرزا خلیل کمره‌ای به تهران آمد، دروس خود را در مسجد فخرالدوله و نیز در منزل ادامه داد. ناگفته نماند که خانم اشرف‌الملوک فخرالدوله (۱۲۶۱-۱۳۳۴ ه.ش) که بانی احداث مسجد بود، با شنیدنِ آوازه آیةالله کمره‌ای، از طریق فرزندش دکتر علی امینی از معظم له جهت امامت مسجد فخرالدوله دعوت کرد که موردپذیرش ایشان واقع شد. (← کمره‌ای، ۱۹ آذر ۱۳۹۱: ۱۱)

درعین‌حال معظم له به نگارش تفسیری بر قرآن مجید مبادرت کرد که امید است در آینده منتشر شود. استاد آیةالله سیّد هادی خسروشاهی اشاره دارد که معظم له در مقطعی درس تفسیر قرآن در منزلی در خیابان عین الدوله تهران داشتند:

منزل حاج موسی پاتوق مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آیةالله طالقانی بود و آقای کمره‌ای یک مجلس تفسیر خصوصی هم بعضی پنجشنبه‌ها یا جمعه‌ها در منزل وی داشتند که من هم هر وقت به تهران می‌آمدم در آن شرکت می‌کردم.[1] (نیز ببینید: خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۴۲)

مرحوم استاد میرزا علی‌اکبر غفّاری نیز از شاگردان آیةالله کمره‌ای در تهران بوده است و محضر درس معظم له در تکوین شخصیّت علمی او مؤثر بوده است. (غفّاری، خرداد ۱۳۶۵: ۴؛ منتظری، اردیبهشت ۱۳۸۸: ۱۴)

■ اقامت در تهران

تقریباً همزمان با تأسیس حوزه علمیّه قم، ایران آبستن وقایع سیاسی مهمی بود که با تغییر سلطنتِ قاجاریه به پهلوی و اتخاذ سیاستِ باستان‌گرایی افراطی و غربی سازی اجباری جامعه، تبعات مُخرّب آن بر زندگی ایرانیان نمایان شد. اقدام آیةالله حائری یزدی

---

۱. گفتگو با استاد سیّد هادی خسروشاهی، مجاهدین و حزب توده در خط امام! (بخش نخست)، نقل از وبگاه رسمی استاد سیّد هادی خسروشاهی: khosroshahi.org

در تأسیس حوزه علمیّه قم اقدامی هوشمندانه بود. آیةالله شبیری زنجانی در این زمینه می‌نویسد:

> شنیدم از آقای خمینی پرسیده بودند: شما جمهوری اسلامی تشکیل دادید، چرا استاد شما آقای حاج شیخ در این فکرها نبود؟
> آقای خمینی فرموده بود: در دورهٔ رضاخان در قم حوزه علمیّه تشکیل دادن کمتر از تشکیل جمهوری اسلامی در این دوره نبود. در دوره‌ای که رضاخان همهٔ مظاهر دین را نابود می‌کرد، حاج شیخ در کنار مرکز دولت، متصل به تهران، حوزهٔ علمیّه تشکیل داد. (شبیری زنجانی،۱۳۹۲ : ج۲ / ۵۰۱)

و از سروده‌های امام خمینی است در مدح حضرت حاج شیخ عبدالکریم حائری:

راستی این آیةالله گر در این سامان نبودی
کشتی اسلام را از مِهر پشتیبان نبودی
دشمنان را گر که تیغ حشمتش بر جان نبودی
اسمی از اسلامیان و رسمی از ایمان نبودی (دیوان امام خمینی)

نمونه‌ای از سیاست‌های ضد دینی رژیم پهلوی در سیاستِ «کشفِ حجاب» مشهود است. کشف حجاب در ۱۷ دی ۱۳۱۴ به‌صورت قانون درآمد و در ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ طی جشن فارغ‌التحصیلی دخترانِ بی‌حجاب در دانشسرای مقدماتی رسماً اجرایی شد.

در آن دوران برخی از فعالان فرهنگی وابسته به غرب و نیز معدودی از روحانی‌نمایان درباری مانند علّامه وحیدی به نشر مقالات و آثاری در حمایت از کشف حجاب پرداختند؛ و تا آنجا پیش رفتند که همچون علّامه وحیدی، با کشف حجابِ همسرشان در جشن‌های کشف حجاب و توهین به مقدسات اسلامی شرکت کردند، و در همان زمان علّامه وحیدی قصیده‌ای با این مطلع سرود: «به شرع احمد مرسل حجاب لازم نیست ...» امّا علمای اصیلِ حوزه‌های علمیّه امامیّه و نیز پاره‌ای از اندیشمندان و شاعران غیر حوزوی به مبارزه بی‌امان فرهنگی در دفاع از قرآن و عقاید دین و ازجمله ضرورت حجاب اسلامی پرداختند. سرکوب قیام مردم در مسجد گوهرشاد و وقایع دردناک پیرامونی آن در جای‌جای کشور ایران موجب شد تا رژیم به سیاستِ سرکوب روحانیت روی آورد. انتقال اجباری آیةالله کمره‌ای به تهران در چنین زمانی روی داد:

> ایشان سال‌ها در قم بودند و درس می‌خواندند و درس می‌دادند تا مسئلۀ کشف حجاب پیش آمد. تجّار تهران به مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری نامه می‌نویسند که ما زن و بچه‌مان در تهران ناراحت‌اند؛ من دیده بودم پاسبان‌ها می‌دویدند و چادرِ زنان را پاره می‌کردند، من با چشم این وقایع را دیده بودم. بعد مرحوم حاج شیخ تلگرامی به رضاشاه می‌کند که من از شما خواهش می‌کنم که دستور دهید که لباس زنان به عهده خودشان باشد. [کشف حجاب مُلغی شود] محتوایش این بود. شاگردان ایشان ازجمله پدر ما این نامه را با خط دستی می‌نویسند، آن موقع دستگاه تکثیر نبود، رضاشاه در دستگاه حاج شیخ جاسوس داشت و جاسوس‌ها به رضاشاه اطلاع می‌دهند و رضاشاه دستور می‌دهد هرکس که این را نوشته دستگیر کنید. پدر ما را دستگیر کردند و به تهران آوردند ؛ مدتی زندان بود. ایشان را از زندان که آزاد می‌کنند تعهد می‌گیرند که شما حق ندارید به قم بروید؛ و حق ندارید از حوزۀ قضایی تهران خارج شوید؛ حتی حضرت عبدالعظیم و شمیران هم نمی‌توانید بروید. بالاخره این سبب می‌شود که می‌آیند تهران و بمانند. در این مدت که در تهران ساکن بودند، حدوداً پنجاه سال، این تألیفات که بیش از پنجاه جلد است، تألیف شد. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

حجةالاسلام والمسلمین حاج‌آقا ناصرالدین کمره‌ای درباره دستگیری مرحوم پدرشان، توضیحات بیشتری را مکتوب کرده‌اند:

> در رابطه با حادثه خونین مسجد گوهرشاد مشهد، تغییر لباس عمومی و کشف حجاب، معظم له که به دعوت عده‌ای از مؤمنین و تجار همدان از طریق اراک عازم همدان بودند، توسط رییس شهربانی وقت اراک توقیف و روز بعد تحت‌الحفظ از طریق قزوین (نه قم) به تهران منتقل و مستقیماً تحویل بازداشتگاه شهربانی شدند. پس از ۳۱ روز که در زندان انفرادی محبوس بودند، با سپردن تعهد و التزام کتبی مبنی بر عدم خروج از حوزه قضائی تهران (حتی حضرت عبدالعظیم و شمیران) ایشان را آزاد نمودند. (کمره‌ای، ۱۳۸۶: ۱۲)

آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای خود در شرح وقایعِ آن دوره در مصاحبه با مجلۀ یاد می‌گوید:

> او [شیخ محمدتقی بافقی] قبل از حاج شیخ به قم آمده بود، خیلی هم مقدس بود. می‌گفت: این طلبه‌ها سپاه امام زمان هستند و پول می‌داد که برای آن‌ها

کتاب بخرند. در یک شب عیدی، زن رضاشاه برای زیارت به قم آمده بود و می‌خواست به حرم برود. حاج شیخ محمدتقی، بی‌پروا حمله کرد که این‌ها [زنان بی‌حجاب] را از حرم بیرون کنید، دادوفریاد کرد، به‌طوری‌که زن‌ها ترسیدند. اعتراض آشیخ محمدتقی این بود که چرا زن شاه بدون حجاب آمده و (به بی‌حجابی) تظاهر کرده است. این موضوع را فوراً به رضاشاه خبر دادند و او که آدم قلدری بود، بلافاصله حرکت کرد و به قم آمد. آن‌وقت دستور داد شیخ محمدتقی را از حرم بیرون کشیدند. شیخ هم در مقابل او خاضع نشد و گفت تو خودت بدبخت و شقی هستی ... این بود که شاه عصایش را کشید و زد توی سر شیخ محمدتقی، بعد هم او را جلب کردند و به زندان بردند.

ازاینجا بی‌احترامی به حوزه شروع شد. مرحوم حاج شیخ عبدالکریم با این‌ها مدارا می‌کرد تا بتواند حوزه را نگاه دارد. این رفتارهای تند، حوزه را به هم می‌ریخت و ما آن روز، قدرت مقاومت با این‌ها را نداشتیم.

به‌هرحال، این کار آقای بافقی، تقریباً جرئت آن‌ها را به حوزه زیاد کرد، چون خود شاه آمد و توی حرم رفت و در همان‌جا شیخ را کتک زد و بیرون کشید.

متعاقب این جریان، قضیهٔ فرماندار قم اتفاق افتاد. قضیهٔ فرماندار این بود که: یک روز، فرماندار قم از صحن بزرگ به صحن کوچک آمده بود، که به حرم برود. من هم با آقا میرزا عبدالله اشراقی و چند نفر دیگر در مقبرهٔ محمدشاه نشسته بودیم و مباحثه می‌کردیم. او چنین تصور کرده بود که ما عمداً بی‌احترامی کرده‌ایم و در مقابل او بلند نشده‌ایم. درصورتی‌که فاصله‌اش با ما، بیشتر از صد قدم بود، ما هم متوجه او نشدیم. خلاصه، (فرماندار، قاصدی را) به منزل حاج شیخ فرستاد و حاج میرزا مهدی را خواست. حاج میرزا مهدی هم مثل عقلِ حاج شیخ بود، مثل وزیرِ حاج شیخ بود. فرماندار در آنجا مطرح کرد که آقایان به من بی‌احترامی کرده‌اند. حالا، اگر بی‌احترامی هم بود، همه کرده بودند، تنها من نبودم. امّا نمی‌دانم چطور شد از میان آن‌ها فقط مرا نشان داد. میرزا مهدی هم به سراغ من فرستاد که به منزل حاج شیخ تشریف بیاورید. من هم رفتم.

در آنجا، مرحوم حاج شیخ به من گفت: خواهش می‌کنم شما هم مثل حاج شیخ محمدتقی کاری نکنید که حوزه به هم بخورد.

گفتم: و الله من کاری نکرده‌ام.

گفت: چرا فرماندار عبور می‌کرده، شما جلویش پا نشدید؟

گفتم: مگر بناست فرماندار که از آن‌طرف می‌رود، ما جلویش بلند شویم. این چه جور احترامی است.

حاج شیخ گفت: مختصر اینکه مثل حاج شیخ محمدتقی رفتار نکنید.

من هم بلند شدم و با تعرض بیرون آمدم. درسی داشتیم، من بودم و آقای خمینی و آقای مجتهدی. قضایا را برای آن‌ها گفتم، آقای خمینی هم، پا شد و آمد لب پشت‌بام مدرسهٔ فیضیه، دادوفریاد کرد که: دیگر آن روزها گذشت، این توقعات بیجا دیگر چیست؟ و تقریباً، اعتراضش به حاج شیخ هم بود. آقای خمینی از همان اوّل جرئت داشت، خیلی هم جرئت داشت.

خلاصه، به‌عنوان اعتراض به‌طرف خراسان حرکت کردم. به مشهد رفتم (و در آنجا ماندم) تا اینکه قضیهٔ بهلول، باعث تعطیل درس‌ها شد، (لذا من به قم آمدم). موقعی بود که درس‌ها یک ماه تعطیل‌شده بود. (در همان ایام)، یکی از تجار همدان، به نام حاج ابوالقاسم اعتماد، از من دعوت کرد که به همدان بیانید و مهمان ما باشید. من هم، با حاج شیخ خداحافظی کردم، که می‌خواهم به همدان بروم. ایشان از قضایای مشهد و نیز از غوغای مسجد گوهرشاد، خبر داشت. می‌دانست که بهلول را از منبر پائین کشیده و زندانی‌اش کرده‌اند، ولی ما خبر نداشتیم؛ ازاین‌رو، حاج شیخ آهسته به من گفت: اگر خانواده‌تان برود، بهتر از خودتان است.

گفتم: چون از من دعوت کرده‌اند، می‌روم.

گفت: خیلی خوب، خیر با خداست.

همان وقت که من حرکت کرده بودم، فرماندار برای جلوگیری از اغتشاش وارد قم شده بود، که مبادا اینجا هم مثل قضیهٔ بهلول مشهد بشود. وی، به تهران تلگراف کرده بود که حاج میرزا خلیل کمره‌ای با میرزا احمد نجفی، به‌سوی همدان حرکت کرده‌اند. آن‌ها خیال می‌کردند آقا میرزا محمد نجفی از نجف آمده، پیش خود گفتند: واویلا. اگر قم و نجف و مشهد به هم بپیوندند، انقلاب می‌شود. این بود که فوری رئیس نظمیه و مأمورانش آمدند و ما را در سلطان‌آباد اراک، تحت‌الحفظ از راه قزوین به زندان تهران آوردند. یک ماه و یک روز در

> نظمیه بودیم و بعد، آزاد شدیم. البته از ما امضاء گرفتند که باید در شهر باشید و بیرون نروید. (کمره‌ای، زمستان ۱۳۶۵: ۳۰-۳۲)

بدین‌ترتیب معظم‌له اوّل فردی است که در جریان نامه اعتراضی مرحوم آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، بازداشت و زندانی شد. خود ایشان نیز قریب به این مضمون را برای استاد دکتر صدوقی سُها بیان کرده‌اند. (ملاقات با جناب آقای دکتر منوچهر صدوقی سها، مورخ ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۹۵ه.ش)

■ خاطره‌ای از زندان

حجةالاسلام والمسلمین حاج‌آقا ناصرالدین کمره‌ای در توصیف حال و هوای علّامه کمره‌ای در زندان چنین می‌گوید:

> از پدر پرسیدم از زندان رضاشاه ناراحتی داشتید؟ گفت: من جلد اوّل «کتاب امام حسین علیه‌السلام» را با مداد تألیف کرده بودم، همراهم بود از من گرفتند و به من ندادند. ناراحتی من از زندان رضاشاه این است، دیگر بقیه‌اش چیز مهمی نیست. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

آثار علّامه میرزا خلیل کمره‌ای در زمینهٔ قیام حسینی، همچون دیگر آثارش در اوج وثاقت و اعتبار علمی است، چنانکه در پیامِ مرجع تقلید شیعه، آیةالله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی خطاب به کنگره علمی حماسه حسینی - که به‌منظور تجلیل علمی آیةالله کمره‌ای در قم به همت استاد عالی قدر آقای حاج شیخ حسین انصاریان تشکیل شد – بدان اشاره‌شده است. آیةاللهالعظمی صافی گلپایگانی در تجلیلِ آثار معظم له می‌نویسد:

> ... یکی از شخصیت‌هایی که در عصر ما به شرف این افتخار نائل گردید و در بین مؤلفان نامدار و نویسندگان جلیل‌القدر واقعه بزرگ عاشورا نام خود را به ثبت رساند مرحوم عالم جلیل و محقق متتّبع آیةالله آقای حاج میرزا خلیل‌الله فرنقی کمره‌ای بود که در ولایت و ارادت به اهل‌بیت علیهم‌السلام و خدمت به آستان قویم البیان حسینی علیه‌السلام خلوص خاصّ داشت و یک دوره کتاب بنام عنصر شجاعت به یادگار گذاشت و نام خود را جاودان نمود. ...(خبرگزاری ایسنا، یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۰، کد خبر: ۹۰۰۱)

■ فتوای حلال بودن مصرفِ گوشت ماهیان خاویاری

اولین فتوای حلال بودن مصرف گوشت ماهیان خاویاری توسط علّامه میرزا خلیل کمره‌ای صادر شده است. حجةالاسلام ناصرالدین کمره‌ای می‌نویسد:

> در سال ۱۳۷۶ هجری قمری ایشان طی سفری از طریق جاده چالوس (برای معالجه رماتیسم دست و به همراه خانواده) به رامسر رفتند و در مراجعت، به لنگرود و رشت عزیمت نموده و با احساسات بی‌شائبه‌ای از طرف عموم طبقات و بالأخص روحانیون مواجه شدند. سپس بر اثر بحثی که درباره ماهی خاویار به‌پیش می‌آید و نظر فقاهتی معظم له پرسش می‌شود، ایشان برای دیدار از شیلات و مطالعهٔ اقسام ماهی‌های خاویاری به بندر انزلی عزیمت نمودند و در آنجا با مشاهده فلس این ماهی‌ها در زیر میکروسکوپ، برای اولین بار فتوای حلال بودن مصرف گوشت این نوع ماهی را صادر نمودند.
>
> نظر به اینکه تا آن زمان اجانب به‌وسیله ایادی خود شایع نموده بودند که ماهی‌های فوق‌الذکر فاقد فلس می‌باشند و لذا مصرف گوشت آن‌ها حرام و فقط برای «صادرات با قیمت بسیار ارزان مناسب است.» ازاین‌رو فتوای فوق در جهتِ مصرف داخلی ماهی‌های خاویار حائز اهمیّت بسیاری بود. (کمره‌ای، ۱۳۶۴: ۲۵)

■ وحدت اسلامی

علّامه میرزا خلیل کمره‌ای از منادیان بزرگ وحدت اسلامی است. از ویژگی‌های کارنامه فکری و عملی او درباره وحدت اسلامی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. محور تألیفات آن جناب که همگی بر اصول مشترک اسلامی دور می‌زند: مؤسس دعوت پیامبر اکرم ﷺ؛ کتاب دعوت قرآن مجید؛ خانه دعوت کعبه معظمه و رهبران دعوت چهارده معصوم علیهم‌السلام.

۲. حضور فعال در مجامع علمی فقهی در جهان اسلام.

۳. نگارش آثاری مستند که در عین بیان عقیده شیعه امامیّه، قابل رجوع برای کلیّه پیروان مذاهب اسلامی است.

۴. اجتناب از طرح مباحث مورد اختلاف که جهان اسلام را از مسائل و مشکلات فراروی آن دور می‌کند.

پس از شهادت حاجی ایرانی بنام ابوطالب یزدی، حج به مدت پنج سال (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۷ ه.ش) متوقف شد. اولین کاروان حاجیان ایرانی در سال ۱۳۲۷ همراه با علمای بسیاری بود که از زمرهٔ آن‌ها می‌توان به آیةالله حاج سیّد محمد بهبهانی و آیةالله حاج سیّد محمدتقی خوانساری و آیةالله مرحوم فیض قمی و آقای حاج میرزا حسین فقیه سبزواری و حاج میرزا خلیل کمره‌ای (صدر، اسفند ۱۳۴۹: ص ۳۱۷ – ۳۱۸) اشاره کرد.[۱] محسن صدر (صدر الاشراف) که امیر الحاج کاروان‌های ایرانی بود، در خاطرات خود به کوشش‌های وحدت آمیز علماء جهت رفعِ سوءبرداشت‌ها و کاستن از تبلیغاتِ مخربی که علیه شیعیان در جریان بود، اشاره کرده است:

> الحق آقایان هم در این باب کوشش کردند و خودشان در مواقع جماعت اهل سنت در نماز حاضر و اقتداء می‌کردند و این رویه مستحسن و مفید اتفاق افتاد ولی از این امر نگران بودم که مبادا رؤیت ماه اوّل ذی‌الحجه مورد اشتباه واقع شود چون در اغلب سال‌ها این‌طور اتفاق می‌افتد که در حجاز روزی را که در ایران و عراق آخر ماه ذی‌قعده است اوّل ذی‌الحجه اعلان می‌کنند و اعمال حج را بر وفق آن بجا می‌آورند و در حجاز به‌حکم قاضی، اوّل ماه ثابت می‌شود و ایرانی‌ها اطمینان به آن ندارند و می‌خواهند اعمال حج را مطابق تقویم ایران و یا ثبوت رؤیت ماه در نزد علماء شیعه بجا بیاورند. این اختلاف یکی از مواردی است که ایرانی‌ها دچار اهانت و اذیت اهالی و سایر حجاج و ضرب و شتم و توقیف مأمورین حکومت واقع می‌شوند ولی خوشبختانه در همان شب اوّل که ما در مدینه بودیم جمعی رؤیت ماه را شهادت دادند و چند نفر هم از شهادت دهندگان شیعه بودند و آقای بهبهانی هم که در مدینه بودند موافقت کردند و آن سال اختلافی پیش نیامد. (همان منبع)

---

۱. اسامی علماء بنا بر نوشته مرحوم صدرالاشراف است.

طرز فکر معظم له را می‌توان از پیشنهادهای او به کنگره وحدت اسلامی که در مکّه تشکیل‌شده بود، دریافت که در نوع خود جالب‌توجه است:

یک نمونه‌ای از طرزِ فکر ایشان را خدمت شما عرض می‌کنم. شش هفت سفر مکّه رفتند. بیشتر با آیةالله آقا سیّد محمود طالقانی که شاگرد ایشان بودند و با آقای صدرایی اشکوری[1] و بعضی دیگر؛ در مکّه در کنگرۀ اسلامی شرکت کرد. از طرف کنگره اسلامی دعوت داشتند؛ ایشان سخنرانی به عربی می‌کند، سه پیشنهاد می‌دهد که آن‌ها قبول نمی‌کنند، امّا طرز فکر ایشان را می‌فهمیم.

ایشان می‌گوید مکّه و مدینه مال تمام مسلمانان روی زمین است. یکی قبله و دیگری مدفن پیغمبر ماست و این مکان‌ها اختصاصی نیستند. چون مکه و مدینه مال کل مسلمانان روی زمین است، سه پیشنهاد می‌دهم: پیشنهاد اوّل من این است که این پرده کعبه را که سالی یک‌بار آن را عوض می‌کنند موافقت کنید پرده را یک سال ایران بدهد (تُجّاری هستند در اصفهان و در کاشان نیز کارخانه ریسندگی داریم، آن‌ها درست کنند) یک سال اندونزی بدهد، یک سال مالزی بدهد و یک سال کشورهای دیگر، فقط شما اندازه (طول و عرض) پرده را بدهید. بدین طریق، ارتباط معنوی و قلبی آن کشورها با خانه خدا بیشتر خواهد شد. پردۀ کعبه را انحصاری نکنیم. این پیشنهاد اوّل ایشان بود.

پیشنهاد دوّم ایشان این بود که در موسم حج واجب که علمای کشورهای مختلف برای انجام می‌آیند، موافقت کنید امام جماعت یک‌بار از ایران باشد، یک‌بار از اندونزی، یک‌بار از مالزی و همینطور سایرین؛ که این امر نیز موجب می‌شود جنبۀ عمومی بودن حج محفوظ باشد.

پیشنهاد سوم معظم له این است که خطبه‌های رسول خدا ﷺ در مکه و منا و عرفات با خط بسیار زیبا و خوب نوشته شود و ترجمه آن نیز در کنارش به زبان‌های مختلف ترجمه شود تا حاجیان که به سرزمین وحی می‌آیند ببینند پیغمبرشان چه گفته است و به‌علاوه آن‌ها را چاپ کنید بدهید حاجیان همراه خود ببرند، هم در اینجا در تابلوهای بلند نئون بخوانند و هم همراهشان به

---

۱. آیةالله میر سیّد محمّدعلی صدرایی اشکوری (۱۳۳۰ – ۱۳۹۶ ه.ق) از شاگردان آیات عظام حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی؛ امام خمینی؛ سید شهاب ّالدین مرعشی نجفی سیّد محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سیّد صدر الدین صدر.

> کشورهایشان ببرند تا هر حاجی یک مبلغ پیغمبر باشد. این سه تا پیشنهاد بود. البته آن‌ها نپذیرفتند، بسیار خشک و نادان هستند و خیلی دور از واقعیّت. این نمونه‌ای از طرز فکر پدر ما بود. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

آیة‌الله کمره‌ای ویژگی‌هایی را برای رجال شورای بین‌المذاهب الخمسه پیشنهاد می‌کند که بیانگر اهتمام او به ضرورت گسترش افق‌ها و وسعت‌نظرها در میان علمای اسلام است:

شرط اوّل: فقیه و مجتهد «جامع‌الشرائط» که عضو شورای مجمع بین‌المذاهب شده است، «مقبول القول» و «نافذ الکلمه» باشد.

شرط دوّم: او علاوه بر فقه و احادیث، اطلاعات گسترده‌ای درباره محنت‌ها و مسائل جهان اسلام در طی تاریخ داشته باشد.

شرط سوم: علمای شورای مذکور باید یکدوره به سیاحت ممالک اسلامی و دانشگاه های شرق و غرب اقطار ممالک اسلامی بلکه غیر اسلامی رفته باشند و مدارس مختلف همه کشورهای اسلامی را دیده باشد.

شرط چهارم: از نظر علمی آشنا با رشته‌های ریاضیات، طبیعیات، الهیات، علم‌الاجتماع و ... باشند؛ زیرا:

> این مرجعیّت غیر از مرجعیّت در مسائل طهارت و نجاست است که فقط با کتاب سروکار دارد و بس؛ بلکه مرجعیّت اعلی در حکم بر همه مذاهب اسلامی و اصلاح برنامه‌های آن‌ها و رفع نقائص آن‌ها است که علاوه بر مطالعه کتب باید مطالعهٔ آفاق را هم کرده باشد و امم را به کتاب‌های ملل و نحل نشناسد، بلکه از نزدیک بشناسد. (کمره‌ای، بی‌تا: ۵۷–۵۸)

■ دیدار با ولیعهد وقت سعودی

دغدغه وحدت اسلامی و رفع مشکلات مسلمانان به‌ویژه پایان یافتن اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها همواره در اندیشه علّامه کمره‌ای دیده می‌شود. معظم له شرحی از دیدارش با سعود بن عبدالعزیز ولیعهد وقت سعودی را نوشته که عیناً بیان می‌شود:

اینک چون می‌بینم مفسده‌جویان بین ما ملل اسلامی و امم اسلامی و کشورهای اسلامی (مثل کشور عهد عثمانی و کشور ایران) فتنه‌ها انگیخته‌اند و بدگمانی‌های عمیق ایجاد کرده‌اند، لازم می‌دانم توضیح بیشتری بدهم.

همین‌که از حرمین شریفین به‌سوی ایران مراجعت می‌کردیم از راه ریاض بازگشتیم و گذر ما به پایتخت [سعودی] الریاض افتاد در آنجا با یک‌تن از رجال حکومت سعودی در خیمه‌هایی که برای حاجیان در برابر قصر ملک در صحرا زده بودند، شبانه ملاقات شد. نام این شخص محمد بن ضاوی منشی مخصوص امیر سعود بود که آن روز ولیعهد مملکت سعودی بود. ملاقات با این شخص برای بشکه بنزین بود که از مدینه با کاروان خمین ما آمده بود و ما به او رد کردیم که اشتباه شده، او گفت: به نظر می‌آید که شما از فقها هستید. این شخص مردی بود بسیار پخته و دنیادیده، آن شب از ما با قهوه و چای در آن خیمه پذیرایی کرد و ما را برای ملاقات امیر سعود (ولیعهد) دعوت کرد و گفت: مقام سمو امیر علاقه‌مند است فقهایی که از این دیار می‌گذرند ملاقات نماید و شما چسان در هنگام رفتن با امیر ملاقات نکردید؟

گفتم: ما آن روز درصدد حج بودیم و حاجتمند غیر از حاجت خود چیزی را نمی‌طلبد و نمی‌بیند ولکن ما هم ملاقات امیر را دوست می‌داریم تا با وی ازآنچه در حرم شریف نبوی از جانب مفسده‌جویان بر سر ما آمده شکایت کنیم و ازآنچه از مشکلات راه دیده‌ایم، سخن‌گوییم.

فردا آمد و با اتومبیل مخصوص رفتیم داخل شدیم مراسم احترام ورود ولیعهد را در اطاق، به‌رسم عربی مشاهده کردیم بعد از نشستن امیر با آن مقام و جلالش به ما بسی خوش‌آمد گفت و پرسید: آیا شما در آسایش هستید؟

من گفتم بحمدالله در آسایش هستیم و در رنج و تعب نیز؛ امّا راحت و آسایش از جهت امن بلاد و امّا رنج و آزار به واسطهٔ آزاری بود که همراهان ایرانی از مفسده‌جویانی ناشناس می‌دیدند و شکایت از آن‌ها در مثل امروز که روز سیاه و تیره‌ای است برای مسلمین؛ و مسلمین با فشار و شکنجه خود را به حج می‌رسانند به‌موقع است؛ زیرا ما امت ایران و مسلمین در این زمان تیره از طرفی مبتلا و گرفتار به اوضاع الحاد و مادیگری همسایه شمالی هستیم و از طرفی گرفتار مخمصه پروانه‌های سفر و روادید و تذکره و رسوم سرحدی و دادن باج و

خراج هستیم و بعد از نجات از این مخمصه‌های گرفتار مرحلهٔ بیابان‌پیمایی این راه‌های دورودراز و عرصه‌های سوزان و ریگزار هستیم. (به صحنه‌ای که در آن راه گم کند خورشید) و در این هامون‌ها و بیابان‌های بی‌سروته (در سر چهارراه‌ها و سه‌راه‌ها) گرفتار گم‌گشتگی و تشنگی و تلاش برای نجات جان خود هستیم و سپس با نیمه‌جانی خود را به حرم می‌رسانیم و در حرم که مأمن امن است خصوص در حرم نبوی، مفسده جویان مزاحم نمازگزارها می‌شدند تا تربتی در دست کسانی اگر هست بگیرند. وقتی‌که کودکان را می‌فرستادند که در صفوف زنان تجسس کنند، دست زنان را می‌گرفتند تا تُربت را از دست آنان بیرون بکشند و بنام گرفتن تربت از چنگ زنان که عمل منکری می‌پنداشتند، مرتکب چندین منکر دیگری می‌شدند. من از این وضع شکایت دارم و از وضع سرگشتگی بیابان شکایت دارم مگر نصب تابلو از آهن سفید یا چوب در طریق و در منی و عرفات ممکن نیست و نیز شکایت از چیزهای دیگری دارم که همهٔ این‌ها در این «ورقه» نوشته شده و آن را به مقام سامی «امیر» تقدیم می‌کنم تا در آن بنگرد.

من در نوشته پنج مطلب را گوشزد کرده بودم، لکن با مداد و روی صفحه کوچکی از دفتر یادداشتی که در بغل داشتم، سپس از پیش ولیعهد خارج شدیم وی احترام کرد و مشایعت نمود. برگشتیم به همان خیمه‌گاه و بعدازاینکه ما الریاض را پشت سر گذاشتیم، بعضی از قافله‌های هم‌وطنان به ما رسیدند و گفتند: آن اتومبیلی که ولیعهد برای شما فرستاده بود، نوبت دیگر هم آمد و شما را در همان‌جا طلب می‌کرد، وقتی شما را نیافت برگشت.

روز اول ماه صفر ما به وطن برگشتیم و در اوایل سال ۱۳۶۸ قمری فرستادگان ملک ابن سعود همان روز برای ملاقات شاه به ایران آمده و هدیه‌ای که چند رأس اسب عربی بود، آورده بودند. در این موقع رسیدند و از روز ورود یا فردای آن روز به دیدار ما آمد و معلوم شد این فرستاده همان شخص محمّد بن ضاوی است به همراه یک نفر نظامی سعودی و پسر کوچکش برای دیار ما به خانه وارد شد و بر جمعیت حضّار مجلس با آن لباس ممتاز عربی خود سلام داد و سپس بعد از تحیّت همین‌که نشستند، اظهار مسرت کرد که من خودم را در ایران به تجدیددیدار شما می‌بینم و پیاده به دیار شما آمدم باآنکه سفیر دستور سیّاره

(اتومبیل) داد ولکن من گفتم: با «قدم» می‌روم (حُبّاً للفضل و العلم و الدین) یعنی برای دوستداری «فضل و علم و دین» پیاده آمدم و از جملهٔ چیزهایی که گفت این بود که همین‌که شما پایتخت الریاض را ترک کردید، سمّو امیر (مقام ولیعهد) دستور داد که آنچه شما بامداد نوشته بودید با خط روشن نوشته شود و استنساخ گردد و تا در آن نظر کنند. همین‌که استنساخ کردند و بر او عرضه کردند امر داد که «میزگرد» برای مشاوره درباره پیشنهادهای شما تشکیل گردد و با دقت در اطراف آن پیشنهادات نظر دهند. گفت: «وَ کُلٌّ قَدْ رَضَوْهُ» یعنی همه پسندیدند و مقام ولیعهد امر صادر کرد به اینکه در سال آینده مفسده‌جویان را از هرکجا که باشند به حج راه ندهند تا مردم چنانکه شما نوشته بودید هرکدام طبق مذهب خود حج بگذراند و طبق مذهب خود نماز بگزارند و طبق مذهب خود خدا را عبادت کنند، چنانکه شما نوشته بودید موبه‌مو و بدون کم‌وزیاد.

ازجمله چیزهایی که من نوشته بودم این است که ما مبتلا شده‌ایم به روزگار تیره و تاریک جنگ اعصاب عصر الحاد و بی‌دینی، در شمال کشور ما قدرت و نیرویی و امت باشکوهی است که برای خدا قدر و ارزش نمی‌نهد و به انکار خدا شعار می‌دهند. شعار آنان محاربت و مبارزه با دین و در راه انکار فکر «الله» و عقیدهٔ به خدا مبلغین و دعاة آنان شبانه‌روز در ما رخنه می‌کنند و آتش الحاد خود را روز بروز بر می‌افروزند، علاوه بر این در میان خود ما نیز دسته‌ها گروه‌گروه از جوانان هستند که تعلیمات ناقص خالی از خِرَد، مغز آن‌ها را پرکرده، آن‌ها استهزاء می‌کنند به ایمان ما، به تحمل رنج و مشقات سفر حج ما استهزاء می‌کنند، به نماز ما استهزاء می‌کنند، به روزه ما استهزاء می‌کنند.

و در این روزگار هولناک و عصبانی ممالک اسلامی را سلسله‌های سلطه اجنبی و بیگانه احاطه کرده و هر کشوری و هر امتی از ممالک اسلامی در قفای خود دشمنی دارد که از پشت سر خنجر کشیده فرصت می‌جوید که با طعن سرنیزه به قلب او ضربتی وارد کرده حیات او را خاتمه دهد.

این ممالک عربی و این مشکله اسرائیل و یهود، این فلسطین است که از قفای او یهود و حمایت کشان یهود خنجر علیه او دارند.

این مسلمین مراکش و الجزایر و تونس است که از قفای آن‌ها فرانسه دشمن لجباز عنود در پی است.

این پاکستان که از قفای آن‌ها هُنُود و هر ظالم عنود در کار هستند.
این مسلمین ایران‌اند که از قفای آن‌ها الحاد مارکسیست و ماتریالیست در پی است
این مصر، و این حجاز و این یمن و این عدن که هرکدام دشمنی در قفا مانند اژدها دارند.
پس در مثل این روز تیره و عصبانی بر پادشاهان اسلام حتم است که اتباع مسلمین را در آغوش بگیرند و در راه نگهداری آن‌ها جان‌فشانی کنند و سلطانی که در قبله و پادشاه قبله است ممکن است از موقعیت یگانه اختصاصی خود استفاده کرده، فوایدی که همه مسلمین را فرابگیرد، در نظر گیرد و اکتفا کند به کلمهٔ قدر جامع، چون قبلهٔ آن‌ها قبلهٔ واحد است، کتاب آن‌ها کتاب جامع و پیشوای آن‌ها پیشوای بزرگ دانا و کتاب آن‌ها کتاب محکم است.
آیا وقت آن نرسیده است برای پادشاهان ایمان که قلوب آنان برای یاد خدا خاشع باشد و نگذراند این مشتی مسلمان باقی‌مانده بیش از این پراکنده و پریشان شوند. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ» (الحدید، بخشی از آیه ۱۶) سپس مهمان تازه‌وارد محمّد بن ضاوی همین‌که مجلس را مجمعی پر از علماء دید اشاره به فرزند کوچکش کرد و گفت: پسر من قرآن می‌خواند اجازه می‌دهید که قرائت کند؟ پسرک قرآن خواند و نیکو خواند. سپس در پایان هدیه‌ای که برازنده من و لایق او بود، کتاب مبارک صحیفهٔ سجادیه که با قطع کوچک بغلی و خطّ بسیار روشن و طلاکاری و تذهیب شده بود، به‌عنوان جایزه به او تقدیم گردید و دعوت مهمانی از او شد و پذیرایی‌های گرمی از طرف هم‌قطاران از او به عمل آمد، همین‌که این مهمان گرامی از ایران به کشور سعودی مراجعت کرد، من به همراه او کتاب (شرح نهج‌البلاغه) را به‌عنوان هدیه برای مقام ولیعهد امیر سعودی ارسال داشتم و خواستم این کوکب فارسی در کتابخانه دربار ملک وسیلهٔ رابطهٔ علمی باشد. بعد از جانب ولیعهد نامه‌ای رسید که خبر وصول کتاب را توأم با تشکر ولیعهد از مؤلف متضمن بود. (کمره‌ای، ۱۳۸۲: ۲۷ – ۳۲)

■ سفر به پاکستان

یکی دیگر از سفرهای وحدت‌آفرین آیةالله کمره‌ای، سفر معظم له به همراه آیةالله طالقانی به پاکستان جهتِ شرکت در کنفرانس بین‌المللی شعوب المسلمین پاکستان بود. در سال ۱۳۳۱ شمسی، آیةالله کمره‌ای بنا به دعوت جمعیّت شعوب المسلمین پاکستان به همراه آیات عظام حاج سیّد محمود طالقانی، سیّد صدرالدین بلاغی[۱] و سیّد رضا زنجانی برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی شعوب المسلمین به کراچی عزیمت کرد. در یکی از روزهای کنفرانس، وی به ریاست کنفرانس برگزیده شد و درباره اتحاد اسلامی بین ملل و دول مسلمان تأیید و تأکید بسیار کرد. (کمره‌ای، ۱۹ آذر ۱۳۹۱ : ۱۱)

از منابع مطالعاتی این سفر پربرکت می‌توان به کتاب علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای با عنوان «پیام به کنگره‌های اسلامی هند: حیدرآباد لکهنو» اشاره کرد.

■ دیدار با شیخ محمود شلتوت

در خاطره دیدار با شیخ شلتوت، شاهد نوعی هوشمندی و بصیرتِ تمام در شناخت اولویت‌ها و نیازهای اساسی جهان اسلام در وجود آیةالله کمره‌ای هستیم. برخی از همراهان ایشان، اولویت اصلی خود را در انجام حج عمره می‌دانند ولی آیةالله کمره‌ای اولویت را در سفر به قاهره به‌منظور تجلیل از شیخ شلتوت و تقویت مؤسسه نوپای دارالتقریب قاهره می‌داند که آیةالله سیّد محمود طالقانی نیز با ایشان هم‌نظر می‌شود، نظری که توسط آیةالله العظمی بروجردی مورد تأیید قرار می‌گیرد:

> درباره دیدار معظم له با شیخ محمود شلتوت نیز - که شما شرح آن را در مقدمه [کتاب کلید امن جهان در پرتو پیام رسول خدا ﷺ] نوشته‌اید و عکس آن نیز موجود است، ایشان با آیةالله طالقانی و چند نفر آقایان دیگر به اردن می‌روند تا در یک کنگره اسلامی در (امان) پایتخت اردن شرکت کنند. داماد ما مرحوم

---

۱. آیةالله سید صدر الدین بلاغی » (متوفی ۱۳۷۳ ه.ش) از آثار اوست: «قصص قرآن»، «ترجمه صحیفه سجادیه»، «محمد پیامبر رحمت»، «برهان قرآن».

آیةالله کاشفی خوانساری[1] هم همراهشان بوده است، کنگره که تمام می‌شود، پدر ما پیشنهاد می‌کنند که ازاینجا به مصر برویم برای تشکر از جناب شیخ شلتوت مفتی اعظم مصر و رییس الأزهر که شخصیّت اوّل روحانی مصری بود. اختلاف می‌شود. برخی می‌گویند برویم مکّه و عمره بجا آوریم. پدر من می‌گوید ما عمره بجا آورده‌ایم؛ امّا امروز روزی است که باید از فتوای این مردِ بزرگ تشکر شود و احترام شود؛ چون در طول تاریخ اسلام اولین بار است که مرجع بزرگ سنی‌ها رسماً فتوا می‌دهد فقه شیعه سبب نجات است و یکی از فقه‌ها و رشته‌های اسلامی است و در صراط مستقیم است. چهار مذهب بودند، با این فتوا می‌شود پنج مذهب (حنفی و مالکی و حنبلی و شافعی و شیعه) اختلاف می‌شود بینشان؛ در آنجا ایشان پیشنهاد می‌کند به قم تلفن کنیم ببینیم نظر حضرت آیةالله بروجردی چیست؟ چون آیةالله بروجردی مرجع تقلید آن زمان بودند. تلفن می‌کنند و پدر ما پیشنهاد خود را به ایشان می‌گوید. ایشان می‌گوید: حتماً به مصر بروید و از قول من هم از ایشان تشکر کنید و اصلاً ایشان را دعوت کنید تشریف بیاورند ایران، مهمان ما در قم باشند ، لذا می‌روند به مصر برای ملاقات جناب شیخ محمود شلتوت. با ایشان سه تا ملاقات می‌کنند که عکس یکی از آن‌ها موجود است. (ملاقات دوم، ۳/ ۱۰/ ۱۳۹۴)

و درجایی دیگر ایشان به شرح سفرهای تقریبی آیةالله کمره‌ای و آیةالله سید محمود طالقانی در اردن و پاکستان و مصر پرداخته‌اند:

---

۱. آیةالله سید مصطفی موسوی خوانساری، ملقب به«کاشفی» (۱۳۴۴-۱۴۱۲ ق) از دانشمندان تهران بود. معظم له در قم مقدمات و سطح را در مدرسهٔ سیّد صادق روحانی به مدت هفت سال به پایان برد و از بدو ورود آیةالله سید حسین طباطبائی بروجردی به قم در درس ایشان شرکت جست. از آثار اوست: «ازدواج در اسلام» و «حاشية علی شرح اللمعة الدمشقية». در تهران از دنیا رفت و در جوار «شاهزاده احمد قاسم» به خاک سپرده شد. (جواهر کلام، ۱۳۸۲: ج۴ / ص ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸) درباره زندگی و اندیشه‌های معظم له کتاب زیر منتشر شده است:

سیّد محمدعلی کاشفی (۱۳۹۲ ه.ش) شرح صفا یادنامه آیةالله العظمی آقای حاج سیّد مصطفی موسوی خوانساری (کاشفی خوانساری) تهران (چاپ اول) شرکت چاپ و نشر بین‌الملل. (به مناسبت بیستمین سالگرد رحلت معظم له)

مرحوم پدرم دید بسیار باز و جهانی داشتند و با اکثر مراکز اسلامی و به‌ویژه مراکز اهل سنت در سراسر جهان ارتباط داشتند و مکاتبات بی‌شماری را با این مراکز انجام می‌دادند و کتب و جزوات متعددی نیز بین آن‌ها ردوبدل می‌شد. ایشان به جِدّ اعتقاد داشتند که از هر حرکتی که موجب سوءاستفاده دشمنان اسلام و تضعیف وحدت بین فِرَق اسلامی می‌شود، باید به‌شدت پرهیز کرد. همان‌طور که اشاره کردید چندین کنگره در کشورهای اسلامی برگزار شدن که مرحوم پدر همراه مرحوم طالقانی در آن‌ها شرکت کردند. اولی در کراچی پاکستان بود که از طرف جمعیت «شعوب المسلمین» برگزارشده بود. حضور این دو بزرگوار همراه با عده‌ای دیگر در آن کنگره، بسیار مورد استقبال واقع شد و بسیار هم مؤثر بود. کنگره دیگری هم در اردن هاشمی برگزار شد که من خودم دعوت‌نامه را خدمت آقای طالقانی بردم، چون دعوت‌نامه ایشان را به منزل ما فرستاده بودند. یکی دو شب قبل از عزیمت، مرحوم پدر و مرحوم طالقانی و من به قم رفتیم تا از مرحوم آیةالله بروجردی خداحافظی کنیم، چون این دو بزرگوار به نمایندگی از ایشان در آن جمع شرکت می‌کردند. ایشان بسیار محبت و بزرگواری فرمودند و این حرکت را تأیید کردند. موقعی که از قم برگشتیم مرحوم پدرم و مرحوم طالقانی با هواپیما به اردن رفتند. پس از برگزاری کنگره، مرحوم پدرم به مرحوم طالقانی و چند نفر دیگر پیشنهاد می‌دهند که برای دیدار از شیخ شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر و مفتی اعظم مصر و برای تشکر از ایشان به مصر برویم. شایان‌ذکر است که در آن دوران مرحوم شیخ شلتوت فتوای عمل به احکام مذهب شیعه را صادر کرده بودند که درواقع، حکم شکستن یک طلسم را داشت و خدمت بزرگی به شیعه کردند. به‌هرحال آقای طالقانی این رأی را پسندیدند، درحالی‌که بسیاری از همراهان اصرار داشتند که برای حج عمره به مکه بروند. پدرم تصمیم گرفتند به قم تلفن بزنند و از آیةالله بروجردی هم کسب تکلیف کنند. آیةالله بروجردی وقتی سخنان والدِ معظم را می‌شنوند، می‌گویند، «حتماً به مصر بروید و از طرف من، شیخ شلتوت را به قم دعوت کنید.» به‌این‌ترتیب آقایان به مصر رفتند و سه بار با مرحوم شیخ محمود شلتوت ملاقات کردند و از فتوای ایشان در مورد عمل به فقه شیعه و نبودن تفاوت بین فقه اهل تسنن و شیعه، تشکر و دعوت آیةالله بروجردی را به ایشان ابلاغ

> کردند. من در آن سفر همراه این هیئت نبودم، امّا از مرحوم پدرم شنیدم که می‌گفتند شیخ شلتوت گفته بود، «من تمام کتب فقهی شما را مطالعه کرده و سپس این فتوا را داده‌ام.» و منظورشان این بود که فتوای ایشان جنبه سیاسی نداشته و کاملاً علمی و متکی بر تحقیقات و مطالعات عمیق بوده است. شیخ شلتوت گفته بودند که: «من کتب فقهی شیعه را از نجف درخواست کرده بودم، ولی زمانی که مصر در اشغال انگلیسی‌ها بود، آن‌ها اجازه ورود این کتاب‌ها را به مصر ندادند و بعد از ملی شدن کانال سوئز و رفتن انگلیسی‌ها بود که این کتاب‌ها به دست من رسید و آن‌ها را با دقتِ کامل خواندم و این فتوای تاریخی را صادر کردم.» به‌هرحال یک مفتی شاخص و بزرگ اهل تسنن از فقه شیعه چنین تجلیلی و چنین فتوای بزرگ و مهمی را صادر کند، نشانه کمال شجاعت و فهم و آزاداندیشی اوست. شیخ شلتوت دعوت آیةالله العظمی بروجردی را می‌پذیرند، امّا متأسفانه این مسافرت صورت نمی‌گیرد و هر دو بزرگوار پس از چندی از دنیا می‌روند. ظاهراً با انور سادات هم ملاقات داشتند. انور سادات خواسته بود که با علمای ایران ملاقاتی داشته باشد. او در آن دوران به‌عنوان یک افسر آزاد شناخته می‌شد و هنوز اتفاقات بعدی پیش نیامده بودند. سادات چون در آن مقطع چهره چندان شاخصی نبود، محملی پیش نیامد که من از مرحوم پدر بپرسم که چرا این ملاقات صورت گرفت. این بحث‌ها و حساسیت‌ها در سال‌های بعد اتفاق افتادند. (کمره‌ای، شهریور ۱۳۸۶: ۱۲۳)

درباره مقدمات سفر معروف آیات عظام کمره‌ای و طالقانی به اردن و مصر چنین نوشته‌اند:

> چندی پیش نامه‌های دعوتی یک‌جا از طرف آقای دکتر سعید رمضان[۱] برای اشخاص معدودی از طهران به‌منظور شرکت در مؤتمر اسلامی قدس شریف رسید که از طرف آقای والد معظم به آن آقایان برسد آقای دکتر سعید رمضان در این وقت از ترکیه به طهران و بعد از توقف کوتاهی از طهران به پاکستان رفت و باز به ایران برمی‌گشت. دکتر رمضان نام چند تن را برای افتخار شرکت در مؤتمر اسلامی تعیین کرده بود و پیام داده بود که این اوراق دعوت باید به آنان برسد. علاوه بر دعوت رسمی، از جناب آقای صدر الاشرف رییس مجلس سنا به

۱. استاد سعید رمضان داماد مرحوم حسن البنا است.

صورت خصوصی هم دعوت به عمل‌آورد و تلگرافی هم از طرف دکتر رمضان از ترکیه به ایشان شده بود.

دکتر رمضان از علّامه بزرگوار آقای حاج سید محمود طالقانی[۱] و آقای مهندس بازرگان[۲] و دیگری هم نام برده بود. آقای والد نامه‌ها را برای اشخاص فوق‌الذکر ارسال داشتند آقای جلال مجدپور ابراز علاقه کردند که مرا افتخار زیارت بیت‌المقدس آرزو است (این آرزو لباس عمل پوشید.)

وی (بعد از مراجعت آقایان از سفر) در مصر ماند که به‌موقع به حج بروند. بعد از چند روز سفیر کبیر کشور اردن هاشمی جناب (سعد جمعه) به همراه آقای رهنما به دیدار «والد معظم» [میرزا خلیل کمره‌ای] تشریف‌فرمای منزل شدند، در ضمن این دعوت را تجدید فرمودند که مردم باید از بزرگان علماء درس صیانت مسجدالاقصی را بشنوند. حضرت والد دراین‌باره شرحی به پیشگاه حضرت آیة‌اللهالعظمی آقای بروجردی (مدظله) نوشتند و رأی خود را ابراز فرمودند: «که من معتقدم ابراز همدردی با برادران مسلمین بیت‌المقدس در این موضع به‌موقع و به‌جا است. ممکن است خالی گذاشتن مؤتمر از نمایندگان شیعه بی‌اعتنایی به مصالح عالیه اسلام محسوب شود بلکه دلجویی از آوارگان فلسطینی به وسیلهٔ اعانهٔ آبرومندی، خود آبروی شیعه است و ترک آن دلیل بر بی‌کسی مسلمین در موقع مصیبت است. جواب حضرت آیة‌اللهالعظمی بروجردی رسید. در آخر آن

---

۱. آیة‌الله سیّد محمود طالقان (۱۲۸۹ – ۱۳۵۸ ه.ش) صاحب تفسیر «پرتوی از قرآن»، متولد روستای گلیرد طالقان، از شاگردان آیات عظام: حجّت، خوانساری، عبدالکریم حائری (که از معظم له اجازه اجتهاد داشت) و حاج میرزا خلیل کمره‌ای است. در مبارزات ملّی شدن صنعت نفت ایران از همراهان آیة‌الله کاشانی بود و از ابتدای نهضت انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به آن پیوست و رنج سال‌ها زندان و تبعید را به جان خرید. آیة‌الله طالقانی در سال ۱۳۳۸ش همراه علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای به مصر رفت و پیام آیة‌اللهالعظمی بروجردی را به شیخ محمود شلتوت، مفتی بزرگ مصر رساند و در کنگره اسلامی دارالتقریب قاهره شرکت کرد. معظم له اولین امام‌جمعه شهر تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

۲. مهدی بازرگان (۱۲۸۶ - ۱۳۷۳ ه.ش) مهندس، سیاستمدار و دولتمرد ایرانی، نخستین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ – ۱۳۵۸ ه.ش) او مؤسس جمعیّت نهضت آزادی ایران است. از آثار اوست: آموزش قرآن؛ خاطرات سفر حج؛ سرِّعقب افتادگی ملل مسلمان.

چنین مرقوم بود: «اما راجع به اجابت دعوت بیت‌المقدس و اعانه برای آوارگان ارض فلسطین، هرگاه خود شما تصمیم برفتن گرفتید، من مطلع شوم. ۲ رجب ۱۳۷۹هـ)

والد [علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای] پس از چند روز تأمل دراین‌باره تصمیم گرفتند و البته شوق اصلی به زیارت بیت‌المقدس نیز از طرفی و اصرار و الحاح جناب آقای دکتر ابوالحسن شیخ که در کنگرهٔ پیشین مؤتمر شرکت فرموده بود و از نزدیک حرارت عرب و مسلمین را دراین‌باره مشاهده کرده بود؛ از طرف دیگر مؤثر در اراده بود. سپس آقای والد با وسیلهٔ تلگراف به اطلاع قم رساندند که این‌جانب عازم شدم اجابت این دعوت را برای زیارت بیت‌المقدس و ابراز همدردی با برادران اسلام لازم شمردم برای دعای سفر و کسب نظر عالی با همراهان عازم شرفیابی هستیم.

در این موقع تقاضای تذکره داده‌شده بود و نام آیةالله آقای حاج سیّد مصطفی کاشفی داماد بر نام آقایان افزوده‌شده بود.

در این اثناء آقای دکتر سعید رمضان از پاکستان بازگشت وی در این وقت مقاصد حسنه مؤتمر اسلامی را برای روشن شدن افکار عمومی به خبرنگاران در مصاحبه مطبوعاتی تشریح کرد و از والد گرامی خواستار شدند که دیدار ایشان را در سفارتخانه اردن اجابت کنند. ضمناً بازید سفیر اردن هاشمی هم لازم بود (حضرت والد چندی قبل یعنی در تابستان هم دکتر سعید رمضان را در طهران در منزل جناب حاج ابوالفضل حاذقی در مجمعی با حضور جناب آقای صدرالاشرف[1] دیدن کرده بودند در سفارتخانه هم جناب آقای صدر الاشرف با عده‌ای حضور داشتند و دکتر سعید رمضان از (جناب آقای صدر) از جانب ملک حسین پادشاه اردن هاشمی خصوصی دعوت کرد. آقای صدر با اظهار اشتیاق به درک این ثواب می‌فرمود: گرفتاری‌های زیاد مانع است و مزاج هم مساعد نیست. آقای سعید رمضان با امید تجدیددیدار در بیت‌المقدس خداحافظی کردند.

و گفتگو شد که مؤتمر اسلامی (هرگاه آقای والد بپذیرند) بلیط هواپیما در اختیار بگذارند و آقا فرمودند: ردّ احسان درست نیست. دکتر سعید رمضان اظهار کرد در

۱. محسن صدر معروف به صدر الاشراف (۱۲۴۸ – ۱۳۴۱ ه.ش) دولتمرد ایرانی، نخست‌وزیر (۱۳۲۴ ه.ش) وزیر دادگستری (۱۳۱۲ – ۱۳۱۵ ه.ش) و رییس مجلس سنا (۱۳۳۴ ه.ش)

مصاحبۀ مطبوعاتی به خبرنگاران مقاصد ما چنین و چنان اظهار شد و اظهار کرد که دیروز با آقای سفیر کبیر (سعد جمعه) برای زیارت حضرت آیةالله بروجردی و دعوت معظم له به قم رفته بودم، وی از دیدار حضرت آیةاللهالعظمی مدظله فوق‌العاده مسرور بود و این ملاقات را به فال نیک گرفته بود.

تهیه گذرنامه اگر جدیت آقای دکتر شیخ نبود کارش به‌جایی نمی‌رسید. و می‌فرمود: تحمل هرگونه سختی برای درک ثواب ورود به مسجدالاقصی و درک فیض بیت‌المقدس که محل نشو و نمای انبیاء ﷺ است؛ گوارا می‌باشد.

شبی که به زیارت قم مشرف شدیم مخلص افتخار خدمتگزاری «والد معظم» و مصاحبت جناب استاد عالی‌قدر آقای طالقانی و جناب آقای کاشفی و آقای دکتر شیخ را داشتم و درک زیارت حضرت آیةاللهالعظمی بروجردی را با آن چهرۀ نورانی ذخیره‌ای برای خود می‌شمرم.

آقای حاج اسماعیل بیدرمان که از تجار محترم است، عهده‌دار وسیلۀ نقلیه بود، او هم به این ثواب رسید.

دیدار آقای آیةاللهالعظمی بروجردی در بامداد بود. مذاکرات پربها و گران‌قیمت آیةاللهالعظمی بروجردی مدظله که همۀ آن تأیید و دعاء بود بیشتر موجب امیدواری گردید. دعای سفر را خواندند، آن احترام که فراخور اخلاق بزرگوار شخص ایشان بود – از طرفی و تشکر از دارالتقریب و شیخ محمود شلتوت شیخ اکبر جامع ازهر از طرفی دیگر، دیدۀ مرا به جهان بزرگ و وسیع عالم اسلامی آشنا کرد، خصوص تأکید و سفارش به آنکه در نماز جمعه آن‌ها شرکت بفرمایید.

گفتگوها و تأییدات معنوی این زعیم بزرگ می‌فهماند که «پادشاهان مسلمین اگر مثل علمای مسلمین به همدیگر نزدیک می‌شدند و تفاهم می‌کردند، امروز با وحدت اسلامی حل بسیاری از مشکلات آسان می‌شد، بلکه وحدت اسلامی ضامن همه‌چیز آن‌ها بود.

این جمله خود از طرف ایشان از ذخایر گران‌بها است.

آن روز آیةاللهالعظمی (از جهت اینکه جهان تشیع توانسته لبیک اجابت به دعوت و استغاثۀ دیگر کشورهای اسلامی بگوید) مسرور به نظر می‌آمد. والد معظم [میرزا خلیل کمره‌ای] این قطعه از حدیث خطبۀ حجة الوداع را که مورد اتفاق فریقین و از سنت جامع است در میان گذاشتند: (قال رسول الله لا

ترجعوا بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض فإنی قد ترکت فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا کتاب الله و اهل بیتی عترتی) و گفتند: در آنجا شعار ما این خواهد بود.

آن روز در قم نهار در منزل حضرت آیةالله آقای حاج سیّد کاظم شریعتمداری[۱] صرف شد، در دیدار دانشمند محترم آقای آقا موسی صدر[۲] با جمع فضلای نویسندگان مکتب اسلام ملاقاتی رخ داد.

بعد از مراجعت به طهران انجام سفر موقوف به صدور گذرنامه و هواپیما بود که زحمت هر دو را جناب آقای دکتر شیخ و مخلص انجام می‌دادیم، سه شب بعد از مراجعت از قم آقای حاج احمد خادمی از طرف حضرت آیةاللهالعظمی بروجردی مدظله به منزل آمدند و لطف آیةالله را با این پیام آوردند که هرگاه وضع آنجا را از نزدیک مشاهده فرمودید و صلاح دانستید، تا ده هزار تومان برای کمک به آوارگان حواله دهید که پرداخت خواهد شد. (البته دراثنای این سفر این موضوع عملی شد.) ذکر الطاف معظم له از باب (وَ امَّا بِنِعْمَةِ رَبِّکَ فَحَدِّث) می‌باشد.

حاج احمد خادمی به‌شتاب علی الصباح برای قم رفت و در تغییر عبارات و اصلاح کلمات بیانیهٔ وفد «ایران» از قم با طهران تماس گرفتند.

به‌هرحال فردا به لطف پروردگار از مرحمتی آقا بلیط هواپیمای استاد بزرگوار آقای طالقانی و آقای کاشفی تهیه شد. من تا پای هواپیما خود را از اعضای وفود ایران یعنی خادم پدر و دیگر سروران معظم می‌دانستم. به امید آنکه در دعاهای مسجد قبة الصخرة و مسجدالاقصی در نظر آیم.

مخلص ناصرالدین کمره‌ای. (کمره‌ای، ۱۳۵۳ : ۳۶۷ – ۳۷۲)

و می‌نویسند:

در هفدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۷۸ هجری قمری، شیخ محمود شلتوت، مفتی اعظم و رئیس دانشگاه الازهر مصر در پاسخ به استفتای استاد علّامه محمدتقی

---

۱. آیةالله سیّد محمّدکاظم شریعتمداری (۱۲۸۴ – ۱۳۶۵ ه.ش) از مراجع وقت تقلید، مقیم قم.

۲. حجةالاسلام سیّد موسی صدر معروف به امام موسی صدر (متولد ۱۳۰۷ ه.ش) تحصیلکرده حوزه علمیّه قم است که با هجرت به لبنان «مجلس اعلای شیعیان» را تأسیس کرد. معظم له در سفری به کشور لیبی (۱۳۵۷ ه.ش) توسط معمر قذافی حاکم وقت لیبی ربوده شد و تا زمان نگارش کتاب حاضر از سرنوشت معظم له اطلاع دقیقی در دست نیست.

قمی، دبیر کل دارالتقریب بین المذاهب اسلامیه، فتوایی دایر بر جواز پیروی از مذهب شیعه جعفری، معروف به شیعه امامی اثنی عشری به‌عنوان یکی از مذاهب حقه و رسمی اسلام صادر کرد. نظر به اهمیت این فتوا در جهت تقریب و همبستگی مذاهب اسلامی، در سال ۱۳۳۸ شمسی و پس از پایان جلسات مؤتمر عالم اسلامی اردن، آیةالله کمره‌ای به‌اتفاق همراهان به قاهره عزیمت کردند تا از طرف آیةاللهالعظمی بروجردی و عموم شیعیان جهان از شیخ محمود شلتوت تشکر ,سپاسگزاری کرده و از ایشان رسماً دعوت کنند که در فرصت مناسب به ایران و قم تشریف‌فرما شوند. در سه ملاقات حضوری که صورت گرفت، شیخ محمود شلتوت، آیةالله کمره‌ای و همراهان را از حقایق اموری مطلع و رازی را فاش کرد که پایه مداخله بیگانگان و تأثیر نفوذ آنان را در امور ممالک شرق حتی در امور بین مذاهب اسلام روشن می‌ساخت. شیخ محمود شلتوت دراین‌باره گفت: «من از دیرزمانی حدود ۳۰ سال قبل درصدد دیدن فقه امامیه برآمدم و از عراق و ایران کتاب‌های فقهی امامیه را خواستم، ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد، کتاب‌ها نمی‌رسید و سانسور می‌شد، تا بعد از فتح کانال سوئز کتب شما آمد و مطالعه کردم، حُجّت بر من تمام شد و آن فتوا را دادم، بدون اینکه تحت تأثیر هیچ مقام یا سخنی بروم». بعدازاین ملاقات بنا به توصیه مفتی اعظم، قرار شد فقه شیعه جعفری نیز در دانشگاه الازهر مصر تدریس شود. پس از بازگشت آیةالله کمره‌ای به ایران، شیخ محمود شلتوت در نامه‌ای به وی نوشت: «خطابه‌ای که قبل از ترک مصر برای ما فرستادید، اثر عظیمی بر نفس من بر جای گذاشت. تقدیر شما از عمل صالحی که ما برای آن قیام کرده‌ایم، در آن به چشم می‌خورد و احساس شما بدون شک احساسی صادقانه بود. همچنان که تقدیر شما در سخنانتان از جناب برادر علّامه قمی اثر فراوانی بر نفس من و آقایان علمای اینجا گذاشت. امید است که همه ما درراه مصالح امت اسلامی بکوشیم و خداوند این تعاون و همیاری را مصداق این آیه قرار دهد: «وَ الَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنینَ» (قرآن مجید، عنکبوت: ۶۹) کسانی که درراه ما بکوشند، راهمان را به آن‌ها نشان خواهیم داد و مسلماً خداوند با نیکوکاران است.» اهمیتِ فتوای تاریخی شیخ محمود شلتوت مفتی اعظم و رئیس دانشگاه الازهر مصر به حدی است که استاد

علّامه محمدحسین طباطبایی در کتاب ظهور شیعه درباره شیخ شلتوت می‌نویسد: «البته تا دنیا دنیاست شیعه باید سپاسگزار این مرد بزرگوار باشد و از روان پاک و عمل بی‌آلایش وی تقدیر کند». طی مسافرت به مصر، همچنین ملاقاتی بین آیات عظام، کمره‌ای، طالقانی و کاشفی خوانساری با محمد انور السادات درزمانی که وی معاونت ریاست جمهوری مصر، جمال عبدالناصر را به عهده داشت، صورت گرفت. (ناصرالدین، ۱۹ آذر ۱۳۹۱: ۱۱)

■ جواب حضرت آیةالله کمره‌ای به علماء کردستان

۱. این پاکت محتوی اعلامیه‌ای است که گویا برای اعلامِ من فرستاده‌شده و خطابی در جوفِ پاکت به بنده نیست که جواب بخواهد امّا چون مساعی جمیله عظمای مسلمین مثل حضرت آیةاللهالعظمی بروجردی و شیخ محمود شلتوت رئیس جامع از هر مصر و سایر اعضای دار التقریب مصر نظیر شیخ محمد محمد المدنی (عمید کلیه شریعة - و شیخ محمد غزالی سرپرست مساجد قاهره) و آقای قمی شیخ محمدتقی عزیز ما در مصر-در راه وحدت و اتحاد مساعی مسلمین مؤثر بوده و این‌جانب چونان جندی از جنود محمد ﷺ در ساقه این سهیل رهبران، این مساعی جمیله را با کوشش‌های پیگیر دنبال کردم.

در مصر و قاهره، در جامع ازهر، از مشیخه ازهر، و از شیخ اکبر ملاقات نموده و در مؤتمر اسلامی شعوب المسلمین در کراچی پاکستان در مؤتمر اسلامی بیت‌المقدس شرکت کرده و سپس در حجاز هم در حج ۱۳۸۲ه.ق -در مکّه مکرّمه در کنگره مؤتمر رابطه عالم اسلامی دعوت شدم و کتباً پیامی به مقامات روحانی مؤثر کشور سعودی داده و از مفتیان سعودی و غیر سعودی مثل شیخ‌الاسلام سنیغال و دیگران ملاقات مؤثر نمودم، صاحب این نامه و پاکت محبّت فرموده و برای من ضعیف این پاکت را فرستاده است که از سحر و افسون زمانه آگاه گردم.

به هر صورت متشکرم و جواب و نظریه خود را به‌صورتِ پیامی می‌دهم که به همه علمای اعلام کردستان برسد - هرگاه این پاکت اصالت داشته باشد - و اگر شخصی است، جواب از شخص من به شخص او باشد که پاکت فرستاده است و

من علمای اعلام کردستان را اجل و اعقل از این میدانم که به مضمون این اعلامیه رضایت بدهند.
و ممکن است این نامه اصل نداشته باشد و مجعول و منتسب باشد ولی از آن راه که مبادا چنین اعلامیه‌ای باشد و در طبقه جوان و مردمان ناپخته طرفین [... تأثیر] بگذارد یا آلت دست‌های مرموزی باشد یا آلت واقع گردد؛ علی‌هذا من هم لازم میدانم نظرم را بگویم:
۲. این اعلامیه در چندین محل و چندین نقطه‌اش قابل تعلیق است آن‌ها را به استحضار علمای اعلام کردستان ایران و علمای دانشگاه الازهر مصر و مفتیان سعودی و مراجع شیعی ایران و عراق و لبنان و هر کشوری از کشورهای اسلامی می‌رساند.
البته تعلیقه‌های ما بر نقاط حساس آن است.
محل اول: در نقطه هدف آن: که نوشته: علمای اعلام کردستان بالاتفاق و الاجماع به ستوه آمده‌اند و از فقها و مفتیان اعظم سعودی و دانشگاه الازهر خواسته‌اند که کنگره‌ای تشکیل گردد و تجدیدنظر در فتوای مرحوم شیخ اکبر شیخ شلتوت به عمل‌آورند و درباره لغو فتوای جواز تعبد به فقه امامیه (بقول ایشان فقه رافضه) که آن زمان به مقتضیات سیاسی این فتوی را صادر نموده‌اند (حاشا) اقدام عاجلی مبذول فرمایند – و نوشته‌اند که: میکروب این فتوای سرطانی را از پیکر دین حنیف محمدی قطع کنند و برای ابد به دور بیندازند.
محل دوم در شکایت‌های آن نامه از منبرها و منبری‌ها و مسجدها و تکیه‌های روضه‌خوانی و کتب ما حدیثاً و قدیماً.
جواب از اول: که تقاضای لغو فتوای شیخ عظیم مصر باشد به عهده من است و جواب از دوم: به عهده مرجعی بزرگ‌تر از من و بزرگ‌تر از هر شخصی است در تعیین و تشخیص آن مرجع نظر ما را خواهید دید امّا اوّل که راجع به فتوای شیخ جامع ازهر مرحوم شلتوت عظیم مصر باشد که دفاع از آن را گفتم این‌جانب شخصاً به عهده دارم. جهت آن این است: که راجع به این فتوای آنچه همه اطلاع دارند این‌جانب هم اطلاع دارم ولی مطالبی را من مطلع هستم که دیگران همه از آن اطلاع ندارند و اگر اطلاع دارند فقط معدودی انگشت‌شمار اطلاع دارند و بس، امّا اینکه من مطّلعم چون شیخ جامع ازهر را من روبرو به‌مواجهه

دیده‌ام و آن عظیم مرا و همراهان مرا (اگر یادشان باشد) از حقایق اموری مطلع فرمود، رازی را فاش کرد، عقده‌ای را حل نمود و اطلاعی داد که پایه مداخله‌های بیگانگان استعمارگر و تأثیر نفوذ آنان در امور ممالک شرق حتی در امور بین مذاهب اسلام در آن میان هم روشن می‌شد.

عظیم مصر فرمود: من از دیرزمانی (حدود سی سال قبل) درصدد دیدن کتب فقه امامیه برآمده بودم و از عراق و ایران کتب را به این صدد خواستم ولی تا این اخیر که مصر از زیر زنجیر استعمار بیرون آمد کتب نمی‌رسید سانسور می‌شد تا بعد از استقلال تام کشور که کتب شما آمد و من مطالعه کردم دیدم حجت بر من تمام شد که آن فتوای را دادم بدون آنکه تحت تأثیر مقامی یا شخصی بروم بر من دیگر قبیح است که تحت تأثیر مقامی یا شخصی بروم در فتوی: با بقیّه سخنانی دیگر که آن عظیم فرمود: این مطلب را با مطالبی دیگر مهم و ارزنده در کتاب امسال (حج و قبله در پنج رساله ص ۱۳۱-۱۳۲) ملاحظه خواهید کرد.

استاد آیةالله سیّد هادی خسروشاهی نیز در بیان خاطرات خود به اهمیّت آن دیدارها اشاره‌کرده و اهمیّت آن را ازنظر جنبش اخوان المسلمین مصر موردتوجه قرار داده است و فعالیّت‌های تقریبی آیةالله کمره‌ای را در یک تاریخ بزرگ‌تر از دوران سیّد جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمّد عبده موردتوجه قرار می‌دهد:

پس‌ازاین دو شخصیت برجسته و تأثیرگذار، تربیت‌یافتگان آن‌ها در مصر و عراق و ایران و مغرب عربی و شامات، به حرکت تقریب بین مذاهب اسلامی ادامه دادند. شیوخ الازهر شریف و افرادی چون شیخ سلیم البشری، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد فهام، شیخ عبدالحلیم، شیخ حسن البنا (مؤسس حرکت اخوان المسلمین در مصر)، شیخ محمدتقی قمی، شیخ خلیل کمره‌ای، آیةالله طالقانی، شیخ امجد الزهاوی، شیخ آلوسی، شیخ مهدی خالصی زاده، علامه سیّد هبه‌الدین شهرستانی، آیةالله کاشف الغطا، علّامه سیّد محسن امین عاملی، سیّد عبدالحسین شرف‌الدین، شیخ محمدجواد مغنیه، حاج امین الحسینی، شیخ علی مؤید و ده‌ها شخصیت برجسته و وارسته از دیگر نقاط جهان اسلام، به این حرکت پیوستند. البته به نقش اساسی و عمده مرحوم آیةالله سیّد حسین بروجردی هم در این میان باید اشاره کرد که اگر همکاری و همفکری ایشان به‌عنوان مرجعیت توانمند جهان تشیع نبود، موفقیت و پیشرفت فکر تقریب

> به این سرعت به سامان نمی‌رسید. گرچه فقها و علما و مراجع عظام دیگری در عراق و ایران نیز به پشتیبانی از این حرکت پرداختند که در رأس آنان آیاتِ عظام: سیّد محسن حکیم، سیّد ابوالقاسم خویی، سیّد محمدهادی میلانی، سیّد کاظم شریعتمداری، شیخ محمد خالصی زاده و شیخ آصف محسنی و دیگران قرار داشتند.[۱]

یکی از محورهای اصلی فعالیّت‌های همه مراکز فرهنگی دولت در خارج از کشور، به‌ویژه رایزنی‌های فرهنگی سفارتخانه‌های ایران در سراسر جهان اسلام، باید ایجادِ بایگانی کاملی از میراث تصویری، صوتی و نوشتاری سوابق و فعالیّت‌های علمای برجسته فریقین باشد که در مورد وحدت اسلامی فعالیّت کرده‌اند، تهیه و انتقال چنین منابعی به کتابخانه‌های داخل کشور جهت استفاده عموم محققان اهمیّت دارد و متأسفانه درباره گردآوری میراث فرهنگی دارالتقریب قاهره آن‌گونه که شایسته است، کار نشده است. چهره‌های شاخص شیعی همچون آیات عظام سیّد محسن امین جبل عاملی، میرزا خلیل کمره‌ای، عبدالکریم زنجانی، محمد خالصی کاظمی، محمدحسین کاشف الغطاء و دیگران، در مصر و سوریه و سایر کشورهای اسلامی سخنرانی‌ها و جلسات مهمی داشته‌اند که مع‌الأسف بسیاری از آن‌ها به دست ما نرسیده است. حجةالاسلام والمسلمین حاج‌آقا ناصرالدین کمره‌ای می‌گوید:

> من نمی‌دانم [آیا سخنرانی پدر در الازهر ضبط‌شده است یا خیر؟] و تا حالا برایم پیش نیامده امّا دلم می‌خواهد بتوانم یک سفری به مصر بروم و از دانشگاه الازهر خواهش کنم که اگر سخنرانی ضبط شده و در اختیار دارند، به ما بدهند. این کار برای من ارزش بسیاری دارد؛ امّا اکنون وضع ازنظر سیاسی در دنیای اسلام آشفته است؛ امّا این جزو آرزوهای من است که بتوانم برای این کار یک سفر به قاهره بروم. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

البته دیدارهای تقریبی با عالمان جهان اسلام در ایران نیز دنبال شد و علمای اهل سنت به دیدار ایشان می‌آمدند:

---

۱. نقش آیةالله تسخیری در موضوع تقریب در گفت و گو با استاد خسروشاهی، (۲۴ / ۱۱ / ۱۳۹۰) در وبگاه رسمی استاد سیّد هادی خسروشاهی به نشانی: khosroshahi.org

ایشان خیلی عالم روشنفکر و آگاه بودند. علمای زیادی از اهل سنت که به تهران می‌آمدند، یکی از جاهایی که می‌آمدند، منزل ما بود. بااینکه آن‌ها سُنی بودند ولی می‌آمدند، این به واسطهٔ طرزِ فکر و تألیفات و سفرهای ایشان و آشنا بودنشان با علمای مختلف در مصر و عراق و پاکستان و هند و جاهای دیگر بود. خدا رحمتشان کند. ۸۸ سال عمر کرد. از ۱۲ سالگی حرکت علمی خود را شروع کرد و همه عمر ایشان به درس خواندن و درس دادن و تألیف در این امور گذشت. (ملاقات دوّم، ۳/ ۱۰/ ۱۳۹۴)

استاد آیةالله سیّد هادی خسروشاهی درباره یکی از آن دیدارها می‌نویسد:

یک‌بار هیئتی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه از قاهره به تهران آمده بود. «رییس وفد» دکتر ابوالمجد» نام داشت. قرار بود جلسه‌ای در منزل آقای سیّد محمدباقر حجازی در تجریش برگزار شود و من همراه آیةالله طالقانی به آنجا رفتم. نخست ابوالمجد نماینده تقریب سخنرانی کرد و سپس آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای.

در این جلسه آقایان صفایی قزوینی، سیّد غلامرضا سعیدی، قدرت الله بختیاری نژاد، حاج احمد ابریشمچی و عده‌ای دیگر حضور داشتند. (خسروشاهی، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۳)

معظم‌له در جای دیگر می‌نویسد:

در راستای تقریب بین مذاهب اسلامی، در سال ۱۳۸۵ ه.ق یعنی حدود پنجاه سال پیش هیئتی از دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه به ایران آمد و در تهران با هم دیدار کردیم؛ در رأس این هیئت استاد ابوالمجد قرار داشت.

استاد ابوالمجد در مراسمی که در منطقه شمیران تهران در منزل مرحوم سیّد محمدباقر حجازی برگزار شد، سخنان ارزشمندی ایراد کرد.

در این مراسم آقایان: آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای که او نیز طی سخنرانی از تقریب و جنبش تقریب ستایش به عمل آورد - آیةالله سیّد محمود طالقانی، آیةالله صفائی قزوینی و استاد سیّد غلامرضا سعیدی و نویسنده این سطور به‌اتفاق گروهی از مؤمنان ایرانی حضور داشتند و طی آن راه‌های تحقق اهداف مقدس تقریب و چگونگی گسترش آن موردبحث و بررسی قرار گرفت.

یادآور می‌شود که این مراسم اثر بسیار مثبت و گسترده‌ای در محافل حوزه علمیّه قم و دارالتقریب قاهره برجای گذاشت. (خسروشاهی، ۱۳۸۹:)

■ متن فتوای شیخ محمود شلتوت

بسم الله الرحمن الرحیم

نص الفتوى التی أصدرها السید صاحب الفضیلة الأستاذ الإکبر الشیخ محمود شلوت شیخ الجامع الأزهر فی شأن جواز التعبد بمذهب الشیعة الإمامیة. قیل لفضیلته:

إن بعض الناس یری أنه یجب علی المسلم لکی تقع عباداته و معاملاته علی وجه صحیح أن یقلد أحد المذاهب الأربعة المعروفة و لیس من بینها مذهب الشیعة الإمامیة و لا الشیعة الزیدیة فهل توافقون فضیلتکم علی هذا الرأی علی إطلاقه فتمنعون تقلید مذهب الشیعة الإمامیة الاثنا عشریة مثلاً.

فأجاب فضیلته: [الشیخ محمود شلتوت]

۱. إن الإسلام لا یوجب علی أحد من أتباعه اتبّاع مذهب معین بل نقول إن لکل مسلم الحق فی أن یقلد بادئ ذی بدء أی مذهب من المذاهب المنقولة نقلا صحیحاً و المدونة أحکامها فی کتبها الخاصة و لمن قلد مذهباً من هذه المذاهب أن ینتقل إلی غیره ـ أی مذهب کان ـ و لا حرج علیه فی شیء من ذلك.

۲. إن مذهب الجعفریة المعروف بمذهب الشیعة الإمامیة الاثنا عشریة مذهب یجوز التعبد به شرعا کسائر مذاهب أهل السنة. فینبغی للمسلمین أن یعرفوا ذلك، و أن یتخلصوا من العصبیة بغیر الحق لمذاهب معینة، فما کان دین الله و ما کانت شریعته بتابعة لمذهب، أو مقصورة علی مذهب، فالکل مجتهدون مقبولون عند الله

تعالی یجوز لمن لیس أهلا للنظر و الاجتهاد تقلیدهم و العمل بما یقررونه فی فقههم، و لا فرق فی ذلك بین العبادات و المعاملات.

ترجمه:

از معظم له سؤال شد: عده‌ای از مردم معتقدند که هر فرد مسلمان برای آنکه عبادات و معاملاتش صحیح انجام گیرد، باید تابع احکام یکی از مکتب‌های معروف چهارگانه باشد و در میان این مکتب‌های چهارگانه نامی از مکتب شیعه امامی و شیعه زیدی برده نشده است. آیا جنابعالی با این نظر کاملاً موافقید که مثلاً پیروی از مکتب شیعه امامیه اثناعشری مغایرتی با دین ندارد؟

آن جناب پاسخ دادند:

آیین اسلام هیچ‌یک از پیروان خود را ملزم به پیروی از مکتب معینی ننموده، بلکه هر مسلمانی می‌تواند از هر مکتبی که به‌طور صحیح نقل‌شده و احکام آن در کتب مخصوص به خود مدون گشته پیروی نماید و کسی که مقلد یکی از این مکتب‌های چهارگانه باشد می‌تواند به مکتب دیگری (هر مکتبی که باشد) منتقل شود.

مکتب جعفری، معروف به مذهب امامی اثناعشری، مکتبی است که شرعاً پیروی از آن مانند پیروی از مکتب‌های اهل سنت جایز است؛ بنابراین سزاوار است که مسلمانان این حقیقت را دریابند و از تعصب ناحق و ناروایی که نسبت به مکتب معینی دارند دوری گزینند، زیرا دین خدا و شریعت او تابع مکتبی نبوده و در احتکار و انحصار مکتب معینی نخواهد بود. بلکه همه صاحب مذهبان، مجتهد بوده و اجتهادشان موردقبول درگاه باری‌تعالی است و کسانی که اهل نظر و اجتهاد نیستند، می‌توانند از هر مکتبی که موردنظرشان است تقلید نموده و از احکام فقه آن پیروی نمایند و در این مورد فرقی میان عبادات و معاملات نیست. امضا: محمود شلتوت.

■ فلسطین

حمایت از مردم مسلمان فلسطین در برابر تجاوز و اشغالگری صهیونیست‌ها موضعِ ثابتِ علّامه میرزا خلیل کمره‌ای در طول زندگانی‌اش بود و این مهم را وظیفهٔ اسلامی و شرعی خود می‌دانست. معظم له در سخنرانی خود، با تحلیلی بسیار ژرف از خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه‌السلام تصریح دارد که امروزه زمان پرداختن به اختلافات گذشته نیست و همه باید برای مبارزه با استعمار و اسرائیل متحد و هماهنگ شوند، از دیدِ ایشان نامه امام علی علیه‌السلام:

> بهترین سندی است که از جانبِ بهترین کس، در موقع تیرگی اوضاع کوفه پایتخت و قوت طوفان انحراف افکار صادرشده – برای نجات امتِ آن روز و امروز به درد می‌خورد. هم عقده افکار را و هم اوضاع پریشانی کشور را که هرکدام مهم‌تر از دیگری است، در نظر می‌گیرد؛ امّا عقدهٔ افکار و عقاید را بنگرید که رییس دولت را از «سقوط مصر» استیضاح نمی‌کنند که کشوری است در همین وقت‌ها سقوط کرده بود ولی درباره عقیده به خلافت سابقین و نفی و اثبات آن‌ها انجمن‌ها می‌سازند، حرارت‌ها بروز می‌دهند، نمایندگان می‌فرستند نظیر این نسیان وظیفهٔ و نسیان واجب و پرداختن به امور مفروغ عنها در زمان ما هم هست؛ گرچه شاید این استیضاح‌ها به‌منظور مفسده‌جویی و القای خلاف بوده و سؤال ساده نبوده ولی هرچه بوده، اثر علمی نیکی برای ما بازنهاده که مهم‌تر از هر مهمی است گرچه فغان امام علیه‌السلام برای سقوط مصر حتی (از نامه او به ابن عباس در بصره) از بصره هم شنیده می‌شود، لیکن بیرون دادن این کتاب، آن‌هم به این طرز برای ما در هر دو قسمت خود، یک رهبر جاودانی است؛ هم نسبت به عقیده درباره شیخین و هم نسبت به اهمیت سقوط اطراف کشورهای اسلامی در آن زمان و این زمان؛ مانند زمان فلسطین و آوارگانی عرب مسلمین از شرّ اسرائیل و مانند الجزایر.

و معظم له از هر فرصتِ مناسبی برای طرح مسئلهٔ فلسطین استفاده می‌کرد؛ چنانکه در خاطرات باقی‌مانده از مراسم جشن تأسیس مسجد جامع خاتم الأنبیاء تهران‌پارس در سال ۱۳۴۳ ه.ش می‌خوانیم:

... هنگامی‌که مرحوم [صدرالدین] بلاغی [نویسنده کتابِ قصص قرآن] دعا کرد که بار الها! اسلام و مسلمین را نصرت عنایت فرما!

یک‌مرتبه آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای (پیش‌نماز مسجد فخرالدوله) از بین علمای حاضر با صدای بلند گفت: **آقا در حقِّ آوارگان مسلمان فلسطین هم دعا بفرمایید!**

صدر بلاغی هم از بالای منبر مجدداً ضمن تجلیل از آیةالله کمره‌ای، در حق فلسطینی‌ها دعا کرد و از تجاوزات صهیونیسم گفت و این مسئله با توجه به این‌که در آن دوره دولت ایران، دولت اسرائیل را دوفاکتو (در عمل) شناسایی کرده بود و روابط امنیتی و تجاری نزدیکی با آن دولت داشت، مجلس را به‌کلی سیاسی کرد. آیةالله خوانساری البته بسیار کم حرف بود؛ اما از نگاه و چهره‌اش مشخص شد که رضایتی از سیاسی کردن جلسه افتتاح مسجد ندارد. ... (انصاریان خوانساری، ۱۳۹۴: ۵۱۱)

استاد دکتر صدوقی سُها در بیان خاطره ملاقاتِ خود (به‌همراه استاد دکتر اعوانی و دکتر پورجوادی) با حضرت آیةالله کمره‌ای می‌گوید:

در همان وقتی که ما نشسته بودیم، تلفن زنگ زد. از سفارت فلسطین بود. خبر دادند که اسرائیل دهکده‌ای را بمباران کرده است. بسیار ناراحت شد و چهره‌اش متأثر شد. معلوم بود که ایشان خیلی نسبت به اخبارِ فلسطین حساس بود. (ملاقات با استاد دکتر منوچهر صدوقی سُها، ۱۳۹۵/۱۰/۱۲)

آیةالله اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود اشاره دارد که ترجمه کتاب «سرگذشت فلسطین» را به اشاره مرحوم آیةالله کمره‌ای انجام داده است و می‌نویسد:

ترجمهٔ سرگذشت فلسطین در نوق – شاید، برای مدتی، اقامت در نوق بهترین تصمیمی بود که در آن روزها گرفتم. درست است که یکی از جاهایی که من در آنجا تحت تعقیب بودم، نوق بود. لابد به ژاندارمریِ پاسگاه نوق دستور داده شده بود که در صورت مشاهده مرا دستگیر کنند. حداقل، چنین احتمالی بود. بااین‌همه، چون در آنجا بومی بودم و با کدخدا و مردم کاملاً آشنا، غافلگیر نمی‌شدم. گرفتنِ من در آنجا آسان نبود، حداقل قبل از اجرای هر دستوری، باخبر می‌شدم. با تصور این‌که نوق برایم امن‌ترین جاست تصمیم گرفتم که بروم همان

نوقِ خودمان. مشکلات زندگی هم بود. با داشتن زن و بچه و مسؤولیت زندگی. باید کاری هم انجام می‌دادم، هرچند در زندگی مخفی. در آخرین شمارهٔ «مکتب تشیع» مقاله‌ای دربارهٔ فلسطین نوشته بودم که در آن روزها خیلی مؤثر بود. در ایران مسئلهٔ فلسطین مسئلهٔ متروکی بود. به هنگام نوشتن آن مقاله، **مرحوم آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای کتابی در اختیار من گذاشته بود به نام «القضیة الفلسطینیة» که نویسندهٔ آن «اکرم زعیتر»[1] است.** من از آن کتاب در نوشتن مقاله‌ام به‌عنوان مرجع استفاده کرده بودم و سخت مرا تحت تأثیر قرار داده بود، چنان‌که شاید ضمن مطالعه بارها گریستم. از آرزوهایم ترجمهٔ این کتاب به زبان فارسی بود که در آن شرایط بهترین فرصت برایم فراهم‌شده بود. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶ : ج ۱ / ۱۷۱)

حجة‌الاسلام ناصرالدین کمره‌ای در همین زمینه نوشته‌اند:

در سال ۱۳۳۸ شمسی بنا به دعوت مؤتمر عالم اسلامی که در اردن هاشمی تشکیل‌شده بود، با تأیید و دعای خیر آیة‌اللهالعظمی بروجردی زعیم و مرجع تقلید شیعیان وقت، آیة‌الله کمره‌ای به همراه آیة‌الله سید محمود طالقانی، آیة‌الله سیّد مصطفی کاشفی خوانساری (دامادشان) و حجة‌الاسلام سیّد محمدعلی صدرایی اشکوری برای شرکت در این مؤتمر به بیت‌المقدس عزیمت کردند. جلسه بعدازظهر روز پنجشنبه ۷ بهمن‌ماه ۱۳۳۸ شمسی به مدیریت آیة‌الله کمره‌ای (رئیس هیئت علمیه مدعوین ایرانی) تشکیل شد. در روز بعد، جمعه پس از پایان جلسه صبح که آخرین جلسه بود، تمام نمایندگان برخاستند و میرزا خلیل دعای ختم جلسات مؤتمر را خواند و همه آمین گفتند. سپس همه نمایندگان ۱۴ کشور اسلامی حاضر در مؤتمر برای برگزاری نماز جمعه عمومی، به حرم مسجدالاقصی (قبله اول مسلمین) رفتند و در آنجا عکسی به یادگار گرفتند. پس از جلسات مؤتمر، اعضای هیئت ایرانی برای اولین بار از چادرهای آوارگان فلسطینی که توسط اسرائیل رانده‌شده بودند، بازدید کردند و وضعیت

---

۱. اکرم زعیتر (متوفی ۱۴۱۶ ه.ق) مورخ و مبارز فلسطینی، صاحب آثاری چون «القضیة الفلسطینیة»، «وثائق‌القضیة الفلسطینیه - ۱۹۱۸ - ۱۹۴۰م - دوران اکرم زعیتر»، «یومیات الثورة الکبري والاحزاب العظیم ۱۹۳۶ - ۱۹۳۹» و «من اجل امتي».

رقت‌انگیز آوارگان فلسطینی تأثیر عمیقی بر آنان گذاشت. همچنین در این سفر آقای اکرم زعیتر، از بزرگان و نویسندگان کشور اردن هاشمی، **یک نسخه از کتاب تألیفی خود «القضیة الفلسطینیة» را به آیة‌الله کمره‌ای اهدا کرد که ایشان متعاقباً این کتاب را برای ترجمه از عربی به فارسی در اختیار آیة‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی قرار داد.** ترجمه این کتاب تحت عنوان «سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار» که برای اولین بار قضیه فلسطین را به فارسی بازگو می‌کرد، در آگاهی بخشیدن به فارسی‌زبانان نسبت به مسئله فلسطین نقش عمده‌ای را ایفا کرد. (کمره‌ای، ۱۹ آذر ۱۳۹۱: ۱۱)

توجه به استقلال الجزایر و برگزاری جشن استقلال الجزایر نیز در چارچوب همان ایده وحدت اسلامی بوده است. حجة‌الاسلام آقای ناصرالدین کمره‌ای می‌نویسد:

با پایان گرفتن جنگ‌های خونین هشت‌ساله استعماری فرانسه در الجزایر و به دست آوردن استقلال توسط مردم مسلمان آن کشور در سال ۱۹۶۳ میلادی، آیة‌الله کمره‌ای مجلس جشن باشکوهی در مسجد فخر دروازه شمیران منعقد نمودند. در این جشن باشکوه که شاید تنها مجلس جشن توسط روحانیون ایرانی در آن زمان بود، بسیاری از علماء اعلام، رجالِ سرشناس، سفرای کشورهای اسلامی و طبقات مختلف مردم شرکت کردند. سخنرانی در این مجلس جشن، به وسیلهٔ شخص ایشان و آیة‌الله طالقانی و دکتر شهاب پور انجام گرفت که طی آن مبارزه طولانی بی‌امان و مقاومت در برابر هجوم کارگزاران استعماری فرانسه به‌منظور کسب استقلال کشور الجزایر تشریح و به مسلمین و کشورهای اسلامی تبریک گفته شد. (کمره‌ای، دی‌ماه ۱۳۸۶: ۲۸)

جالب‌توجه است که سیاستمدار و اندیشمند الجزایری، عبدالرحمن العقون (۱۳۲۶ – ۱۴۱۶ ه.ق) در نامه‌ای به حضرت آیة‌الله کمره‌ای اشاره به گوشه‌ای از حمایت ایشان از مسلمانان جهان و نهضت‌های ضد استعماری آنان دارد و می‌نویسد:

حضرت آیة‌الله آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای محترم

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد–سلام و تحیّت اسلامی و برادرانه و صمیمی ملت مسلمان الجزایر بر شما و تمام مسلمانان ایرانی.

امّا بعد: هیئت اعزامی دوراندیش الجزایر با برخورد برادران دینی و دانشمندان دینی ایرانی و موقعیت آن‌ها در انقلاب الجزایر مفتخر است. کمک‌های مادی و معنوی که از طرف ایرانیان نسبت به الجزایر مبذول شده است روابط مستحکم بین مردم ایران و الجزایر را می‌رساند. و به همین مناسبت برای قدردانی از شما و محکم کردن این علاقه درصدد برآمدیم که جنابِ شما را از وصول مبلغ (۲۳۳۵۰ ریال) معادل ۹۹ دینار اردن که به (هلال‌احمر) الجزایر فرستاده‌شده است با خبر سازیم. امید از خدا این است که شما را برای اسلام و مسلمانان در شرق و غرب زمین ذخیره و سند نگهدارد.

رئیس هیئت نمایندگی الجزایر در عمان عبدالرحمن عقون. (عبدالرحمن العقون، اردیبهشت ۱۳۴۲ : ۱۱ تا ۱۲)[۱]

---

۱. در توضیح هیئت تحریریه مجله تاریخ اسلام چنین آمده است: «وجه فوق توسط مدیر ما آقای علی اکبر تشید که شخصاً به کشورهای عربی مسافرت نموده بودند به رئیس هیئت اعزامی الجزایر در عمان پایتخت کشور اردن هاشمی پرداخته شده است.» متن اصلی نامه به زبان عربی چنین است:

جمعیت امداد الجزائر کتاب من عمان (۱۹۶۳/۲/۲۰)

سماحة السید آیةالله الحاج میرزا خلیل کمره‌ای المحترم

لّه و برکاته تشملکم انتم و جمیع المسلمین فی ایران و تحیّة اسلامیّة اخویة من صمیم الشعب الجزایری المسلم. امّا بعد. تشرف بعثة الحزومة الجزایریّة ان تفتخر بموقف اخواننا علماء الدین فی ایران من موقفهم فی الثّورة الجزایریّة و ما قدّموا من مساعدات معنویة و مادیّة تدل علی الروابط المتینة بین شعب ایران-و الجزائر. و بهذه المناسبة و تقدیرا لعملکم الجبار و تأکیدا لهذه العلاقة نتشرّف بان نعلم سماحتکم من اتصالنا بمبلغ (۲۳۳۵۰ ریالات ایرانیة) ای ۹۹ لّه تعالی ان یبقیکم ذخرا و سندا للاسلام و المسلمین فی مشارق الارض و مغاربها. و تفضلوا انتم و جمیع الاخوان بقبول اطیب الامانی و اسمی آیات الاحترام رئیس البعثة الجزایریة بعمان عبد الرحمن العقون. مُهر الجمهوریة الجزایریة عمان اردن، البعثة الدبلوماسیة.

■ کنگره جهانی هزاره شیخ طوسی

کنگره شیخ طوسی یکی از موفق‌ترین کنگره‌های بین‌المللی کشورمان در طول تاریخ است که یکی از چهره‌های درخشان آن کنگره حضرت آیة‌الله میرزا خلیل کمره‌ای بود که حضور ایشان در جلساتِ کنگره اعتبارِ خاصی به آن داده بود و نقش آیة‌الله کمره‌ای در تدوین قطعنامه پایانی کنگره به‌ویژه پافشاری بر اهمیّت یادگیری زبان عربی به‌عنوان زبان قرآن در نظام آموزش کشور، حیاتی و انکارناپذیر است.

در مشهد کنگره‌ای برای تجلیل از مقام شیخ طوسی تشکیل شد شیخ طوسی سال ۴۶۰ قمری وفات یافت؛ نزدیک به هزار سال پیش؛ کنگرهٔ خیلی عظیمی بود. می‌دانید که شیخ طوسی بین فقهای شیعه در رتبه و مقام و موقعیت اوّل است و صاحب کتاب‌های مفصلی است. من هم خدمت ایشان به مشهد رفتم. آقای مطهری و آقای مجتبی مینوی و دکتر سیّد جعفر شهیدی هم بودند. دویست نفر از علمای کشورهای اسلامی در آن همایش حضور داشتند. اولین سخنران مرحوم پدر ما بود. آقایی بنام آقای علّال فاسی[1] اهل فاس مغرب (مراکش) که رییس جلسه شد. ابتدا از پدر خواهش کرده بودند که ریاست جلسه را بپذیرد. گفتند: من این تشریفات اداری را بلد نیستم و بدهید به یک آقایی که این کارها را انجام داده و بَلَد است. علّال فاسی رییس جلسه شد. ایشان به عربی گفتند: از آقای حاج میرزا «خلیل کمرائی» دعوت می‌کنم به مدّت سی دقیقه سخنرانی خود را انجام دهند. پدر ما بلند شد در طی مسیر راه به محل سخنرانی و پشت میز یک آیهٔ قرآن خواند، و آن آیه این بود: «وَ وَاعَدْنَا مُوسَى ثَلاَثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً...» (اعراف، بخشی از آیه ۱۴۲) «وعده دادیم به موسی سی شب را و ده شب دیگر به آن اضافه کردیم، شد چهل شب.» با خواندن این آیه، سی دقیقه وقت ایشان به چهل دقیقه افزایش یافت، همه هم شادمان شدند. ایشان به لطافت و زیبایی از آیه استفاده کردند. و اتفاقاً سخنرانی ایشان دقیقاً چهل دقیقه شد. تمام که شد علّال فاسی تشکر کرد و گفت: «و بضبط الوقت» (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

---

۱. دکتر علّال الفاسی (۱۳۲۸ – ۱۳۹۴ ه.ق) شخصیت اسلامی و مبارز شهیر مراکشی است.

و می افزایند:

سخنرانی ایشان تفسیر آیه نور است. در سورهٔ نور آیهٔ ۳۵ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» این آیه یکی از آیات مشکل قرآن است؛ تفسیر آیه نور خیلی مشکل است. ایشان گفتند شیخ طوسی یکی از آن شاخه‌های قوی نور است که هرچند هزار سال است از دنیا رفته است، هنوز نورش به ما می‌رسد. علمای دین که ورثهٔ انبیاء هستند یکی از آن شاخه‌هایند. ایشان از آیه نور استفاده کردند که جناب شیخ طوسی، وجودش منبع برکت و دانش و علم شده است که امروز بعد از هزار سال سر سفره او – کتاب‌های تهذیب و استبصار او – می‌نشینیم؛ این تطبیق بسیار جالب است و خودِ صدای مرحوم پدر روشن و واضح موجود است.

به یکی از دوستان گفتم اگر یک‌وقتی در خانه مهمان داشتید و علاقه به قرآن و تفسیر داشتند؛ برای پذیرایی این [نوار سخنرانی علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای] را بگذارید و گوش کنید. این پذیرایی‌های متعارف مهم نیستند، در همه‌جا سیب و میوه و ... هست، پذیرایی معنوی مهم است. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

نیز ایشان در خصوص کنگرهٔ مذکور چنین نوشته‌اند:

در فروردین ۱۳۴۸ ه.ش ایشان بنا به دعوت کنگرهٔ جهانی هزارهٔ شیخ طوسی به مشهد مقدس مشرف شدند. در این کنگره که با شرکت بیش از ۱۲۰ نفر از اسلام‌شناسان و محققین عالی‌قدر کشورهای مختلف جهان تشکیل‌شده بود، سخنرانی مبسوطی در بررسی و تجلیل از مقام محمد بن حسن شیخ طوسی در عالم اسلام با این مطلع ایراد نمودند: «از پرتو فروغ شیخ طوسی نوری بر چهره نورانی این مجمع و این کنگره می‌بینیم ...» ایشان ضمن تفسیر جامعی از آیه ۳۵ سوره نور (الله نور السموات والارض) شیخ طوسی را به‌عنوان شاخه‌ای از شجرهٔ نور که نه شرقی است و نه غربی بلکه متعلق به جهان انسانیت است، ارائه دادند. اوج علاقه و اصرار ایشان برای همبستگی و وحدت مذاهب تشیع و تسنن از بحث زیر که در سخنرانی خود ایراد نمودند، به‌خوبی آشکار است:

«الیوم کل شیعی سنی و کل سنی شیعی». مگر نه آنکه هر فرد مسلمان شیعه، پیرو سنت رسول‌الله است و حتی حضرت امام حسین(ع) برای احیای سنت رسول اکرم قیام کرد و شهید شد و مگر نه اینکه هر فرد سنی خاندان پیامبر اسلام را از صمیم قلب دوست دارد. ایشان درباره روح اخوت اسلامی و دلسوزی برای همه مسلمین جهان و تقریب بین شیعه و سنی آن‌قدر اصرار می‌ورزیدند که برای مثال پرفسور حبیبی اهل سنت رئیس انجمن تاریخ افغانستان پس از پایان سخنرانی - قبل از اقامه نماز جمعه که به امامت معظم له برپا شد - به ایشان گفت: «امروزمی‌خواهم برای اولین بار در عمرم دست یک عالم شیعه را ببوسم. (کمره‌ای، دی‌ماه ۱۳۸۶: ۲۸-۲۹)

در جلسه دوّم ملاقات با حجةالاسلام والمسلمین حاج‌آقا ناصرالدین کمره‌ای، چند خاطره مهم دیگر درباره کنگره هزاره شیخ طوسی مطرح شد که نشان از وسعت فکر علّامه کمره‌ای داشت؛ ازجمله آن‌ها سؤالی است که ایشان در فرودگاه درباره پرچم‌های کشورهای اسلامی مطرح می‌کند. لازم به ذکر است که معظم له توجه خاصی به نشانه‌ها و نمادهای قدرت اسلام در جهان پرفرازونشیب معاصر داشت.

نیز برگزاری نماز جمعه در کنگره هزاره شیخ طوسی و امامت آن توسط آیةالله کمره‌ای نیز از دیگر خاطراتی است که ذیلاً تقدیم می‌شود:

از زیارت برادر عزیزم جناب آقای دکتر صداقت استاد محترم دانشگاه بسیار خوشحالم و به فال نیک می‌گیرم. جلسه دومی است که با ایشان درباره تألیفات مرحوم پدر آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای ملاقات داریم. در حدود پنجاه سال پیش آقای واعظ زاده خراسانی دعوت کردند به مشهد برای شرکت در کنگره‌ای به‌منظور تجلیل از شیخ طوسی شیخ الطائفه و در آن مجلس تعداد زیادی از علمای اهل سنت و تشیع تشریف داشتند. [چنانکه در جلسه قبل نیز اشاره شد] من هم به همراه پدر در آن کنگره حضور داشتم. این کنگره در دانشگاه الهیات مشهد تشکیل شد. اولین روز آن روز جمعه بود و آقایی بنام علّال فاسی اهل فاس مغرب (مراکش) رییس جلسه بود و سه روز این کنگره ادامه داشت. اولین سخنران هم مرحوم پدر من بود.

در فرودگاه مشهد مرحوم پدر ما از میزبان‌ها سؤال کرد که غیر ایرانی‌ها هم در کنگره هستند؟ آن‌ها گفتند از همه کشورهای اسلامی هستند. فوراً پدر گفت:

یک پذیرایی این‌چنین بود که کسانی که دعوت کرده‌ایم از کشورهای دیگر، **پرچم آن کشورها را در فرودگاه نصب می‌کردید. این خود یک پذیرایی از مهمانان است.**

گفتند غفلت شده، معذرت می‌خواهیم.

گفت: پس حالا در داخل آن دانشگاه نصب کنید. البته این کار انجام نشد. حالا یا آمادگی برای این کار نداشتند و یا صحیح‌تر بگوییم توجهی به این کار نداشتند. درهرصورت کنگره عظیمی در تجلیل از بزرگ‌ترین عالم شیعه بود ...

سخنرانی ایشان در آن کنگره بی‌اندازه مورد تأیید و تشویق حضار که حدود ۲۰۰ نفر از علمای فریقین بودند قرار گرفت. بعد یکی دو نفر دیگر سخنرانی کردند. نزدیک ظهر شد مرحوم پدر به آقای علّال فاسی پیشنهاد دادند که چون نزدیک ظهر است برای نماز جمعه تعطیل بفرمایید؛ آقای علال فاسی گفت: «و بامامتکم» فوراً هم گفت: به شرطی که شما امام باشید. و پدر قبول کردند یکی از سالن‌های آن دانشگاه را ظرف چند دقیقه فرش کردند و نماز جمعه به امامت ایشان خوانده شد و بعد از نماز چند نفر از علمای اهل سنت پیش مرحوم پدر آمدند و دست ایشان را بوسیدند و گفتند: ما از سخنرانی شما دلسوزی بر کل عالم اسلام و پدری و محبت به همهٔ مسلمانان روی زمین احساس کردیم» خیلی تشکر می‌کردند. (ملاقات دوّم، ۱۳۹۴/۱۰/۳)

■ مطالبی از خطبه نماز جمعه علّامه کمره‌ای

مرحوم پدر ما اصرار بر این مطلب داشتند که بحث‌های مربوط به آغاز اسلام و حق ولایت مولا امیرالمؤمنین و دیگران را باید محاکمه‌اش را برای روز قیامت گذاشت؛ [مسلمانان خود را سرگرم نزاع و خونریزی درباره آن‌ها نکنند] پرداختن به این امور الآن مصلحت نیست، ما مسلمانان اگر بیدار و هوشیار نباشیم با نقشه‌ای که بیگانگان و خارجی‌ها برای ما می‌کشند، نابودمان می‌کنند، کشورمان را و اتحادمان را نابود می‌کنند. از این نوع مطالبی که سبب اختلاف و جاروجنجال و دادوبیداد که حق با این است یا با آن؛ چه‌بهتر که واگذار شود به روز قیامت. نظر ایشان این بود و این نظرشان را هم از رفتار مولا امیرالمؤمنین علیه‌السلام استفاده می‌کردند. گفتند: علی تو الآن حاکم هستی فدک را برگردان امام

فرمود: هر دو شخص از دنیا رفته‌اند. بگذار محاکمه‌اش در آن دنیا باشد یعنی حضرت علی علیه‌السلام ادامه نداد؛ وقتی‌که روح و فکر و اندیشه بلند باشد و وضع فعلی مسلمانان را در نظر بگیرند و دلسوزی برای مسلمانان؛ برای آنکه آن‌ها مطالبی است گذشته اثری هم ندارد، فقط اختلافات را اضافه می‌کند و من می‌توانم بگویم با کمال تأسف تبدیل می‌شود به کشت و کشتار مخصوصاً کشتار شیعیان و متأسفانه الآن که اواخر سال ۱۳۹۴ (شمسی) هستیم، می‌بینیم در کشورهای اسلامی چقدر آشفتگی است و چقدر مسلمانان و شیعیان در اثر نقشه‌شوم بازیگران دنیا مانند اسرائیل، آمریکا و دیگران هرروز کشته می‌شوند. که باعث تأسف بسیار زیاد برای هر مسلمانی است. تازگی یک نمونه‌اش را هم چند ماه پیش در منا دیدیم که پنج شش هزار مسلمان زیرِ دست‌وپا و تشنگی، و شدّت گرما، شهید از دنیا رفتند. درهرصورت نوع فکر مرحوم پدر من چنین بود که باید با حفظ وحدت و اتحاد و برادری و یگانگی وضع مسلمانانِ را حفظ کرد و این بحث‌های اختلافی برای روز قیامت باشد.

این اشاره‌ای بود از آن جلسه در مشهد که در پنجاه سال پیش واقع شد. (ملاقات دوّم، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

■ بخشی از سخنرانی علّامه کمره‌ای

در اینجا بخش کوتاهی از سخنرانی علّامه میرزا خلیل کمره‌ای تقدیم حضور می‌شود. لازم به ذکر است که سخنرانی ارزشمند معظم له بارها منتشر شده است. هم در قالب کتابِ کنگره هزاره شیخ طوسی (از ۲۸ اسفندماه ۱۳۴۸ تا ۳ فروردین ۱۳۴۹ه.ش) به کوشش آیةالله حاج شیخ محمد واعظ زاده خراسانی (مشهد دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، ۱۳۴۸ – ۱۳۵۴) و بار دیگر با عنوانِ «هزاره شیخ طوسی» به کوشش مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی دوانی، که ابتدا در انتشارات دارالتبلیغ قم و سپس امیرکبیر تهران منتشر شد. با اجازه آیةالله کمره‌ای، مقاله ایشان در آن کتاب کمی تلخیص شده است. مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ علی دوانی در خاطرات خود می‌نویسد:

به یاد آوردم که فقط او [علّامه محمدتقی جعفری] و استاد شهید مطهری از کارم در تدوین و چاپ و انتشار «هزاره شیخ طوسی» تقدیر کردند. و مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای که وقتی نوشتم مقاله شما را هم تلخیص می‌کنم، در جواب نوشته بود: «آنچه آن خسرو کند شیرین بود!» (دوانی، آبان ۱۳۷۷: ۱۳)

همچنین گزارش کنگره مذکور و سخنرانی معظم له توسط حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای با عنوان «ارمغانی از کنگره هزاره شیخ طوسی‌ؒ در مشهد مقدس رضوی» در ۱۴۴ صفحه منتشر شده است که با شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۹۷۰ در کتابخانه ملی ایران موجود است؛ و سخنرانی مذکور اخیراً به همت حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان، در ۵۶ صفحه، به‌صورت مستقل منتشر شده است: مشخصات کتاب اخیر (شماره کتابشناسی ملی در کتابخانه ملی: ۲۸۲۰۴۸۳) چنین است:

خلیل کمره‌ای (۱۳۹۱ ه.ش) تجلیل از مقام شامخ شیخ طوسی‌ؒ سخنرانی حاج میرزا خلیل کمره‌ای به مناسبت کنگره هزاره شیخ طوسی‌ؒ در دانشگاه مشهد ۱۳۴۸ (زیر نظر) حسین انصاریان، قم: دارالعرفان

و اینک گوشه‌ای از آن سخنرانی:

... هر وقت سخنی از وحدت مسلمانان در بین می‌آید دست مرموزی از پشت پرده به تحریک برمی‌خیزد و سفهایی را از آن‌طرف و سفهایی را از این‌طرف تحریک می‌کند که به نام حمایت حق بیرق را بلند می‌کند، این آن را تکفیر می‌کند و آن‌هم این را تکفیر می‌کند و جنگی از نو درمی‌گیرد.

من آرزومندم که این کنگره اولاً این را علاج کند و از مقترحات و پیشنهاداتم این است که **تفسیر تبیان شیخ طوسی برای خارج کشور ما، یعنی برای جواب «الخطوط العریضه» بسیار مهم است. به‌شرط آنکه مبادلهٔ مطبوعاتی مستمری با بلاد حجاز و با تمام مراکز انتشار آن‌ها، مثل رابطهٔ اسلامی مکه، وزارت معارف آنجا و مدارس آنجا و مشاهد مشرفهٔ آنجا و دانشگاه‌های آن‌ها به‌خصوص جامعهٔ مدینهٔ منوره و مکهٔ مکرمه و مجلات و صحف جده، برقرار و مداوم باشد.**

باید تشویقی از زبان عربی و زبان قرآن بشود که زبان دین ماست؛ امّا تشویق کافی بشود. مثل آنکه هرکس یک صفحه تفسیر تبیان را صحیح بخواند دانشگاه به او امتیازی بدهد.

بنابراین اگر زمزمه‌ای شده از الغای عربی در کنکور، من خیال می‌کنم که این اشتباه و غفلتی بوده و باید جبران شود.

این آقایان همه وراث این مواریث اسلامی هستند. حق‌دارند مطالبه بکنند که برداشتن زبان عربی لطمه‌ای به زبان دین ماست، به زبان عقیدهٔ ماست. حساب زبان حساب عرب نیست؛این زبان دین و زبان عقیدهٔ ماست.

لغو این زبان مثل لغوِ اعتبار همهٔ کتب شیخ طوسی است که بعد از یک نسل و دو نسل آن‌قدر فاصله میان ما می‌شود که باید کتاب‌های شیخ طوسی را و کتاب‌های فارابی و ابن‌سینا را برای موزه در صندوقی خارج از دسترس عموم بگذارند، و هرگاه بخواهند از آن‌ها اطلاع یابند یا زیارت کنند، باید مستشرقی را بیاورند تا آن‌ها را بخواند، یا مثل طلسم و رمز حل کند!

مثل آنکه برای خواندن خط میخی کوه‌های بیستون، مستشرقان باید به ما کمک کنند. نقش بیستون و نقش رستم و نقش پرسپولیس (تخت جمشید) را مگر ما می‌توانیم بخوانیم؟ باآنکه آن‌ها خطوط و نقوش سرزمین بلاد ما بوده است! از زبان استاد مجتبی مینوی بشنوید: «در ترکیه که خط لاتین را به‌جای خطوط نسخ و نستعلیق معمول و رایج کرده‌اند، دویست و پنجاه‌هزار کتاب در موزه عاطل و باطل است و کسی نمی‌تواند از آن‌ها استفاده کند!.»

با این سخنرانی حماسی بود که استاد علّال الفاسی مقاله‌ای را نگاشت که با عنوان «گزارشی از کنگره شیخ طوسی، مطالعات اسلامی» در نشریه مطالعات اسلامی دانشکده الهیات مشهد ترجمه و منتشر شد. او در آن مقاله مهم‌ترین تصمیمات کنگره را شامل آن دومحوری می‌داند که در سخنرانی کمره‌ای مطرح شده است:

۱. مبارزه با تبلیغات منفی درباره اتهام تحریف قرآن

۲. ضرورت تدریس زبان قرآن در مدارس

استاد فقید علّال الفاسی می‌نویسد:

در نظر من از مهم‌ترین تصمیماتِ پذیرفته‌شده، دو نکته بود:

اوّل - اعلان کنگره بر اینکه مسلمانان ملّت واحدی می‌باشند و قرآنِ آن‌ها یکی است که در سینه‌ها محفوظ مانده و در مصاحف مدوّن گردیده، و بر آن‌هاست که با همدیگر همکاری و پشتیبانی نمایند. الخ ... ارزش این اعلان اعتراف به اساسِ یگانگی وحدتِ بزرگ اسلامی که وحدت ملّت و وحدت قرآن و دور کردنِ تمامِ دسیسه‌های توطئه کنندگانی که اغلبشان بیگانه می‌باشند تا به‌غلط در گمان‌ها آورند که دو قرآن وجود دارد: یکی قرآن شیعی و یکی قرآن سنی و زیادت و نقصانی در کتابِ خدا هست که طوسی در مقدمهٔ کتابِ خود التبیان فی تفسیر القرآن اوّل کسی بود که این ادّعا را رد کرد.

نکته دوم - ضرورت توجه به تدریس لغات اسلامی مخصوصاً زبان قرآن و علوم آن در تمامِ دوران تعلیم ابتدایی و متوسطه و عالی.

این امر برای ایران راجع به لغت قرآن و علوم آن واقعی است، هرچند بعضی اختلافات سیاسی متعصبین [دوران پهلوی] را واداشته که بر بی‌نیازی از زبان عربی در قسمتی از دوران تحصیلی تبلیغ نمایند.

همچنین برادران ایرانیِ ما مخصوصاً دانشمندان و استادانِ دانشگاه‌ها در تأکید تعلق مسلمین به تحصیل زبان قرآنی و علوم آن حریص بودن و استمرار وجود آن را در کنکورهای دانشگاه خواستار می‌شدند. .... (الفاسی، بهار ۱۳۵۱ : ۲۲۲)

لازم است دولت و مؤسسات مربوطه، سرمایه‌گذاری جدی را به‌منظور همگانی کردن دسترسی به میراث علمی و فرهنگی اندیشمندان و بزرگان کشورمان با توسعه کتابخانه‌های (دیداری، شنیداری و نوشتاری) انجام دهند تا سطح علمی و فرهنگی جامعه ارتقا یابد، در غیر این صورت، اتفاقی باید تا پس از گذشتِ سال‌ها منبعی پیدا شود. حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای می‌گوید:

من این سخنرانی را نداشتم. سال‌ها گذشت. دو تا از برادران من الآن در آمریکا هستند؛ دکتر امیرحسین کمره‌ای و دکتر احمدرضا کمره‌ای. دکتر احمدرضا کمره‌ای سناً برادر کوچک‌تر است؛ امّا ازنظر مدرک علمی از همه برادرها بالاتر است. پرفسوری‌اش را گرفته و چندین مدال علمی دارد. رشته‌اش در تغذیه است. این‌ها صدای سخنرانی پدر در کنگره هزاره شیخ طوسی را در آمریکا و از شبکه اینترنت پیدا کردند و برای من فرستادند. عیناً خودِ صدای ایشان است؛ من آن روز غفلت کرده بودم، باید ضبط‌صوت از تهران همراه می‌آوردم و یا در مشهد از

بازار می‌خریدم. این کار را نکردم گویا یک نفر در آن جلسه صدای سخنرانی را ضبط کرده بود و سال‌ها بعد در اینترنت گذاشته است. برادران من «سی دی» آن را فرستادند و من آن را دارم[۱]. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

سیّد حسین خدیو جم (۱۳۰۶–۱۳۶۵ ه.ش) درباره محتوای سخنرانی معظم له و نیز خصوصیّات اخلاقی ایشان می‌نویسد: (خدیو جم، ۳۱ فروردین ۱۳۴۹: ۵۱–۵۲)

این مرد که ریاست گروه«حدیث و تراجم و رجال»را بر عهده داشت، با دهان گرم و چهره گشاده آغاز سخن کرد، و ضمن سخنان مستدل خود یادآور شد که اخیراً یکی از متعصبان مصری در کتابی به نام«الخطوط العریضه» مدعی شده که فرقه شیعه قرآنی دارند و با قرآن اهل سنت متفاوت است. سپس افزود که در پاسخ این‌گونه اتهامات ناروا باید کاری کنیم که فرق مختلف مسلمان ازلحاظ عقیده و فکر به یکدیگر نزدیک شوند تا بدین‌وسیله تفرقه از میان برخیزد و استعمارگران بیش از این از آب گل‌آلود ماهی نگیرند.

این مرد در مورد حذف تدریس زبان عربی از برنامه‌های آموزشی، که اخیراً شایعه آن از طرف گروهی بی‌مایه و ریاکار بر سر زبان‌ها افتاده است، انتقاد کرد و شمه‌ای از درد دل‌های اهل تحقیق و مردم فارسی دان ایران‌دوست را بازگو نمود که با تأیید همگان روبه‌رو شد.

باید اضافه کنم که در زندگی چهل‌وسه‌ساله خود اولین باری بود که با این مرد روبرو می‌شدم. وقتی در فرودگاه‌های تهران و مشهد او را دیدم نشناختم اسم‌ورسمش را نپرسیدم، ولی چون روز بیست و هشتم اسفند به شب رسید در هتل سینای مشهد همسایه دیواربه‌دیوار شدیم و باب آشنایی گشوده شد. پس از درک صحبتش او را مردی هوشیار و واقع‌نگر و عاری از تعصب یافتم.

چهره‌اش جلوه‌ای از صفا داشت، کلامش شمرده و دل‌نشین بود، از شنیدن حرفهای مخالف آشفته نمی‌شد، در برابر حرف حساب از سرانصاف تسلیم می‌شد، باید اعتراف کنم که در طول شش روزی که به‌حسب اتفاق همسایه‌اش شده بودم برایم مسلم شد که

---

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین کمره‌ای نسخه‌ای از آن سی‌دی را به من مرحمت فرمودند که محتوی سخنرانی بس عالمانه، دقیق و تأثیرگذار مرحوم حضرت آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای است. [صداقت]

مردی اهل حساب‌وکتاب است، و مانند برخی از زاهد نمایان بهشت را به خود و امثال خود منحصر نمی‌کند. آنچه زبانش می‌گفت، دلش باور داشت این بود که مسلمانان باید از دامن زدن به اختلاف مذاهب چشم بپوشند و یک‌صدا شوند تا حربه «تفرقه بیندازد و حکومت کن» استعمارگران را در سایه اتفاق و اتحاد بی‌اثر سازند.

پس از جناب کمره‌ای یکی از افراد گروه «قرآن و تفسیر» آغاز سخن کرد. موضوع سخن او در شأن نزول آیات قرآنی بود. این سخنران به سبک خطیبان دینی این روزگار چنددقیقه‌ای برای اهل تحقیق داد سخن داد و در حین ایراد نطق دو کتاب از آثار خود را سردست بلند کرد تا حاضران از تماشای قطع و اندازه‌اش بی‌بهره نمانند!

چهارمین سخنران آقای علی دوانی نام داشت که از مدرسان«دار التبلیغ» قم بشمار است. این مرد که چهره‌ای روحانی و دهانی گرم داشت، زیرا عنوان «از طوس تا نجف»به نمایندگی از طرف گروه«حدیث و رجال و تراجم»سخن گفت. بهنگام بکار بردن کلمه» شیعه و سنی»جناب کمره‌ای بر او خرده گرفت و تأیید کرد که میان این دو گروه نباید تفاوتی قائل شویم، زیرا«کل شیعی سنی و کل سنی شیعی»را ما شعار خود ساخته‌ایم.

با این سخن جناب کمره‌ای تمام حاضران هماهنگ شدند و آقای دوانی هم با فروتنی پیشنهاد این مرد پیش‌کسوت و هم‌مسلک خود را پذیرفت. بر اثر این تواضع و انصاف هم جناب دوانی مورداحترام حاضران قرار گرفت و هم برادران غیر شیعی حاضر در محفل با دیده احترام به جناب کمره‌ای نگریستند، نتیجه آنکه پس از پایان جلسه امروز از ایشان خواهش کردند که امامت نماز جمعه را برای نمازخوان‌ها بر عهده بگیرد. این درخواست موردقبول واقع شد و ساعت دوازده و نیم در سالن پذیرائی باشگاه دانشگاه مشهد نماز جمعه به جماعت تشکیل شد و علاقه‌مندان به این امام نیک چهره و خوش‌بیان اقتدا کردند.

امّا باید اشاره‌ای هم به تمجید استاد شهید آیة‌الله مرتضی مطهری از سخنرانی مرحوم علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای هم داشت. عده‌ای از روحانیون نگران آن بودند که دولت

بخواهد از حضور آنان در کنگره هزاره شیخ طوسی بهره‌برداری سیاسی کند، ولی مشخص شد که نگرانی‌های شهید مطهری موردی نداشته است؛ تا جایی که شهید مطهری می‌گفت: «آقای کمره‌ای گُل کاشت.» و این خاطرات حجة‌الاسلام علی دوانی از آن فضاست:

در تهران روز حرکت و سوارشدن به هواپیما در فرودگاه مهرآباد استاد شهید را زیارت کردم. معلوم شد تمامی مهمانان کنگره با همان پرواز عازم هستند. با شهید مطهری در یک صندلی دونفری نشستیم. دو صندلی جلوتر از ما مرحوم آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای با پسرش نشسته بود. شهید مطهری گفت: از یک نظر رفتن به کنگره شیخ طوسی آن‌هم در مشهد و با فعالیّت آقای واعظ زاده و سایر رفقای روحانی استادان دانشکدهٔ الهیات آقایان کاظم مدیر شانه‌چی و جعفر زاهدی لازم است، و ازنظری هم چون کنگره جنبهٔ دولتی دارد نمی‌دانیم عکس‌العمل آن در نظر مردم چطور باشد. بعد نگاهش به حاج میرزا خلیل کمره‌ای افتاد و گفت: بااینکه حاج میرزا خلیل عالم بزرگی است و استاد معقول و منقول است، امّا می‌ترسم در این کنگره که با هول و هراس می‌رویم، سخنی بگوید و کاری کند که بیشتر باعث ناراحتی بشود، به‌هرحال نباید این سنگرها را رها کرد و مطلقاً به دست کلاهی‌ها داد. ...

... بیم و هراس شهید مطهری از مرحوم کمره‌ای هم به خیر گذشت. زیرا او در دفاع از حفظ زبان عربی در کنکور دانشسرای عالی که زمزمه‌اش راجع به‌احتمال حذف آن به گوش می‌رسید، با زین‌العابدین رهنما طرف شد و مردانه آن را به کرسی نشاند، و باعث تحسین همه ما شد، بلکه تمامی شرکت‌کنندگان در کنگره، مخصوصاً شهید مطهری فوق‌العاده خوشحال بود و می‌گفت: آقای کمره‌ای گُل کاشت. (دوانی، ۱۳۷۲: ۲۸-۲۹ و ۳۲)

■ انتقاد از تربیت غیردینی و تفکیک علم و دین

مرحوم آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای شدیداً از تربیت غیردینی در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز ترویج عقیده مغایرت (علم و دین از هم) توسط عناصر فرهنگی رژیم پهلوی، انتقاد کرده و در کتاب قبله اسلام که از تألیفات برجسته معظم له است، شدیداً اعلام خطر می‌کند:

> مدارس کشورهای اسلامی هم (من حیث لا یشعر) همان زنگ را به کار می‌برند و انس محصلین دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و بلکه دانشگاهی‌ها با صدای زنگ بیش از انس به صدای «اذان» است.
>
> **این وضع أسف‌انگیز بیشتر از شکست‌های نظامی به ما خسارت و شکست می‌دهد. من از این وضع اعلام‌خطر می‌کنم و خردمندان مسلمین را دعوت می‌کنم که در فکر اختراعی بیفتند که جای زنگ مدارس را بگیرد** وگرنه پایان آن سرآب است؛ زیرا با وضعی که قدرت و اختراع و صنعت در دست آن‌ها است همین‌که انس روحیهٔ محصلین ما به دستگاه تبلیغاتی آن‌ها شد کار را برای نسل آینده ما مشکل‌تر می‌کند؛ زیرا محصلین به مسجدها نمی‌آیند و از «اذان» هم نشانه‌ای برای مدارس دانشگاهی اتخاذ نکرده‌اند تا کم‌کم تفکیک‌های بدتری در کار آمده **و از اثر تفکیک‌ها کار به‌جایی رسیده که در جشن کنگره خواجه نصیرالدین طوسی (ره) و شیخ‌الرئیس که این ایام در دانشگاه ایران و در همدان برپا کردند دعوتی از حوزه علمی نجف یا ایران برای شرکت نکردند، گویی آن‌ها حوزه علمیه نیستند، فقط حوزهٔ روحانیّت و نمازند، و کار نماز هم فقط اوراد و اذکاری است و علم هم منحصر است به علم صنعت و اختراع نظیر تفکیک دیگری که بین «اذان با شمشیر و قدرت» شده؛ باآنکه در نماز جمعه شمشیر در دست پیشوا است و خود جمعیّت شمشیری در دست امام است. این نوع تفکیک‌ها یک نوع تعبیه‌ای است که تشکیلات قبله اسلام را از طرفی بی‌رمق کرده و از طرفی فاقد قدرت نموده است.** ... (کمره‌ای، ۱۳۵۱: ۶۸۱)

■ ضرورت فعالیت‌های فرهنگی روحانیّت در پایتخت کشور

علّامه آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای بر اهمیت فعالیّت فرهنگی در شهرها و مناطق پرجمعیّت کشور به‌ویژه پایتخت کشور تأکید دارد. معظم له در کتاب فتاوی سلمان فارسی می‌نویسد:

> نگاهداری دستگاه تعالیم دین در مرکز مملکت همیشه مقدم بر سایر منطقه‌هاست. چون منشأ و منبع پخش هر خیری و شری در اقطار مملکت از عاصمه و پایتخت مملکت است و مرکز ثقل مملکت ثقل آن برابر ثقل همه مناطق مملکت است.
>
> و هر کس به وضع عاصمه و پایگاه دانشگاه و فرهنگ ایران آشنا و آگاه باشد و محصول و انتاج هرساله آن را از نزدیک دیده باشد از این مطلب غفلت ندارد و می‌داند که اگر این جمع کثیر و جم غفیر[۱] بی‌خبر از دین بار آیند خطر است و هرگاه متدین بار آیند یا با تعالیم دین آشنا باشند، ایجاد هر خیری به دست آن‌ها امکان‌پذیر است. علی‌هذا احتیاط واجب آن است که با احتیاج مرکز مملکت به تعالیم دین تا مادامی‌که مرکز مملکت برای تأمین عدّه کافی برای این کار نفقهٔ مادّی بخواهد نباید حقوق شرعی به خارج از محیط مرکز فرستاده شود – بلی مازاد از احتیاج را به خارج فرستادن مانعی ندارد. (کمره‌ای، ۱۳۵۱: ۸)

■ تألیفات علّامه کمره‌ای از نگاه دیگران

آثار علّامه کمره‌ای در چارچوب ساختار چهارگانه‌ای بر پایه دعوت اسلامی تنظیم‌شده است (کمره‌ای، ۱۳۴۶:مقدمه) حجةالاسلام والمسلمین کمره‌ای می‌نویسد:

> خودشان نظرشان این بود که تألیفات من دور چهار محور می‌گردد که در عناوین همگی‌شان کلمه «دعوت» است:
>
> مؤسس دعوت پیامبر اکرمﷺ
>
> کتاب دعوت قرآن مجید

---

۱. انبوه مردمان.

خانه دعوت کعبه معظمه

رهبران دعوت چهارده معصوم(علیهم‌السلام).

ایشان می‌فرمود کتاب‌های من و نوشته‌های من دورِ این چهار محور و موضوع می‌گردد. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

علّامه کمره‌ای تا پایان عمر با تلاش حیرت‌انگیزی به تحقیق و تألیف مشغول بود. چنانکه استاد دکتر صدوقی سُها خاطره‌اش از دیدار با معظم‌له را چُنین تعریف می‌کند:

بعد از انقلاب که برای مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد، یک روز با آقای دکتر اعوانی که هم‌درس بودیم – نه در دانشگاه، در طلبگی — آقای دکتر پورجوادی هم بودند؛ خوشبختانه در آن دوران، تحصیلاتِ ممتازی نصیب ما شده بود، به پیشنهاد بنده من، جهت تقاضای درس خدمت ایشان رسیدیم.

وارد منزلشان که شدیم دیدیم ایشان با آن کهولت سن، یک ماشین‌تحریر در مقابل خود گذاشته‌اند و فرمودند: من آثارم را خودم ماشین می‌کنم. فرصت تدریس نداشتند؛ فرمودند: شما هم بیایید به من کمک کنید.

روی سابقه‌ای که می‌دانستم مرحوم آقای امیری فیروزکوهی نزد ایشان مصباح الانس را خوانده بود، تقاضای درس مصباح را داشتیم.

ایشان در همان جلسه فرمودند: ما شرح منظومه را خدمت آقا میرزاعلی اکبر حکیم خواندیم، بعد اسفار و مصباح را با آقای خمینی با هم مباحثه کردیم. (ملاقات با استاد دکتر منوچهر صدوقی سُها، ۱۳۹۵/۱۰/۱۲)

آثار مرحوم علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای همواره موردتوجه صاحب‌نظران بوده و شخصیت‌ها و نویسندگان سرشناسی به اهمیّت آثار ایشان اذعان کرده‌اند؛ برای مثال:

آیةالله سیّد محمود طالقانی(رحمه‌الله) می‌نویسد:

... برای فهم اسرار حج، خواندن کتاب «اسرار حج» و کتاب «قبله» تألیف حضرت علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای را توصیه می‌نمایم. ... (طالقانی، ۱۳۸۱: ج۱ / ص ۲۹۱)

آیةالله آخوند ملّا علی همدانی(رحمه‌الله) در نامه‌ای خطاب به آیةالله کمره‌ای درباره کتاب «قبله اسلام» می‌نویسد:

... روز گذشته به زیارت ۴ جلد از کتاب قبله نائل شدم که مطالعه‌اش جان را تازگی داد و دیده را روشنی بخشود. علم الله که بدون تملق و زبان‌بازی و زمانه سازی عرض می‌کنم:

لله درّ صحیفة تهدی الوری
سبل الهدی و مسالک الارشاد
سجدت نفوس القادسات لذکرها
فی معرض الانشاء و الانشاد
علقت ملائکة السماء بذیلها
لقضاء کل مهمة و مراد
لو شاهدت صحف الفضائل فضلها
شهدت به فی محضر الاشهاد
نسخت بها نسخ الصحائف کلها
حاشای غیر صحیفة السجاد

من نمی‌دانم که این جنس سخن را نام چیست؟ نه نبوت می‌توانم گفتمش نه ساحری. فعلاً قسمت مهم اوقات خود را صرف مطالعه و بهره‌بردن و استفاده از الهامات غیبیه او قرار داده، موفقیّت آنجناب را در تأیید شرع انور از خداوند متعال خواستارم. در خاتمه با تقدیم احترامات فائقه مترصد زیارت بقیه مؤلفات هستم. الاحقر علی بن ابراهیم معصومی. (کمره‌ای، ۱۳۵۴: ۶۹)

آیةالله‌العظمی سیّد موسی شبیری زنجانی (مدظله العالی) درباره تألیفات آیة‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای می‌نویسند:

کتاب فداکاری هفتادودو تن و یک‌تن یا عنصر شجاعت نوشته مرحوم آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای کتاب خوبی است. وی در تألیف کتابش از مدارک مورد اعتنا نقل کرده است. کتاب دیگر ایشان در باب زندگانی مسلم بن عقیل علیه‌السلام از بهترین کتب درباره آن حضرت است.[۱]

۱به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی مرجع عالی قدر حضرت آیة‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (مد ظله العالی) به نشانی: http://zanjani.net با کد خبر: ۸۱۳۷۵ و ۸۵۷۰۰

استاد حبیب یغمایی در معرفی تألیفات آیةالله کمره‌ای به‌ویژه سروش مقدس در مطلبی با عنوان (برای کتاب‌خوانان سروش مقدس) می‌نویسد:

العلامة الحجة آیةالله مولانا الجلیل الحاج میرزا خلیل الکمره‌ای مدّ ظلّه آیةالله العظمی حاج میرزا خلیل کمره‌ای را تألیفاتی است در مباحث اسلامی و مذهبی جذاب و شیرین، با انشائی لطیف و تنظیمی شایسته، و چاپی و تجلیدی مرغوب. خواننده تا این آثار را نخواند تصور نمی‌تواند کرد که مجتهدی مسلم و عالمی عالی‌مقام متوغل در ادب عربی چونین آثاری مؤثر و شیرین به فارسی فصیح تألیف فرماید. مندرجات کتاب قطعه‌قطعه و انتخاب‌شده است که خواننده را ملول و خسته نمی‌کند و چندان جذاب و دلکش است که تا کتاب را از باء بسم اللّه تا تاء تمت نخواند از ان دست بازنمی‌دارد. ...

بیش از هشتاد صفحه این کتاب نفیس و ارجمند ۴۵۰ صفحه‌ای تقریظهائی است از بزرگان اسلامی چون دار التقریب مصر، علمای اردن، علمای کشور سعودی و بزرگان و پادشاهان کشورهای اسلامی که آن‌همه خود گواهانی عدل است در عظمت مقام حضرت آیةالله کمره‌ای دامت برکاته.

بر هر ایرانی لازم است این تألیفات را مطالعه کند و بر چنین وجود مبارکی که در میان مسلمانان ایران است ببالد و بنازد. (یغمایی، اسفند ۱۳۵۷: ۷۵۸)

و در مجلهٔ **رسالة الاسلام** (دارالتقریب قاهره) درباره کتابِ (پیام ایران بنجد و حجاز و مصر: مبارزات رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام با غلات) چنین آمده است:

و فی دارالتقریب الآن بحث مستفیض مخطوط ألفه لها، تأییداً لفکرتها، عالم إمامی معاصر هو فضیلة العلامة الجلیل الحاج میرزا خلیل الکمرئی یبیین فیه رأی الإمامیة سلفهم و خلفهم الذی أجمعوا علیه فی هذه القضیة الأساسیةو هو کفر هولاء الغلاة و ارتدادهم عن دین الله، و وجوب حربهم و البراءة منهم، و ما ورد عن أئمة الهدی من أقوال حاسمة فی ذلک

هذا المؤلف الحدیث هو الآن قید البحث و الدرس فی دارالتقریب لمراجعته والتعرف إلی مصادره، و تهیئته النشر مستقلاً فی فرصه قریبة إن شاء الله.[1]

ترجمه

اکنون در دارالتقریب قاهره پژوهشی پربار موجود است که در راستای اندیشه تقریب و تأیید آن، به قلمِ یکی از علمای امامیّه، حضرت علّامه جلیل‌القدر، حاج میرزا خلیل کمره‌ای به رشته تحریر درآمده است و در آن نظراتِ علمای سلف و خلف امامیّه تبیین شده است که همگی متفق‌القول حکم بر کفر غُلات و ارتدادشان از دینِ خدا داده‌اند و جنگ با آنان و برائت جستن از آن‌ها را واجب می‌شمرند و آن کتاب متضمن سخنانی قاطع از ائمه هدی در موضوع فوق است. اکنون دارالتقریب در دستِ بررسی منابع و مأخذ این اثر جدید، به‌منظور آماده‌سازی آن جهتِ انتشار مستقل در آینده‌ای نزدیک است. ان شاء الله.

آیت‌الله کمره‌ای خود می‌نویسند:

نمونه دیگری از بیداری آنان آن است که مرحوم شیخ اکبر رییس جامع الازهر در تفسیر خود که در شماره‌های (مجله رسالةالاسلام) نشریه دارالتقریب مصر منتشر می‌شود، از کتاب تألیفی من «آراء ائمة الشیعة الإمامیّة فی الغلاة» نام به نیکی برده، آن را قبل از ملاقات من نوشته بوده و همین هم دلیل دیگری است بر حقیقت شیخ اکبر رییس جامع الأزهر و رجال دارالتقریب و تنزیه آنان... (کمره‌ای، بی‌تا: ۱۵)

استاد امیری فیروزکوهی در وصف علّامه میرزا خلیل کمره‌ای و تألیفات گران‌قدر ایشان، خاصه کتابِ «قبلهٔ اسلام-کعبه یا مسجدالحرام» می‌نویسد:

فرد اکمَل و مَثَل اعلای این طبقه از علماء و دانشمندان مجاهد بلکه پیشوا و پیش‌قدم آن بزرگواران در این راه خطیر، قدوهٔ اکابر علماء، و زبدهٔ اماثل فضلاء، اسوه اهل صفا و آیت فهم و دها، محقق مدقق علّامه، پیشوای مجاهد فهامه،

---

۱. رسالة الاسلام، السنة الثامنة، رمضان ۱۳۷۵ - العدد ۲، ص ۲۲۱. نیز ببینید: مجله: رسالة التقریب» بهمن ۱۳۷۶ - شماره ۱۸ با عنوان: «***مشاریع علمیة***».

آیة‌الله حاج میرزا خلیل مجتهد کمره‌ای–من اللّه علینا بطول بقائه می‌باشند که حقاً و انصافاً از زمانی که قلم هدایت و ارشاد به دست گرفته و در انواع مطالب و مباحث دینی به تصنیف و تألیف کتب پرداخته‌اند بی‌هیچ انصراف و انقطاعی بذل همت و صرف اوقات کرده و اغلب ساعات شبانه‌روزی خود را باوجود شواغل و صوارفی[1] که ناچار ملازم بازندگانی هر کسی است در انجام این مهم و آشنا کردن مردم به فلسفه اسلام و خبایای[2] دقائق احکام وقف نموده‌اند.

... مرقومات ایشان که مابین تصنیف و تألیف و شرح و تعلیق قرارگرفته و حائز تعداد زیادی است، دارای این خصیصهٔ آشکار که هم از باب انتخاب موضوع و هم از حیث روانی و سادگی انشاء و مطالب بفهم عموم مردم در حد اعلای امکان و به‌راستی از مفیدترین نوشته‌های دینی عصری است. یکی از همین تصنیفات نفیس که اخیراً روشنی‌بخش چشم آرزومندان کتبِ دینی گردید کتاب پرفائدهٔ «قبلهٔ اسلام–کعبه یا مسجدالحرام» است که مانند اغلب مرقومات معظم‌له در یکی از موضوعات بکر و دست‌نخورده مهم اسلامی برشته تحریر درآمده است. ...

... در این اثر بکر استدلالات و تعلیلات عقلی موشح به مؤیدات و شواهد نقلی با چنان بیانی روان و عباراتی فصیح و شورانگیز هم‌آهنگ و متبادر به ذوق و فهم هرکسی است که حقاً خواننده نه‌فقط با درک علل و موجبات تکلیفی مهم و علم به رازی بزرگ بر بسیاری از مجهولات ایمانی و عملی خود واقف و مطلع می‌شود؛ بلکه شیرینی و چاشنی عبارات و شور و وجدی که از خواندن لطائف ذوقی و حالی آن‌ها به او دست می‌دهد، چنان او را مسحور و مجذوب می‌کند که گوئی چشم بر صحیفه‌ای آسمانی و گوش به نغمه‌ای ملکوتی دارد. پیداست که این کتاب عصاره و چکیده عقل و ادراکی کامل و وافر و علم و احاطه‌ای شامل و متواتر و طبع و فطرتی حساس و شاعر؛ و شور و ذوقی دائم و متلاطم است که این‌قدر در دل و روح انسان اثر می‌گذارد و خواننده را با فهم چنان دقائق دشوار و مشکل با چنین تقریبی سهل و آسان به وجد و حالی فرح‌بخش و لذت‌آور فرومی‌برد و این نیست مگر تأثیر نیت خالص و قصد قربت و جذبه و حال

۱. صوارف جمع صارفه: حوادث

۲. خبایا: جمع خبیئة: جاهای پوشیده و پنهان

نویسنده بزرگ آن‌که چون خود به آتش ذوق و شور و فروغ الهامات آسمانی گرم و آتشین شده اثری دیگر و جذبه‌ای فزون‌تر یافته و دیگران را هم به آتش عواطف و حرارت احساسات خویش گرم و آتشین می‌کند. من باید اقرار کنم که در مطالعهٔ ابواب و فصول این کتاب آن‌قدر مستغرق این شور و جذبه گردیده و چنان وجد و حالی در خود احساس می‌کردم که گوئی با کانونی از ملهمات و افاضات آسمانی سروکار دارم و به راز و سری الهی در قالب یک غزل رقیق و شورانگیز آگاه گشته‌ام. کسانی که با کتب علمی آشنایی دارند می‌دانند که تفهیم مباحث عقلی و نقلی و تنزل سطح عالی مشکلات آن‌ها تا اشراف به فهم و درک عامّه آن‌هم به‌صورت یک کتاب بطوریکه ملالی در خواننده ایجاد نکند و شورونشاطی هم در طول ساعات مطالعه در او تولید نماید تا چه اندازه سخت و فوق حد عادی است. ... (امیری فیروزکوهی، اسفند ۱۳۳۶: ۵۳۸ – ۵۴۷)

مفسر ارجمند و استادِ عالی‌مقام **آقای علیرضا خسروی (خسروانی) قاجار** نیز در معرفی کتاب «قبلة اسلام» اثر آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای مقاله‌ای را نگاشته است که با عنایت به مضمون تقریبی آن تقدیم می‌شود:

از کلمات برجسته و مؤثری که در دوران زندگی خود از اشخاص بزرگ شنیده‌ام سخنی است که در کمال ایجاز و اختصار از مرحوم آیةالله حاج شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء رضوان اللّه علیه در موقع حرکت از تهران به نجف آموختم که به‌طور یادگار به این ناچیز القاء فرموده و تا زنده‌ام در اعماق روحم تأثیر آن باقی است و آن این بود که: «بنی الاسلام علی دعامتین کلمة التوحید و توحید الکلمة» مبنای دعوت پیمبران عظام که (لا نُفَرِّقُ بَینَ أَحَدٍ مِن رُسُلِهِ) سوق دادن عالم بشریت به یک اصل کلی است و آن رو سویِ مقصد واحد کردن است.

و اصل توحید یک‌سخن گفتن و یکتا پرستیدن و یکی بودن و یکی خواستن است و معنای (العلم نقطة کثرها الجاهلون) هم همین است.

و اسلام هم کلمهٔ أَعَمِّی است که شامل تمام این مقصود و تسلیم در برابر یک مقصد والا و یک نقطهٔ اعلی شدن است چنانکه امیر مؤمنان فرمود: «الإسلام هو التسلیم» و خدای سبحان فرمود: « مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيّاً وَلاَ نَصْرَانِيّاً وَلَكِن

كَانَ حَنِيفاً مُّسْلِماً» (آل‌عمران، بخشی از آیهٔ شریفه ۶۷) و «وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ» (آل‌عمران، بخشی از آیهٔ شریفه ۸۵) و به‌طور خلاصه اسلام یعنی توحید و توحید یعنی اسلام.

هرگاه عالم بشریت به این راه راست رهنمون می‌شد که همگان روسوی مقصد واحد کنند و همگی به یک‌جهت ایستاده نماز گذارند و دست نیاز دراز نمایند و یکتا را بخواهند و بخوانند و در همه‌چیز یگانه باشند روزگار دنیا به حال حاضر نمی‌بود و رفاه صوری و معنوی شامل حال تمام اولاد آدم می‌شد و به همین جهت ادیانِ مختلفه و پیمبرانی که از جانب مبدأ یگانه مأموریت یافتند همه یک‌چیز گفتند و همگی برین طریقه قدم زدند که جهانیان را به مبدأ واحد خود متوجه سازند و توهمات بی‌جا و خیالات بی‌پا و راه‌های کج‌ومعوج و نار است را از پیشِ قدم آن‌ها بردارند.

و اگر چنین می‌شد و بشر ظلوم و جهول راه عناد و سرسختی پیش نمی‌گرفت این بیچارگی و بدبختی را برای خود به بار نمی‌آورد.

سر سلسلهٔ پیمبران گرام و پایان دهندهٔ مأموریت سفرای عظام حضرت خاتم‌النبیین محمد مصطفی ﷺ دعوتش از این کلمه تجاوز نکرد و در کتابی که آورد و بر سایر کتب مهر خاتمیت زد و به‌کرات فرمود که: «قُلْ إِنَّما يُوحي إِلَيَّ أَنَّما إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (انبیاء: ۱۰۸) و «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ» (آل‌عمران: بخشی از آیه مبارکه ۱۰۳) و اصل دعوت را به لفظ انما در توحید منحصر فرمود و بقیه ارکان دعوت را متفرع بر آن اصل قرار داد و به آیات «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری، بخشی از آیهٔ شریفه ۱۳) و «وَلاَ تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ» (أنعام، بخشی از آیهٔ شریفه ۱۵۳) مقصد اعلی و منظور اسمای او آن بود که بساط تحزّب و تفرّق و پراکندگی و اختلاف را برچیده و همه را به شاهراه تجمع و اتحاد و یگانگی و اتفاق رهنمائی فرماید.

ازجمله وسایلی که برای یکی بودن و یکی گفتن و یکی پرستیدن مهیا فرمود و به جهانیان پیمودن راه واحد را القاء نمود تعیین(قبلهٔ اسلام) بود که خلایق در شبانه‌روز یکدل و یک‌زبان رو به یک‌سو کنند و بیک سو روی نیاز و نماز آورده و رو به‌سوی دیگر نکنند و در حقیقت توحید عملی را در تعیین قبلهٔ واحد مقرر داشت که در اجرای عمل اصلی دین یکتاپرستی که نماز است متوجه یک کعبه

مقصود شوند والا کریمهٔ «وَ هُوَ مَعَکُمْ أَینَما کُنْتُمْ» (حدید، بخشی از آیهٔ شریفه ۴) و «فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّه» (بقره، بخشی از آیهٔ شریفه ۱۱۵) و «نَحنُ أقرَبُ الیهِ مِنْ حَبْلِ الوَرید» (ق، بخشی از آیهٔ ۱۶)

تعیین محلی را برای دلبر همه‌جائی فرض نداشته است و ازاین‌رو ماحصل توحید کلمه و کلمهٔ توحید در تعیین قبلهٔ واحد تمرکز یافت. و هر کس را دسترسی به فلسفهٔ آن بیشتر باشد به طریق توحید بیشتر هدایت‌شده است و هر کس دربارهٔ قبلهٔ اسلام بهتر قلم‌فرسائی کرده باشد جهانیان را به مقصد توحید بهتر راهنمائی کرده است از برکاتی که اخیراً خداوند منان به مسلمانان ایران منت نهاده و موهبت فرموده است انتشار کتاب(قبلهٔ اسلام) پس از نشر رسالهٔ بیت‌المقدس و تحول قبله) است که هر دو کتاب به‌خامهٔ پربرکت خدمتگزار واقعی دین حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای ایده اللّه و زاد اللّه فی توفیقاته مرقوم و مانند کوکب رخشنده‌ای عالم مطبوعات و نشریات اسلامی را منور ساخته است کتاب(قبلهٔ اسلام) را که به‌تازگی موفق بخواندن آن شدم کتابی ندیدم که توصیف و تمجید آن از عهده چون بندهٔ ناچیز مستمندی بلکه از قوه هر دانشمند ارجمندی برآید چه آن را از نوشته‌هایی دیدم که تا از روی دقت خوانده نشود کاملاً به مزایا و محاسن آن پی برده نشود و تأثیر آن در روح مانند دارویی است که تا بیمار نیاشامد تأثیر آن را در بدن کما هو حقّه نداند و شرح آن به گفتن و نوشتن و شنودن و ستودن درست نیاید.

آرزومندیم که مسلمانان ویژه شیعیان، از این خزانه‌های پرگهر و دُرَر بهره وافی برند و قرائت و مطالعه و تمتع از این کتاب مستطاب را غنیمت شمرند تا به اصل دیانت پربهای خودی پی برند و این‌گونه علمای دینی و رهبران روحانی که شب و روز آسایش خویشتن را وقف ارشاد قلوب دین خواهان حوزهٔ دیانت و رفع عطش تشنگان وادی معرفت فرموده‌اند قدردانی و سپاسگزاری قولی و فعلی نموده موجبات تأیید و تشویق آنان را فراهم فرمایند تا خداوند متعال هم به جامعهٔ ما رحم آورد و رحمت فرستد و از این حال نکبت و مذلّت نجاتمان دهد. بِمنّه و کَرَمِه (خسروانی قاجار، دی ۱۳۳۶: ۴۵۱-۴۵۳)

همچنین استاد **دکتر جواد کلیددار** در تقریظ بر کتاب «قبله اسلام کعبه یا مسجدالحرام» می‌نویسد:

> یکی از مهم‌ترین و گران‌بهاترین تحفه‌هایی که آقای آیةالله کمره‌ای در این دوره به عالم اسلام و ملّت ایران تقدیم نموده‌اند، کتاب بی‌نظیر قبله اسلام است که نشانه‌ای از جهاد خستگی‌ناپذیر و نمونه‌ای از خدمات صادقانه سودمند و روزافزون معظم له بشمار می‌رود؛ علی الأخص که این سِفْر جامع عظیم و کتاب بی‌نظیر ایشان هر دو عنصر مهم وضعی و فکری را در بر دارد؛ زیرا موضوع آن بسی مهم و قلم توانا و فکر وقاد مؤلف آن بدو حیات بخشیده و به عرصهٔ وجود درآورده است.
>
> فی‌الواقع، قدر و قیمت هر کتابی در عالم بسته به‌قدر و قیمت موضوع اصلی آن کتاب است و موضوع هر کتابی نیز در درجه اوّل مربوط و منوط به مقدار اهمیّت و در درجهٔ دوّم متوقف و مربوط به درجه مقدرت و اندازه قدرت مؤلف آن موضوع است و لذلک بهترین کتاب و تألیفی است که موضوع آن فی حدّ ذاته دارای اهمیّت کامل و علاوه بر آن مؤلف آن نیز از دانشمندان بزرگ و معروف به حسن اختیار مواضیع و مقدرت کامل در بحث و تحلیل باشد و کتاب «قبله اسلام» فی‌الواقع شامل کلیّه این جهات برجسته است. ... (کمره‌ای، ۱۳۵۴: ۶۰)

■ در سوریه

از دیگر سفرهای تقریبی آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، سفر ایشان به کشور سوریه و انجام دیدارهای مختلف با علمای آن بلاد بود. حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای که خود همراه معظم له در این سفر بوده است، می‌نویسد:

> در عید نوروز ۱۳۵۶ شمسی، ایشان پس از تشرف به مکّه معظمه برای عمره مفرده و مدینه منوّره به سوریه عزیمت نمودند. در آن دیار پس از تبادل‌نظر درباره وحدت عالم اسلامی با علمای آن سامان، بنا به دعوت و تقاضای علّامه شیخ احمد کفتارو[۱] و مفتی اعظم سوریه، ایشان در جامع النّور دمشق، یک

---

۱. شیخ احمد بن شیخ محمد امین کفتارو (۱۹۱۵ – ۲۰۰۴م) از علمای بزرگ سوری است. از اساتید او می‌توان به پدرش مرحوم شیخ محمد امین کفتارو، شیخ ابراهیم الغلاییني، شیخ ابو الخیر میدانی، شیخ

سخنرانی به زبان عربی ایراد نمود که بسیار موردتوجه مستمعین قرار گرفت. (کمره‌ای، ۱۳۶۴: ۳۶)

■ گزارشی از ملاقات با یکی از علمای کشور سعودی

[به روایت حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای]

گزارش زیر توسط حضرت حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای تنظیم و منتشر شده است و به شرح یکی از دیدارهای تقریبی آیةالله کمره‌ای با یکی از شیوخ سلفی سعودی در تهران اختصاص دارد. بعدها آیةالله کمره‌ای در مقاله‌ای با عنوان «این ننگ را عرب به کجا می‌برد» که در محکومیّت تجاوز رژیم عراق به ایران نگاشت، به پاره‌ای از مباحث این دیدار اشاره کرد. [در همین کتاب متن مقاله مذکور عیناً خواهد آمد.]

> اطلاع حاصل شد که حضرت صاحب المعالی آقای شیخ محمد بن ناصر عبودی دبیر کل دانشگاه مدینه منوره به‌طور غیررسمی پس از دیدار دانشگاه‌های دینی پاکستان و افغانستان به طهران آمدند.
>
> طبق امر والد محترم برای دیدار آن‌ها به محل اقامتشان با دو هدیه علمی (۱. کتاب الشیخ الطوسی شعلة من مشکوة النبوة المحمدیة؛ ۲. کتاب رابطة العالم الاسلامی قبس من ولاء علی علیه‌السلام) رفتم. مطلع شدم که معظم له امین عام دانشگاه اسلامی مدینه منوره هستند که در آن ۱۲۰۰ محصل از ۸۲ کشور مشغول فراگرفتن دروس مختلف دینی هستند و چون ابراز داشتند که غرض از سفرشان ملاقات با علماء و فقها و دیدن کتابخانه‌های بلاد اسلامی است و اظهار تمایل به ملاقات والد معظم فرمودند؛ از طرفی در وضع دنیای کنونی می‌دانیم هرچه این‌گونه ملاقات و مسافرت‌ها بین علماء فریقین بیشتر باشد به «اخوت اسلامی» و حسن تفاهم کمک می‌کند، لذا من تمایل ایشان را به فال نیک گرفتم.

محمد جزو، شیخ محمد الملکانی، شیخ ملا عبد المجید، اشاره کرد. در سال ۱۹۶۴م به عنوان مفتی سوریه انتخاب شد که تا زمان وفاتش در سال ۲۰۰۴م عهده‌دار این سمت بود. او از سال ۱۹۶۴م به ریاست شورای عالی فتوای سوریه؛ و از سال ۱۹۷۴ م ریاست مجمع اسلامی ابی‌النور را بر عهده داشت.

روز بعد اطلاع دادند که آقای عبودی و همراهان روز جمعه ۲۹ ذی‌قعده ۱۳۵۱/۱۰/۱۵ به دیدار والد معظم به منزل خواهند آمد و این مجلس علمی تشکیل شد و مذاکراتی سودمند بین طرفین پیرامون وحدت هدف انجام گرفت. انتشار مطالب طرفین برای آگاهی مسلمین ایران با وضع زمان حاضر و جهات مختلف قطعاً مغتنم و به نفع مسلمین و دور کردن مطامع استعماری است. مشتاق بودم که برادران دینی آگاه باشند این مذاکرات و استدلال‌های دو طرف که هرکدام در قطبی هستند و یک هدف دارند، چگونه است؟ با توجه به این نکته که معظم له مهمان ما بودند، حداکثر احترام و ادب باید مراعات گردد و بحمدالله انجام شد.

به‌منظور بدرقهٔ همت مهمانان ارجمند که پیش‌قدم برای اصلاح و صلح بودند، این نشریه به مقام معظم له و مجامع اسلامی تقدیم می‌گردد.

والفضل لمن سبق – ناصرالدین کمره‌ای.

سخن امین دانشگاه:

ارتش اسلام که از مدینه به جهان پخش شد قیامش روی پایهٔ عنصریت نژادی نبود. سلمان فارسی از فارس؛ بلال از حبشه؛ صهیب از روم بودند که غیرعربی بودند. این قیام برای آب‌ونان هم نبود. منشأ آن تعصب عنصریت هم نبود؛ چون هم‌صدا شدند لذا از مدینه ندای اسلام را به جهان تبلیغ کردند تا دورترین بلاد صدای اسلام را رساندند. در حدود سال ۹۵ طارق بن زیاد جبل‌الطارق و اسپانیا را فتح کرد و از این‌طرف تا بخارا و سمرقند به نفع اسلام گشوده شد و تا اقیانوس اطلس که آخر دنیای آباد آن روز در مغرب بود، رسیدند.

سخن حضرت آیةالله کمره‌ای:

شاعر مهیار دیلمی گفته:

ما برحت مظلمة دنیا کم
حتی اضائت کوکب فی هاشمٍ
بیّنتموا به و کنتم قبله
سراً یموت فی ضلوع کاتمٍ
فصار هل من ملک مسالمٍ
یقول هل من ملکٍ مقاوم (کشف المحجة ابن طاووس)

سخن امین دانشگاه

عربیت و عنصریت نژادی آن اندازه قدرت نداشت که عرب بدان از تسلط حبشه که خود غلام و بندهٔ دنیا بودند، در آید. هنگامی‌که سپاه حبشه با فیل به‌قصد تخریب کعبه آمدند، عبدالمطلب گفت: «وللبیت رب» دلیل این است که قدرت دفاع از مقدس‌ترین مقدسات را خود نداشته وگرنه به‌صرف آنکه للبیت ربّ، تکلیف ساقط نمی‌شد تا سپاه این سرزمین (ایران) یمن را از تسلط حبشه آزاد کرد.[۱] ولیکن چون سپاه اسلام سیاه‌وسفید را یگانگی داد و پیغمبر ﷺ فرمود: کلّکم من آدم و آدم من طین و لا فضل لعربی علی عجمی حتی فرمود: سلمان فارسی از خاندان ما است. (سلمان منّا اهل البیت) و نفرمود: (سلمان من المسلمین) از این مرزوبوم (ایران) اسلام به چین رفت و در قرن پنجم به هند رفت.

و نیز از این سرزمین ایران علوم اسلام و فرهنگ قرآن در تمام فنون تفسیر و قرائت و کلام و حدیث حتی لغت آن‌قدر سپاه و جیوش به جهان پخش شد که دنیا را پر کرد و هیچ‌یک از مؤلفین عار از تألیف به عربی نداشته و در کتاب‌های آن‌ها رنگ دوگانگی پیدا نیست که بگویند اسلام دین عرب است.

در آن روزگار که وسیلهٔ ارتباط مثل امروز فراهم نبود، چنین بودیم، حالا که وسیلهٔ ارتباط فراهم است و هرچه در مشرق باشد در مغرب از آن مطلع می‌شوند و در میان ما علمایی بزرگ مثل حضرت آیةالله کمره‌ای (اشاره به والد) هست که کتاب «ارض النبوة جسر عظیم» ایشان را من خوانده‌ام و کتاب خوبی است؛ چرا باید از هم بیگانه باشیم.

چهره هدف

تا چندی قبل در مسجدالحرام چهار محراب بود نشانهٔ چهار مذهب. موقع نماز اتباع هر مذهبی به محراب خاص خود رو می‌آوردند و به امام مذهب خود اقتدا می‌کردند امروز بیایید ببینید خدمت مهمی که به وحدت اسلامی شده، همه مذاهب اسلامی در یک نماز باشکوه شرکت می‌کنند آیا این وحدت و نتایج آن را نمی‌بینید؟ پس با ما بیگانگی نکنید و تعاون کنید.

---

۱. اشاره است به سپاه ایران که در زمان انوشیروان به سرداری «وهریز» یمن را از دست حبشه آزاد کردند. [پانوشت از منبع مورد استفاده]

سخن آقای تشیّد

در این وقت آقای علی‌اکبر تشیّد (که از فضلای اسلامی و صاحب مجلهٔ تاریخ اسلام است) برخاست و چنین گفت: همان وقت ما به همه در نماز اقتداء می‌کردیم ولی اهل مذهب حنفی به امام مالکی اقتداء نمی‌کرد و مالکیان به امام حنفی اقتداء نمی‌کرد و این دو به شافعی اقتداء نمی‌کردند و شافعیان به هیچ‌کدام و حنبلی نیز به هیچ‌یک.

سخن امین دانشگاه

اختلافات ما نباید مانع از تعاون ما باشد؛ چون اختلافات جزئی است در فتوی است وگرنه (کتابنا واحدٌ؛ قبلتنا واحدٌ؛ رسولنا واحدٌ) اختلافات هرچه باشد خواه جزئی و خواه کلی، مانع تعاون در برابر دشمن نیست. امروز دشمنان از هر طرف حمله‌ورند؛ چه مسلح و چه غیرمسلح. مادی‌گری در جوانان رخنه می‌کند و دشمن ما با اصول مشترک ما دشمن است؛ پس باید تعاون داشته باشیم، هرچند اختلافاتی باشد.

سخن والد محترم

برای این حدّ ادب که از طرف رییس دانشگاه مدینه ابراز شد، تشکر می‌کنیم. شما که تعاون بر برّ و تقوی خواسته‌اید، خود نمونه سپاه توحیدید و این اقبال امّت اسلام است.

بخت باز آید از آن در که یکی چون تو درآید
روی میمون تو دیدن درِ دولت بگشاید.

وقتی مثل شما از این در وارد شود، خیر و اقبال و میمنت از در آمده و دیدار شما گویی دیدار همه آن جمع است که نماینده آن‌ها هستید و واحد شما هزار و بیش از هزار است.

فربّ رجل یفوق الفاً
و ربّ رجالٍ لا تعدّ بواحدٍ

چون رییس آن جمع محصلین شما هستید پس شخص واحد شما جمع است و از طرفی حسن نیست و آرمان ما و آرزوی هر مسلمان علاقه‌مند دربارهٔ دانشگاه مدینه آن است که به مقام لایق و سزاوار خود برسد. امید است محصلین آن دانشگاه نمایندهٔ جیوش عهد رسول خداﷺ باشند و رسالت آن‌ها برای دنیا باشد و

دانشگاه‌های معروف دنیا سوربن فرانسه، کمبریج انگلستان و مک گیل کانادا و دیگر دانشگاه‌ها چون قمر دور خورشید دانشگاه مدینه یعنی دانشگاه محمّدﷺ بچرخند و کسب نور کنند.

دانشگاهی که در شهر پیغمبرﷺ باشد باید به منزلهٔ نماینده پیغمبرﷺ باشد تا درخور شأن عظیم آن رهبر باشد درنتیجه معلم توحید (توحید کلمه و کلمهٔ توحید) گردد.

ولی متأسفانه روزی بر همین شهر مدینه گذشت که شاعر دعبل خزاعی گفته:

مدارس آیات خلت من تلاوةٍ

و منزل وحيٍ مقفر العرصات

(معجم یاقوت)

هنگامی‌که امام رضا علیه‌السلام به مرو آمده بود، دعبل در شعر خود بر کم‌فروغ شدن نور هدایت مدینه گریست و در قصیدهٔ خود گفته پس از هجرت شما از مدینه مدارس از تلاوت آیات خالی شد و منزل وحی عرصه‌هایی خشک ماند. امام موسی بن جعفرعلیهما‌السلام به بغداد و امام علی بن موسیعلیهما‌السلام به مرو و امام محمد بن تقیعلیهما‌السلام به بغداد و امام علی النقیعلیه‌السلام و امام حسن عسکریعلیه‌السلام به سامراء تبعید شدند؛ درنتیجه چراغ‌های علم مدینه کم‌فروغ شد.[1] این قصیدهٔ مفصّل را شاعر در مرو برای امامعلیه‌السلام و مأمون خوانده، امید ما این است که در این تجدید حیات علمی، مدینه به عهد رسول خداﷺ برگردد؛ طبق گفتهٔ پیغمبرﷺ که به صحابه فرمود: (الناس لکم تبع و سیأتیکم رجال من اقطار الارض یتفقهون فإذا رأیتموهم فاستوصوا بهم خیراً (کتاب بحار الأنوار ج۱ / ص ۵۵ باب فرض العلم حدیث ۲۶ سفینة البحار) ترجمه: مردم جهان برای شما ازاین‌پس تابع‌اند؛ به‌زودی مردانی از اقطار زمین به‌سوی شما برای فراگرفتن علم دین می‌آیند، به همه شما سفارش می‌کنم که نسبت به آن‌ها از بذل خیر دریغ نداشته باشید.)

آن روز مدینه مرجع مصر و تمام اقطار زمین بود. سواری از مصر آمد و بر درب مسجد مدینه فرود آمد از زید بن ارقم پرسید آیا رسول خداﷺ در غدیر خم گفت:

---

۱ .در سال ۶۲ عام الحره ۱۷۰۰ نفر از صحابه که هرکدام چراغی فروزان بودند، در مدینه کشته شدند. (الإمامة والسیاسة ابن قتیبه) [پانوشت از منبع مورد استفاده]

من کنت مولاه فهذا علی مولاه چون شنید سوار شد و برگشت. گفت: من فقط برای گرفتن همین حدیث آمده‌ام. (سفینة البحار، ج۲/ ص ۲۳۱)

حوزهٔ درس حضرت سیّد الشهداء در مسجد مدینه طوری بود که همه مستمعین آن‌چنان ساکت بودند که «کأنَّ علی رؤسهم الطّیر»

وقتی طالب علم برای کسب دانش به حضور علی بن الحسین(ع) یا صحابی کبیر ابوسعید خدری می‌آمد، می‌فرمودند: مرحباً بکم انتم وصیة رسول‌الله. (سفینة البحار؛ ج۲/ ص ۲۲۰)

عمر بن خطّاب می‌گفت: تا علی(ع) در مسجد است و در دسترس است، کسی فتوا ندهد. لایفتیم احد و علی(ع) فی المسجد. (الغدیر)

خلاصه آنکه اتمام نعمت بر هر امت به وجود رجال است. خداوند بر هر ملّتی رجال لایق داد، نعمت را بر آن‌ها تمام کرده است. رجال صحابه هرکدام از بزرگی خود واحدشان یک مدینه شد و به آن‌ها رجوع می‌شد.

سخن معاون دانشکده برای تأیید مطالب فوق حدیث مشهور (انا مدینة العلم و علیّ بابها) را خواند. (بحارالانوار)

سخن آیةالله کمره‌ای:

پیغمبر(ص) فرمود این افتخار مدینه است که همه شهرها در صدر اسلام با شمشیر فتح شد ولی شهر مدینه با قرآن (علم) گشوده شد. (مجمع الزوائد هیثمی)

رجال مدینه هنگامی پیغمبر(ص) را از مکه با دعوت و اصرار و ابرام و تقاضا به مدینه آوردند که ۲۴ سورهٔ قرآن هنوز نازل نشده بود. حقیقتاً مردان مدینه به استقبال قرآن و پیغمبر(ص) رفتند و با هفتادوپنج نفرشان محور تاریخ جهان را گرداندند چون هجرت را به وجود آوردند و تاریخ هجری پدید آمد.

پس باید شهر مدینه و دانشگاهِ آن، آن‌قدر بزرگ و کامل و جامع باشد که پاسخگوی دینی و علمی همه جهان اسلام گردد تا لایق مقام پیغمبر خاتم رحمة للعالمین(ص) شود.

در این موضع والد معظم چند انتقاد اجتماعی و علمی داشتند که به‌عنوان سؤال به‌صورت مؤدبانه مطرح کردند و فرمودند: آیا اجازه می‌دهید سؤال‌ها طرح شود:

امین عام دانشگاه: بفرمایید

سؤال اوّل:

در انجمن جوانان که چندی پیش در الریاض به‌منظور اصلاح جوانان در دنیای مضطرب کنونی با نمایندگان همهٔ ملل اسلامی تشکیل شد آیا بهتر نبود که از ایران هم نماینده دعوت می‌کردید؟

جواب دبیر کل دانشگاه:

این دعوت را وزیر معارف کرده بود؛ در امور اداری آن وارد نبودم، من خود دعوت داشتم و به علّت مسافرت نتوانستم شرکت کنم.

سؤال دوّم:

آیا صلاح نمی‌دانستید که دروس عالی اجتهاد منحصر به فقه مذهب واحد نباشد، چند سال پیش جوانی سیاه و مؤدّب اهل سنگال و نیجر پیش من آمد که از محصلین دانشگاه شما بود. کمیّت و کیفیّت دروس علمی آنجا را از او پرسیدم. گفت: چون دانشگاه است ما باید مجتهد شویم و دارای قوّهٔ استنباط گردیم و قوّهٔ استنباط از فقه مقارن و مقابله آراء مذاهب و مقایسه آن‌ها با یکدیگر مثل حقوق تطبیقی به دست می‌آید و چون در این دانشگاه چنین مقایسه در فقه مذاهب مختلف نیست؛ لذا ما بیست نفر که از آفریقا هستیم قصد داریم برویم و همین مطلب را به اعلیحضرت فیصل هم نوشته‌ایم. اکنون سؤال من این است آیا اصلح نبود در آن دانشگاه از فقه علمای اهل‌بیت ائمه دین هم تدریس شود چون آن‌ها از متن مدینه هستند در آنجا متولد و در آنجا مدفون‌شده‌اند و مؤسس بنای عظیم دانشگاه اسلام در درجهٔ اول ازهرجهت، آن‌ها بوده‌اند.[1] آیا صلاح است فقه آل محمد را عراق و نجف و خراسان ایران بدانند و محصلین دانشگاه مدینه ندانند؟ آیا صلاح است که فقه امام مالک را مراکش بخوانند و بدانند لیکن دانشگاه

---

۱. درباره حج اعتراض کرد و گفت: قل فانک سنامه و ابوک کان اسه و نظامه. امام جواب کافی به او داد. (امالی صدوق)؛ (بحارالانوار کاد ۶ لی) چهار هزار شاگرد امام صادق بودند که نه‌صد شیخ از آن‌ها در کوفه تدریس می‌کردند. کل یقول: حدثنی جعفر بن محمد (رجال ابوعلی منتهی المقال در ترجمه حسن بن علی و شأء) (سفینهٔ البحار، ج۲ ص ۶۵۶) امام احمد بن حنبل می‌گوید به کوفه رفتم تا اجازه نقل از محدثین کوفه بگیرم زیرا در آن زمان تا کسی حوزهٔ علمی کوفه را نمی‌دید، حدیث از او قبول نمی‌کردند. (سفینهٔ البحار) [پانوشت از منبع مورد استفاده]

مدینه ندانند؟ آیا صلاح است فقه شافعی را مصر بخوانند و بدانند ولی دانشگاه مدینه از آن بی‌اطلاع باشد؟ آیا صلاح است فقه حنفی را ترکیه و بلاد زیادی بخوانند و بدانند ولی دانشگاه مدینه از آن بی‌خبر باشد؟

دانشگاه پیغمبر توحید باید هیچ‌کدام از مذاهب اسلام را بیگانه نگیر؛ چنانکه پیغمبرﷺ هم، سلمان، بلال و صهیب را بیگانه نگرفت و آن‌ها را از خود دانست و در صورت عدم توجه به فقه مذاهب مختلف اسلامی، نماینده پیغمبر توحید نخواهید بود و مجری و تابع حدیث مشهورِ «الناس لکم تبعٌ و سیأتیکم رجال من اقطار الأرض یتفقهوم فإذا رأیتموهم فاستو صوابهم خیراً» نیستید، من در کتاب ارض النبوة جسر عظیم به اعلیحضرت فیصل پیشنهاد داده‌ام که فقه اهل‌بیت در آن دانشگاه تدریس شود؛ چون بر مجتهد ترس و خوفی نیست که کلام و دلیل رقبای خود را بشنود؛ زیرا یا دلیل دارند یا ندارند؛ اگر دلیل قوی و متقن دارند قبول می‌کنند وگرنه رد می‌کنند.

جواب دبیر کل دانشگاه مدینه:

در سالی که شما مشرف شدید، دانشگاه هنوز نوزاد بود و مستشاران عالی رأی دادند اگر فقه همه مذاهب گفته شود شاگردان سرگردان می‌شوند. ولی اکنون کتاب فقه «بدایة المجتهد ابن رشد اندلسی» تدریس می‌شود[1] و شما می‌دانید که ابن رشد اندلسی است؟!!

سؤال سوم:

اگر کتبی مثل کتاب قبلهٔ اسلام کعبه یا مسجدالحرام به دانشگاه مدینه هدیه شود، آیا دانشگاه مدینه و شخص رییس قبول می‌کنید آن را تعریب و ترجمه کنید و به زبان عربی منتشر کنید؟ راه تعریب آن‌هم آسان است؛ به وسیلهٔ شاگردان ایرانی که در آنجا تحصیل می‌کنند، هرکدام فصلی از کتاب را ترجمه کنند؛ چون این کتاب موضوع قبلهٔ اسلام را از جهات مختلف موردبررسی دقیق علمی قرار داده است و قبله: مشترک بین همه مسلمانان است. این کتاب نشانه مساعی ماست در راه توحید کلمه و کلمهٔ توحید.

---

۱. متأسفانه در این کتاب از فقه امامیّه هیچ‌گونه بحثی نیست ولی از فقه چهار مذهب گفتگو می‌کند؛ پس برای تدریس و تثبیت فقه جعفر بن محمد. [پانوشت از منبع مورد استفاده]

جواب دبیر کل:

این دانشگاه هنوز نشریات ندارد. من کتاب خودم را به هزینهٔ شخصی چاپ کرده‌ام برای شما می‌فرستم.

سؤال چهارم:

دانشگاه مدینه دعوت کنگرهٔ هزارهٔ شیخ طوسی را چرا اجابت نکرد درصورتی‌که اسلام‌شناسان جهان و مسلمانان از همه اقطار دنیا شرکت کردند؟

جواب امین عام

دعوت به ما نرسید.

سؤال پنجم:

آیا دانشگاه مدینه با پیش‌نماز حرم مکه و مدینه می‌تواند تماس بگیرد و آن‌ها را قانع کند که در نماز جماعت بسم‌الله را به جهر بگویند تا شیعیان بتوانند اقتداء کنند؛ چه ضرر و چه مانع دارد که به جهر بخوانند آیا دانشگاه مدینه می‌تواند این تفاهم را فراهم آورد؟

جواب دبیر کل:

روایات صحیح بخاری هست که پیغمبرﷺ و ابوبکر و عمر بسم‌الله را در نماز نمی‌گفتند.

در این موقع بین شیخ محمّد وائلی معاون دانشگاه و والد ازنظر اصول حدیث صحیح و مرجعیّت کتاب و سنت هم بحثی پیش آمد. او پرسید مرجع احکام در اختلافات چیست؟

والد معظم جواب دادند:

مرجع کتاب و سنّت است. سپس پرسید: معیار سنّت مورد اعتماد چیست؟ جواب داده شد: معیار این است که اگر راوی ثقه و امامی باشد آن حدیث صحیح است و اگر ثقه غیر امامی باشد آن را قوی و موثق و اگر امامی غیر ثقه باشد آن را حسن و اگر غیر امامی و غیر ثقه باشد آن را ضعیف می‌گوییم. پرسید کتاب صحیح بخاری نزد شما چطور است؟ جواب داده شد: کتاب صحیح بخاری همه طور حدیث دارد بعضی از آن‌ها صحیح است و بعضی غیر معتمد؛ زیرا این کتاب از خوارج بسیار روایت می‌کند و از امام باقر‌علیه‌السلام و امام صادق‌علیه‌السلام هیچ روایت نمی‌کند.

وائلی معاون دانشگاه:

چون بخاری امام باقر و امام صادق علیهما السلام را درک نکرده، از آن‌ها روایت نکرده

(والد معظم)

آیا بخاری عِکرمه بربری را که شاگرد ابن عباس بوده درک کرده بود و یا آیا آن ۲۲۰ نفر از خوارج را که از آنان نقلِ روایت کرده است، درک کرده بود؟ او از عمران بن حطان خطیب و فقیه خوارج نقل می‌کند و این در حالی است که عمران بن حطان از خط علی علیه‌السلام بسیار منحرف شده بود و در شعری معروف درباره ابن ملجم می‌گوید:

یا ضربة من تقی ما أراد بها

الا لیبلغ من ذی العرش رضوانا

إنّی لاذکره حیناً فأحسبه

أوفی البریة عند الرحمن میزاناً

بعد رو کردند به رییس که آیا کسی همچون عمران بن الحطان که حضرت علی بن ابیطالب را واجب القتل بداند، حال آن چگونه است؟

رییس تکان خورد و گفت: استغفرالله حاشا.

والد محترم از جناب امین عام سؤال کردند: که آیا پیغمبر جهر بسم‌الله را منع هم کردند؟ جواب داد: خیر. سؤال شد که چه مانع دارد که برای حفظ وحدت بخوانند و نیز اگر سجده را به ارض بکنند نه به فرش چه مانعی دارد و بدین‌وسیله راه مصالحه بین ما و شما زمین باشد؛ چون پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جعلت لی الأرض مسجداً و طهوراً» نه فرش شما و نه تربت ما بلکه زمین مطلقاً و به فتوای ما و امام مالک که دست‌ها را آزاد می‌گذاشت و بسیاری از موارد فقهی از این نوع که قابل‌جمع کردن بین تمام مذاهب است و قابل‌قبول همه[1] و لطمه‌ای به هیچ طرف نمی‌خورد، مشکلات زیادی حل می‌شود.

---

۱. در عمل آنچه را یک مذهب مستحب می‌دانند و مذهبی دیگر مبطل؛ برای کمک و تقویت به اخوت ایمانی مستحب و مندوب را می‌شود ترک کرد یا اگر موافقت شود هنگام حج هر نوبه نماز جماعت به امامت فقیه یکی از ممالک اسلامی خوانده شود و نیز پردهٔ کعبه را دو تا قرار دهند؛ یکی را طبق معمول دولت سعودی بدهد که افتخار و شرافت آن برایش محفوظ بماند، دومی را هرسال یک مملکت اسلامی

جواب دبیر کل:

سخن شیخ (یعنی والد) در استدلال بر جهر بسم‌الله الرحمن الرحیم تمام است و این پیغام را می‌رسانم.

آیةالله کمره‌ای:

در جواب دعوت شما به اتحاد و اتفاق، تقاضا می‌شود این پیام را به فقها و ملوک عرب برسانید - فقهای شیعه و فقهای امم غیر عرب از صدر تا ساقه درنتیجه تعلیم دین به وسیلهٔ قرآن و حدیث حافظ و محافظ اخوت اسلامی بوده و هستند، پس به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، حس احترام به زبان عرب را در مردم تقویت می‌کنند و در اثر این تبلیغ مدام حدوثاً و بقاءاً شش‌صد میلیون مسلمان غیر عرب را همواره پشتیبان صد میلیون مسلمان عرب ما ساخته‌ایم و نگه‌داشته‌ایم و اگر این مجاهدت پیگیر نبود این تودهٔ عظیم هرکدام دعوت به عنصریت خود می‌کردند و از عرب و زبان عرب و دیار عرب بیگانه بودند.

موضوع دیگر: فقهای شیعه و غیر شیعه از روی عقیدهٔ دینی پاسبان حدود و اراضی اسلامی بوده و هستند و هستیم و اگر یک وجب از اراضی اسلامی مورد تجاوز قرار گیرد فتوای دفاع می‌دهیم. با توجه به یک نکتهٔ دقیق:

مخارج مادی فقهای شیعه تحمیل بر بودجه هیچ دولتی نیست؛ بلکه آن‌ها مهمان صندوق بیت‌المال سهم امام علیه‌السلام و حقوق شرعی هستند. پس ما افواجی خدمتگزاران دین و اردوی بی‌مزد و مواجب مللِ عرب هستیم. پیغام فوق در جواب تمنای همکاری و تعاون در ختم کلام قرار گرفت و مجلس با تلاوت آیهٔ مبارکه نور پایان یافت و مهمان عزیز مجلس را جلسهٔ دعاء کردند.

کتاب‌های زیر به‌عنوان پذیرایی علمی تقدیم مهمانان گردید:

الذکری الألفیة للشیخ الطوسی[1]

کتاب آفاق کعبه که دارای دوازده فصل درباره کعبه و قبله است.

کتاب آراء ائمة الشیعة الإمامیة فی الغلاة.[2]

بدهد تا دیگران هم در این خدمت دینی شریک و سهیم باشند. این نوع کارها به برادری اسلامی و هم‌آهنگی کمک فراوان می‌کند. [پانوشت از منبع مورد استفاده]

۱. درباره این کتاب دبیر کل فرمودند: این کتاب مورد احتیاج ماست. [پانوشت از منبع مورد استفاده]

۲. درباره این کتاب فرمودند: این کتاب مورد اشتیاق ما است. [پانوشت از منبع مورد استفاده]

کتاب فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی و نقش رهبری او در جهان اسلام.
سه کتاب اخیر از تألیفات آیةالله کمره‌ای است.
کتاب مهم مواقع النجوم دربارهٔ سلسلهٔ «مشایخ حدیث و اجازه» از طریق فریقین ازنظر ایشان گذشت.

■ خاطراتی از علّامه حاج شیخ عزیزالله عُطارِدی قوچانی

علّامه حاج شیخ عزیزالله عُطارِدی قوچانی در کتاب «روایت عشق» که شرح حالی خودنوشت از حیات علمی اوست، اشاره به کمک و یاری آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در به‌ثمر نشستن یکی از مطالعات مهم خود کرده و می‌نویسد:

هنگام اقامت در نجف اشرف روزی در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام کتابی که در مصر چاپ شده بود، مطالعه می‌کردم. ناگهان دیدگانم به عباراتی برخورد کرد که نام بخارا و کتابخانه بخارا در آنجا آمده بود، شخصی بر این کتاب مقدمه‌ای نوشته و در آن گفته بود نسخه‌ای از این کتاب در مدینه منوره در کتابخانه شیخ الاسلام عارف حکمت موجود است. او بعد از این آورده بود کتابخانه شیخ الاسلام عارف حکمت از بخارا به اسلامبول منتقل گردید و بعد از مدتی به مدینه منوره انتقال پیدا کرده و هم‌اکنون در آنجا مستقر و مورد مراجعه می‌باشد. هنگامی که متوجه شدم کتابخانه‌ای از بخارا به آنجا منتقل گردیده، دریافتم که این کتابخانه باید درباره خراسان و ماوراء النهر منابعی داشته باشد.

در همان لحظه که به این موضوع واقف شدم، در نظر گرفتم روزی موفق گردم تا از این کتابخانه دیدن نمایم. بعد از اینکه از سفر هندوستان بازگشتم در فکر مسافرت به مکه معظمه و مدینه منوره برآمدم. در آن زمان سال ۱۳۴۶ مسافرت به کشور سعودی در غیر ایّام حج مشکل بود و در ایّام حج هم وقت محدود است و باید بعد از مناسک حج حجاز را ترک گفت. از این رو باید فعالیت کنم و ویزای مخصوص بگیرم و اجازه اقامت طولانی را دریافت نمایم و باید با یک مقامی که با دولت سعودی در ارتباط باشد، موضوع را مطرح کنم. از این رو تصمیم گرفتم نزد عالم بزرگوار فقیه و محقق آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای رضوان الله علیه بروم و جریان را با او در میان بگذارم.

ملاقات با حاج میرزا خلیل کمره‌ای
مرحوم حاج میرزا خلیل با من آشنا بود و از کارها و تحقیقات من آگاهی کامل داشت. جریان کتابخانه شیخ الاسلام و انتقال آن را از اسلامبول به مدینه منوره به اطلاع ایشان رسانیدم. او از شنیدن این سخنان در شگفت ماند و فرمود: باید در این مورد فکر کنم. او اندکی بعد فرمود: دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی سفیر ایران در عربستان سعودی می‌تواند در این مورد اقدام کند. از حُسن اتفاق دکتر مشایخ فریدنی در آن ایّام در تهران بودند. حضرت آقای کنره‌ای با آقای دکتر مشایخ فریدنی تماس گرفتند و موضوع را با ایشان در میان گذاشتند. او مرا به سفیر معرفی کرد و از او درخواست نمود در این کار علمی و فرهنگی مساعدت‌های لازم را بکار بندد و مرا به مقامات سعودی معرفی نماید. (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۷ : ۲۱۱ – ۲۱۲)

با رایزنی‌های صورت گرفته سفر مطالعاتی با موفقیت انجام می‌شود و علّامه عطاردی با دستی پر از سفر حجاز بر می‌گردد. معظم‌له می‌نویسد:

پس از ورود به تهران با دوستان و آشنایانی که در جریان مسافرت من بودند و در این راه مساعدت داشتند تا این مسافرت با موفقیت پایان یابد ملاقات کردم و جریان کار خود را با آن‌ها در میان نهادم. هرکس در هر مقامی که بود و با کتاب و کتابخانه و مخطوطات ارتباط داشت، با شنیدن اینکه در مدینه منوره چنین کتابخانه‌ای بوده و کسی از آن آگاه نبوده، شگفت زده شدند.
من صورتی از فهرست مخطوطات فارسی کتابخانه شیخ الاسلام را به انجمن آثار ملی ارائه دادم تا به اطلاع اعضاء آن انجمن که از اساتید و فضلاء بودند، برسد ...

... دوستان و آشنایان در حوزه و دانشگاه که از این جریان آگاه گشتند این موفقیت‌ها را به من تبریک گفتند، به یاد دارم مرحوم استاد دکتر محمد جواد مَشکور که از این سفرم آگاهی داشت **و همچنین فقیه بزرگوار و محقق عالی مقام حاج میرزا خلیل کمره‌ای که نخستین گام را درباره این سفر علمی و زیارتی برداشت از همه بیشتر شادمان بودند.** (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۷ : ۲۳۶–۲۳۷)

■ هفته وحدت

پس از انقلاب اسلامی ایران، هفته وحدت بر پایهٔ دو روایت شیعه و سنی از میلاد مسعود پیامبر اکرم ﷺ به نمادی برای وحدت اسلامی مبدل شده است.

این اندیشه همواره خواسته عالمان بزرگ و اصحاب وحدت اسلامی بوده است. حجت‌الاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای در ضمن بیان خاطرات خود از ملاقات آقای محمدبن ناصر عبودی با آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به نکته جالب‌توجه دیگری اشاره کرد:

> ... آقای محمد بن ناصر عبودی مطرح کرد که علّت اختلاف میان ما و شما بر سر میلاد پیامبر اکرم ﷺ چیست؟ ما دوازدهم ربیع‌الاول را میلاد پیامبر اکرم می‌دانیم و شما هفدهم ربیع‌الاول را؛ مرحوم پدر فوراً گفتند: از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول را باید برای پیغمبر ﷺ جشن گرفت.
>
> این پیشنهاد بسیار خوبی است و معنایش جمع و اجتماع شیعه و سنی در اصول اسلام است. (ملاقات سوم، ۴ / ۶ / ۱۳۹۵)[۱]

■ شرکت در رابطة العالم الاسلامی

آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای در سال ۱۳۴۴ ه.ش در کنگره رابطة العالم اسلامی شرکت کرد و دیدگاه‌های تقریبی خود به اعضای آن ارائه داد. در سخنان معظم له به‌خوبی مشهود است که پس از مرگ فیصل عبدالعزیز پادشاه وقت سعودی، جناح تندرویی در عربستان سعودی، کوشید تا مسیر تشکیلات مذکور از وحدت اسلامی میان فریقین فاصله بگیرد. علّامه کمره‌ای می‌نویسد:

> و ما خود در رابطهٔ عالم اسلام که مؤتمری است جهانی و کنگره‌ای است بین‌المللی از آغاز تأسیس آن همکاری و پشتیبانی داشته‌ایم باآنکه در مجلس

---

۱. علّامه کمره‌ای به این موضوع در کتاب رابطهٔ عالم اسلام همبستگی جهان مسلمین و ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره کرده و می‌نویسد:

> «عید میلاد پیغمبر (ص) بالخصوص از ۱۲ ربیع‌المولود تا ۱۷ ربیع‌المولود را عید بگیرند و مراسم بزرگداشت چنان برگزار شود که لایق آن باشد. ... (کمره‌ای، بی‌تا: ۶۶)

تأسیسی آن نماینده‌ای از شیعیان امامیه [نبود در حالی] که صد میلیون ذی‌نفس دارد که اعتنایی به منصب‌ها و مقام‌ها ندارند، شرکت کردیم و آنجا را رابطهٔ بین چهار مذهب فقط نداشته بلکه چنان تلقی کردیم که «رابطهٔ اسلامیهٔ» جامعهٔ همهٔ مذاهب خواهد بود که در آن میان مذهب شیعه امامیه هم خواهد بود که تبعیت از فقه امام جعفر صادق می‌کنند و آن امام استاد امام أبی حنیفه و امام مالک است و به اعتراف جمیع از همه بالاتر است. ما این مرکز را مرکز امانت عامهٔ رابطهٔ عالم اسلام تصور کرده‌ایم و از آن توقع و انتظار کار و عملکرد برای خیر و صلاح امت عظیم اسلام با [وجود] اختلاف مذاهب آن، داریم و همه دارند. (کمره‌ای، ۱۳۹۷: ۷۶)

در جایی دیگر می‌نویسد:

می‌بینید رابطهٔ اسلامیه تبدیل‌شده به کوه آتش‌فشانی که دودودم از آن با شراره‌ها به آسمان و جوّ محیط پر می‌شود و گویی رابطهٔ همه‌چیز خود را عوض کرده، اسم و مسمی و سلوک آن تبدیل‌شده به مؤتمر قاطعه مُفرقه به جای مؤتمر رابطهٔ عالم اسلام.

همان‌که شیخ بزرگوار شیخ محمد صالح قزّاز پیش‌بینی می‌کرد که با آمدن این عناصر مشکوک تفرقه‌گرای طائفی‌نگر، شکاف پدید می‌آید و پدید آمد، آکنده از تعصب بی‌جهت و بی‌اطلاع از فقه جعفر بن محمدصادق (کمره‌ای، ۱۳۹۷: ۷۹)

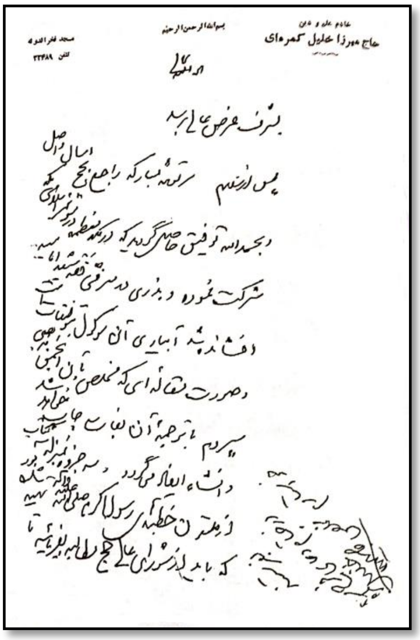
و می‌افزاید: (همان: ۱۳۳-۱۳۴)

توقع بجاست اگر از ما قبول کنند هیئت علیای کنگره] فتوی بر سر درب عمارت آن مجمع این آرم با کلمهٔ طلایی و شنجرف نوشته و آرم پاکت‌ها و دفاتر و اوراق این مجمع همین باشد. آرم را از امیرالمؤمنین داشته باشند که: «من صلی إلی قبلتنا و دخل فی ملتنا استوجب حقوق الاسلام و حدوده.»

علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای در نامه‌ای به آیة‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری که تصویر نامه در صفحه بعد آمده است، می‌نویسد:

هو الله تعالی

پس از سلام مرقومه مبارکه راجع به حج امسال واصل و بحمدلله توفیق خاصل گردید که در مکه معظمه در مؤتمر اسلامی مکه شرکت نموده و بذری در معرفی حقه شیعه امامیه افشانده شد. آبیاری آن موکول به توفیقات است و صورت مقاله‌ای که مخلص به آن انجمن مذهبی سپردم با ترجمه آن به فارسی چاپ خواهد شد و ان شاء الله ایفاد می‌گردد. ...[1]


خادم علم و دین
حاج میرزا خلیل کمره‌ای
بسم الله الرحمن الرحیم
مسجد فخرالدوله
تلفن ۳۳۴۸۹
بشرف عرض عالی برسد

نامه آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به آیةالله سیّد مصطفی صفایی خوانساری

۱. مجموعه‌ای از مکاتبات مرحوم آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای با مرحوم آیةالله صفایی خوانساری (مجموعاً هفت سند) در کتاب زیر منتشر شده است:

خادمیان دامغانی، محمدرضا (۱۳۹۳ ه.ش) **صفائی‌نامه: احوال و آثار آیةالله سیدمصطفی صفایی‌خوانساری و پدر بزرگوارش**، قم: موسسه کتابشناسی شیعه (تهیه‌کننده) موسسه کتابشناسی شیعه، ۷۴۰ ص.

■ کنگره رسالت مسجد

آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای در کنگره رسالت مسجد در مکه معظمه به سال ۱۳۹۵ قمری شرکت کردند. خاطره زیر به قلم ایشان است که ذیلاً تقدیم می‌شود:

... [آقای دکتر مهاجرانی] در خاتمه سخن که پیشنهاد تنظیم دایرةالمعارف برای مساجد دنیا دادند، اهتمام ما را به مسجد با دو نمونه بیان کرد که حضرت علّامه کمره‌ای دو مسجد شخصاً تأسیس کرده‌اند.

یکی در تهران در یوسف‌آباد که بنام مسجد خلیل‌الرحمن (اسم خود مؤسس محترم) نامیده‌اند و دیگر مسجدی بزرگ و باشکوه در مسقط الرأس بناکرده‌اند، این‌ها نقشه مسجد خاتم‌الانبیاء مسجدالاقصی را در کمره در دست گرفت و تصویر باشکوه مسجد خاتم‌الانبیاء را به مجمع ارائه داد و بیان کرد که با نصب کارخانه موتوربرق بزرگ برای مسجد توانسته‌اند هم سرمایه‌ای برای مسجد تهیه‌کرده‌اند و هم روشنایی در خانه‌های مردم از مسجد می‌رود که دوشادوش روشنایی در دیدگان و منازل با نور ظاهر، نور مسجد دل‌های مردم را هم روشن می‌کند و هشیار مسجد می‌کند. در حقیقت یک پایگاه تبلیغاتی برای مسجد و دعوت مسجد شده که دستگاه خودکار آن: رسالت مسجد را به‌طور مستمر و مداوم انجام می‌دهد (سخن را اینجا ختم کرده پایان داد.) این نقش سخن دکتر مهاجرانی که برای نشان دادن نمونهٔ اهتمام ما به مسجد، مسجد نوساز و اسلوب تأمین مالی مسجد را در کنگرهٔ مسجد در مکه معظمه بین نمایندگان جهان اسلام به منظر همه گذاشت و در برابر دیدگان همه برافراشت بین سخن ناطقان، شاهکاری از وفد ایران بود که نشان داد اهتمام ما به مسجد با این اسلوب بدیع تازه است که مسجد نور هم به منازل بدهد و هم به دل‌ها و همین سرمایه‌اش باشد که مال دار باشد تا عزّت آن محفوظ باشد و گواه شاهد صادق در آستین باشد. این نقش که دکتر عمداً نشان داد، مشخص کرد که آن‌همه اقوال بود و این‌همه کردار. گویی این منظره ازنظر سخنرانان در آن مجلس باشکوه جهانی آیه‌ای بود که دراین‌باره نازل شد.

> (مسجد ما شاهکاری از وفد ایران بود) برای نشان دادن اهتمام به امر مسجد توگویی از پیش تهیه‌شده بااینکه من تصور هم نمی‌کردم که دکتر تصویر عکس را برای این مصرف می‌خواهد. علم الله و شهد.
>
> والان در ذهن می‌آید که چسان از هزارها مسجد بزرگ و کوچک در طهران و اصفهان و ایران این مسجد نوساز سخنش در آن مجمع جهانی به میان آمد و نقش تصویر آن ارائه شد از لطف بی‌چون است که کشتی نوح بر کوه‌های بلند (آرارات و الوند و دماوند و البرز و هیمالیا) که بسی رفیع و مرتفع و بلندند فرود نیامد و بر کوه جودی که بسیار کوتاه بود، فرود آمد که به خود باور نمی‌کرد که این لطف شامل او بشود. (کمره‌ای، ۱۳۵۲: ۲۶)

■ تدریس در دانشگاه معقول و منقول

در دوران حضور آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای، تهران محل تجمع عالمان و مجتهدانِ بزرگی بود؛ مانند آیات عظام شیخ محمدتقی آملی، شیخ احمد آشتیانی، سیّد ابوالحسن رفیعی قزوینی، سیّد محمّد بهبهانی، شیخ عبدالله مسیح مجتهد تهرانی، علّامه میرزا ابوالحسن شعرانی، سیّد احمد خوانساری و ... و آنان می‌کوشیدند تا در محیط ناسالم فرهنگی که از طرف رژیم پهلوی تبلیغ می‌شد، جوانان و دانشگاهیان را به معارف الهی رهنمون سازنند و این‌چنین است گه شخصیت‌هایی چون علّامه شعرانی و علّامه کمره‌ای دارای سوابقِ تدریس در دانشگاه هستند و البته باید از شخصیت‌هایی چون آیةالله شهید مرتضی مطهری و نیز آیةالله علّامه محمدتقی جعفری یاد کرد که حضوری پررنگ در میان قشر دانشجو داشتند.

جلسات درس و حتی روضه‌های منزل آیةالله کمره‌ای علاوه بر روحانیان، مورد اقبالِ دانشگاهیان آن دوران بوده است و این جاذبه در خاطراتِ برخی از حاضران آن جلسات ثبت شده است. برای مثال، دکتر احمد مهدوی دامغانی می‌نویسد:

> مکرر در مکرر این بنده حقیر در ایام عاشورا (مرحوم بدیع‌الزمان فروزان فر) را در مجلس عزاداری حضرت سیّد الشهداء صلوات‌الله‌علیه در منزل مرحومان بهبهانی، حاج میرزا عبدالله چهل‌ستونی، قائم‌مقام الملک، حاج میرزا خلیل کمره‌ای، رحمهم الله تعالی، در حال گریه می‌دیدم. ... (رستگار فسایی، ۱۳۹۴ : ۷۴)

فرزندِ معظم له در خصوص نحوه دعوت پدرشان جهت تدریس در دانشکده معقول و منقول چنین توضیح دادند.

> بدیع‌الزمان فروزان‌فر از پدر برای تدریس دعوت کردند. چند جلسه پدر رفتند، بعد گفتند: من ماشین ندارم شاگردان به منزل بیایند و همین‌طور هم شد. فوق‌لیسانس بودند یا دوره دکتری، هفت هشت جلسه هم آنان منزل آمدند و پدر درس داد. چند جلسه پدر رفت و چند جلسه هم آن‌ها آمدند و خود دانشکده معقول و منقول دروسِ ایشان در علم حدیث را چاپ کرد. (ملاقات دوم، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

از یادگارهای مکتوب آیة‌الله علّامه کمره‌ای در خصوص این مقطعِ تاریخی می‌توان به کتاب «افق وحی» اشاره کرد که در بحثِ «کتاب عظیم حادثهٔ وحی (امّ الحوادث)» اشاره شده است که آن «اقتباس از دروس استاد اکبر حضرت آیة‌الله کمره‌ای حاج میرزا خلیل مجتهد (مُدّ ظلّه العالی) در جمعیّت راه خدا و در دانشگاه سال‌های ۱۳۳۷ – ۱۳۴۲ شمسی» است. (کمره‌ای، ۱۳۴: «ز»)

استاد دکتر صغیر حسن معصومی که در کنگره هزاره شیخ طوسی حضور داشت و مجلدی از این کتاب را از آیة‌الله کمره‌ای دریافت کرد، در مجله «الدرسات الاسلامیه» از انتشارات «معهد الأبحاث الاسلامیهٔ» پاکستان، (رمضان ۱۳۸۹ برابر با دسامبر ۱۹۶۹م) به معرفی کتاب مذکور پرداخته و از آیة‌الله کمره‌ای تمجید کرده است:

> شکر و حمد خدای را به چشم خود وحدت و یگانگی اسلامی و برکات آن را در سایهٔ اخوت و برادری دینی و دوستی خالص در بین همهٔ فرق اسلامی را در مدّت کمی که در مشهد مقدس برگزار نمودیم، مشاهده کردم و آرزو می‌کردم کاش آن روزهای خوش و سعادت بار نگذرد و همیشه باقی باشد. بهترین فیض و کاملترین نعمتی که از فیوض و برکاتِ دانشمندان ایران بهره‌مند و مستفیض شدم، کتاب «افق وحی» بود که حضرت مؤلف آن را برای در یاد داشتن هزارهٔ شیخ طوسی به این‌جانب اهداء و مرحمت فرمودند. (کمره‌ای، بی‌تا: ۶۵)

نیز معظم‌له دو شجره‌نامه مهم را به شرح زیر تصحیح کرده است که در دانشکده الهیات آن دوره منتشر شده‌اند:

- «مواقع النجوم یا شجره علمای حدیث و اجازه» تألیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری (ره) به ضمیمه علم الحدیث و طبقاته الکبری، درس آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای که در اسفند ۱۳۳۵ شمسی در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران (مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی) منتشر شد و بلافاصله در آن زمان نایاب شد.
- «مشجره علماء امامیّه» تألیف مرحوم علّامه حاج سیّد ابوالقاسم طباطبایی تبریزی نجفی حائری (ره) متوفی ۱۳۶۲ قمری که با مقدمه آیةاللهالعظمی سیّد شهاب‌الدین مرعشی نجفی و تصحیح آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای و استاد بدیع الزمان سنندجی[1]، در دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه تهران (مؤسسه وعظ و تبلیغ اسلامی) منتشر شد و نسخه‌های آن نیز به سرعت نایاب شد.

همچنین از زمره پایان‌نامه‌های دکتری دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران می‌توان به رساله دکتری «ایران و تشیع» تألیف دکتر عباسعلی دادخواه اشاره کرد که به راهنمایی آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، در تاریخ ۱۳۴۱ شمسی دفاع شده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکز اسناد و مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی موجود است.

■ تألیف شاخص

آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای نویسنده‌ای پرکار بود که پژوهش‌های گسترده‌ای را درباره پیامبر اکرم، قرآن مجید، کعبه و مسجدالحرام و عترت پاک پیامبر انجام داد. فهرست عمده‌ترین آثار ایشان در بخشهای آغازین کتاب آورده شده است. همچنین منتخباتی از آثار ایشان در مجلاتی از قبیلِ «آیین اسلام»، «مکتب تشیع»، «پیک اسلام» و ... منتشر شده است.

معظم له شرحی بر نهج‌البلاغه با عنوان «آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه» نگاشته است که موردتمجید آیات عظام هبةالدین شهرستانی و محمدحسین کاشف الغطاء (۱۲۹۴-۱۳۷۳ ه.ق) واقع شده است. (کمره‌ای، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۴) شرح او بر کتاب شریف

۱. استاد بدیع الزمان سنندجی (۱۲۸۳ – ۱۳۵۶ ه.ش) از اساتید برجسته ادبیات در دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

نهج‌البلاغه، از معدود شروح نهج‌البلاغه است که به‌تفصیل به شرحِ خطبهٔ اوّل نهج‌البلاغه می‌پردازد که مضمون اصلی آن در باب خلقت جهان است و ازاین‌رو صبغه‌ای علمی دارد. معظم له توجه خواننده را به این موضوع جلب می‌کند که مبحث «علم الأشیاء» نهج‌البلاغه مستقل از هر مصدری است. (کمره‌ای، ۱۳۸۷: ۲۷) و می‌نویسد: «ما آن [خطبه امام علی ﷺ] را تئوری نمی‌دانیم، حقیقت می‌دانیم. ما معتقدیم کائنات شکل دیگری جز آنچه از این «مصادر وحی» رسیده ندارد و پس از قرنی نظریه‌های دیگر ممکن است به‌کلی بگردند.» (صص ۲۷–۲۸)

معظم له می‌خواهد تا دانشگاهیان، داستان خلقت (آسمان و زمین و آدم) را از منظر و افق عالی بینش امام علی ﷺ ببینند که نظیرش را در هیچ‌یک از مکاتب مادی بشری نخواهند دید: «هرکس هم به شرح این کتاب عالی الهی کمر همّت می‌بسته این مطلب را سربسته گذاشته و گذشته است و یا با تأویلات بعیده آن را حمل بر فرضیه‌های دیگران نموده؛ با آن‌که نظریهٔ این کتاب عالی فوق همه بوده و هیچ شباهت و سنخیّت به آراء صاحبان آراء ندارد.» (ص ۲۸) و می‌افزاید:

> «امیرالمؤمنین ﷺ از سرّ «سنگ‌ها» سرسری نمی‌گذرد، بلکه می‌ایستد که دریچه‌ای باز کند تا خلق هم سرّ سویدای سنگ‌ها را ببینند. امام ﷺ گویی می‌فرماید: ای بشر خود با حقائق کوه و دشت روبه‌رو شو، عُریان روبه‌رو شو، هر جا سنگی به کار نهاده‌اند، کاری در نظر داشته‌اند، اگر تو خداشناسی، ترا می‌باید که سنگ‌ها را بشناسی. خدا در سنگ‌ها پیدا است. تدبیر او در طبیعت آمیخته با گِل سنگ‌هاست، اگر دلِ آدمی سنگ نباشد، جمال تدبیر الهی را در سنگ‌ها می‌بیند که گاهی دلربایی می‌کند و گاهی حکمرانی.
>
> این‌همه نقش عجب بر درودیوار وجود
>
> هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار (ص ۱۰۴)

حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای در زمینه شرح نهج‌البلاغه ایشان می‌گوید:

> کتاب شرح نهج‌البلاغه علمی‌ترین کتاب پدر من است؛ یعنی از میان پنجاه جلد تألیفات ایشان، بعضی کوچک، بعضی متوسط و بعضی بزرگ ازنظر حجم، کتاب شرح نهج‌البلاغه [آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه] علمی‌ترین و عمیق‌ترین کتاب و نشان دهندهٔ عمق علمی مرحوم پدر ماست. خطبه‌های

حضرت علی‌علیه‌السلام دویست و هشتادوچند تاست؛ حضرت یک تعداد نامه دارند و یک تعداد کلمات کوتاه دارند نزدیک ۴۸۰ تا ۵۰۰ تا؛ حالا از میان این خطبه‌ها که حضرت علی‌علیه‌السلام ایراد فرموده‌اند یک خطبه درباره خلقت آسمان و جهان است. از دید حضرت علی‌علیه‌السلام خلقت چگونه آغاز شد؟ مطلب یک‌وقتی از دید دانشمندان امروزی بیان می‌شود، آن حساب دیگری است؛ امّا در اینجا چگونگی آغاز خلقت انسان از دید علی‌علیه‌السلام بیان می‌شود. خلقت جهان چگونه آغاز شد؛ خلقت ملائکه چگونه؛ این خطبهٔ اوّل حضرت علی‌علیه‌السلام در نهج‌البلاغه است. و ازاینجا آغاز می‌شود. این خطبه در حدود ۴ صفحه است و شرح پدر بر آن در حدود چهارصد و پانزده صفحه است، شرح همان یک خطبه؛ شرح خطبه دیگری که باز از ایشان است و در نگارش آن با آقای طالقانی هم همکاری می‌کردند، آن را هم به مؤسسه‌ای بنام نهج‌البلاغه متعلق به آقای دین‌پرور داده‌ایم؛ این کتاب [شرح خطبه خلقت آسمان و جهان] در آنجا چاپ‌شده و آن شرح دیگر هم در دست تحقیق است. [تا به زودی منتشر شود.] (ملاقات دوّم، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

در خصوص شیوه تألیف کتاب شرح نهج‌البلاغه و اینکه آیا تألیف مستقلی بوده و یا حاصل درس گفتارهای ایشان از درس نهج‌البلاغه‌شان بوده است، سؤال شد که چنین توضیح دادند:

این تألیف ایشان بوده است درباره خطبه اوّل «نهج‌البلاغه» کلمات را جداجدا معنا کرده‌اند. ارتباطش را هم جداجدا معنا کرده‌اند و توضیحات عالمانه‌ای را داده‌اند. خیلی‌ها درباره نهج‌البلاغه چیزها نوشته‌اند. دکتر سیّد جعفر شهیدی نوشته، آقای محمّد دشتی نوشته، دیگران هم نوشته‌اند؛ شیعه و سنی؛ امّا به اعتراف علماء شرح مرحوم پدر ما بهترین شرح است. من خودم با مرحوم والد در جلسه‌ای در قم بودم. آیةالله صدر از مراجع تقلید، پدر آقای موسی صدر، گفت: من این کتاب شما را خوانده‌ام و من خودم در مشهد چندین سال نهج‌البلاغه تدریس می‌کردم، اعتراف می‌کنم که در این کتاب شما خیلی دقیق‌تر از من کار کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید.

بُعد علمی مرحوم پدر در این کتاب است بنام «آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه»، کتاب را دادیم به آقای دکتر معتمد از دوستان بنده، چون برخی عددهای ارائه‌شده در کتاب متعلق به دوران پدر بوده و اکنون تغییر کرده، ایشان

> که زمین‌شناس هستند، بررسی کنند و پای صفحات امضا کرده آقای دکتر احمد معتمد و متن اصل کتاب متعلق به مرحوم پدر است. این کتاب را اخوی ما که در آمریکاست داده است به کتابخانه‌ای در آنجا و رسید آن را برایم فرستاد؛ آن‌ها کتاب را در بخش فهرست مراجع دست اوّل کتابخانه‌شان گذاشته‌اند. (ملاقات دوّم، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

یکی از ویژگی‌های جالب‌توجه شرح نهج‌البلاغه علّامه کمره‌ای، نگاه موضوعی معظم‌له به ابوابِ نهج‌البلاغه و ترتیب تنظیم آن است که از اهتمام ایشان به امور تربیتی و توجه به نیازهای زمانه حکایت دارد و در شناخت اندیشه‌های معظم‌له نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. علّامه کمره‌ای می‌نویسد:

> بدین نظر که نهج‌البلاغه کتاب تربیت است، اجزاء دائرةالمعارف خود را در «تبویب» ازنظر ترتیب قرار داده، در تقدیم‌وتأخیر ابواب ملاحظهٔ تقدّم رتبی موضوعات و اهمیت واقعی آن را ننمودیم؛ مثلاً مباحث توحید را باآنکه اهمّ مقاصد است، مقدّم نداشتیم و تقدم طبیعی آن را موجب تقدم در وضع کتاب قرار ندادیم – هرچه را ازنقطه‌نظر تربیت می‌باید مقدم داشت، ما مقدم داشتیم. اجزایی که این دائرةالمعارف را تشکیل می‌دهد ازاین‌قرار است:
>
> بخش اول – نهج‌البلاغه و خلقت
> بخش دوم - نهج‌البلاغه و جنگ
> بخش سوم – نهج‌البلاغه و بعثت
> بخش چهارم – نهج‌البلاغه و قرآن مجید
> بخش پنجم – نهج‌البلاغه و اسرار احکام حقوق
> بخشش ششم نهج‌البلاغه و معاد
> بخش هفتم – نهج‌البلاغه، خلافت و امامت.
> بخش هشتم – نهج‌البلاغه و سیاست
> بخش نهم – نهج‌البلاغه و دستور ایالات
> بخش دهم – نهج‌البلاغه و تشکیلات مالی
> بخش یازدهم – نهج‌البلاغه و حقوق رعیّت
> بخش دوازدهم – نهج‌البلاغه و اجتماعت
> بخش سیزدهم – نهج‌البلاغه و اخلاق

بخش چهاردهم – نهج‌البلاغه و عمران و آبادی
بخش پانزدهم – نهج‌البلاغه و آتیه دنیا و امم و پیش‌آمدهای آن.
پخش شانزدهم – نهج‌البلاغه و مواعظ
بخش هفدهم – نهج‌البلاغه و علم النفس
بخش هجدهم – نهج‌البلاغه و ضبط النفس
بخش نوزدهم – نهج‌البلاغه و عاقبت‌اندیشی
بخش بیستم – نهج‌البلاغه و حقیقت‌شناسی
بخش بیست و یکم – نهج‌البلاغه و بیداری و هوشیاری
بخش بیست و دوم – نهج‌البلاغه و عرفان
بخش بیست و سوم – نهج‌البلاغه و توحید و لاهوت
بخش بیست و چهارم – نهج‌البلاغه و مناجات.

از خداوند (که آلایش ارجمند بادا) توفیق اتمام عمل می‌خواهیم. این اجزاء را به‌قرار ترتیب دادیم که با نشور و نمای فطری افراد انسان که همگی رعیت این امام‌اند مناسب باشد و فراخور «رشد تدریجی» که افراد مرتبه به مرتبه بالابالا برد. اجزاء کتاب پیشاپیش در هر مرتبه‌ای مهیّا بوده تا دست آن‌ها را گرفته و پله به پله انسان بیاید، و از جهتِ تطابق با دائرهٔ عمر و درجات آن ما نام آن را دائرةالمعارف نامیدیم؛ زیرا با دائرهٔ عمر انسانی و تقاضاها و حوائج واقعی آن این «دائرهٔ سائرهٔ معارف» مطابقت می‌کند. ... (کمره‌ای، ۱۳۸۷: ۲۹ – ۳۰)

■ مکاتبه با واتیکان

از دیگر موضوعات موردتوجه علّامه کمره‌ای، ارتباط با ادیان الهی با هدف تبیین صحیح دین اسلام برایشان بود که در پاسخِ تفصیلی معظم له به نامه ارسالی یکی از کشیشان سوری‌الاصل بلندپایه واتیکان بنام «فرانسوا ابو مخ» (François Abou Mokh) است. کشیش ابو مخ (۱۹۲۱ - ۲۰۰۶ م) «دبیر امور غیر مسیحیت واتیکان» بود. در سال ۱۹۹۱ میلادی، از او کتابی به زبان فرانسه با عنوانِ «اعترافات یک کاتولیک عرب» (Lesconfessions d'un Arabe catholique) منتشر شده است که شامل مصاحبه‌ها و خاطرات اوست.

علّامه کمره‌ای به‌صورت مبسوط به پرسش‌های آن کشیش پاسخ داد و حتی کتاب بیت‌المقدس خود را با افزودن اضافاتی بر آن «به علامت همکاری مسیحیت و اسلام» به‌عنوان «هدیه‌ای علمی و رسمی تقدیمی برای مقام معظم پاپ اعظم حضرت پل ششم» ارسال کرد. مرحوم استاد سیّد محمدحسین انوار که مفسر و شاعری خوش‌بیان و شیرین‌گفتار بود، مجموعه پرسش و پاسخ‌های مذکور را در کتابی با عنوان «افق قاب قوسین، سروش قُدسی پرتو قرآن اشعهٔ انوار سبحان، از مرجع روحانی عالی‌قدر ایران به پاپ اعظم واتیکان» به شعر سروده است که موردتمجید علّامه کمره‌ای واقع شد. (کمره‌ای، ۱۳۹۴: ۲۴-۳۰)

■ دیدگاه‌های سیاسی

فعالیّت‌های علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای، عمدتاً رویکردی فرهنگی داشتند که با هدف دعوتِ جامعه به ارکان چهارگانه مؤسس دعوت پیامبر اکرمﷺ؛ کتاب دعوت قرآن مجید؛ خانه دعوت کعبه معظمه و رهبران دعوت چهارده معصوم ﷺ دنبال می‌شدند. در تحلیلِ مواضع سیاسی علمای دین در دورهٔ پهلوی باید مواضع علماء را در ساختاری جامع باهم سنجید و نه آنکه با جزئی‌نگری تنها به پاره‌ای از شواهد و مدارک بسنده کرد. هرچند آیةالله علّامه عبدالحسین امینی (متوفی ۱۳۹۰ قمری) مستقیماً وارد جریان انقلاب اسلامی نشد، امّا خدماتِ فرهنگی ایشان به انقلاب اسلامی بی‌نظیر بود. نیز باید به مجاهدت‌های فرهنگی کم‌نظیر آیات عظام حاج میرزا احمد آشتیانی و حاج میرزا محمدتقی آملی و سید احمد خوانساری و ده‌ها عالم پرهیزکار دیگر اشاره کرد که مردم را با عمل و کردار خود مؤمن و متدین تربیت می‌کردند، و جان آنان را مملو از عشق و محبت اهل بیت‌ﷺ می‌کردند؛ تا جایی که مردم حاضر به هرگونه فداکاری برای اسلام بودند. تا این تربیت الهی صورت نمی‌گرفت، پیام و قیام بی‌نظیر یگانه دوران حضرت امام خمینی ﷺ جامه عمل به خود نمی‌گرفت و تألیفاتِ درخشان علّامه کمره‌ای نیز که بر حماسهٔ حسینی، شهادت و ایثار تأکیدی بسیار داشت، همین ویژگی را دارد.

مباحثِ سیاسی معظم له مانند مقدمه و حواشی ایشان بر رسالۀ «نوید اسلام[۱]» که در زمینه غیبت امام زمان (عج) و تکالیف مسلمانان در آن دوران است، موجود است. ایشان در سال ۱۳۲۶ شمسی (شعبان ۱۳۶۶ قمری) در پاسخ به این سئوال که در عصر غیبت چه باید بکنند، به الگویی شورایی از تخصص‌های گوناگون با محوریت ولی فقیه اشاره می‌کند و می‌گوید:

> من نمی‌گویم چه باید کرد ولیکن آرمانی دارم که آن را به شما از قبیل اندیشه‌های دورودراز می‌گویم. من آن را می‌گویم، هرچه می‌شود بادا باد! آرمان دارم که متخصص جهان داری با متخصصین دین‌داری شرکت کنند و با سعی مشترک موجبات تقدم و پیشرفت مقاصد خود را در پرتو اسلام فراهم آرند تا پس‌ازآن خود و جهان را مهیا کنند برای این دولت بهیه و همکاری آن سرآمد رجال.
>
> جهان داران مسلمین در وظیفۀ کار خود را نیکو به عهده بگیرند و متخصصین دین‌داری نیز کار خود را به عهده بگیرند و بدون تعلل کارها را انجام دهند. اما مجمعی تشکیل داده شود که همه فضلا و افاضل با یکدیگر تبادل فکری کنند و کارها را با تبادل‌نظر فیصل دهند و رأی صادر از آن مجمع را حکم متبع گیرند آن را مقدمه کنگره اعلا بدانند. اسلام روی این ملأ اعلی را عملی خواهد کرد. در آن روز عنصر شجاعت یعنی آنکه نماینده شئون جنگی است با عنصر حکمت یعنی آنکه نماینده علم است در این کنگره پهلوی همدیگر نشسته و دوش‌به‌دوش یکدیگر کار می‌کنند. آری روزی می‌آید که وزیر دفاع با مرجع تقلید شرکت در نوشتن رساله عملیه می‌نماید، در عین سلحشوری.
>
> س: این جواب مبهم بود. خوب بود بیشتر تفصیل می‌دادید و آیا این درست است که می‌گویند در زمان غیبت مرجع امور نواب عامه امام علیه‌السلام اند.
>
> ج: البته درست است ولی اولیاء اسلام دل‌تنگ نمی‌شوند. اگر وزیر دفاعی در تأیید این دولت بهیه کاری را به عهده بگیرد و ولی غایب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مکدر نخواهد شد. اگر همه هیئت دولت بعلاوه از تخصص خود مجتهد نیز گردند، هرکدام از

---

۱. کتاب در اصل ترجمه «بِشارة الاسلام في علامات المهدي» تألیف علّامه سیّد مصطفی حسنی حسینی کاظمی است که توسط محسن جزائری به فارسی ترجمه شد و با مقدمه و تحشیه علّامه میرزا خلیل کمره‌ای بارها منتشر شده است.

رجال دولت شأن خود را در قسمت خود داشته باشد و در پهلوی خود مجتهدی نیز نشانده باشند.

ما در جلد دوم کتاب (عنصر شجاعت – هفتادودو تن) ص ۲۲۹ تذکری از این همکاری داده‌ایم. این است: چه مانع دارد که در جامعه اسلامیان برای (اولو الامر) هیئتی مرکب از متخصصین در هر جهت تشکیل دهند و همه به یکدیگر به نظر تتمیم و اتحاد نظر کنند.

عالم مجتهد، با دکتر طب، با عالم اقتصاد، با عالم اجتماع با زعیم سیاسی مجمعی داشته باشند، هیچ‌کدام خود را مستغنی از دیگری ندانند، به آراء متبادل وظیفهٔ یومیه مسلمین را که رساله عملیه باشد بنویسند. کار وضع رساله را تنها به عهده مجتهد آیین نگذارند که از جهت عدم توجه به مصنوعات مورد حاجت دول و غفلت از ابتلا جهانی نقصی در رساله رخ دهد یا از جهت عدم توجه به موضوعات اسلوب یا انشاء یا ترجمه باب اعتراض گشوده شود. اینان به او کمک کنند، او هم اینان را بپذیرد.

شما اعتراض مکنید که اولو الامر تفسیر به ائمه معصومین علیهم‌السلام شده؛ زیرا ما می‌دانیم که مقصود از اولو الامر ائمه معصومین‌اند علیهم‌السلام ولی مراجعی که بعد از غیاب خود معین کرده‌اند صلاحیت آن دارند که پس از آن‌ها علیهم‌السلام صاحب امرونهی باشند. در حقیقت مراجع تقلید تالی تلو معصوم‌اند و به‌منزله ارکان اطاق شورایی هستند که یک‌تن از آنان موقتاً رفته و کار واگذار به دیگران است. اینان اولوالامر در درجه دوم هستند یا بگو به امر او اولوالامرند. مگر امام صادق علیه‌السلام به ابان بن تغلب نمی‌فرمود که ابان، من دوست دارم که تو در مسجد کوفه بنشینی و به‌جای من فتوی بدهی؟

همین اولوالامریست؟! ارکان این اطاق در زمان توسعه اسلام هرکدام عهده‌دار یک‌جهت و متکفل یک قسمت هستند و چنانکه مجتهد کار خود را که استنباط باشد در حدّ قدرت خود انجام می‌دهد بایستی که افاضل دیگر هم هرکدام کار خود را انجام دهند و درعین‌حال با سعی مشترک و نظر متبادل و به عبارت اخری با تطبیق دادن نقشه خود با استنباط مجتهد آئین کارهای مسلمین را تعیین کنند. من به اندیشه دوردراز تصور می‌کنم این کار بشود. می‌توان تصور کرد که مسئلهٔ طراز و مداخلهٔ پنج نفر مجتهد در مجلس شورای ملی مقدمهٔ این کار و پلهٔ اول

این امر گردد، اگر مجلسیان نزد علماء بروند نه علماء در مجلس بروند. شما می‌گویید که مجلس شورای ملی کجا و حکومت افاضل کجا؟ مجلس شورای ملی بازی است. من می‌دانم چنین است تا حدی؛ ولی همیشه بازی مقدمه جدی است.

طفل دکانک از پی آن کرد
تا به دکان رسد چو گردد مرد.
[شعر از سنائی در حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة]
(کمره‌ای، ۱۳۶۶: ۳۴-۴۶)

■ نظر معظم له ﷺ درباره ولایت فقیه

شرح نظر معظم له درباره ولایت فقیه در کتاب سلمان فارسی (طبع ۱۳۵۱ شمسی) مکتوب شده است و به‌روشنی نظر ایشان را درباره ولایت مطلقه فقیه نشان می‌دهد:

سؤال – ما جوانان دانشجویان ایرانی مقیم کشورهای بیگانه در هامبورگ و در مونیخ آلمان روبه‌رو با دانشمندان ممالک خارجه اروپایی و پرفسورهای موشکاف هستیم که از ما رسالهٔ عمل ما را می‌پرسند و می‌گویند: طرز تشکیل حکومت در اسلام ازنظر شیعه چیست؟ این بیگانگان (به زبان خود) می‌گویند: حکومت اسلامی در نظر شما شیعه از چگونه تِزْ دفاع می‌کند.

جواب: امور ما مسلمین ازنظر اسلام نخست با پیغمبر ﷺ است آیهٔ (النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ) پیغمبر را مطاع مطلق معرفی می‌کند و آیهٔ دیگر می‌گوید: هر امن و خوف و صلح و جنگ – و خلاصه نظم و نظام را باید به او برگردانید و بعد به اولو الامر. «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَإِلَیٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ » (بخشی از آیه ۸۲ – النساء)

و باز آیهٔ « فَلا وَ رَبِّکَ لا یُؤْمِنُونَ حَتّي یُحَکِّمُوکَ فیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ» قسم یاد می‌کند که مسلمین تا ترا در مشاجرات بین خود حکم نکنند و حکومت ندهند، مؤمن نیستند و ایمان نیاورده‌اند – آن‌هم به‌شرط اینکه حکومت به تو بدهند و سپس از حکمی که تو کردی در نفس خود و خاطر خود ناگواری نبینند. و برای بعد از پیغمبر ﷺ امور ما مسلمین در درجه اوّل با امام ؑ است و بعد از

امام ﷵ برای درجه دوّم به مجتهد ارجاع است که به نیابت عامّه از پیغمبر و امام ﷵ بر امور ولایت دارد.

***

سؤال: مجتهد در نزد شما شیعه بر چگونه (امور در داخلهٔ مسلمین) ولایت و نیابت دارد و مرجع است؟

جواب: ولایت‌فقیه و مرجعیت او به نیابت از پیغمبر ﷺ و امام ﷵ طبق اصول شیعه دو درجه دارد.

درجه ادنی در امور مختصری و در دائرهٔ کوچکی است. حفظ اموال دیوانگان، و سفیهان محجور و غائبان و یتیمان به او ارجاع می‌شود. اموال بی‌سرپرست را برای صاحبانشان او باید نگهدارد، از مال غایب برمی‌دارد و به مخارج زن و بچه او می‌دهد. اوقاف و موقوفات بی متولی را، وصایایی را که وصی ندارند او سرپرستی می‌کند. تکفین و تدفین «میتی» را که ولی ندارد او انجام می‌دهد و نماز بر او می‌گذارد. این‌ها و نظایر این‌ها درجهٔ ادنی ولایت‌فقیه است.

***

درجه اعلای آن برتر از این‌ها است، در دائرهٔ وسیعی ولایت دارد. اقامه حدود می‌کند، نماز جمعه برپا می‌دارد، امر به جهاد می‌دهد، خراج را جمع‌آوری می‌کند. ضریبه در مواقع حساس بر مسلمین مقرر می‌دارد، تصرف در انفال، دامنه‌های کوه‌ها و بیابان‌ها و دریاها به اجازه اوست. اراضی خراجیه را قباله بمعنی اجاره می‌دهد. حکّام را عزل و نصب می‌کند. عمّال کارگزاران را منصوب می‌دارد. عقد صلح با ملل دیگر می‌بندد و اعلام جنگ با دشمن اعلام می‌دارد. این‌ها درجه اعلی است.

***

بین این دو درجه: تصدی قضا و دادگستری را عهده‌دار است. حکم و قضای بین متخاصمین با او است. حکم او بر هر دو نافذ است.

جدا از همه این‌ها فتوی می‌دهد؛ یعنی از ادّله شرعی و مدارک شرعی هرچه استنباط می‌کند و می‌فهمد، رأی او حجت است؛ بدین معنی که در مورد اصابت عمل با واقع برای استحقاق ثواب حجت می‌باشد و هنگام مخالف بودن عمل با واقع در مقابل عقاب، [چون کوشش علمی کرده، پس اجر واحد دارد.]

***

مسئله (۵) در ولایت درجه ادنی اگر مجتهد در میان نبود باید آن کارها با نظر عدول مؤمنین انجام شود و اگر عدول مؤمنین نبودند باید فساق مؤمنین آن‌ها را انجام دهند.

مورد آن قسم ولایت، (به‌طورکلی) اموری است پسندیده که شارع راضی به ترک آن‌ها نیست. در این قسم شرط است «علم» تا به درجه اجتهاد یا «اجازه حسبیه» با قید عدالت و امانت. همچنان که در قسم تصدی «محاکمات و قضا» باز علم به حد «اجتهاد» شرط است نیز با قید عدالت؛ و احتیاط آنکه تا عسر نباشد با «اعلم» است.

***

ولی در قسم درجه اعلای ولایت (که خلافت الهی است) شرط است که «اعلم» و اورع و اعدل و اعقل و اضبط هم باشد؛ بلکه به‌علاوه باید دارای حسن نیّت بی‌حد و خیرخواهی و تمیز و تنفیذ کافی هم باشد.

مسئله (۴) – با مجموع این شرایط او «اولو الامر» خواهد بود. تعیین قضات و سایر مصادر امور از او ممضی است؛ البته مقام اولو الامری او به‌حسب فرمان امام علیه‌السلام و نیابت از او است. (کمره‌ای، ۱۳۵۱: ۱۷ — ۲۰)

■ سندی از اسناد ساواک

معظم له در مورخ ۱۳۴۲/۳/۱۳ شمسی (دو روز پیش از قیام خونین پانزدهم خرداد) بیانیه‌ای را صادر کردند که در اسناد ساواک «کتاب قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک – جلد ۲ فیضیه» موجود است و متن آن به شرح زیر است:

گوینده : امانی تاریخ : ۴۲/۳/۱۳

گیرنده : نادری شماره : ۱۲ بخش ۳۱۱

موضوع : عاشورا

در خیابان زرین [نعل] نبش منزل آقای آیت‌اله کمره‌ای که مجلس روضه خوانی منعقد است هم اکنون اعلامیه‌ای پخش شد که چاپی است و روی آن نوشته شده نظریه حضرت آیت‌اله کمره‌ای آقای حاج میرزا خلیل مجتهد ـ مطلب قابل توجه آن عبارت از این است : در ایران هم آن طبقه از سلاطین که استقلال این

کشور هنوز هم رهین آنها است با اینگونه تجلیل از علم و علماء پی‌ریزی استقلال کشور را تا قرنها بعد از خود حفظ کرده‌اند. توجه شخص اعلیحضرت به این امر بستگی دارد که اطرافیان دلسوز با اخلاص این مطالب را بعرض ایشان برسانند. نمیدانیم آیا اطرافیان دلسوزی دارند یا نه؟؟ چون روی سخن با شخص اوّل مملکت است. و در پایان آن نوشته شده امتیاز عاشورا با اینهمه غوغا که مورد تعظیم است همین است که این درس را حسین شهید با منطق خود و با خون خود بازگو کرد که میگفت یعنی **حکومت حق علماء و حق انبیاء است که بر حلال و حرام خدا امینند و حق هم مطالبه کردنی است. امتیاز ما شیعه ــ نوع حکومت ما ــ عقیده ما ــ کتاب ما ــ ۷۲ تن ما ــ صدور رساله علمیه ما مبین ماست. حقیر این مسئله را از مهّمات مسائل مذهب می‌دانم.** خداوند توفیق عطا کند.

۴۲/۳/۱۳ اداره سوم ۴۲/۳/۱۳

علّامه کمره‌ای در تظاهرات معروف تاسوعای سال ۱۳۵۷ به همراه آیةالله سیّد محمود طالقانی شرکت کرد. هرچند در میانه سال‌های ۱۳۵۸ تا زمان رحلتشان، به‌دلیل کهولت سن و بیماری، از حجم فعالیّت‌های اجتماعی معظم له کاسته شد.

ارتباط علّامه کمره‌ای با مجاهد نستوه آیةالله سیّد محمود طالقانی نیز بسیار محکم و نزدیک بود و معظم له از هر امکانی در تقویت و تأیید آیةالله طالقانی استفاده می‌کرد. برای مثال، علّامه کمره‌ای در دوران اختناق رژیم پهلوی، در کتاب «بیت‌المقدس و تحول قبله» (چاپ ۱۳۵۳ شمسی - کتاب‌فروشی اسلامیّه) به تمجید از آیةالله طالقانی پرداخت که طبق اسناد ساواک (شماره ۲۵۴۹۸ / ۲۰ هـ ۱۲ مورخ ۵۴/۱/۳۰) مقرر شد تا کتاب جمع‌آوری و مطالب و تصاویر تبلیغی درباره آیةالله طالقانی از آن سانسور شود. (میر ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۰۴) که خوشبختانه با پخش کتاب این امکان از دست رژیم خارج شد. آیةالله کمره‌ای علّاوه بر انتشار تصاویر آیةالله طالقانی، در آن کتاب نوشته بود:

علّامه حاج سیّد محمود طالقانی که یکی از رهبران عالی‌قدر جوانان دانشجویان اسلامی و جماعت مهندسین (به نام انجمن اسلامی مهندسین) است. جماعت اسلامی دانشجویان مرکز اصلی آن‌ها تهران و افرادی از آن‌ها منتشر در بلاد اروپا و آمریکاست که در ضمنی که دروس عالیّه خود را تعقیب می‌کنند، پرچم‌دار

لوای اسلام هم هستند. اجتماعاتی تشکیل می‌دهند که در آنجا بحث از حقایق اسلامی و الحاد مادیین می‌شود. ... (کمره‌ای، ۱۳۵۳: ۴۳۵-۴۳۶؛ میر ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

علاوه بر اینها در چند محور اساسی دیدگاه‌ها و عملکردِ سیاسی معظم له بارز و جالب‌توجه است. علّامه کمره‌ای ریشه اصلی تفرقه در جهان اسلام را در استعمار ارزیابی می‌کرد و ازاین‌رو در آثار معظم له ادبیاتِ گسترده‌ای در نقدِ استعمار موجود است. همچنین معظم له موضعی سازش‌ناپذیر در دفاع از مسلمانان مظلوم فلسطین در برابر غاصبان سرزمین فلسطین اتخاذ کرد. چنین مواضعی کاملاً در تضاد با سیاستِ رژیم پهلوی در نزدیکی و همگرایی با اسرائیل بود.

موضعِ قاطع علّامه کمره‌ای در برابر سیاست‌های فرهنگی رژیم پهلوی درباره کشف حجاب رضاخانی و اشکال جدیدتر آن در دوره پهلوی دوم، از دیگر مواضع مستقل ایشان است که همگام با سایر علمای اسلام اتخاذ شد. ایشان به‌واسطه مخالفت با کشف حجاب دستگیر و در تهران تحت نظر بود. مواضع فرهنگی و اجتماعی او درباره خانواده، کنترل جمعیّت و مانند آن در تألیفات مختلف ایشان موجود است که ناظر به ضرورت اصلاح رویّه‌های ضد اسلامی رژیم پهلوی است.

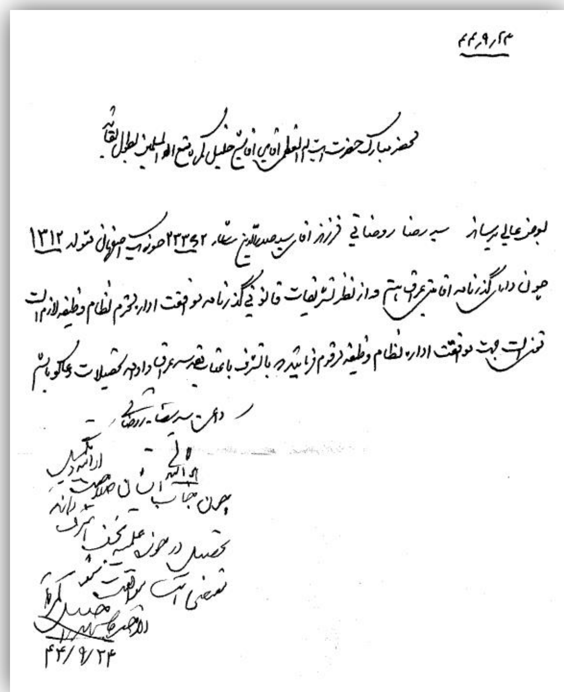
در خصوص ارتباطات بین‌المللی علّامه کمره‌ای، که همگی به‌منظور استحکام وحدت اسلامی و طردِ جریان‌های تکفیری از جهان اسلام صورت می‌گرفت، باید مقاله مهم معظم له با عنوان «این ننگ را عرب به کجا می‌برد» مراجعه کرد که متن کامل آن در کتاب حاضر موجود است.

علمای دین مانند آیات عظام حاج سیّد حسین فقیه سبزواری و یا حاج میرزا خلیل کمره‌ای هرگاه قادر به نجات زندگی انقلابیون از چنگال رژیم پهلوی بودند، از بذلِ کمک خودداری نمی‌کردند. نمونه‌ای از آن در ضمن خاطره نجات عده‌ای از فداییان اسلام توسط آیة‌الله کمره‌ای در ادامه بیان خواهد شد. همچنین معظم له هرگاه ممانعتی از سوی رژیم برای ادامه تحصیل طلّابِ مستعد می‌دیدند، جهتِ رفع مشکل تحصیل ایشان، صلاحیت طلّاب را تأیید می‌کردند. چنین نامه‌هایی خطاب به مقام یا شخصِ خاصی نبود و صرفاً بر صلاحیت ادامه تحصیل متقاضی در پاسخ به نامه طلّاب نوشته می‌شدند.

یکی از آن نامه‌ها جهت رفع مشکل مرحوم حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّد رضا روضاتی در عزیمت به نجف اشرف جهت تحصیل است که متن آن در زیر درخواست مرحوم روضاتی چنین است:

«چون جناب ایشان صلاحیت ادامه تکمیل تحصیل در حوزه علمیّه نجف اشرف دارند مقتضی است موافقت شود. الأحقر حاج میرزا خلیل کمره‌ای ۴۴/۹/۲۴»

این‌گونه نامه‌ها در امتداد کوشش‌های علماء جهت مبارزه با اقدامات خصمانه‌ای بود که از دوران پهلوی اوّل جهتِ خالی شدن حوزه‌های علمیّه از طلّاب مستعد انجام می‌گرفت و گواهی‌های علما برای ادامه تحصیل طلّاب از زمان آیةالله العظمی حائری یزدی وجود داشته است.


۴۴/۹/۲۴

چون جناب ایشان صلاحیت ادامه تکمیل تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف دارند مقتضی است موافقت شود
الاحقر حاج میرزا خلیل کمره‌ای
۴۴/۹/۲۴

توصیه آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای جهت مرحوم حجةالاسلام حاج سیّد رضا روضاتی

■ سیاست استعماری تخریب وجهه علماء اسلام

از یک‌نکته مهم دیگر نباید غفلت کرد و آن شایعاتی است که به‌منظور تخریب وجهه شخصیّت‌های روحانی در دوران پهلوی رواج می‌یافت و نمونه‌ای از آن را خودِ مرحوم علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای یادآور شده است:

> عقیده من آن شد که هر موقع مسلمانان بخواهند به صدق و اخلاص پیرامون یکدیگر اجتماع بکنند، بیگانگان از برای فلج کردن هِمَم اشخاص دین‌دار ذی‌نفوذ و انصراف آن‌ها ازاین‌گونه اجتماعات، با اسلحهٔ تهمت هِمَم را از کار بازمی‌دارند؛ خصوص از نشر تهمت و اتهام، اولاً می‌کوشند که آن‌ها را به زمین بزنند تا مبادا اجتماع کنند؛ زیرا اجتماع امروز وسیلهٔ بلند کردن صدا است و اگر صدایشان بلند شد با پارازیت آن را مشوش و درهم‌وبرهم می‌کنند تا مفهوم صحیحی از آن در ذهن برادران دینی مفهوم نشود یا اگر شده دیگر نشود و با این‌گونه اخلال‌ها نخواهند گذاشت صدا [صدای مردم فلسطین] به گوش هیئت امَم و مجمع ملل متحد برسد (گوشی به صدای آن‌ها بدهند یا ندهند) نمونهٔ این‌گونه اخلال در طهران در موقع مراجعت مشاهده شد: بدین قرار که من با هیچ روزنامه‌نگاری مواجهه و مصاحبه نکرده و هیچ‌گونه تماسی با هیچ‌کس نگرفته، دیدم یکی از جراید معروف کثیرالانتشار خبرهایی دروغ و راست از زبان من بنام (سیّد آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای) نشر داد که حضرت آیةالله فلان با نماینده این جریده فرمودند: «طلاب حوزه علمیّه قم باید لباس نظام‌وظیفه بپوشند و مشق نظام بکنند؛» دیگرباره فرمودند: «روزه در کشورهای اسلامی موقوف شد» و دیگر و دیگر.
>
> من در حیرت و تحسر و دوستان در تحیر و گفتگو همه از این بود که چگونه این دروغ‌ها را آورده‌اند؟!!
>
> به مسئولین اداره‌شان شکایت کردم. گفتند: «اصلاح می‌کنیم و نکردند.» درصدد برآمدم به محاکم صالحه شکایت کنم و مدرک من همین بس بود که نوشته است: (سیّد آیةالله کمره‌ای) آن‌ها هنوز نمی‌دانند که من سیّد نیستم و از آن‌ها استنطاق کردم که چه کسی گفت ما به اردن و قاهره و مراکش و تونس سفرکرده‌ایم، درصورتی‌که ما به تونس و مراکش سفر نکرده‌ایم.

حاصل بعد از همهٔ جنجال‌ها جبران دروغ خود را نکردند و تکذیبی که در روزنامهٔ «وظیفه» و روزنامه «ندای حق» کردم، به گوش همهٔ مردم نرسید
بعد مطلع شدم در دستگاه این جریده چند تن یهودی مداخله دارند و یهود و اسرائیل یکی هستند و این طرز مشوه و بدقواره شاید از دسیسه آن‌ها باشد. (کمره‌ای، ۱۳۵۳: ۵۷-۵۹)

■ جنجال دروغین بی‌بی‌سی

شبکه بی‌بی‌سی فارسی در گزارشی با عنوان «پیام محرمانه آیة‌الله خمینی به دولت کندی، رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا، چه بود؟» مدعی ارتباط حضرت امام خمینی با دولت‌های جان اف کندی و جیمی کارتر از طریق آیة‌الله حاج میرزا کمره‌ای شد. اینگونه اخبار مبتنی بر یکی از شگردهای جنگ روانی است که در وضعیّتی که اصل خبر (ارتباط امام خمینی با آمریکا) زیر سئوال است؛ وارد بحث درباره عوارض آن مثلاً شیوه ارتباط امام خمینی با سفارت آمریکا می‌شوند. چنانکه کمی پیشتر اشاره شد، مرحوم آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در اینگونه شایعه‌پراکنی‌ها دست اسرائیل را می‌دید و ما نیز باید نسبت به دسیسه‌های استعماری آن آگاه باشیم.

متعاقب انتشار خبر دروغین شبکه بی‌بی‌سی، حجة‌الاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای با انتشار بیانیه‌ای که در جراید و خبرگزاری‌های کشور منتشر شد و نیز ارسال نامه‌ای به روزنامه اطلاعات، خبر شبکه «بی‌بی‌سی» فارسی را تکذیب کرد.

متن نامه ایشان به شرح زیر است. (اطلاعات، ۱۷ / ۳ / ۱۳۹۵)

بسمه‌تعالی

حضور حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای دعائی دامت برکاته

روزنامه وزین اطلاعات

این‌جانب ناصرالدّین کمره‌ای فرزند مرحوم آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای از طرف خود و خاندان مرحوم کمره‌ای (به‌عنوان نزدیک‌ترین فرد با ایشان) خبر شبکه اطلاع‌رسانی - بی‌بی‌سی - را قویاً تکذیب می‌نمایم و اعلام می‌کنم هیچ‌گونه مدرکی و سابقه تاریخی مبنی بر انجام این عمل از طرف مرحوم والد معظّم وجود ندارد و خبر شبکه بی‌بی‌سی کاملاً بی‌اساس و بر پایه مدارک جعلی

سندسازی شده است و عاری از حقیقت می‌باشد. هم‌زمانی پخش این خبر دروغ با سالروز بزرگداشت ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی – قدس الله نفسه زکیّه – نشانه عناد و دشمنی با شخص معظّم له و انقلاب بزرگ اسلامی ایران می‌باشد.

با احترام از طرف کلیّه بازماندگان؛ ناصرالدین کمره‌ای – ۱۳۹۵/۳/۱۵

در بیانیه حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای چنین آمده است:

با توجه به آنکه در روزهای اخیر خبر دروغی را شبکه بی‌بی‌سی فارسی در رابطه با نامه‌نگاری حضرت امام خمینی با رئیس‌جمهور وقت آمریکا پخش نموده است، ضروری می‌دانم جهت روشن شدن ابعاد آن توضیحات زیر ارائه شود:

اولاً اصل این نامه از طرف بیت حضرت امام تکذیب شد و وجود آن را ساخته‌وپرداخته آن شبکه خبری دانستند.

ثانیاً خانواده مرحوم آیةالله کمره‌ای ادّعای شبکه بی‌بی‌سی را در روزنامه اطلاعات مورخه ۹۵/۳/۱۷ تکذیب نموده‌اند.

ثالثاً حضرت امام خمینی و حضرت آیةالله کمره‌ای سال‌های متمادی که به قبل از سال ۱۳۴۲ مربوط است در محضر حضرت آیةالله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در اراک و قم مشغول به تحصیل و تدریس بوده و سال‌ها همدرس و هم مباحثه بوده‌اند و سابقه دیرین در آشنایی دارند. قابل‌ذکر است در یک مورد حدود ۸ سال مسائل فلسفی کتاب اسفار ملاصدرا و کتاب فقه جواهر مورد مباحثه این ۲ عالم بزرگوار بوده است.

اما با تأسف بسیار آقایان عبدالله شهبازی، عطاءالله مهاجرانی و مشاور محترم رئیس‌جمهور آقای آشنا نادانسته نسبتی به حضرت آیةالله کمره‌ای داده‌اند که با خصوصیات اخلاقی ایشان و مهم‌تر از آن با وظیفه دینی و مذهبی آن بزرگوار به‌طورقطع و یقین در تناقض آشکار است.

این آقایان فرضیه‌ای مطرح نموده‌اند به این مضمون «آقای کمره‌ای که به سفارت آمریکا مراجعه نموده، واقعاً حامل پیام شفاهی از حضرت امام بوده و یا نظرات شخصی خود را بیان کرده است.»

ابتدا لازم به یادآوری است نه این‌جانب که از نزدیک در جریان تمامی مراودات و مکاتبات مرحوم والد بودم و نه هیچ‌کدام از اعضای خانواده هرگز به خاطر نداریم

که ایشان به سفارت آمریکا مراجعه کرده باشد که این خود تهمتی عجیب و بدون سند است.

نکته تأسف‌برانگیزتر در ارائه این فرضیه آن‌که شاید «نظرات شخصی خود را به‌عنوان پیام شفاهی حضرت امام به سفارت آمریکا داده‌اند». وااسفا که آیا یک مورد مسبوق به سابقه از ایشان سراغ دارید که نظرات خود را به‌جای فرد دیگری ارائه کرده باشند و آیا امکان دارد ایشان تقوا و دیانت خود را زیر پا بگذارد و برخلاف میل گوینده از طرف خود پیامی را به‌دروغ به‌جایی بفرستد.

آقایان شهبازی، مهاجرانی و آشنا تهمتی چنین بزرگ مستوجب عقوبت الهی است شما با استناد به کدام مدرک و سندی چنین مطلبی را مطرح می‌کنید و باعث شک و شبهه در صداقت و دیانت یار دیرین حضرت امام می‌شوید ؟!

شاید نامه‌ای که حضرت آیة‌الله کمره‌ای شش سال بعدازآن به رئیس‌جمهور آمریکا نوشت برای شما کافی بوده تا این مطالب را بفرمایید، امّا به اطلاع شما می‌رسانم اگر اندک تأملی در کتب تألیفی ایشان همچون افق اعلی، نهج‌البلاغه سماء و عالم، افق وحی و دیگر کتاب‌های تألیفی ایشان می‌نمودید عمق بینش علمی حضرت آیة‌الله کمره‌ای بر شما روشن می‌شد و بدانید که ایشان در بزرگداشت و نکوداشت علم از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کردند و زمانی که برای اولین بار چنین افتخار بزرگی نصیب بشریت شد و فتح آسمان صورت گرفت، در نامه‌ای که به رئیس‌جمهور آمریکا مرقوم نمودند، تحقق وعده الهی و فتح آسمان توسط بشر که در قرآن کریم نوید داده‌شده بود و نیز دفاع جانانه از ملت مظلوم فلسطین که هنوز هم از بزرگ‌ترین مسائل دنیای اسلام است را مورد مداقه قراردادند که این نشان از بلوغ سیاسی و دیدگاه پیشرو و نوآور ایشان دارد.

و امّا نکته دیگر آن‌که آیة‌الله کمره‌ای به استناد اسناد ساواک در سیزدهم خرداد ۱۳۴۲ یعنی دو روز قبل از قیام مردمی آن سال بیانیه‌ای صادر کردند و اطلاعیه‌ای در تهران پخش شد که ایشان حکومت را حق علما و انبیاء می‌داند و ذکر می‌کنند این حق گرفتنی است. «رجوع شود به کتاب پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک جلد دوم- فیضیه»

شاید مطلبی که شما و بسیاری دیگر اطلاع نداشته باشید مربوط به نجات دسته سوم گروه فدائیان اسلام است. آن‌ها به منزل ایشان در خیابان زرین نعل پناه

آوردند و آیةالله کمره‌ای با درایت و تدبیر و تلاشی که نمودند این افراد را از مجازات سنگین رها نموده و باعث آزادی آن‌ها شدند.
آقایان زمانی که شما خبر شبکه بی‌بی‌سی را تکرار می‌کنید و احتمال وقوع آن را می‌دهید، دیگر از بیگانگان چه توقعی هست.
باوجودآنکه بیت حضرت امام خمینی، خانواده آیةالله کمره‌ای و دکتر ابراهیم یزدی که آن خبرگزاری از آن‌ها نام‌برده؛ هر سه این مطالب را تکذیب نموده‌اند، واقعاً چطور شما هم‌صدا با آن‌ها بر فرض‌های دیگری که می‌تواند خبر آن خبرگزاری را تأیید کند صحه می‌گذارید؟ خود شما خبر بی‌بی‌سی را فاقد شماره نامه و مهر طبقه‌بندی‌شده دانسته و استناد آن شبکه خبری به یک پاراگراف از بولتن تحلیلی ۸۱ صفحه‌ای سیا که حتی اصل آن گزارش نیز در سفارت آمریکا در تهران مشاهده نشده، می‌دانید بنابراین بر مبنای چه مدرکی احتمال آن را می‌دهید که آیةالله کمره‌ای از طرف خود پیامی به نام حضرت امام بیان نموده‌اند. و درنهایت مقام معظم رهبری در سخنرانی روز ۱۳۹۵/۳/۱۴ در مرقد حضرت امام فرمودند: انگلیسی‌ها هیچ‌گاه دست از خباثت برنداشته‌اند و با کمک آمریکایی‌ها علیه امام امت جعل سند می‌کنند و این دقیق‌ترین و واقعی‌ترین تحلیل نسبت به این گزارش است.
امیدوارم نظرات شما تنها از روی سوء تشخیص باشد، چراکه در غیر این صورت می‌بایست در محضر عدل الهی و در مقابل وجدان‌های بیدار و جان‌های آگاه و اهل نظر برای همیشه تاریخ پاسخگو باشید.[۱]

■ تفکیک سوءنیت از سوءتشخیص

یکی از خاطراتی که از آن می‌توان با طرز فکر علّامه کمره‌ای آشنا شد، خاطره‌ای است که در آن معظم له بر ضرورت تفکیک سوءنیت از سوءتشخیص تأکید کرده است و البته در خاطره مشخص است که معظم له اهتمام خاصی به نجات جان اعضای فدائیان اسلام داشته‌اند:

---

۱. این بیانیه در بسیاری از خبرگزاری‌های رسمی کشور منتشر شد. برای مثال ببینید: خبرگزاری تسنیم، ۱۹ خرداد ۱۳۹۵ (شناسه خبر: ۱۰۹۹۹۶۲) به نشانی:
www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۵/۰۳/۱۹/۱۰۹۹۹۶۲

نشسته بودیم [در منزل در] خیابان زرین نعل. عده‌ای آمدند. یک عالم روحانی درب منزلش به روی مردم باز است؛ روحانی با مردم همراه است و پیغمبر اسلام چنین بودند اصلاً معنای روحانیّت این است که با اجتماع و جامعه باشد. یک‌دفعه دیدیم ۹ نفر وارد شدند. سلام دادند و نشستند. کسبه همان محدوده بودند و شخصیت علمی نداشتند. (محدوده مسجد فخرالدوله که مرحوم پدر امام جماعت آن مسجد بود و بعد از فوت ایشان من ده سال امام جماعت آن مسجد بودم ولی اکنون نمی‌روم به دلیل دوری راه و ترافیک و هم بالا رفتن سن.) گفتند ما دسته سوم یا چهارم فدائیان اسلام هستیم. دسته اوّل را زمان شاه اعدام کردند. نواب صفوی و خلیل طهماسبی و واحدی. دسته دوّم بیست سال زندان و این‌ها دسته سوم یا چهارم بودند که مشکلاتشان کمتر بود. گفتند: چند بار هم زندان رفته‌ایم و سندهای خانه‌های ما را گرفته‌اند و اخیراً باز ما را خواسته‌اند؛ – آن‌ها ترسیده بودند – ارتش هم ما را خواسته و مجبور هستیم برویم، نمی‌توانیم نرویم. به‌شما پناهنده می‌شویم و از شما کمک می‌خواهیم.

پدر قسم خورد من با مسئولین دولتی آشنایی ندارم؛ بعد فکر می‌کردند [که چگونه می‌توانند کمک کنند] خود آن‌ها پیشنهاد دادند به پدر شما نامه‌ای بنویسد.

پدر پرسید: کار دست کیست؟

گفتند: تیمسار آزموده[1] که دادستان کل ارتش بود. کار دست اوست.

پدر گفت: به خدا قسم اولین بار است که این اسم را می‌شنوم.

آن‌ها پیشنهاد دادند شما نامه‌ای بنویسید به تیمسار و سفارش ما را بکنید.

پدر گفت: صلاح نمی‌دانم چون نامه سند کتبی می‌شود؛ همین‌طور فکر می‌کردند.

گفتند: شما یک تلفن به ایشان بکنید. گفت: من این کار را برایتان می‌کنم ولی من شماره وی را ندارم. آن‌ها گفتند: ما داریم. تلفن دادستانی را دادند. پدرم مرا

---

۱. امیرحسین آزموده (۱۲۸۷ – ۱۳۷۷ شمسی) بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش دادستان ارتش شد و در سال ۱۳۴۳ ه.ش به درجه سرلشکری ارتقا یافت. صدور حکم حبس دکتر محمد مصدق؛ حکم اعدام دکتر سیّد حسین فاطمی؛ و احکام اعدام رهبران فدائیان اسلام (شهید سیّد مجتبی نواب صفوی، مظفر ذوالقدر و سیدمحمد واحدی) از زمره اقدامات اوست. کمی پیش از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به فرانسه متواری شد و همانجا درگذشت.

صدا کرد، گفت: آقای تیمسار دادستان ارتش است تلفن کن سه تا کلمه بگو؛ «اینجا منزل کیست؛ بعد من علاقه‌مندم شما را ببینم» ما تلفن را گرفتیم شاید ده دقیقه یا یک ربع طول کشید تا وصل کردند به اتاق او؛ من سلام کردم گفتم من ناصرالدین کمره‌ای هستم. اینجا منزل آیةالله کمره‌ای است. ایشان (حالا شنبه بود) علاقه‌مند هستند شمارا ببینند. او هم نشناخت اولش گفت: چهارشنبه به من زنگ بزنید من برایتان وقت تعیین کنم. تلفن ما را هم گرفت. من هم به پدر گفتم این‌طوری شد. این‌ها نشسته بودند. یک ساعت گذشت یک‌دفعه تلفن زنگ زد. رییس دفترش گفت: تیمسار آزموده می‌خواهند صحبت کنند. من تلفن را برداشتم؛ گفت: بفرمایید حضرت آیةالله کمره‌ای با من چکار دارند؟ من به پدر گفتم. پدر فرمود: یا خودتان یا امینتان چند دقیقه تشریف بیاورید اینجا. این را گفتم او گفت: فردا صبح معاون من می‌آید تلفن را به رییس دفترم می‌دهم آدرس منزل را بدهید. ما هم آدرس را دادیم. آقای دکتر صداقت، یک ساعت به آفتاب درب خانه ما را زدند. اصلاً من تعجب کردم من رفتم دم درب، یک تیمسار خیلی مؤدب بود؛ سلام نظامی و کلامی به من داد. من که نظامی نبودم [با تبسم]؛ دو سرهنگ هم همراهش بودند. گفت: من معاون تیمسار آزموده هستم. آمده‌ام خدمت آقا برسم.

گفتم: بفرمایید. آن سرهنگ‌ها داخل نشدند با راننده بیرون ایستادند. حالا اینکه این‌قدر زود آمدند آیا کار خیلی داشتند من نمی‌دانم؛ احتیاط می‌کردند؟ نمی‌دانم. دلیلش را نمی‌دانم. به‌طوری زود آمد که نون و پنیر و چای صبحانه را من برایش بردم. پدر را صدا کردیم ایشان آمدند و نشستند. پدر چند مطلب از عفو پیغمبر و عفو امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای ایشان توضیح دادند. خیلی خوشش آمد. گفت: من تابه‌حال نشنیده بودم.

بعد گفت: آقای تیمسار (الآن اسمش را نمی‌دانم چه بود؛ معاون آزموده) سلام من را به آقای تیمسار آزموده برسانید. این نه نفر آمده‌اند پیش من؛ ما روحانی هستیم و درب خانه روحانیّت باید به روی مردم باز باشد. مردم پناه می‌آورند به ما. من این درس را آنجا یاد گرفتم. فرمودند اگر این ۹ نفر **سُوءنیت** داشتند آن‌ها را طبق قانون مجازات کنید و اگر **سُوء تشخیص** داشتند آن‌ها را هدایت کنید؛ بعد پدر گفتند: من هم این‌ها را هدایت می‌کنم.

گفت: چشم سلام نظامی داد و رفت. یک ساعت بعد زنگ زدند. تیمسار آزموده سلام می‌رساند و به من دستور دادند پرونده این نه نفر را با ارفاق رسیدگی کنید. من فهمیدم که حل شد و به آن‌ها هم زنگ زدم و اطلاع دادم که مشکل حل شد. اینجانب از دو کلمهٔ سوءنیت و سوء تشخیص درس بزرگی آموختم. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

■ خاطره‌ای لطیف از تازه‌مسلمان آلمانی

یک آلمانی تلفن زد، مدیرکل هم بود خیلی آدم باشخصیتی بود. گفت: (با مترجم) می‌خواهم بیایم مسلمان شوم. آمد شهادتین را گفت. نزدیک ظهر بود. پدر ما منشی داشت، گفت: از ایشان دعوت کنید بیاید مسجد نماز بخواند؛ نمازخواندن را هم یاد بگیرد.

به او گفتیم؛ گفت: «می‌آیم، من این یک روزم را گذاشته‌ام برای همین کار.»

پیاده از منزل تا مسجد حدود یک کیلومتر راه بود. پیاده رفتیم مسجد، ظهر بود من هم رفتم نماز ظهر را خواندیم، نماز عصر را خواندیم، بلند شدیم که خارج شویم [متوجه شدیم] کفش تازه‌مسلمان آلمانی را دزدیده‌اند.

آقای دکتر صداقت، به تمام مقدّسات، من عرق خجالت به پیشانی‌ام نشست همچنین پدر؛ چون یک ساعت نیست که این شخص مسلمان شده حالا کفشش را برده‌اند. یک آقایی بنام حاج باقر نعیمی پور از مسجدی‌ها بود، کاسب بود – رحمت خداوند بر او باد! – بغل گوش من گفت: «چند دقیقه این را نگه‌دارید من یک‌جوری حلّش می‌کنم.»

آدم محترم و باشخصیت و کاسب محل بود. او پابرهنه حیاط مسجد را طی کرد و سر چهارراه رفت (مسجد فخرالدوله سر چهارراه است) آنجا کفّاشی بود. کاسب‌ها با هم آشنا هستند. دو جفت کفش نو و درجه‌یک برداشت و آورد. به کاسب گفته بود پولش را بعداً من می‌دهم. با هم آشنا بودند، کفش‌ها را آورد و جلوی این آلمانی گذاشت و گفت: هرکدام را مایلید بپوشید.

او گفت: کفش خودم چه شد؟

یکی از دوستان به مترجم گفت به ایشان بگویید: از برکت وجودتان که مسلمان شده‌اید، کفشتان را برای برکت برده‌اند!

او هم یک جفت از آن کفش‌ها را برداشت و پوشید و رفت. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

■ ملاقات معظم‌له با مرحوم دکتر محمود حسابی

در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۲۰ شمسی حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای به‌صورت مکتوب خاطره‌ای را از دیدار آیات عظام حاج میرزا خلیل کمره‌ای و سیّد محمود طالقانی با دکتر محمود حسابی برای این‌جانب ارسال فرمودند و مجدداً در سفری که در خدمت ایشان به روستای گلیرد طالقان (زادگاه مرحوم آیة‌الله طالقانی) (۴ / ۶ / ۱۳۹۵ شمسی) انجام شد، بدان اشاره شد:

حدوداً پنجاه سال قبل روزی مرحوم حضرت آیة‌الله سیّد محمود طالقانی به مرحوم آیة‌الله کمره‌ای تلفنی اطلاع دادند که آقای پرفسور محمود حسابی دانشمند فیزیک و ریاضی از سفر آمریکا برگشته‌اند؛ آیا مایلید از ایشان دیدن کنیم؟ پدرم فوراً به این پیشنهاد پاسخ مثبت دادند.

چند روز بعد والد معظم و مرحوم آیة‌الله طالقانی و این‌جانب به منزل مرحوم دکتر حسابی در خیابان «مقصود بک» تجریش رفتیم. جلسه علمی پرباری بود. مرحوم پدر از آقای دکتر حسابی چگونگی آشنایی و رابطهٔ ایشان را با آلبرت آینشتاین پرسیدند. مرحوم دکتر حسابی شرح داد

پدر سؤال کردند بحث اوّل علمی شما با ایشان چه بود؟

دکتر حسابی با توجه به رشته علمی پدر و آقای آیة‌الله طالقانی با اکراه و تأمل سرانجام یک بحث را شرح دادند.

پدر گفتند: من بحث علمی شما را کاملاً فهمیدم و تمام مطالب فیزیکی را برای آقای دکتر حسابی بازگو کردند که موجب تعجب بسیار و حیرت مرحوم دکتر حسابی شد. مرحوم دکتر حسابی گفت: گمان نمی‌کردم در میان روحانیون کسی این مطالب را دریافت کند. (نامه مکتوب، ۲۰ / ۴ / ۱۳۹۵ و ۲۰ / ۴ / ۱۳۹۵)

■ روضه روز عاشوراء

و نیز خاطره‌ای دیگر از جلسات روضه روز عاشورای در منزل معظم له، بیانگر حال و هوای حاکم بر آن است:

خاطره دیگر آنکه؛ مرحوم مهندس بازرگان آمد روضهٔ ما؛ مرحوم آقای بازرگان بغل‌دست برادرم ایستاده بود. جمعیت زیاد بود. برادرم یک‌دفعه او را شناخت. این قضیه تقریباً مال چهل‌وپنج سال پیش است. پدر روزهای عاشورا را خودش صحبت می‌کرد و چون کتاب امام حسین ﷺ را نوشته بود تمام خطبه‌های امام حسین را حفظ بود؛ سخنان دشمنان امام حسین را هم حفظ بود و بیان می‌کرد؛ طوری هم توضیح می‌داد واقعاً مثل‌اینکه در صحنهٔ عاشورا حاضرید و دارید تماشا می‌کنید. این‌جوری شرح می‌داد. برادرم گفت: من صندلی‌ام را دادم به ایشان. مرحوم مهندس بازرگان گفت: می‌خواهم بایستم نمی‌خواهم بنشینم. بسیار خوب! بازرگان به برادرم گفت: ایشان طوری تعریف می‌کند گویی که الآن در روز عاشوراء و در صحرای کربلا هستیم. (ملاقات اول، ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

■ توجه غربی‌ها به نقاط اختلاف میان مسلمانان

از دیگر خاطرات جالب‌توجه حجة‌الاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای خاطره ملاقات مورخی آمریکایی با حضرت آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای است:

یک روز آقای دکتر علی امینی به پدر زنگ زد و گفت که یکی از استادان آمریکایی متخصص تاریخ بنام دکتر هاپکینز به تهران آمده است و علاقه‌مند است تا با شما ملاقات کند. مرحوم پدر وقتی را برای ملاقات تعیین کردند. ایشان به من گفتند: به آقای آیة‌الله حاج شیخ مهدی حائری زنگ بزنم و ایشان را نیز از قول معظم له دعوت کنم. مرحوم آیة‌الله شیخ مهدی حائری فرزندِ آیة‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری بود که سال‌های در آمریکا و کانادا تدریس کرده بود. سپس مرحوم والد فرمودند که از طرف ایشان، آقای دکتر ابوالحسن شیخ استاد دانشگاه در رشته شیمی را هم دعوت کنم. عصری بود که مورخ آمریکایی آمد. پس از معارفه معمول، او پرسید علّت اختلاف میان شیعه و سنی چیست؟ مرحوم پدر گفتند: یک مقداری کمتر از اختلاف شما در مذهب

مسیحیت است؛ اختلافات شما در مذهب مسیحیت به‌مراتب بیشتر از اختلافات میان مذاهب اسلامی است. اختلافات مسلمانان جزئی است و عمیق نیست همه آن‌ها به خدای واحد و قرآن و پیغمبر اسلام اعتقاددارند و همه مسلمان هستند. آن استاد آمریکایی مجدداً اصرار کرد و چندین بار خواسته خود را تکرار کرد. مرحوم پدر پرسیدند: شما این گزارش‌های خود را برای چه مرکزی تهیه می‌کنید؟ چون مشکوک شد که این آقا هدفش چیست؟ یادم نیست او چه جوابی به مرحوم والد داد. بعد مرحوم والد به شرح سیر حرکت مسیحیت از آغاز پرداختند و مرحوم آقای حائری سخنان ایشان را به انگلیسی ترجمه می‌کرد. معلوم شد آقای هاپکینز رئیس دانشگاه هم است. وی گفت: من خودم استاد تاریخ مسیحیت هستم و اعتراف می‌کنم اطلاعات شما درباره مسیحیت به‌مراتب از من بیشتر است. (ملاقات سوم، ۴ / ۶ / ۱۳۹۵)

■ صیغه وقف گورستان بهشت زهراء تهران

عصرهای پنجشنبه مرحوم آیةالله طالقانی، مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم دکتر یدالله سحابی، مرحوم حسین مزیّنی و یکی از بستگان مرحوم دکتر محمود حسابی به منزل ما تشریف می‌آوردند. مرحوم والد معظّم برای این جمع تفسیر قرآن تدریس می‌کردند.

یکی روز آقای حسابی به والد گفتند: یک قطعه زمین در جنوب تهران دارم قصد کرده‌ام آن را مخصوص گورستان مسلمین قرار دهم که زمین آن رایگان برای مردم باشد. خواهشمندم صیغه وقف آن را بخوانید. مرحوم پدر گفتند: اگر وسیله‌ای تهیه شود که اجرای صیغه وقف در محل زمین باشد، مناسب‌تر است و در بازگشت هم به زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی موفق شویم.

این برنامه اجرا شد. این‌جانب شخصاً حضور داشتم و این کار خیر از مرحوم حسابی سرآغاز بهشت‌زهرای امروزی شد.

رحمت خداوند بر مرحوم حسابی و همه مؤمنین و مؤمنات باد.

(نامه مکتوب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره ای، ۴ / ۶ / ۱۳۹۵ ه.ش)

■ صیغه وقف بیمارستان شفاء یحیاییان تهران

روزی خانمی بنام زیور یحیائیان به منزل مرحوم والد معظّم آمدند. به ایشان گفتند شوهر من فوت کرده و فرزند هم ندارم. یک خانه قدیمی بزرگ در خیابان ژاله ارث به من رسیده است. دوست دارم کار خیری انجام دهم. بعد از مشورت با پدر، بنا شد این خانه را وقف بیمارستان کنند. با رضایت کامل این بانو، مرحوم پدر نامه ای به وزیر بهداری وقت نوشتند و خانه فوق در دفتر اسناد رسمی به وزارت بهداری منتقل شد. آن وزارت خانه بعد از چند سال این خانه را تخریب کرد و ساختمان جدید بیمارستان شفاء یحیائیان ساخته شد.

چون این خانم هیچگونه درآمدی برای امرار معاش نداشتند قرار شد وزارت بهداری ماهیانه مبلغی مقرری برای این بانوی نیکوکار و خیّر اختصاص دهد.

این بیمارستان هم اکنون در خیابان مجاهدین (ژاله) موجود است و هزاران بیمار در آن جا معالجه شده اند.

رحمت خداوند بر مرحوم زیور یحیائیان باد.

نام نیکی گر بماند زآدمی
به کزو ماند سرای زر نگار

(نامه مکتوب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره ای، ۴ / ۶ / ۱۳۹۵ ه.ش)

■ مجاهد کبیر آیةالله سیّد محمود طالقانی

نمی‌توان درباره آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای کتابی نوشت و به مجاهد نستوه حضرت آیةالله سیّد محمود طالقانی اشاره‌ای نکرد. آیةالله سید محمود طالقانی (۱۲۸۹ – ۱۳۵۸ ه.ش) متولد روستای گلیرد طالقان، از شاگردان آیات عظام حجت و خوانساری، عبدالکریم حائری یزدی (که از او اجازه اجتهاد داشت) و حاج میرزا خلیل کمره‌ای است. در مبارزات ملی شدن صنعت نفت ایران از همراهان آیةالله کاشانی بود و از ابتدای نهضت انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی به آن پیوست و رنج سال‌ها زندان و تبعید را به جان خرید. آیةالله طالقانی در سال ۱۳۳۸ش همراه علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای به مصر

رفت و پیام آیةاللهالعظمی بروجردی را به شیخ محمود شلتوت، مفتی بزرگ مصر رساند و در کنگره اسلامی دارالتقریب قاهره شرکت کرد. آیةالله طالقانی امامِ جماعت مسجد هدایت بود و معظم له اولین امام‌جمعه شهر تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است.

حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ ناصرالدین کمره‌ای چنین توضیح می‌دهد:

> آشنایی این دو بزرگوار از شهر قم و حوزه علمیه آنجا شروع شد. مرحوم طالقانی در دروس فقه، اصول، نهج‌البلاغه و تفسیر قرآن پدر بنده شرکت می‌کردند و این دوستی و صمیمیت ادامه پیدا کرد تا این دو بزرگوار، هر یک به نحوی و به دلیلی به تهران آمدند. مرحوم پدر به تهران تبعید شدند و مدتی هم زندانی بودند و پس از آزادی هم برای ایشان محدودیت‌هایی تعیین شدند، ازجمله اینکه حق رفتن به قم را نداشتند، لذا ایشان در تهران ماندند. مرحوم طالقانی را نمی‌دانم که به میل خودشان آمدند یا موضوعی پیش آمد. آنچه جالب هست تداوم و تعمیق و صمیمی‌تر شدن این ارتباط در طی زمان است. بعد از استقرار هر دو بزرگوار در تهران، مرحوم طالقانی هرروز صبح برای گرفتن درس به منزل ما تشریف می‌آوردند. منزل ما در خیابان شاه‌آباد سابق، کوچه ظهیرالاسلام بود.
>
> تا جایی که یادم هست پدرم به‌صورت خصوصی به ایشان فقه و اصول درس می‌دادند. مرحوم ابوی علاقه بسیار زیادی به مرحوم طالقانی داشتند و به همین دلیل برای ایشان درس خصوصی گذاشته بودند. منزل آقای طالقانی در خیابان امیریه تهران (ایستگاه قلعه وزیر – کوچه صلاحی) بود و طبعاً برای رسیدن به منزل ما باید راه دوری را طی می‌کردند. حتی یک روز یادم هست که برف سنگینی آمده بود و تا زانوی مرحوم طالقانی برف بود. مادر ما از ایشان پرسید،«آقا! با این برف سنگین، چطور راه به این دوری را آمده‌اید؟» ایشان پاسخ دادند، «برای کسب علم و دانش باید بیش از این‌ها زحمت کشید و من با کمال ذوق و شوق می‌آیم.» بعدها که منزل ما به خیابان زرین نعل منتقل شد، باز هم این جلسات درس ادامه پیدا کردند و علاوه بر آن، مرحوم طالقانی گاهی هم در درس عمومی مرحوم پدر در مسجد فخرالدوله شرکت می‌کردند. علاوه این دو همکاری‌های علمی هم داشتند. مرحوم پدر شرحی بر نهج‌البلاغه نوشته و کاری علمی در مورد خطبه اوّل نهج‌البلاغه نوشته که درباره آسمان و جهان هست، انجام داده‌اند. مرحوم طالقانی در تحقیقات مربوط با مرحوم پدر همکاری بسیار

داشتند و نامشان هم در مقدمه آمده است. البته قرار است در آینده نزدیک این کتاب توسط بنیاد نهج‌البلاغه تجدید چاپ شود .

این مسئله [رابطه صمیمانه این دو شخصیت] برای عموم بسیار واضح است و چندان نیازی به شرح و توضیح ندارد. پدر من همیشه می‌گفتند، «این آقای طالقانی بسیار با شهامت، شجاع و باروحیه فوق‌العاده قوی و بسیار علاقه‌مند به مطالب علمی و دینی است.» این جنبه را خود من هم در ایشان مشاهده کردم. من مدتی در مدرسه سپه‌سالار شاگرد ایشان بودم و بخشی از نهج‌البلاغه را خدمت ایشان خواندم و مشاهده می‌کردم که تسلطی قوی بر موضوع داشتند. خیلی زحمت‌کشیده بودند. درعین‌حال به هنگام تدریس ایشان، انسان احساس می‌کرد معظم‌له شخص مخلصی هستند و روحیه شهامت و شجاعت در ایشان بسیار قوی و این امر حتی در نحوه تدریس مطالب علمی هم در ایشان مشهود بود. ایشان بسیار با حریت و آزادمنشی درس می‌دادند و مشربی داشتند که این ویژگی‌ها به‌آسانی از آن استنباط می‌شد. امّا در مورد رابطه نزدیک به مرحوم پدر، یک‌بار مرحوم طالقانی از پدرم دعوت کردند به «گلیرد» بروند و پدرم همراه برادرم، مهندس محسن کمره‌ای، به آنجا رفتند و چند روزی مهمان ایشان بودند. عکس‌های این مسافرت، موجود است. در تهران هم هر وقت که آقای طالقانی از زندان آزاد می‌شدند، ازجمله نخستین کسانی که به‌محض اطلاع به دیدن ایشان می‌رفتند، پدر من بودند. می‌دانید که مرحوم طالقانی مکرراً زندانی و یا در حال تبعید بودند. رابطه صمیمانه آن‌ها و نزدیک بودن منزل آقای طالقانی در پیچ شمیران و مسجد فخرالدوله که پدرم در آنجا امام جماعت بودند، باعث می‌شد که این دو بزرگوار در هر فرصتی که پیش می‌آمد، به دیدار یکدیگر بشتابند. این ارتباط شاید حدود چهل سال طول کشید. بعد از انقلاب آیةالله طالقانی مراجعین زیادی داشتند و بسیاری از امور را باید اداره می‌کردند و سرشان خیلی شلوغ بود، یک روز بدون اطلاع قبلی به منزل ما تشریف آوردند. متأسفانه من آن روز منزل نبودم. کسبه محل به من گفتند که آقای طالقانی آمدند و رفتند. پاسدارهای ایشان هم در جلوی منزل ایستاده بودند و یکی دوساعتی آقای طالقانی با پدرم صحبت کردند. آن‌طور که من از مرحوم پدر شنیدم، مرحوم طالقانی چندین مسئله فقهی را از پدر پرسیده بودند. این آخرین ملاقات پدرم با آیةالله طالقانی

بود و من بسیار تأسف خوردم که چرا آن روز نبودم. درهرحال منش اخلاقی مرحوم طالقانی به‌گونه‌ای بود که هر جا می‌نشستند، هر کس در مجلس بود، بعد از نیم ساعت شیفته ایشان می‌شد. اخلاص و صداقت و ایمان در صحبت‌ها و رفتارهای آقای طالقانی موج می‌زد و افراد در اولین ملاقات، مجذوب ایشان می‌شدند و ملاحظه کردید که در تشییع‌جنازه ایشان، مردم چه کردند. من خودم در آن مراسم شرکت داشتم و صحنه‌های مهیجی را که مردم در تشییع ایشان، پدید آوردند، از نزدیک دیدم. البته مرحوم پدر در آن زمان بستری بودند و نتوانستند در تشییع‌جنازه ایشان شرکت کنند. یکی از زمینه‌های مشترک نظری و علمی میان مرحوم آیةالله کمره‌ای و مرحوم آیةالله طالقانی، تلاش در جهت ایجاد و تعمیق وحدت بین فرق مختلف اسلامی است و در این زمینه، چندین بار هم در کنگره‌هایی که به این مناسبت در کشورهای مختلف برگزار می‌شدند، شرکت می‌کردند. (کمره‌ای، شهریور ۱۳۸۶: ۱۲۳)

ارتباط معنوی میان آن دو عالم بزرگ چنان بود که رحلتِ آیةالله طالقانی موجب تشدید بیماری آیةالله کمره‌ای می‌شود. معظم له با وجود بیماری، در مراسم ختم مرحوم آیةالله طالقانی شرکت می‌کنند:

مرحوم پدر فوق‌العاده ناراحت شدند و حتی می‌توانم بگویم که فوت آقای طالقانی، بیماری پدرم را تشدید کرد، چون هیچ‌یک از علما به‌اندازه پدرم به آقای طالقانی نزدیک نبودند. البته آقای طالقانی دوستان و عیادت کنندگان زیادی داشتند که شب و روز با ایشان ملاقات می‌کردند، ازجمله مرحوم حاج احمد صادق خیاط، امّا فرق است بین رابطه مراد و مریدی و رابطه دو عالم که درس و دانش و بینش عامل ارتباط آن‌هاست.

یادم هست مرحوم پدر باآنکه فوق‌العاده بیمار بودند، در مجلس ختم مرحوم طالقانی در دانشگاه تهران شرکت کردند. وقتی به دانشگاه رسیدیم، جمعیت انبوهی آنجا بودند و جلو رفتن ما بسیار دشوار بود. مردم راه را باز کردند و ما رفتیم بالای مجلس. پشت تریبون جایی را برای نشستن علما و شخصیت‌ها تدارک دیده بودند. در آن لحظه، آقای مهندس بازرگان سخنرانی می‌کرد. تأثر

> مردم در مجلس ترحیم آقای طالقانی در دانشگاه تهران از صحنه‌های مثال‌زدنی تاریخ معاصر ماست. (همان منبع)

حجة‌الاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای که خود از شاگردان آیة‌الله سیّد محمود طالقانی است، می‌نویسد:

> من افتخار شاگردی ایشان را داشتم و از ویژگی‌های اخلاقی ایشان استفاده‌های بسیاری بردم. ایشان از مجاهدین دوره اوّل زمانه بودند. هرکسی به ایشان لقبی داده است. لقبی که من درباره ایشان در ذهن دارم و همیشه هم همه‌جا گفته‌ام «عبد صالح خدا» ست. می‌دانید که در زیارت‌نامه این تعبیر برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام به کار می‌رود و این شاگرد خلف مکتب امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم جلوه‌ای از آن صلابت علوی را در بینش، گفتار و رفتار خود نشان می‌دادند. ایشان شخصیتی بودند که در زندان هم عظمت و بزرگی خود را بر مأموران دشمن ثابت می‌کردند. برایمان نقل کرده‌اند که در یکی از دستگیری‌های اولیه و در اوج اقتدار رضاخان و باآنکه ایشان در دست آن‌ها و گرفتار آن‌ها بودند، با نهایت شهامت توی گوش مأمور شهربانی زده بودند. انسانی چنین شجاع و صاحب روحیه‌ای چنین قدرتمند، بی‌تردید شباهت زیادی به سلف صالح خود و اولیای دین دارد. (همان منبع)

■ نماز روز تاسوعا

یکی از وقایع مهم انقلاب اسلامی ایران که محمدرضا پهلوی را ناچار به فرار از کشور کرد، راهپیمایی و نماز پرشکوه مردم تهران در روز تاسوعای حسینی بود. امام خمینی در پیامی از نوفل‌لوشاتو (۲۳ / ۹ / ۱۳۵۷ ه.ش) از آن به «رفراندوم تاسوعا» یاد کرد که باعث شد تا «شاه خود را از سلطنت خیالی مخلوع» ببیند و «ادامهٔ حکومت خود را با رفراندوم تاسوعا و عاشورا غیرممکن» بداند.

در خصوص این رویداد مهم انقلاب اسلامی، حجة‌الاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای می‌گوید:

> در جریان اوج‌گیری انقلاب هم، مرحوم پدرم در برخی از راهپیمایی‌ها که به ابتکار مرحوم طالقانی برگزار می‌شدند، شرکت می‌کردند که بارزترین آن‌ها، راهپیمایی روز تاسوعا بود. این راهپیمایی از مقابل منزل آقای طالقانی در پیچ شمیران شروع شد و جمعیتی حدود سه میلیون نفر به دعوت ایشان، در راه‌پیمایی

شرکت داشتند. چنان راهپیمایی عظیمی به راه انداختند که ابتدا و انتهای آن معلوم نبود. چهره‌های شاخص در کنار آقای طالقانی، مرحوم پدر، مهندس بازرگان و دکتر سحابی و مرحوم آقای آیةالله حاج سیّد مصطفی خوانساری بودند که مقداری از راه را پیاده رفتند و بعد چون ازدحام جمعیت زیاد شد، من به حجةالاسلام انواری همدانی گفتم که، «این پیرمردها در این ازدحام نمی‌توانند تا میدان آزادی به راهپیمایی ادامه بدهند، درعین‌حال که امکان سوءقصد هم به آن‌ها هست.» لذا آقایان را سوار ماشین کردند تا ادامه راه را سواره تا میدان آزادی بروند. البته بنده خودم این افتخار را داشتم که همه راه را تا میدان آزادی، پیاده رفتم. فکر می‌کنم که آن روز ۱۵ کیلومتری راه رفتیم!

در میانه راه جریانی اتفاق افتاد. موقعی که جمعیّت به ۲۴ اسفند (میدان انقلاب فعلی) رسید، مأمورین دولتی حضور داشتند و ممکن بود اگر مردم اقدامی بکنند، آن‌ها حمله کنند. عده‌ای تصمیم گرفتند مجسمه وسط میدان را پایین بکشند. خبر به مرحوم طالقانی و پدرم رسید.

پدرم گفتند، «این اجتماع و این حرکت خود به معنای پایین آوردن مجسمه است. اگر بخواهیم مجسمه را پایین بکشیم، سوای اینکه راهپیمایی مختل می‌شود، عده‌ای بی‌گناه هم کشته می‌شوند. امّا اگر راهپیمایی به همین شکل ادامه پیدا کند، ضربه بزرگی به رژیم می‌خورد، بی‌آنکه افراد بی‌گناهی کشته شوند» آقای طالقانی این نظر را پذیرفتند و گفتند که این نظر به عده‌ای که در میدان بودند، ابلاغ شود و درنتیجه، کسانی که قصد پایین کشیدن مجسمه را داشتند، از این کار صرف‌نظر کردند. وقتی آقایان در میدان آزادی از ماشین پیاده شدند، مرحوم آیةالله طالقانی اصرار زیادی کردند که مرحوم پدر به دلیل بزرگ‌تر بودن و مقام استادی داشتن، نماز را اقامه کنند، امّا پدرم فرمودند، «**شما سال‌های طولانی جهاد فی سبیل الله کرده‌اید و حق امامت با شماست و مردم هم امروز به دعوتِ شما آمده‌اند.**» و لذا نماز به امامت آقای طالقانی در میدان آزادی برگزار شد و عکس‌هایی هم از آن روز موجود هست. به‌هرحال آنچه من به یاد دارم این است که در جریان مبارزات، مرحوم پدر نسبت به وضعیت ایشان، بسیار حساس بودند و هر وقت مشکلی

برای ایشان پیش می‌آمد، سعی می‌کردند تا حدّ امکان، آن مشکل را حل کنند. (همان منبع؛ ملاقات سوم، ۴ / ۶ / ۱۳۹۵)

■ شاگردان معظم له

از جمعِ شاگردان آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای می‌توان به عالمان و دانشمندان زیر اشاره کرد:

- ■ آیةالله حاج شیخ مرتضی حائری یزدی
- ■ آیةالله سیّد محمود طالقانی
- ■ آیةالله سیّد مرتضی عسکری
- ■ آیةالله سیّد ابراهیم خوئی
- ■ آیةالله شیخ عبدالصمد خوئی
- ■ آیةالله سیّد محمدعلی ابن‌الرضا خوانساری (درس تفسیر قرآن)
- ■ حجةالاسلام سیّد مرتضی برقعی قمی واعظ
- ■ دکتر محمّد خزائلی
- ■ آیةالله حاج سیّد محمدحسن جزائری
- ■ استاد غلامرضا دبیران
- ■ آیةالله شیخ یحیی طالقانی

استاد دکتر منوچهر صدوقی سُها اشاره به نکته‌ای داشتند که بیانگر سنّت پیوسته‌ای است که در حوزه‌های علمیّه جاری و ساری بوده است و آن اینکه آموزش حوزوی در یک سنّت پیوسته، سینه‌به‌سینه و در امتداد یک شجره جریان دارد. ازاین‌روست که علّامه کمره‌ای را بر خود ذی‌حق می‌داند. ایشان پس از مطالعه کتاب حاضر فرمودند:

> کتابی که چیزی جدید به انسان بدهد نوعاً کم است و این یکی از آن کتاب‌هاست. خدا به شما خیر بدهاد واقعاً برایم مفید بود؛ بالأخص به دو دلیل برایم خیلی جالب شد، یکی اینکه واقعاً دیدم مرحوم آقا میرزا خلیل، خیلی بالاتر از آن حدی بودند که من می‌شناختم. رضوان‌الله تعالی علیه. و دیگر اینکه معلوم شد حق خاصی به گردن بنده هم دارند و آن اینکه مرقوم فرموده‌اید که مرحوم

آقا یحیی طالقانی از شاگردان ایشان بوده‌اند. آقا یحیی طالقانی استاد اوّل بنده در فلسفه است که در نزد ایشان «مشاعر» و مقداری «شرح منظومه» خواندم و حق پدری بر گردن من دارند. ازاین‌رو آقا میرزا خلیل بر ما ذی‌حق شدند. (ملاقات با جناب آقای دکتر صدوقی سها، مورخ ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۹۵ه.ش)

- حجةالاسلام مرتضی انصاری قمی
- حجةالاسلام علی‌اکبر تربتی
- آیةالله حاج سیّد کاظم گلپایگانی
- استاد میرزا علی‌اکبر غفّاری (درس تفسیر قرآن) ایشان خود چنین گفته است:

  «... در جلسات تدریس و تفسیر مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای هم شرکت داشتم و از افاضات ایشان بهره وافی بردم.» (غفّاری، خرداد ۱۳۶۵: ۶۴)
- استاد امیری فیروزکوهی.

ایشان کتاب «مصباح الانس بین المعقول و المشهود» قاضی حمزه فّناری را در نزد معظم‌له خوانده بود. در این زمینه استاد دکتر صدوقی سها خاطره جالب‌توجهی را نقل کرده‌اند:

ابتدا باید بگویم که جنبه شعر و ادبیّت آقای امیری فیروزکوهی، علم ایشان را پوشانده بود. ایشان در علوم اسلامی مُلّای تام و تمامی بود. من به چشم خودم نوشته‌ای را از آقای سیّد محمدکاظم عصّار[1] درباره امیری فیروزکوهی دیدم، خانم امیری برای مراجعه به طبیب استخاره خواسته بود و ایشان استخاره کرده بودند و در زیر آن نوشته بود: «خدمت سیّدنا العلّامه سلام دارم»

---

۱. آیةالله علّامه محمدکاظم عصار لواسانی تهرانی (۱۳۰۲ - ۱۳۹۴ه.ق) فرزند آیةالله سیّد محمد لواسانی (۱۲۶۵- ۱۳۵۶ه.ق) از شاگردان آیات عظام شریعت اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، سید محمدکاظم یزدی، میرزا حسن کرمانشاهی، آقا میر شهاب‌الدین نیریزی شیرازی و میرزا هاشم اشکوری است. از آثار اوست: دو رساله وحدت وجود و بداء با مقدمه علّامه سیّد جلال‌الدین آشتیانی؛ تفسیر فاتحة الکتاب.

استاد امیری فیروزکوهی قصیده‌ای در رثای مرحوم علّامه عصار سروده‌اند با مطلع زیر:

رُو درگذر ز علم، که عَصّار درگذشت
آن یادگار دانش اعصار درگذشت

آقای عصّار و ما ادراک ما آقای عصّار؛ آقای عصّار خطاب به آقای امیری فیروزکوهی نوشته بودند: سیّدنا العلّامه ...

آقای امیری به بنده فرمودند: که من «مصباح الانس» قاضی حمزه فَناری را - که متن نهایی عرفان نظری است و الآن متأسفانه دیگر تدریس نمی‌شود - خدمت آقای میرزا خلیل کمره‌ای به‌درس خوانده‌ام. این امر، هم به لحاظ درس که آخرین متن عرفانی است و هم به لحاظ شاگرد که آقای امیری فیروزکوهی است. در گذشته وقتی فلسفه تکمیل می‌شد، در عرفانیات سه متن می‌خواندند: تمهید القواعد ابن ترکه، شرح فصوص قیصری و بعد مصباح الانس و متن نهایی عرفان نظری مصباح الانس است که از صد نفر یک نفر هم به آن نمی‌رسد. (ملاقات با استاد دکتر منوچهر صدوقی سُها، ۱۳۹۵/۱۰/۱۲)

استاد ابراهیم بوذری (۱۲۷۴ — ۱۳۶۵ ه.ش) که از هنرمندان بزرگ خوشنویس معاصر و دبیر دبیرستان البرز بودند. (مجله هنر، زمستان ۱۳۶۵ و بهار ۱۳۶۶: ۳۱۶)

شهید محمدعلی رجایی (۱۳۱۲ — ۱۳۶۰ ه.ش) که بعدها نخست‌وزیر (۱۳۵۹ — ۱۳۶۰ ه.ش) و دومین رئیس‌جمهور ایران (۱۱ مرداد تا ۸ شهریور سال۱۳۶۰ه.ش) رسید، در درس تفسیر قرآن معظم‌له حاضر می‌شد.

و بسیاری دیگر ...

از این نکته نباید غافل شد که مرحوم آیة‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای جامعِ علوم معقول و منقول بودند و در هر علمی که وارد شدند، منشأ خدمات بسیاری گردیدند ولی به‌هرحال در دوره‌ای تدریس فلسفه با مخالفت‌ها و فشارهایی مواجه بود که مرحوم حضرت امام خمینی ﷺ نیز در حوزه علمیه قم با آن مواجه بودند:

... آقای سیّد محمود طالقانی در حوزهٔ درس منظومه منطق من در قم، در محله آب‌انبار سید عرب حاضر می‌شد و بعد در تهران در منزلی در نزدیکی مدرسه سپه‌سالار در درس فلسفه و تفسیر حضور پیدا می‌کرد. او بعداً یکسره به تهران منتقل شد و به ما متصل گردید. شعبه‌ای از درس تفسیر قرآن در حوالی منزل ایشان در خانی‌آباد، اطراف مسجد مقدس بین دوستان ایشان و مرحوم پدرشان دایر شد. من به‌واسطه تهمت فلسفه تصمیم به ترک فلسفه گرفته

بودم. چون اجتماع درس در مسجد امام در شبستان شرقی آن در شب‌ها، موجب ازدحام بی‌حد شده بود و مرحوم آشیخ محمد کبیر، پیش مرحوم آشیخ مهدی پایین‌شهری شکایت کرده بود که اسلام از بین رفته و درس فلسفه با ازدحام بی‌حدی در مسجد امام گفته می‌شود، ولی ایشان از من دفاع کرده، گفته بودند که اسلام به واسطهٔ فلان کس از بین نمی‌رود. انتقال آیةالله طالقانی به تهران دایره را وسیع‌تر کرد و مجلس در خانی‌آباد هم مثل شاه‌آباد گسترده‌تر شد. در این جلسات، درس نهج‌البلاغه را با آقای طالقانی مجاهد در مورد نقشهٔ پیاده کردن دولت امیرالمؤمنین، مورد مذاکره قرار دادیم. (امجدی، ۱۳۸۷: ۲۰ –۲۱)[۱]

■ خیابان زرین نعل

آیةالله کمره‌ای در سال ۱۳۲۴ در منزلی [واقع در دروازه شمیران، خیابان زرین نعل] که به دستور مرحوم آیةالله العظمی آقای حاج سیّد ابوالحسن اصفهانی و همت گروهی از مؤمنین علاقه‌مند تهیه گردیده بود، سکنی گزید و تا پایان عمر در همان منزل ساکن و از لطف و محبت همسایگان و دوستان بی‌شمار برخوردار بود. (کمره‌ای، ۱۳۸۶: ۲۴)

به‌واسطه حضور آیةالله کمره‌ای در خیابان زرین نعل و شخصیت‌های ادبی ساکن در آن خیابان، بافت فرهنگی خاصی به وجود آمده بود که موجب رفت‌وآمد شخصیت‌های دینی و فرهنگی به آنجا می‌شده است و می‌تواند جداگانه به‌مثابه یک پژوهش پربار فرهنگی مورد توجه واقع شود. به بیان حجةالاسلام والمسلمین کمره‌ای:

از حسن اتفاق با همسایگانی دانشمند و شاعر چون آقایان مرحوم امیری فیروزکوهی، مرحوم دکتر ناظر زاده کرمانی[۲]، غلامرضا دبیران[۳] و علی‌اکبر

---

۱. او به نقل از: بهرام افراسیابی و سعید دهقان، طالقانی و تاریخ، بی‌نا، تهران، ۱۳۵۹، صص ۲۸ – ۲۹.
۲. دکتر احمد ناظرزاده کرمانی (۱۲۹۲–۱۳۵۵ش) شاعر، نویسنده و پژوهشگر معاصر؛ مدفون در ابن‌بابویه.
۳. استاد غلامرضا دبیران (۱۲۹۶-۱۳۶۵ه.ش) شاعر و خوشنویس برجسته؛ از آثار اوست: «تاریخ قرآن کریم»؛ ترجمه منظوم «الفیه ابن مالک»؛ ترجمه منظوم ادعیه «کمیل»، «توسل»، «افتتاح»، «امین الله» و «فرمان حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر». او در دو وزن قصیده لامیه حضرت ابوطالب علیه‌السلام را به نظم ترجمه کرد و آیةالله بهبهانی و آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای و دکتر محمود شهابی بر آن تقریظ نوشته‌اند.

پیروی[1] معاشر گردیدند و تا پایان عمر از لطف و محبت‌های آنان و سایر همسایگان و دوستان بی‌شمار برخوردار بودند.

جناب آقای سیّد مهدی طالقانی (فرزند مرحوم آیة‌الله طالقانی) در بیان خاطره‌ای می‌گوید:

... یکی از مسائلی که از مادرم شنیدم، این بود که گاهی که پیش می‌آمد که آیة‌الله خامنه‌ای دو سه روزی از تبعید مرخصی داشتند تا به تهران بیایند و به مشهد بروند، حتماً سری به منزل ما می‌زدند و با آیة‌الله طالقانی مشورت می‌کردند. منزل آمیرزا خلیل کمره‌ای و استاد امیری فیروزکوهی هم نزدیک منزل مرحوم ابوی بود. شنیده بودم گاهی که به دیدن مرحوم امیری فیروزکوهی می‌آمدند، آیة‌الله طالقانی هم به منزل کمره‌ای می‌رفتند و در آنجا همدیگر را می‌دیدند. (روزنامه کیهان، ۹۱/۶/۲۵، شماره ۲۰۳۰۶، ص ۱۲)

دبیران به دلیل مخالفت با پذیرش اجباری عضویت در حزب رستاخیز از کار برکنار شد و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به پیشنهاد آیة‌الله شهید صدوقی، استاندار یزد شد.

۱. از شاعران برجسته مذهبی که سروده‌های بسیار زیبایی در وصف اهل بیت علیهم‌السلام دارد و به عنوان «شاعر آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله» افتخار می‌کرد.

نمونه‌ای از اشعار اوست که مضمونی انتقادی به جریانِ غربگرایی زمانه‌اش دارد:

پشتم به زیر بار خَسان تا نمی‌شود — راضی برای عرض تقاضا نمی‌شود.
این یوسف عزیز که نامش مناعت است — هرگز اسیر دست زلیخا نمی‌شود.
آن دل که گشت واله و شیدای روی دوست — مفتون جاه و منصب دنیا نمی‌شود.
دنیا به عصر ما گره کور خورده است — این عقده با فریب و ریا وا نمی‌شود.
شرق از جفای غرب به آتش کشیده شد — با حرف پوچ شعله‌اش اطفا نمی‌شود.
با داروئی که غرب فرستد برای شرق — چون سازگار نیست مداوا نمی‌شود.
لامذهبی مصیبت عظمای عالم است — بدتر از این مصیبت عظمی نمی‌شود.
ایمان چو رفت پشت سرش هرچه بود رفت — این گوهری که گم شده پیدا نمی‌شود.
قومی که داده دین ز کف خویش مرده است — این مرده با فسونگری احیا نمی‌شود.

شاعر آل محمد«ص»–علی اکبر پیروی

■ ارتحال آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

سرانجام آیةالله کمره‌ای در غروب روز پنج‌شنبه ۱۵ محرم‌الحرام سال ۱۴۰۵ هجری قمری (۱۹ مهرماه ۱۳۶۳ هجری شمسی) با شنیدن ندای اذان برای آخرین بار (الله‌اکبر ...) دعوت حق را لبیک گفت و جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

رحلت مرحوم استاد سیّد کریم امیری فیروزکوهی[۱] و مرحوم علّامه میرزا خلیل کمره‌ای در یک روز اتفاق افتاد.

> خانه ما با خانه مرحوم امیری فیروزکوهی در خیابان زرین نعل روبه‌روی هم بود؛ یعنی فقط عرض یک خیابان فاصله بود. فوت این دو که بسیار با هم دوست بودند، در یک روز اتفاق افتاد. آقای امیری فیروزکوهی را در حضرت عبدالعظیم دفن کردند[۲] و مرحوم پدر ما در قم دفن است. در هنگام تشیع، خانواده مرحوم امیری فیروزکوهی به احترام پدر ما حدود صد متری تابوت ایشان را در پشت تابوت مرحوم آیت‌الله کمره‌ای که به قم برده می‌شد، حرکت دادند. (ملاقات دوم، ۱۳۹۴/۱۰/۳)

آقای حسن لاهوتی (۱۳۲۳ – ۱۳۹۱ ه.ش) مولوی پژوه معاصر در پانوشت مطلبی می‌نویسد:

> منظور آیةالله آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای رحمه‌الله علیه است که از علمای نامدار و از فضلای روزگار به شمار می‌رفت و امام جماعت مسجد فخرالدوله

---

۱. استاد امیری فیروزکوهی (۱۲۸۸ – ۱۳۶۳ ه.ش) فرزند سید مصطفی قلی (منتظم الدوله) از ادباء فرزانه و شعراء معاصر تهران بود.

۲. استاد امیری فیروزکوهی در جنب و جوار ایوان شرقی امامزاده طاهر علیه‌السلام بخاک رفته و بر لوح او اشعاری از او نوشته شده است که با این بیت آغاز می‌شود:

«ما زین گذر عمر که جستیم و گذشتیم   بار سفر ساخته بستیم و گذشتیم.»

استاد دکتر صدوقی سُها اشاره کردند که نماز میّت ایشان در مسجد فخرالدوله را مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدعلی حقّی سرابی (۱۳۴۸ – ۱۴۱۹ق) خواند. ناگفته نماند که آیت‌الله حقّی در شیخان قم، در جوار کریمه اهل بیت فاطمه معصومه (س) مدفون است و بنا بر وصیت او بر روی لوح مزارش چنین نوشتند: «شیخ محمد حقی (سرابی) غلام ترک سیاه، با پرونده مملو از گناه، پناهنده به این بارگاه [بارگاه حضرت معصومه (س)]

> تهران بود. منزل او رو به روی منزل مرحوم امیری، در خیابان زرین نعل تهران، قرار داشت و از دوستان مشترک آشتیانی و امیری بود. از شگفتی‌های روزگار آنکه این دو همسایه بزرگوار به فاصله دو سه ساعت از یکدیگر رخت سفر آخرت بستند. آن روز، در مسجد فخریه، اوّل بر جنازه [آیةالله] کمره‌ای و سپس بر جنازه امیری، نماز خواندیم - گرچه امیری زودتر سفری شده بود. خدایشان بیامرزاد. (لاهوتی، اردیبهشت ۱۳۹۰ : ۴۶)[۱]

پیکر آیةالله کمره‌ای در میان حزن و اندوه علماء و مؤمنین تشییع شد و نماز میّت در قم به امامت حضرت آیةاللهالعظمی سیّد شهاب‌الدین مرعشی نجفی خوانده شد و پیکر پاکشان در حرم مطهر حضرت معصومه﷭ به خاک سپرده شد.

حجةالاسلام والمسلمین ناصرالدین کمره‌ای از توجه امام خمینی به معظم له چه سفارش به مطالعه آثار؛ چه عیادت ایشان در بستر بیماری و چه شرکت در مجالس فاتحه ایشان می‌نویسد:

> نزدیکان امام نقل می‌کردند که ایشان به فرزندان خود توصیه می‌کردند که آثار ابوی را بخوانند تا نکات بسیاری دستگیرشان شود. در یکی دو سال پایان عمر که پدر من بستری بودند و امام در جماران اقامت داشتند، حدود ده بار، افرادی را برای عیادت از ایشان فرستادند؛ آقای حاج شیخ حسن صانعی، آقای توسلی، آقای امام جمارانی، چه در منزل و چه در بیمارستان می‌آمدند و نسبت به مرحوم پدر، بسیار محبت داشتند[۲]. هنگامی هم که ایشان از دنیا رفتند، امام به تمام

---

۱. استاد دکتر صدوقی سُها یادآوری می‌کند که فاصله رحلت آن دو بزرگوار بیشتر بوده است:

> یادم است آقای امیری اواخر شب پنجشنبه ۱۹ مهر آقای امیری فیروزکوهی و فردای آن روز نیز مرحوم آقا میرزا خلیل کمره‌ای رحلت کردند. فاصله زمانی رحلت ایشان از هم حدوداً دوازده‌ساعتی بود. (ملاقات با استاد دکتر منوچهر صدوقی سُها، ۱۳۹۵/۱۰/۱۲)

۲. حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان در بیان خاطرات زندگی خود، زمانی که نام آیةاللهالعظمی حاج میرزا خلیل کمره‌ای را که از مشایخ اجازه آقای انصاریان است، ذکر می‌کند، خاطرنشان می‌کند که «حضرت امام(ره) در نامه‌هایش به او التماس دعا داشت.» (ببینید: دفتر اطلاع‌رسانی استاد حسین انصاریان، (۲۱ اسفندماه ۱۳۹۱ شمسی) با عنوان: «خوش‌رفتاری با خانواده شرط مسلمانی است.» با کد: ۵۸۳۶۵؛ به نشانی: www.erfan.ir/farsi/۵۸۳۶۵.html)

اطرافیانشان توصیه کردند که در مجالس فاتحه پدرم شرکت کنند. (کمره‌ای، شهریور ۱۳۸۶: ۱۲۳)

آیةالله اکبر هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود می‌نویسد:

پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۶۳. تمام‌روز در منزل بودم. صبح آقای ناصر کمره‌ای آمد؛ اطلاع داد که پدرش آیةالله حاج میرزا خلیل، در بستر مرگ است و برای گرفتن [مجوز] محل دفن در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیهاالسلام، از امام استمداد داشت. به احمد آقا گفتم که پیامش را به امام برساند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶ : ۸ / ۳۱۹)

نیز در جای دیگری از خاطرات ایشان می‌خوانیم:

جمعه ۱۸ آبان ۱۳۶۳ شمسی ... شب، خانواده مرحوم حاج میرزا خلیل کمره‌ای، برای تشکر به خاطر کمک در هنگام مرگ پدرشان آمدند. ... (همان، ج۸ / ص ۳۷۶.)

همچنین درباره محل دفن ایشان چنین توضیح می‌دهند:

در صحن بزرگ حضرت معصومه علیهاالسلام، حجرات زیادی وجود دارد. داخل این حجرات علماء دفن هستند. حجره‌ای که جنب درب ورودی صحن بزرگ است که الآن محل عبور بانوان است، در داخل این حجره محل دفن پدر ماست با عده‌ای از علمای دیگر. اینک حدود یک سالی است که محل ورود بانوان شده است. [ورودی شماره ۲ صحن بزرگ] و آن حجره ایوانی دارد که بر روی آن عکس و شرح زندگی ایشان در آن نوشته شده است. (ملاقات دوم، ۳ / ۱۰ / ۱۳۹۴)

بر لوح قبر ایشان مضمون تمامی آثار و نوشته‌هایش معظم له نوشته شده است که انتخابی به‌غایت نیکو برای معرفی‌شان است. (تصویر لوح مذکور در بخش تصاویر آمده است.) حجةالاسلام والمسلمین کمره‌ای می‌گوید:

ما این عبارت را بر روی آن نوشته‌ایم:

هوالباقی

آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

تولد ۱۲۷۷ رحلت ۱۳۶۳

تألیفات ایشان درباره:

مؤسس دعوت پیامبر اکرم
کتاب دعوت قرآن مجید
خانه دعوت کعبه معظمه
رهبران دعوت چهارده معصوم
(ملاقات اوّل ۴ / ۹ / ۱۳۹۴)

مجموعه‌ای از کتابهای خطی ایشان در زمان حیات‌شان، وقف کتابخانه آستان مقدس رضوی شده است و پس از رحلتِ معظم‌له کتابخانه نفیس ایشان به کتابخانه آستان مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی واقع در شهر ری اهداء شد. فرزند گرامی ایشان در خصوص وصایای مرحوم آیةالله کمره‌ای، می‌نویسد:

> در وصیت‌نامه والد معظم چند نکته تأکید شده است:
> تقدیر از علم و تجلیل از کتاب، نوشتن، قلم و قرائت که قرآن با آن آغازشده است: «الّذِی عَلّمَ بِالْقَلَمِ» (قرآن کریم، علق: ۴) خداوند علم نوشتن را به بشر آموخت. «ن وَالقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ» (قرآن مجید، قلم: ۱) قسم به قلم و آنچه خواهد انگاشت.
> مبدأ و معاد و واسطهٔ بین آن دو یعنی سلسلهٔ انبیای الهی.
> نیاز انسان به دو بال علم و عمل.
> ساختن مساجد که وی آن‌ها را شعبه‌ای از کعبه یا مسجدالحرام می‌دانست. (کمره‌ای، ۱۹ آذر ۱۳۹۱: ۱۱)

و نیز نوشته‌اند:

> در سفارشات و وصیّت‌نامه ایشان، تکمیل و انتشار کتب چاپ‌نشده، تجدید چاپ کتب و هم‌چنین تکمیل کاشی‌کاری و ساختمان مسجد خاتم‌الانبیاء در دهکده باصفای فرنق مورد تأکید قرار گرفته است. (کمره‌ای، ۱۳۶۴: ۳۸)

■ این ننگ را عرب به کجا می‌برد (مقاله روزنامه اطلاعات)

حضرت آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای در واپسین سال‌های حیات پربارشان مقاله‌ای را نگاشته‌اند که در آن به پاره‌ای از خاطرات گذشته اشاره‌کرده و تحلیلِ خود از وقایع آن دوره را نگاشته‌اند. همچنین نظرات ایشان در قالب کتابی در قطع رقعی با عنوان «بیانیه و

پیام بملوک عرب هنگام بحبوحه جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق عرب به کشور ما» در سال ۱۳۵۹ شمسی در ۲۰ صفحه منتشر شده است.[۱]

متن مقاله معظم له در روزنامه اطلاعات مذکور چنین است:

> در این برهه از زمان که نبض حیاتی مجد اسلام حساس‌ترین لحظات خود را می‌گذراند، متأسفانه حمله غیرموجه عراق به ایران پیش آمد و اسفا که: حقیر بواسطهٔ کهولت سن و دستور پزشکان متخصص بیمارستان قلب مبنی بر عدم تحرک زیاد و عدم فعالیّت به‌طور مطلق، حتی از نوشتن ممنوع هستم. معذلک قوای آخرین رمق خود را تجهیز کردم تا اگر قادر به حملِ اسلحه نیستم، با قلم خود با دست مرتعش و از بستر بیماری، کار خود را وظیفهٔ خود را به‌قدر قلیل انجام داده باشم. کار لایق این ضعیف ابلاغ نصایح به امت اسلام به‌خصوص سران عرب که تا حدی شناسایی به خلق‌وخوی آنان دارم، است.
>
> اما امور جنگی دفاع و حمله را جوانان عزیز ما و سربازان غیور اسلام به نیکی انجام داده‌اند و می‌دهند و کمبودی در آن جهت نیست.
>
> مقامات مسئول و افراد ملت هم هرکدام وظیفهٔ دفاع را به‌طور اکمل انجام داده و می‌دهند و علماء اعلام هم پیام‌های سودمندی داده‌اند، امّا پیام به سران عرب باقی‌مانده است.
>
> پیام من به رؤسا جماهیر و ملوک عربی اسلامی به زبان ادب و با حفظ نزاکت است؛ زیرا خداوند به موسی و هارون امر فرمود با فرعون که بیگانه مطلق بود به قول لین سخن بگوید.
>
> آنان هرچند مقتدر باشند، باز باید از سخن پدران روحانی نرنجند و پند بگیرند، زیرا از یک عائله‌ایم.
>
> ای کسانی که امروز بر اریکه قدرت تکیه زده‌اید، شما بر کشورهایی که در آن‌ها گویندگان، شعارِ لااله‌الاالله و محمد رسول‌الله می‌دهند، حکم می‌رانید. شما که استوانه‌های عرب هستید، افکار خود را به اسلام محض توجه دهید تا در دنیا و عقبی سعادتمند باشید، وگرنه اگر وضع چنان باشد که شنیده می‌شود، کوس

---

۱. نسخه‌ای از آن در کتابخانه « آستان حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام» در شهرری و کتابخانه بزرگ آیةالله العظمی مرعشی نجفی رحمه‌الله در شهر قم موجود است.

رسوایی معاصرین بدتر از واترگیت بلند می‌شود. روحانیون مخلص رسالت اسلام را از هزار و چهارصد سال پیش به نسل‌های متعاقب رسانده‌اند. و هرگاه یک وجب از خاک کشورهای اسلامی را دشمنان غصب کنند، یا در آن طمع کنند، روحانیان نه‌تنها برای دفاع فتوی می‌دهند، بلکه خود لباس جهاد می‌پوشند؛ امّا خدمت مهم‌تر از این آن است که عده اعراب در جهان بیش از نود میلیون نیست، و پشتیبان آن‌ها شش‌صد میلیون مسلمان غیر عرب‌اند که اخوّت آن‌ها با شما عرب‌ها از اثر تبلیغات مستمر و تعلیمات مداوم طبقه روحانیون است؛ زیرا هیچ صنفی جز این‌ها محکم و پا قرص نایستاده‌اند که تعلیمات اسلام را نگهدارند، و ایدئولوژی اسلام را در نسل‌های پیاپی منتقل کنند. بی مبالغه باید گفت و قبول کرد که از عملکرد روحانیون، اسلام از طبقه‌ای به طبقه‌ای منتقل‌شده. در حقیقت روحانیون اعمّ از علماء شیعه یا سنی در این جمعیّت (۶۰۰ میلیونی غیر عرب) خدمت گذاران به شما عرب‌ها هستند.

علمای رشید شیعه یک امتیاز دیگر هم دارند که این بزرگواران تحمیل بر بودجه هیچ دولتی نیستند، بلکه از صندوق سهم امام امرار معاش می‌کنند و اندوخته‌ای نخواسته‌اند و ندارند.

بنگرید در رأس آن‌ها حضرت نایب الامام روحی له الفداء دهی و دهکده‌ای برای خویش نخواسته‌اند، بلکه نان روحانیون هم‌مسلک خود را هم صرف بنیه ضعیف مستضعفین شما می‌کنند. اکنون وقت آن رسیده که شما را به خیمه‌گاه بیابان‌نشین‌های آوارگان عرب فلسطینی، لبنانی و عراقی متوجه نمایم.

دیدار اردوهای آوارگان سه‌گانه منبع الهام است. هرچه الهام می‌کند یادداشت کنید و به خاطر بسپارید. اوّل اردوی آوارگان عراقی را دیدار نمایید.

حدود چهل هزار نفر معاودین از اوطان عربی خود در بغداد و کاظمین و کربلا و نجف تحت‌فشار حکومت صدام بی‌رحم به ایران رانده‌شده‌اند. در چند سال پیش نیز بالغ‌بر سی‌وهشت هزار نفر را رانده بودند که این ایّام قبل از جنگ رسمی عراق با ایران آن‌ها را از هستی ساقط کرده، لخت و عربان در مرز ایران رها کرده‌اند، و ایران در حدّ امکان از آن‌ها پذیرایی می‌کند. وضع آن‌ها طوری است که آسمان به حال آن‌ها گریه می‌کند و اشک می‌بارد. و گواه زنده انحراف عمل

رژیم بعثی صدام کافر مسلمان نما است؛ مانند گلهٔ بی چوپانی هستند که شبان و چوپان آن‌ها گرگ آن‌ها بوده است

گلهٔ ما را گِله از گُرگ نیست
کاین همه بیداد شبان می‌کند.

گرچه آن‌ها هم نمی‌باید ستم‌پذیری را تا این حد قبول کرده باشند، بلکه وظیفه داشتند که مسلح شوند و گرگ را از میان خود برانند؛ بخصوص با کشتار زوّار در اربعین، و مبارزه آن‌ها با مرجع تقلید آیةالله حکیم، و قتل علّامه بزرگ سیّد محمدباقر صدر و خواهر معصومش.

اکنون این گرگ‌ها به این اکتفا نکرده، با وقاحت بی‌نظیری به بهانه‌های پوچ بر ایران هجوم و یورش آورده، تا اردویی نوین از آوارگان بسازد. گوئیا می‌خواهد عمل صلیبی‌ها و صهیونیست‌ها را تکمیل کند، و آنچه اسرائیل صهیونیست و آمریکای جهان خوار انجام نداده‌اند، این نابکار آن را با مسلمین ایران انجام دهد و اردوی جدید از ایران به صحرا روانه کند.

دومین اردو اردوی آوارگان لبنان است که چندین سال است به دست قوای اسرائیل پنجاه‌هزار پنجاه‌هزار سیل آن‌ها به سوریه سرازیر است، گویی زاینده‌رود دیگری است.

این اردو دومین اردوی آواره عرب است که در پهلوی گوش صدام و رؤسای عرب هستند و گوش آن‌ها به نالهٔ این‌ها بدهکار نیست.

گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله من
آنچه البته به‌جایی نرسد، فریاد است.

فرق صدام با سایر رؤسای عرب این است که رؤسا تماشا می‌کنند و بی‌تفاوت‌اند، امّا صدام آنچه را باید صرف جنوب لبنان برای بازگشت آوارگان بکند و پاسخ آتش‌های اسرائیل را بدهد، آن را صرف کشتار مسلمین در ایران می‌کند و سران عرب هم یا بی‌تفاوت می‌نگرند یا او را تشویق و یاری می‌کنند.

من در سفر عمره دو سال و نیم پیش قیافه این آوارگان لبنانی را در سوریه از نزدیک مشاهده کردم و آتشین شدم. به مجمع بزرگ مسجد ابوالنور رفتم و در آن مجمع محترم سخنرانی برای تحریک جمعیت مسلمین و حمایت آوارگان کردم و خلق و خود بر این وضع گریستیم. بعد از دو سال و نیم یکی از اقطاب

حاضرین آن مجلس که به تهران آمده بود، و عضو هیئت نمایندگان سوریه به ملاقات نایب الامام حضرت آیةالله العظمی خمینی آمده بود، به یاد آن مجلس و آن روز می‌گفت: «من هر وقت یاد آن مجلس و آن سخنان می‌افتم، در خلوت یا در جلوت به گریه می‌افتم.»

این آوارگان لبنان منحصر به آن نوبه نبوده و نیستند. روزان و شبان آوارگان هنوز هم سرازیر است. گوئیا زاینده‌رودی است همی‌جوشد و سرازیر می‌شود؛ البته این پریشانی و گریه‌ها در خمیره صدام بعثی و زمامداران همپالگی او تأثیری نمی‌کند. سومین اردوی آوارگان عرب، اردوی فلسطینی‌ها است که از سال ۱۹۴۸ میلادی زیر آسمان در بدرند. من در کنگرهٔ مؤتمر قدس به معیّت مرحوم مجاهد نستوه و مرد خدا آیةالله سیّد محمود طالقانی در اردن و در صحراهای خارج شهر و در کشورهای مجاور یک‌میلیون و دویست هزار آواره را دیده‌ام که زمین به آسمان آن‌ها می‌گرید و آسمان به زمین آن‌ها گریه می‌کند. پیران آن‌ها بر جوانان و جوانان بر پیران آن‌ها می‌گریند. زنان بر مردان و مردان بر زنان می‌گریند. در اثر اندوه و فقر وسایل معیشت، چندین هزار نفر آن‌ها مسلول شده‌اند و وسیلهٔ علاجی نیست.

ما با شور و هیجان می‌پرسیدیم پس اردوی مسلح اسلامی اردن، عراق، سوریه، لبنان و عربستان سعودی مگر زنده نیستند که صدای گرسنگان و بایکوت جباران را بر این مستمندان بشنوند و اردوی صلاح‌الدین بسازند؟ مگر صلاح‌الدین برای استرداد بیت‌المقدس ملوک اطراف را جمع نکرد؟ من به چشم خود چیزها دیدم که چشمی نبیناد.

صدام و صدام‌های عرب به‌عوض آنکه به اردوی غیور ایران بپیوندند و سپاه صلاح‌الدین دیگری تشکیل دهند، دشمن را شاد می‌کنند. در جنگ با ایران، موشه دایان و اسرائیل را شاد نموده‌اند و مانند صلیبی‌ها به مسلمین تاخته‌اند. این ننگ را عرب به کجا می‌برد؟!

ای ملوک عرب، ای اسطوانه‌های ملّت کجایید؟! ای ملک حسین و سپاه اردن به هوش بیایید. ای حسین بن طلال پدرت والله دیوانه نبود، دیوانه‌اش نشان دادند تا او را از کشور جدا کنند. تو چرا به صدام کودتاچی عراق تبریک می‌گویی و تشویق می‌کنی؟

مگر در عراق در کودتای خونین خاندان برانداز آن‌ها به دست همین صدام و یاران بعثی او ۹۰ نفر از بنی اعمام ترا از سادات صغیر و کبیر از عبد الاله[۱] و فیصل شریف مکه[۲] را قتل‌عام نکردند؟

صدای خطیب مسجدالاقصی دکتر سعید رمضان هنوز به گوش من هست که در خطبهٔ جمعه پرشور در حضور چند هزار مسلمین و نمایندگان کشورهای اسلامی فریاد می‌کشید که ای حسین بن طلال، ای محمد بن یوسف (ملک محمد خامس پادشاه مراکش) این مسجدالاقصی شما را به امداد می‌طلبد و چشم به شما دارد، شما کنگرهٔ قدس را تشکیل داده بودید. از ایران ما و نمایندگان از همه کشورهای اسلامی در کنار بحر المیت هلهله‌ها کردیم و کردند و دل‌خوش شدیم که مثل ملک حسین با قوای ارتش اردن در خط جبهه جلوی اسرائیل را دارند و الآن می‌بینیم که اسرائیل پیش‌تاخته و می‌خواهد شهر بیت‌المقدس را پایتخت دائمی خود کند.

در بحبوحهٔ این مصیبت عظمی شما اسرائیل را رها کرده، به عراق تبریک می‌گویید که قوای ارتش ایران را در این راه که می‌خواهد بیت‌المقدس را نجات بدهد، به خود مشغول داشته، بلکه آن را درهم بکوبد. برازنده شما بود که به الجزایر و لیبی و سوریه نگاه کنید.

این گلایه نیست؛ بلکه کار شما ننگی است، هم شما و هم ملک حسن دوم که در آن کنگره به همراه پدرش ملک محمد خامس حضور داشت. او هم با مشاهدات غم‌انگیز بیت‌المقدس اکنون در حمله عراق صدامی بعثی به ایران خوشحال است. وااسفا!!

روزنامه‌ها نوشتند یک تیپ زرهی اردن به کمک نیروی زمینی عراق رفت. (کیهان، چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۵۹) البته می‌دانید که ذی‌قعده ماه حرام است. اردن می‌باید این تیپِ زرهی را برای دشمن بغل گوش خود نگه‌داشته، عربیّت را به ننگ نمی‌کشید. این‌ها ننگ عرب است که در تاریخ می‌ماند. صلاح‌الدین جدیدی باید تا این لکه‌ها را بشوید:

---

۱. عبد الاله بن الملک علی بن الشریف حسین الهاشمی ولیعهد وقت عراق (میلاد ۱۹۱۳ – وفات ۱۹۵۸ میلادی)

۲. ملک فیصل دوم (میلاد ۱۹۳۵ – وفات ۱۹۵۸)، سومین و آخرین پادشاه عراق از خانواده هاشمی است.

نوح دگر بباید و طُوفان وی ز نو
تا لکه‌های ننگ شما شستشو کند.

من با خدمت‌گزاری ضعیف خود و همچنین روحانیت مقدس (شیعه و سنی) با فقد وسایل از این ناروائی‌ها و سستی عرب‌ها خجلت می‌کشیم.

چند سال پیش استاد بزرگوار شیخ محمد بن ناصر عبودی رییس دانشگاه مدینه که با معاون خود شیخ وائلی در تهران به دیدار من آمده بودند، در مجمع عمومی منزل به سخن پرداخت و به این صورت امداد خواست و گفت: «سپاه اسلام که از مدینه به جهان پخش شد، همه، عرب نبودند. سلمان فارسی از فرس، بلال از حبشه و صهیب از روم با عرب یکی شدند و همدست شدند تا آن فتوحات را کردند وگرنه عرب تنها همان بود که در مقابل سپاه فیل‌سواران حبشه نتوانست به حفظ خانه کعبه قیام کند. عبدالمطلب رییس حرم گفت: انا رب الإبل و للبیت ربّ یعنی من خداوند شترانم و این خانه خود خدایی دارد. اگر عبدالمطلب که سیّد عرب و نماینده قدرت همه عرب بود، توانایی دفاع را با نیروی عربی داشت، به دفاع می‌پرداخت و واگذار به خدا نمی‌کرد.

مقصود شیخ از ما فارسیان برای همکاری با عرب، برای پیشبرد اسلام و اهداف اسلام، من در پاسخ گفتم: آرزوی ما درباره دانشگاه مدینه این است که آن‌قدر بزرگ شود که دانشگاه‌های دنیا همگی از اقمار آن گردند و سعی ما روحانیان در این زمینه به پشتیبانی عرب بوده و هست و ظاهراً این دعوت را از ملوک حجاز بازگو می‌کرد؛ لذا گفتم آیا شما پیام ما را به ملوک عرب می‌رسانید؟ ما روحانیون اسلامی سپاه تبلیغ دین و سپاه تعلیمات اسلام هستیم و بوده‌ایم. از مساعی بی‌حد خود تا توانسته‌ایم از نژادهای غیر عرب پشتیبانی قوی و نیرومند و عظیم برای شما عرب‌ها فراهم‌سازیم. شما عرب‌ها نود میلیون و غیر عرب حدود هفت‌صد میلیون مسلمانان هستند که به واسطهٔ تبلیغات روحانیون ما به اسلام باقی‌مانده‌اند و به شما پیوسته‌اند. وگرنه تحزب‌های نژادی و ملیّت‌گرایی دعوت به تفکیک می‌کند. شعوبیه می‌گویند: یا رب عرب مباد و دیار عرب مباد. تبلیغات مستمر خستگی‌ناپذیر ما طبیعت را رام کرده، فضا را مساعد نمود، تا همه یک‌زبان سخن اسلام را می‌گویند و در اثر آن پشتیبان عرب‌ها هستند، پشتیبانانی صمیمی و جدی. اگر شما رؤسای عرب هم مثل ما به صدق قیام

می‌کردید، دشمن طمع به هضم مسلمین نمی‌کرد. آیةالله خمینی را ازنظر دور ندارید و نمونه بدانید. مگر ندیدید که ملک فیصل یک کلمه گفت: «ما نفت را به روی آمریکا می‌بندیم.» یک زمستان بست و آمریکا را به‌زانو درآورد. در دنبال تهدید فیصل آمریکا تهدید کرده بود که چاه‌های نفت را بمباران خواهیم کرد. فیصل چه زیبا سخنی گفت که «این برای ما تهدیدی نیست، برمی‌گردیم به زندگانی پدرانمان در کوهستان‌ها و با نان و خرما اکتفا می‌کنیم»

نان و پنیر و فرش حصیر و مقام فقر
ما را توانگران به چه تهدید می‌کنند.

اکنون چرا ملک خالد و امیر فهد عبرت نمی‌گیرند و با حربهٔ نفت آوارگان عرب را در هر سه جبهه: آوارگان فلسطینی و آوارگان لبنانی و آوارگان عراقی را به آشیان خود برنمی‌گردانند. اسلحهٔ دوم شما پول‌های شما است که با خارج کردن آن‌ها برای نجات مستضعفین و آوارگان عرب بر ارجمندی و ارزش و محبوبیّت خود بیفزایید. حتماً شنیده‌اید که نهضت ایران و انقلاب ایران نهضت مستضعفین جهان علیه مستکبرین است. شما که خادم‌الحرمین هستید، اولی هستید که از مستکبرین نباشید و حساب خود را از مستکبرین جدا کنید تا افتخار این لقب را داشته باشید؛ اگرچه بعید است.

همه می‌دانند که آرم پرچم شما کلمهٔ طیبهٔ لااله الّا الله است. در مرگ یکی از شخصیّت‌های شما پرچم تمام سفارتخانه‌ها و دول به احترام نیم افراشته شد غیر از پرچم عربستان سعودی، علّت را پرسیدند که ما برای شما پرچم را پایین آوردیم، خودتان چرا اینکار را نکردید؟ جواب دادند که پرچم ما چون لا اله الّا الله است برای مرگ اشخاص فرود نمی‌آید و خم نمی‌شود. آری زهی افتخار در کنار لااله الّا الله، به شرطی که با عمل و مفهوم آن همراه باشد. نهضت ما هم همین لا اله الّا الله است. جهادی در راه اعلای کلمه‌الله است. پیغمبرﷺ فرمود: هرکس جهاد کند در راه اعلای کلمه‌الله جهاد او فی سبیل الله می‌باشد. با توجه به مطالب فوق حتی شایعه تقویت شما از صدام بعثی اشتراکی که فلان مبلغ پول برای تقویت آن‌ها داده‌اند، باعث نهایت تأسف و تأثر همه علمای ایران و مسلمین غیرتمند جهان است.

در مقابل، توقع از ارتش عراق و مردم عراق می‌رود که به وظیفهٔ دینی و اسلامی و شرعی و وجدانی خود عمل کنند، و به ارتش نجات‌بخش بیت‌المقدس و به لشکر صلاح‌الدین بپیوندند و ملحق شوند.

ان شاء الله با شکست رژیم بعثی بغداد پیشنهاد می‌شود که نخست به اصلاح امور معاودین اقدام شود و چهل هزار نفر عراقی رانده‌شده از بغداد، کاظمین، نجف و کربلا را به وطن خود برگردانند. در درجه دوم آوارگان لبنان را به سرمنزل خودشان با احقاق حقوق آن‌ها برگردانند. در درجهٔ سوّم آوارگان فلسطینی را به وطنشان بازگردانند. و بیت‌المقدس را نجات دهند ماهیّت مرام انقلاب ایران را حمایت از مستضعفین تشکیل می‌دهد. والسلام علی عباد الله الصالحین، الذین یستمعون القول فیتبعون احسنة. (کمره‌ای، پنجشنبه اوّل آبان ماه ۱۳۵۹ : ص ۷)

■ مقاله روزنامه اطلاعات

با ارتحال آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای، روزنامه اطلاعات مقاله‌ای را با عنوان «به مناسبت ارتحال آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای» منتشر کرد که بخشی از آن تقدیم حضور می‌شود: (روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۲۲ مهر ۱۳۶۳، شماره ۱۷۴۲۳، ص ۱۵)

«انا لله و انا الیه راجعون»

«حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به لقاءالله پیوست»

فقیهی عالی‌قدر، نویسنده‌ای و محققی بزرگ، خدمتگزار مولی اباعبدالله الحسین علیه‌السلام در سن ۸۸ سالگی پس از ۵ سال بیماری سخت به درود حیات گفت.

حضرت آیةالله حاج شیخ آقابزرگ تهرانی اعلی‌الله‌مقامه صاحب «الذریعة» در صفحهٔ ۷۰۴ قسم دوم از جزء اول کتاب مبارک طبقات اعلام الشیعة – نقباء البشر) در ردیف ۱۱۴۴ ترجمه احوال آن مرحوم را چنین می‌فرماید:

الشیخ خلیل کمره‌ای در کمره از توابع عراق عجم در سنه ۱۳۱۷ قمری به دنیا آمد در آنجا رشد و نما نمود و در سنه ۱۳۴۰ قمری در قم ساکن شد و به تحصیل سطوح و فقه و اصول پرداخت و در درس خارجِ حجت عصر، حاج شیخ

عبدالکریم حائری حاضر می‌شد و رشته معقول را نزد مولی علی‌اکبر بن ابوالحسن یزدی تلمذ نمود؛ سپس در قم به تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداخت و شاگردان بسیاری از مکتب او خارج شدند. وی از بزرگان و متبحرین و از دانشمندان یگانه بود و به امر تألیف پرداخت و در این زمینه کتاب‌های سودمند گوناگونی تألیف نمود که اهم آن‌ها ازاین‌قرار است: (تفسیر سوره نور) و (هفتادودو تن در سه مجلد) و (مسلم بن عقیل) و (شرح نهج‌البلاغه) و (ملکه اسلام) و (نوید اسلام) و (غروب آفتاب در اندلس) و (مادر) و (فتح کعبه) و (ندای آسمان در اذان و ثواب آن) و (قبلهٔ اسلام کعبه یا مسجدالحرام) که تمام آن‌ها طبع شده است و ایشان تألیفاتی هم دارد که هنوز چاپ‌نشده (دوره نهج‌البلاغه) در ۲۳ مجلد و (دوره تفسیر کبیر) و (پنجم هفتادودو تن و یک‌تن[1]) و (خطبه دوم حضرت زهراء) و امروز ایشان از معاریف و مشاهیر علمای تهران و رجال فضل و قلم به شمار می‌آید.

آیة‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۳۷ قمری به حوزه علمیّه اراک که توسط مرحوم آیة‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رضوان‌الله علیه تأسیس گردیده بود ملحق و جزء اولین شاگردان حوزه علمیّه مرحوم آیة‌الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری گردید و در سال ۱۳۴۰ قمری همگام حضرت حاج شیخ طاب ثراه با حوزه علمیه از اراک به قم منتقل شدند.

به شرح منعکس در حاشیه مواقع النجوم و مرسله الدر المنظوم مرحوم حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل که به وسیلهٔ ایشان در دورهٔ دکتری دانشکده الهیات تدریس و توسط دانشگاه تهران چاپ گردید. اساتید و مشایخ مرحوم عبارت‌اند از: مرحوم میرزا علی‌اکبر یزدی معروف به حکیم و مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی و مرحوم ابوالمجد آقا رضا اصفهانی و حاج شیخ عباس محدث قمی و حاج سیّد محسن جبل عاملی ایشان در سال ۱۳۱۴ در رابطه با کشف حجاب به دستور طاغوت اوّل دستگیر و مدتی در زندان شهربانی محبوس و سپس در تهران نفی بلد گردیدند.

---

۱. کتاب شریف «عنصر شجاعت هفتادودو تن و یک تن» بحمدلله اینک در هشت مجلد توسط انتشارات انصاریان قم منتشر شده است.

مرحوم آیةالله کمره‌ای یک‌بار در سال ۱۳۷۱ قمری در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دوّم در سال ۱۳۷۹ قمری در مؤتمر اسلامی اردن شرکت و پس از پایان مؤتمر به اشارت مرحوم آیةالله العظمی بروجردی همراه مجاهد نستوه مرحوم طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت رییس جامع الازهر درباره فتوای معظم له درباره به رسمیّت شناختن مذهب تشیع به قاهره رفتند و نیز در سال ۱۳۸۵ قمری در مکه معظمه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت و به ریاست مؤتمر برگزیده شدند. و در سال ۱۳۴۹ شمسی در هزاره شیخ طوسی در مشهد سخنرانی مبسوط علمی در تجلیل مقام علمی شیخ طوسی ایراد کردند که کراراً چاپ گردید.

و در سال ۱۳۵۳ پاپ اعظم پیشوای کاتولیک‌های جهان توسط سفارت کبرای واتیکان در تهران ۱۲ مسئله مشکل کلامی را از ایشان استعلام و استفسار نمود که متن سؤال و جواب به فارسی و فرانسه نثراً و نظماً جداگانه چاپ‌شده است.

مرحوم آیةالله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با توده مردم مسلمان ایران حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعا ۱۳۵۷ علیه طاغوت به‌اتفاق حضرت آیةالله طالقانی شرکت جست و پس از حمله خائنانه صدام به خاک مقدس میهن جمهوری اسلامی با نوشتن مقاله (عرب این ننگ را به کجا می‌برد؟) در روزنامه اطلاعات از موضع ضد صهیونی به نفع جمهوری اسلامی فعالیت نمودند و در مسئله ولایت‌فقیه و درجه ادنی و اعلای آن طبق مذهب تشیع شرح مبسوطی در کتاب سلمان فارسی تألیفی خود (طبع سال ۱۳۵۱) در صفحات ۱۸ و ۱۹ آورده‌اند و همیشه در تأیید رهبری حضرت امام خمینی مدظله‌العالی بنیان گزار جمهوری اسلامی ایران کوشا و معتقد بودند.

در طول ایام ممتد کسالت و نقاهت، ایشان همواره از سوی حضرت امام خمینی مدظله‌العالی موردِ تفقد و محبت و احوال‌پرسی قرار می‌گرفتند که این عنایات معظم له یک‌بار از سوی فرزند بزرگ آن مرحوم [آقای مجتبی کمره‌ای] با این شعر نغز مولانا جلال‌الدین رومی قدردانی گردید.

نور او از یمن و یسر و تحت و فوق　　　بر سر و بر گردنم افکنده طوق

پیکر پاک آن مرحوم در قم در جوار حضرت معصومه علیهاالسلام به خاک سپرده شد. مواریث علمی ۶۷ گانه آیةالله کمره‌ای که حول چهار محور اساسی، مؤسس

دعوت «پیغمبر اکرم» ﷺ، رهبران دعوت «ائمه دین»، خانه دعوت «بیت‌الله الحرام» و کتاب دعوت «قرآن مجید» بحث می‌نماید، به شرح زیر است:
کتاب افق وحی، افق اعلی، علی و الزهراء، ملکه اسلام، نهج‌البلاغه آسمان و جهان، نهج‌البلاغه و ...

■ گلچینی از تألیفات معظم‌له

باید سورهٔ اقتصادی قرآن را که به نظر من سورهٔ أنعام است، نیکو منتشر کنند.

(تفسیر سوره نور، ص ۵۷)

ما نمی‌گوییم اگر دولتْ عادله بود، ازدواج اجباری می‌شود، می‌گوییم محیط الزام به نکاح می‌کند.

(تفسیر سوره نور، ص ۷۱)

چیزی که کار را مشکل کرده، اصولِ سرمایه‌داری ظالمانه و نبودن تقوی اجتماعی است. تقوای اجتماعی از تزویج بانوان بی‌سروسامان و مردان بی‌سرو سامان حاصل می‌شود.

(تفسیر سوره نور، ص ۷۰)

همه قبل از مردی کودک‌اند و قبل از علم، جاهل‌اند؛ به‌تدریج در آن‌ها منطق و عقل و فکر؛ غنچه آسا از گُلبن بدن می‌شکفد و کم‌کم مشکل‌ها آسان می‌شود و مردم آسمانی می‌شوند؛ وگرنه از اوّل اهل زمین‌اند و زمینی‌اند؛ اوّل حیوان‌اند و حیوانی؛ باید از گریبان آن حیوان، انسان بیرون آید.

(قبله اسلام، ۶۷۵ — ۶۷۶)

تقدّس عبارت است از تنزّه از دنیا و جسمانیات؛ امّا از تمتع و لذائذ افراطی دنیا؛ نه از اهتمام و تعهد به‌نظام رعایا؛ عنایت به‌نظام رعایا کار خداست یا از قبیل امور ملکوتی و موجب تقرّب به خداست.

(قبله اسلام، ۹)

کشور مسجد در دل همه کشورهاست، چون وطن ندارد، پایبند مرزی و وطنی نیست.

(قبله اسلام، ۲۰)

منطق بلد الأمین برای «بلاد ناامن» این است که اگر بخواهید «ام‌القری» شوید، باید جهان [همچون بلد الامین] سراسر امن باشد؛ باید حقوق حیات و علم و معیشت افراد از ایشان سلب نشود. همه حق حیات و تحصیل و اعاشه داشته باشند؛ این‌ها شرایط حیات است که باید سلب نشود و شهر، شهرِ ما باشد نه شهرِ من تا ام‌القری و مادر بلاد شود.

(قبله اسلام، ۴۷۰ – ۴۷۱)

ندای اذان ندای خلاصی است ... ندای اذان می‌گوید: ای همراهان بیایید که از غم زندان به رهیم، عبادتِ عباد را رها کنیم و رو به عبادت خدا کنیم. ولایت و زمامداری بندگان را به ولایت خدا واگذاریم.

(قبله اسلام، ۶۷۶)

پیغمبر خدا ﷺ شمشیر را شعار خود قرار نداد ...؛ بلکه اذان را که تنها شعار روحانیت و قدس و توجه به خداست، شعار اجتماع اسلامی قرار داد و شمشیر را در زیر پای آن و پشت سر آن نهاد. ...

(قبله اسلام، ۶۹۲ – ۶۹۳)

دنیای دین‌داران به صلح می‌اندیشد.

(سروش مقدّس، ۱۵۰)

امن و عدل هر جا باشد، همان‌جا خداست.

(سروش مقدّس، ۱۳۲)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام از سرّ «سنگ‌ها» سرسری نمی‌گذرد، بلکه می‌ایستد که دریچه‌ای باز کند تا خلق هم سرّ سویدای سنگ‌ها را ببینند. امام علیه‌السلام گویی می‌فرماید: ای بشر خود با حقائق کوه و دشت روبه‌رو شو، عُریان روبه‌رو شو، هرجا سنگی به‌کار نهاده‌اند، کاری در نظر داشته‌اند، اگر تو خداشناسی، ترا می‌باید که سنگ‌ها را بشناسی. خدا در سنگ‌ها پیدا است. تدبیر او در طبیعت آمیخته با گِل سنگ‌هاست، اگر دلِ آدمی سنگ نباشد، جمال تدبیر الهی را در سنگ‌ها می‌بیند که گاهی دلربایی می‌کند و گاهی حکمرانی.

(آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه ، ص ۱۰۴)

گفتیم به‌جای طبیعت، خلقت است و به جای خلقت، حکمت طلوع می‌کند. این حکمت است که بر اریکه حکمرانی آن جهان می‌نشیند. گیتی تا آنان را حکیم نکند، خیره‌سرها را به کرسی [سرجای خود] نمی‌نشاند. (آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه ، ص ۴۵۰-۴۵۱)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای مطالعه روی زمین زیاد ایستادگی کرده، شما هم زیاد بایستید، به زمین زیر پای خود اندکی نگاه بکنید، کم سربه‌هوا باشید. ننگ است که دیگران در موردِ طبقات سنگ‌ها و صخره‌ها کتاب‌ها نگاشته باشند و بدبینان پرادّعای ما با نگاه حقارت به زمین بنگرند.

(آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه ، ص ۹۱)

دنیایی که در کتب مذهبی مذموم است عبارت از شجر و حَجَر و اختر و زیور طبیعی آن‌ها نیست؛ «دنیا حالتِ دل است»؛ وگرنه مطالعهٔ این

مناظر گزیدهٔ زیبای طبیعی بر انسان زیبنده است؛ خصوصاً اگر با چشمی نو بدانها نگریسته و با دیدهٔ جدید مادّه آشفته آن‌ها را بررسی کرده ...

(آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه ، ص ۱۰۴)

تولید رحمت و رقّت در نفوس، کارِ «خداوندگاری» است.

(آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه ، ص ۲۲۰)

باز مکرر می‌کنیم که این زیور [زیور و زینت‌های آسمان] دعوت به مطالعه است. هر زیور دعوت است و هر دعوت مقدّمه وصلت و هر وصلت منشأ ولادت تازه نوزادها است. تا نوزادهای این وصلت چه باشد؟ نماز است و تواضع، حج و فداکاری. رحمت است و جهانداری، استقامت است و بردباری. مگر نماز نه تواضعی است برابر کبریایی حق که از آثار ادراک کبریایی او در معراج فرود آمده است؟

(آفرینش آسمان و زمین در نهج‌البلاغه ، ص ۲۲۳)

... هفت سال اوقات با نوشتن حال و جمال و کمال محمّد ﷺ شیرین بود. ...

(مقدمه کتاب افق وحی، ص «ز»)

هرجا این تبلیغات مداوم در کار نباشد، [قهرمانان تاریخ] فراموش زمانه‌اند و گمنامند.

(رابطه عالم اسلام، ۳۲)

جایی که تبلیغ هست، [در خاطرها] زنده است و جایی که تبلیغ نیست، در خاطرها زنده نمی‌ماند. از دل برود هرآنچه از دیده برفت.

(رابطه عالم اسلام، ۳۸)

افتتاح سعادت بشر با افتتاح وحی شد ... فرمود: « إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ...» (علق، بخشی از آیه ۱) ... تا امّتی سواد نداشته باشد، نمی‌تواند مدارج آدمیّت را بالا برود.

(کتاب افق وحی، ص ۴- ۵)

[در وصفِ هجرت صفوان از مکّه به مدینه] این تکان سخت که نامش هجرت است، بزرگترین پرواز انسانی به سوی خداست.

(کتاب افق وحی، ص ۶۰۴)

هر وقت سخنی از وحدت مسلمین در بین می‌آید دست مرموزی از پشت پرده به تحریک برمی‌خیزد و سفهایی را از آن‌طرف و سفهایی را از این‌طرف انگلک می‌کند که به نام حمایتِ حق، بیرق را بلند می‌کند، این آن را تکفیر می‌کند و آن‌هم این را تکفیر می‌کند و جنگی از نو درمی‌گیرد.

(سخنرانی در کنگره هزاره شیخ طوسی)

توقع بجاست اگر از ما قبول کنند هیئت علیای کنگره فتوی بر سر درب عمارت آن مجمع، این آرم با کلمهٔ طلایی و شنجرف نوشته و آرم پاکت‌ها و دفاتر و اوراق این مجمع همین باشد. آرم را از امیرالمؤمنین علیه‌السلام داشته باشند که: «من صلی إلی قبلتنا و دخل فی ملتنا استوجب حقوق الاسلام و حدوده.»

(سروش مقدس، صص ۱۳۳-۱۳۴)

نسبت به شیعه هم از دور نگریستند و از دور حکم کردند، لذا به عوارض اشتباهات «بُعد منظر» یا «ضعف نظر» خود گرفتار شدند، گرفتارِ خطای در حکم شده، گرفتار آفت سوء ظن گردیدند، دچار خطاهایی نظیر خطای باصره شدند و ما را چنانکه بودیم درست

نشناختند، گمان کردند که در حق ائمه خویش غلو داریم. گمان کردند که ما درباره آن‌ها معتقد به الوهیت هستیم و نسبت ربوبیّت به آن‌ها می‌دهیم؛ با اینکه امام نزد ما خدای خلق نیست؛ بلکه ناخدای سفینه و ربّانّی امت است،

(پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، ص ۱۹)

آنان [وهابیان] به گمان خود در ما ادراکِ خطا کردند و حال آنکه خود در ادراک خود خطا کردند. ادراک هم گاهی گرفتار آفت خطا می‌شود و خطا هم گاهی از «بُعد منظر» بر می‌خیزد، ستارگان در محل بلند خود کوچک به نظر می‌آیند با اینکه کوچک نیستند:

إنّ الکواکِبَ فی مَحَلِّ عُلُوِّها
لَتُری صِغاراً وَ هِیَ غَیْرُ صِغارٍ[1]

(پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، ص ۱۹)

فرق بین «مُجْرِم» و «مُحْرِم» به یک نقطه است در حالیکه بین «مُجْرِم» و «مُحْرِم» جهانی فاصله است، همچنین فاصلۀ بین «ربّانّی» و «ربّ» یک جهان است، و فاصلۀ بین «رُبّان» که ناخداست با «ربّ» که خدا است به قدر فاصلۀ بین جهان واجب و ممکن است؛ با اینکه در لفظ بهم نزدیک‌اند. ما ائمه را «ربانّی» می‌دانیم نه «ربّ» و همچنان «رُبّان سفینه» می‌دانیم نه «ربّ خلیقه» و چنانکه گفتیم: آنان را «ناخدا» می‌دانیم نه «خدا».

(پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، ص ۲۱)

---

۱. شعر از قصائد معروف ابوالحسن تهامی شامی، معروف به حکیم عرب (متوفای بسال ۴۱۶ هـ) است. وی در شعر دیگری می‌گوید: ما در دنیا مانند ساکنین کشتی هستیم با اینکه جریان زمانه ما را می‌برد، ایستاده به نظر می‌آییم. و إنّا لفی الدنیا کرکب سفینۀ   نظنّ وقوفاً والزمان بنا یَجری

تصاویر[1]



آیةالله کمره‌ای در جوانی در کنار آیةالله سیّد ابوالقاسم کاشانی و سیّد هبةالدین شهرستانی



امام خمینی در زمان تحصیل با جمعی از همدرسانشان



تمثال مبارک آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای در دوران اقامت در شهر مقدس قم

۱. تصاویر مربوطه در پایگاه‌های مختلفی مانند مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (iichs.ir)؛ نگارخانه عالمان تشیع در سایت وارثون (varesoon.ir) و نیز در برخی کتاب‌های معظم له موجود است.



مشاهده فلس ماهی‌های خاویاری در زیر میکروسکوپ – بندر انزلی ۱۳۷۶ قمری

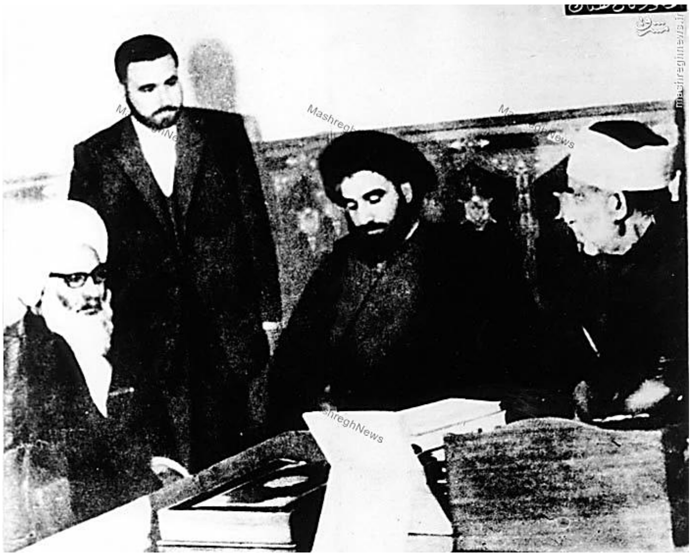




مسجد فخرالدوله: آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای در حال امامت جماعت و سخنرانی



مؤتمر قدس – اردن آیةالله طالقانی و آیةالله کمره‌ای. نفر وسط انور سادات است.



ملاقات آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای با استاد اکبر شیخ محمود شلتوت



آیة‌الله کمره‌ای و آیة‌الله طالقانی پیش از عزیمت به کراچی پاکستان



کنفرانس بین‌المللی شعوب المسلمین – کراچی

ردیف اوّل نشسته از چپ به راست:

۱.عبدالحیّ عباسی (پاکستان) ۲. فضیل دُریلانی (سعودی) ۳. دکتر مصطغی خالدی (لبنان) ردیف دوم ۱. دکتر احمد مسرور (اندونزی) ۲. شیخ عبدالحامد بدایونی (پاکستان) ۳. سیّد جواد شهرستانی (عراق) ۴. آیة‌الله سیّد محمود طالقانی (ایران) ۵. سیّد صدرالدین بلاغی (ایران) ۶. سیّد عبدالوهاب صافی (عراق) ۷. آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای (ایران) ۸. شیخ بشیر ابراهیمی (الجزائر) ۹. شیخ عابدین صبری (فلسطین) ۱۰ سیّد هادی مرعشی (عراق) ۱۱. شیخ محمد فحام (جامع ازهر مصر) ۱۲. حاج سیّد رضا زنجانی (ایران)



مؤتمر العالم الاسلامی اردن:

اکرم زعیتر (اردن) محمد داود (مراکش) آیة‌الله میرزا خلیل کمره‌ای



مجلس درس آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در مسجد فخرالدوله تهران

مكتب شيخ الجامع الأزهر

بسم الله الرحمن الرحيم

السيد صاحب الفضيلة الحاج ميرزا خليل كمره‌ئي

سلام الله عليكم ورحمته وإننا لنرجو أن تكونوا على خير ما نود لكم من الصحة والعافية . أما بعد

فقد كان لخطابكم الذي بعثتم به إلينا قبل مغادرتكم مصر ، أعظم الوقع في نفسي ، فقد بدا فيه حسن تقديركم لما قمنا به من عمل صالح ، وكان شعوركم في ذلك شعورا صادقا لا تعنت فيه ، كما كان لتقديركم الذي أبديتموه في خطابكم نحو سماحة أخي الجليل العلامة القمي أثر بالغ في نفسي ونفوس السادة العلماء هنا وإننا لنسأل الله تعالى أن يجعلنا جميعا إخوانا متعاونين في سبيل الحق والصالح العام لأمة الإسلام ، وأن يجعل هذا التعاون الصادق مصدر الخير والبركات ، كما هي سنة الله في عباده المخلصين ((والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وإن الله لمع المحسنين)) .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته »

٢٤ من ذي القعدة ١٣٧٩ هـ
١٩ من مايو ١٩٦٠ م

شيخ الجامع الأزهر

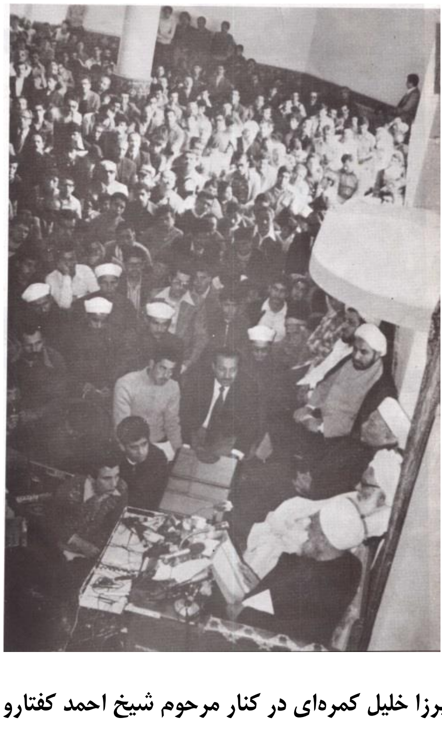
نامه استاد اکبر شیخ محمود شلتوت به حضرت آیة‌الله میرزا خلیل کمره‌ای



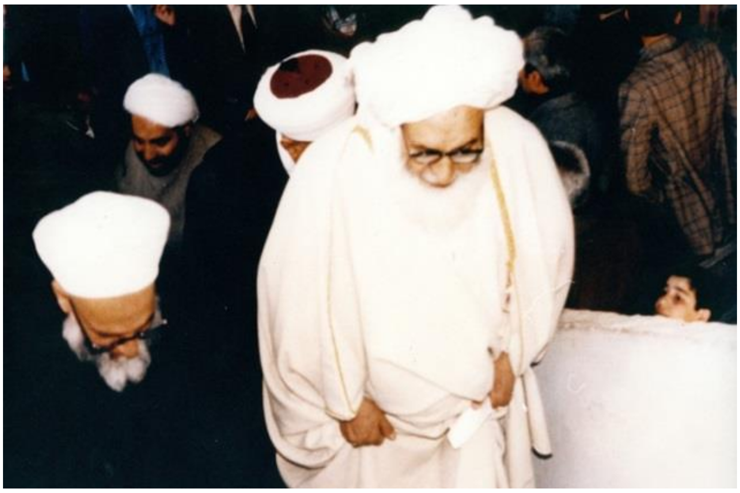
آیة‌الله میرزا خلیل کمره‌ای در حال ایراد سخنرانی در کنگره هزاره شیخ طوسی



آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در دانشگاه ابوالنور سوریه



آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در کنار مرحوم شیخ احمد کفتارو مفتی سوریه



آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در دانشگاه ابوالنور سوریه



آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آیةالله سید محمود طالقانی (جاده چالوس ۱۳۲۵ شمسی)


درسی از سوره مبارکه ملك بقلم آیة‌الله میرزا خلیل کمرهٔ

اسرار موت وحیوة

هو الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا (سورة الملك)

حیات چیست ؟ کاروان زنـدگی بکدام سوروان است ؟ زندگان در میدان زندگی چه را میجویند ؟ زنده درمسافت عمر حیات وعمل- حل اشعاری از نظامی و مثنوی - حیوة رو بحسن عمل

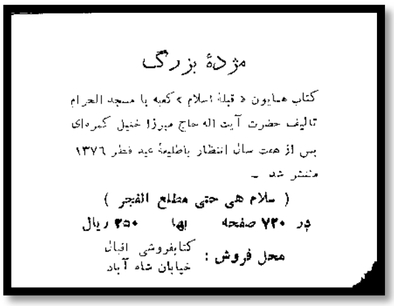
انسان و گیتی چیست؟ گیتی کوچك شده ودرانسان گنجیده تاآغاز وانجام هردوفهمیده گردد.

۱- گیتی پهناور از فراخی و وسعت - ازدوام عمر و طول مدت - ازعجائب ونفوذ نظم - ازپراسراری، حیرت آور است ! بهرسمت روآوری - بهر گوشه دست آوری - هر زاویهٔ را در نظر آری - میبابی از نقطه آن جهانی منظم طلوع میکند (وآن نقطه انسان است) افتادگان آن سرمیکشند - ازهر ناحیهٔ سروری سربلندی گردن می‌افرازد - بدل آسمان مشتی زنی ستاره فرو می ریزد - بپوست انسان سرسوزنی فرو کنی دوده عروق شعریه مانند مو پاره میشود ووو

آقای میرزا خلیل کمرهٔ نویسنده مقاله

-۴۸۳-

درسی از سوره مبارکه ملک بقلم آیة‌الله میرزا خلیل کمره‌ای
سالنامه نور دانش سال ۱۳۲۶ شمسی، ص ۴۸۳


مژدهٔ بزرگ

کتاب همایون « قبلهٔ اسلام » کعبه یا مسجد الحرام تالیف حضرت آیت اله حاج میرزا خلیل کمره‌ای پس از هشت سال انتظار باطلیعهٔ عید فطر ۱۳۷۶ منتشر شد -

(سلام هی حتی مطلع الفجر)

در ۷۲۰ صفحه بها ۲۵۰ ریال

محل فروش : کتابفروشی اقبال
خیابان شاه آباد

کارت مژدگانی به مناسبت انتشار کتاب قبله اسلام کعبه یا
مسجدالحرام عید فطر ۱۳۷۶ قمری



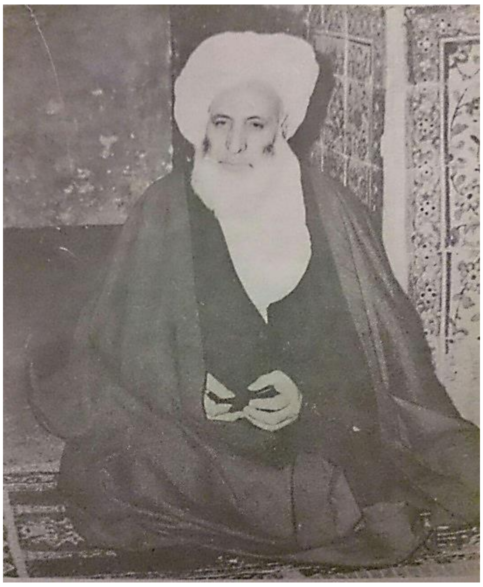
۱۳۲۷ ه.ش - شرکت در تظاهرات بر ضد هژیر

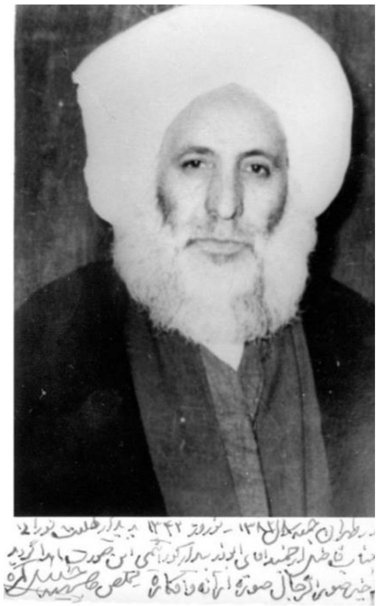


در کنار آیةالله سید ابوالقاسم کاشانی - جلسه مصاحبه با خبرنگار روزنامه «اخبار الیوم» مصر



نهضت ملی شدن نفتِ ایران – حضور آیةالله **حاج میرزا خلیل کمره‌ای در اجتماع علماء در مسجد شاه (امام خمینی) تهران**





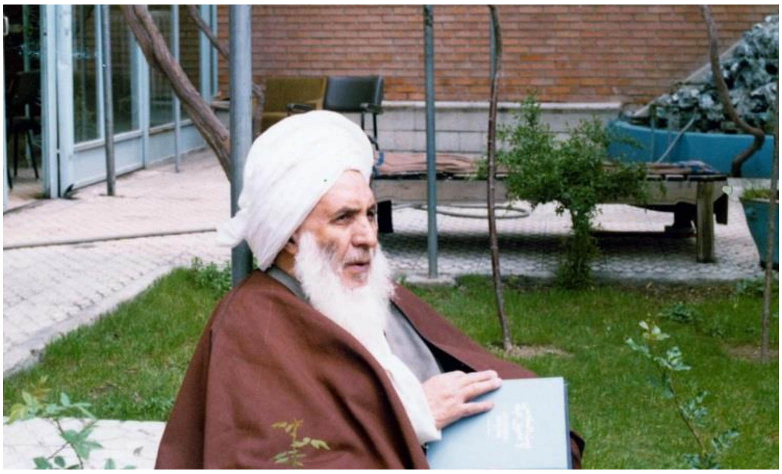
تمثال مبارک آیة‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای سال ۱۳۴۲ شمسی



۱۳۵۷ ه.ش - نماز ظهر تاسوعاء تهران



۱۳۵۷ ه.ش - نماز ظهر تاسوعاء تهران (به‌امامت آیةالله سیّد محمود طالقانی)



تمثال مبارک معظم له– در منزل شخصی خیابان زرین نعل



آقای ابوالمجد در حال سخنرانی در مراسمی که در منزل مرحوم سیدمحمدباقر حجازی در تهران برگزار شد ؛ از راست : آقای سید هادی خسروشاهی، آقای حجازی، آیت الله سید محمود طالقانی، حاج شیخ خلیل کمره‌ای و آقای غلامرضا سعیدی.



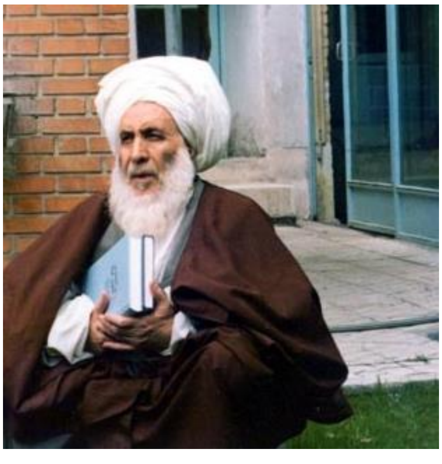
گوشهٔ دیگری از مراسم استقبال از هیئت مصری که در تهران برگزار شد. آیت الله شیخ خلیل کمره‌ای در حال ایراد سخنرانی خوشامدگویی به هیئت است و سایرین از راست عبارتند از : سید هادی خسروشاهی، آیت الله سید محمود طالقانی، غلامرضا سعیدی، دکتر ابوالمجد (از مصر) و استاد بختیاری نژاد.

از کتاب: «سرگذشت تقریب» اثر آیةالله سیدهادی خسروشاهی، ص ۴۱۷ – ۴۱۸

«مراسم استقبال از هیئت مصری به ریاست دکتر ابوالمجد در تهران – ۱۳۸۵ قمری»



آیةالله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای و آیةالله حاج سید محمود طالقانی
هیئت امام حسن مجتبی (ع)



تمثال مبارک معظم له– در منزل شخصی خیابان زرین نعل



تصاویر برخی از مجلدات تألیفات آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

SECRETARIATUS PRO NON CHRISTIANIS

E Civitate Vaticana, die 28 Mai 1974

Prot. N. 3798
(In responsione fiat mentio huius numeri)

Monsieur le Professeur,

J'ai reçu, il y a quelque temps, une lettre du R.P.William Barden OP. où il fait l'éloge de votre capacité scientifique et des qualités rares que vous possedez.Cette lettre créa en moi le désir de vous connaître et d'avoir, avec vous, des liens d'amitié.

En attendant de vous rencontrer effectivement, je me permets de vous demander votre collaboration au livre que nous pensons éditer et qui traitera de la position des grandes Religions en face de certains problèmes.

Je me permets, aussi, de vous envoyer quelques suggestions à propos de ce travail, et je tiens à souligner qu'elles sont de pures suggestions, et que vous avez le droit de traiter le sujet comme vous le jugez utile.

Si vous êtes d'accord sur cette collaboration, je vous prie de m'informer au plus vite.

Veuillez agréer, Monsieur le professeur, mes sentiments les plus distingués.

P. François Abou Mokh

P.François Abou MOKH
Sécrétariat pour les non-chrétiens

Mr. Ayatollah Khalil KAMAREHI
KHIABAN ZARRIN - NAL
TEHERAN - Iran

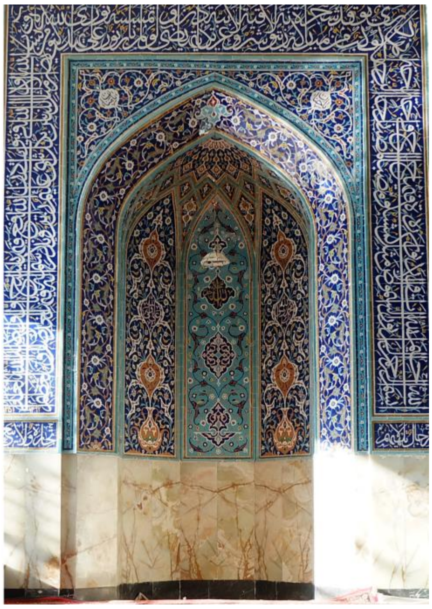
۱۹۷۴ م - نامه واتیکان به معظم له

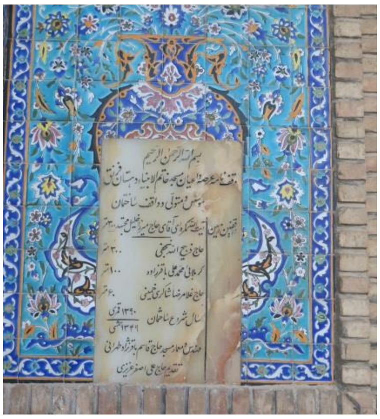




نمایی از مسجد روستای فرنق / حضرت آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای در زمان ساخت مسجد روستای فرنق

محراب زیبای مسجد روستای فرنق



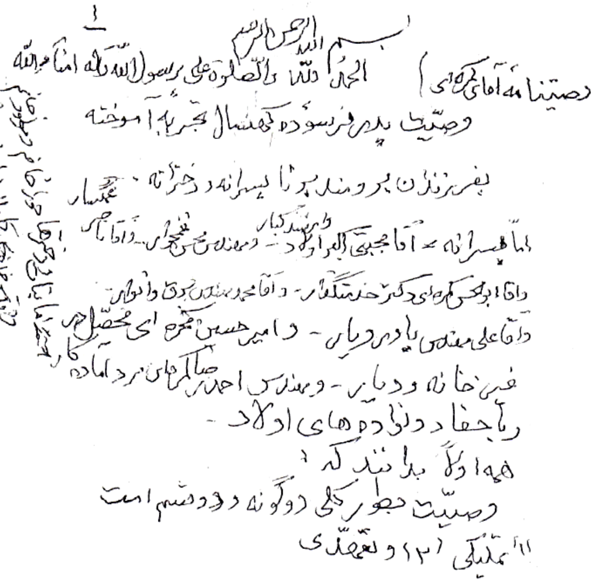


لوح وقف‌نامه عرصه و اعیان مسجد خاتم الانبیاء دهستان فرنق –

متن آن به شرح زیر است: بسم‌الله الرحمن الرحیم – وقف‌نامه عرصه و اعیان مسجد خاتم الانبیاء دهستان فرنق مؤسس و متولی و واقف ساختمان. واقفین زمین: آیة‌الله کمره‌ای آقای حاج میرزا خلیل مجتهد ۳۰۰ متر. حاج ذبیح‌الله نجفی: ۳۰۰ متر. کربلایی محمدعلی باقرزاده: ۱۰۰ متر. حاج غلامرضا شاکری خمینی: ۶۰ متر. شروع ساختمان: ۱۳۹۰ قمری (۱۳۴۹ شمسی) مهندس و معمار مسجد حاج قاسم باقرنژاد طهرانی. (تقدیم سنگ: حاج علی اصغر عزیزی)

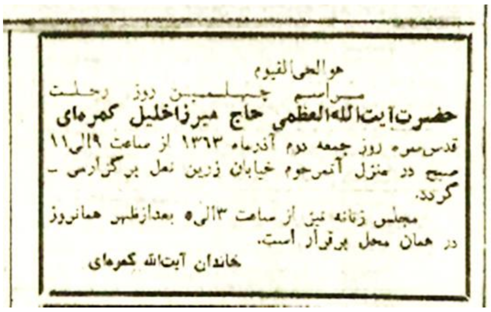


روزنامه اطلاعات پنجشنبه اول آبان ماه ۱۳۵۹



۱
بسم الله الرحمن الرحیم
وصیتنامه آقای کمره‌ای الحمد لله والصلوة علی رسول الله وآله اما بعد
وصیت پدر فرسوده که هشتاد سال تجربه آموخته
وصیت بطور کلی دوگونه و دو قسم است
۱- تملیکی ۲- و تعهدی

صفحه اوّل وصیت‌نامه حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای



هوالحی القیوم
مراسم چهلمین روز رحلت
حضرت آیت‌الله العظمی حاج میرزاخلیل کمره‌ای
قدس‌سره روز جمعه دوم آذرماه ۱۳۶۳ از ساعت ۹ الی ۱۱ صبح در منزل آنمرحوم خیابان زرین نعل برگزارمی‌گردد.
مجلس زنانه نیز از ساعت ۳ الی ۵ بعدازظهر همانروز در همان محل برقرار است.
خاندان آیت‌الله کمره‌ای

اطلاعیه مراسم چهلم: روزنامه اطلاعات مورخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۶۳ ه.ش



البقاء لله وحده

ارتحال مرحوم آیت‌الله علامه زمان و خدمتگزار نامی اهل بیت عصمت وطهارت سلام‌الله علیهم اجمعین آقای **حاج میرزا خلیل کمره‌ای** رحمت‌الله علیه ضایعه بزرگی برای عالم اسلام است.

مجلس ترحیم آن فقیه عالیقدر وفقید سعید از ساعت ۳ تا ۵ بعداز ظهر روزدوشنبه ۶۳/۷/۲۳ برابر با ۱۹ محرم‌الحرام ۱۴۰۵ درمسجد فخر (دروازه شمیران) منعقد است.

سید محمدصادق لواسانی، سید محمد علی سبط، سید رضی شیرازی، محمد حسین علوی بروجری، سید احمد شهرستانی، یحیی نوری، فلسفی تنکابنی، سید ابراهیم علوی خوئی، فقیه دزفولی، حسن سعید.

آ ـ ۲۴۵۷

اذامات العالم ثلم فی‌الاسلام ثلمه لایسدهاشیئی

باکمال تاثر وتالم رحلت عالم ربانی ومجتهد صمدانی حضرت آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای که سراسرعمرخود راوقف خدمت‌به‌معارف‌الهی‌و ماثراسلامی نموده‌اند باستحضار ذوات مقدسه علماء اعلام وعموم مومنین می‌رساند.

مجلس ترحیم روز دوشنبه ۶۳/۷/۲۳ از ساعت ۳ تا ۵ بعداز ظهر در مسجد فخر (دروازه شمیران) منعقد می‌باشد. مجلس ختم زنانه در همان روز وهمان ساعت درمنزل معظمله واقع در خیابان زرین‌نعل برگزار می‌گردد.

خاندان آیت‌الله کمره‌ای

آ ـ ۱۹۴۳۵

اطلاعات: مصیبت وارده را بخانواده های عزادار تسلیت می‌دهد.

اطلاعیه روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ مهرماه ۱۳۶۳ ه.ش

متن اطلاعیه علمای تهران (روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ مهرماه ۱۳۶۳ ه.ش)

البقاء لله وحده

ارتحال مرحوم آیةالله علّامه زمان و خدمتگزار نامی اهل‌بیت عصمت و طهارت سلام‌الله علیهم اجمعین آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای رحمت‌الله علیه ضایعه بزرگی برای عالم اسلام است.

مجلس ترحیم آن فقیه عالی‌قدر و فقید سعید از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر روز دوشنبه ۶۳/۷/۲۳ برابر با ۱۹ محرم‌الحرام ۱۴۰۵ در مسجد فخر (دروازه شمیران) منعقد است.

سید محمدصادق لواسانی
سید محمدعلی سبط
سید رضی شیرازی
محمدحسین علوی بروجردی
سیّد احمد شهرستانی
یحیی نوری
فلسفی تنکابنی
سیّد ابراهیم علوی خوئی
فقیه دزفولی
حسن سعید.

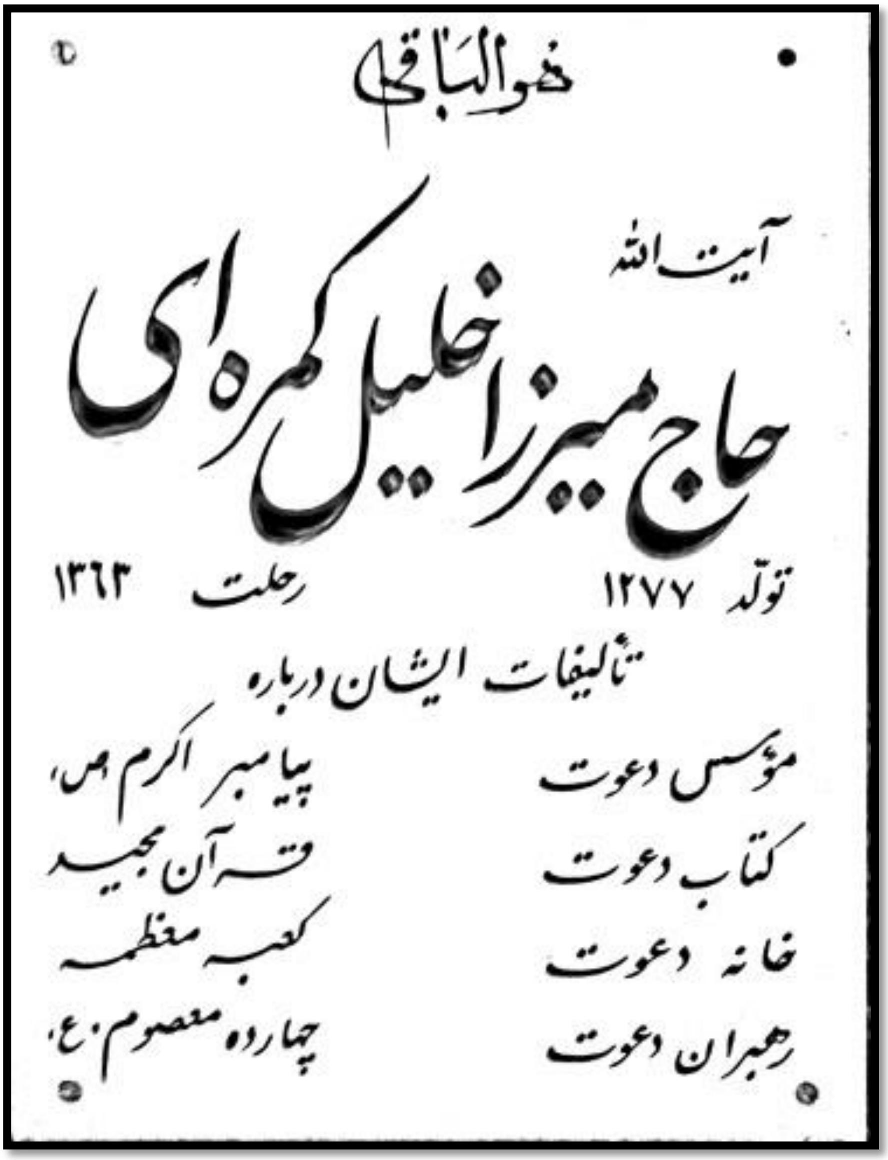


تابلوی ورودی روستای فرنق کمره

باسمه تعالی زادگاه عالم ربّانی و حکیم صمدانی حضرت آیةالله العظمی حاج میرزا خلیل کمره‌ای، مؤسس مسجد خاتم الانبیاء در فرنق. تولد: ۱۲۷۸ هجری شمسی. وفات: ۱۳۶۲ هجری شمسی. دارای تألیفات دینی بسیار پیرامون: مؤسس دعوت: پیامبر اکرمﷺ، کتاب دعوت: قرآن مجید؛ خانه دعوت: کعبه یا مسجد الحرام؛ رهبران دعوت: ائمه اطهار(ع) و در بخش انتهایی تابلو نوشته شده است: این تابلو در تاریخ ۷۶/۴/۱ توسط آقای حمیدرضا نجفی در کارخانه قطعات فولادی ایران ساخته و اهداء گردید.



قم : ۱۳۹۴ شمسی ایوان بیرونی حجره مزار آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای



تصویر لوح مزار آیة‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

بسم الله الرحمن الرحیم
در وصف آیة‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای رحمه‌الله[۱]

سلطه‌جویان در عیان و در خفا — هر زمان با مکرها و فتنه‌ها
نقشه‌های شوم اجرا می‌کنند. — تا مسلمانان شوند از هم جدا
ای‌بسا توفیق می‌یابند، لیک — باز امّت می‌شود وحدت‌گرا
مایه وحدت‌گرایی در دل است — حُکم بی‌تغییرِ قرآن خدا
بهر وحدت در پس هر تفرقه — هر زمان خیزند مردانی به پا
اختری زین اختران فرزانه‌ای است — جامع علم و عمل، راه آشنا
آیةالله خلیل کمره‌ای — جُسته از بانگ اذان راه هُدا
وحدت آموز است تألیفات او — حکمت‌آمیز و متین و رهگشا
در خصوص بانی دعوت به خیر — مفخر عالم رسول مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله
در خصوص متن قرآن مجید — نور توحید و کتاب اعتلا
در خصوص کعبه رکن اتحاد — خانه دعوت، مقام انبیا
چارده معصوم علیهم‌السلام در آثار او — رهبران دعوت‌اند و رهنما
در همایش‌های وحدت در جهان — صوت و استدلال و پیغامش رسا
در جهان آخرت محشور باد — در جوار قرب حق با اولیا

---

۱. سروده پدر عزیزم جناب آقای جواد صداقت.

برخی از عناوین مجموعه تاریخ شفاهی طلایه‌داران وحدت اسلامی که ان شاءالله به‌تدریج منتشر خواهند شد:

در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةاللهالعظمی علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای قدّس سرّه
در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةالله شهید سیّد محمدباقر صدر قدّس سرّه
در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةاللهالعظمی سیّد حسین بروجردی قدّس سرّه
در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةاللهالعظمی حاج شیخ عبدالکریم زنجانی نجفی قدّس سرّه
در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةالله علّامه سیّد هبةالدین حسینی شهرستانی قدّس سرّه
در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةالله حاج شیخ حسن سعید طهرانی قدّس سرّه
در احوال و اندیشه‌های حضرت آیةالله حاج شیخ محمد خالصی قدّس سرّه

کتاب‌نامه

- **قرآن مجید**
- **نهج‌البلاغه**

امجدی، جلیل (۱۳۸۷ه.ش) **تاریخ شفاهی مسجد هدایت**، تهران (چاپ اوّل) مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

انصاریان خوانساری، محمدتقی (۱۳۹۴ ه.ش) **مرجع متقی خاطرات و اسنادی منتشرنشده درباره آیةالله العظمی حاج سیّد احمد خوانساری**، قم (چاپ اوّل) انتشارات انصاریان.

جعفریان، رسول (۱۳۹۰ ه.ش) **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی – سیاسی ایران (۱۳۲۰ – ۱۳۵۷ ه.ش)** تهران، نشر علم.

جواهر کلام، عبدالحسین (۱۳۸۲ ه.ش) **تربت پاکان**، قم، انصاریان، ج ۱ و ج۴.

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۱ ه.ش) **درباره آیةالله سید محمود طالقانی**، قم، کلبه شروق.

خسروشاهی، سیّد هادی (۱۳۸۹ ه.ش) **سرگذشت تقریب** «**یک فرهنگ، یک امّت** (ترجمه) محمّد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی – معاونت فرهنگی.

دوانی، علی (۱۳۷۲ ه.ش) **خاطرات من از استاد شهید مطهری**، تهران، انتشارات صدرا.

رستگار فسایی، منصور (۱۳۹۴ ه.ش) **دکتر احمد مهدوی دامغانی و میراث ادبی و فرهنگی او**، تهران، چاپ اول، انتشارات اطلاعات.

ریحان، علیرضا. ناصر باقری بیدهندی (۱۳۷۴ ه.ش) **آینه دانشوران قم**، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیةاللهالعظمی مرعشی نجفیؒ، ج ۱ / ص ۴۹۱ الی ۴۹۳.

شبیری زنجانی، سیّد موسی (۱۳۹۲ ه.ش) **جرعه‌ای از دریا**، ج۱ و ۲.

عطاردی قوچانی، عزیز الله (۱۳۸۷ ه.ش) **روایت عشق مسافرت‌های علمی، تحقیق در مخطوطات آثار و تألیفات**، تهران، انتشارات عُطارِد

طالقانی، سیّد محمود (۱۳۸۱ ش) **به‌سوی خدا می‌رویم**، مشعر، ج۱.

کمره‌ای، ناصرالدین (بی‌تا) **رابطه عالم اسلام: همبستگی جهان اسلام و ولایت امیرالمومنین(ع)**، تهران، به‌همّت حاج محمدحسین صدریه، چاپخانه حیدری.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۶۶ قمری) **مقدمه کتاب نوید اسلام در موضوع فلسفه غیبت و علائم ظهور حضرت حجة (عج) و تفسیر و محاکمه در اخبار و احادیث راجع به غیبت**، از تقریرات حکیمانه دانشمند علّآمه حضرت حجةالاسلام علّامة المجتهدین آقا میرزا خلیل کمره‌ای و بقلم حجةالاسلام آقای سید محمدحسن جزائری، ناشر برادران مذهبی.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۴۶ ه.ش) **افق اعلی، نگاهی به چهره محمد ﷺ** تهران، شرکت سهامی طبع کتاب

کمره‌ای (۱۳۵۱ ه.ش) **فتاوی صحابی کبیر سلمان فارسی رضی الله عنه در دوره رهبری در اصول و فروع آئین اسلام**. تهران، چاپ اسلامیه.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۵۳ ه.ش) **بیت‌المقدس و تحوّل قبله**، تهران، انتشارات اسلامیّه.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۵۳ ش) **بیت‌المقدس و تحول قبله**، تهران، چاپخانه فردوسی.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۹۷ق) **سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه اسمعی یا حجاز**. (تنظیم و تصحیح) ناصرالدین کمره‌ای، تهران، چاپخانه حیدری.

کمره‌ای، خلیل (۱۴۰۱ق / ۱۳۶۰ شمسی) **سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه اسمعی یا حجاز**. (تنظیم و تصحیح) ناصرالدین کمره‌ای، تهران، چاپخانه حیدری.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۸۷ ه.ش) **آفرینش آسمان و زمین در نهج البلاغه**، تهران (چاپ اوّل) بنیاد نهج البلاغه.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۹۴ ه.ش) **کلید امن جهان در پرتو پیام رسول خدا ﷺ**، (مقدمه) کامیار صداقت ثمرحسینی، تهران، نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کمره‌ای، خلیل (۱۳۹۵ ه.ش) **نامه‌ای از امام علی** علیه‌السلام (مقدمه) کامیار صداقت ثمرحسینی، تهران، نشر فرهنگ مشرق زمین با همکاری مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کمره‌ای، ناصرالدین (۱۳۶۴ ه.ش) **نگاهی به زندگانی آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای؛ عنصر تلاش و کوشش**.، (چاپ اول)

کمره‌ای، ناصرالدین (۱۳۸۶ ه.ش) **نگاهی به زندگانی آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای؛ عنصر تلاش و کوشش**. (چاپ دوّم)

مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۰ ه.ش) **خمین در گذر تاریخ**، قم، انتشارات نور السجاد

مدرس یزدی، علی اکبر (۱۳۷۲ ه.ش) **رسایل حکمیّه**، تهران (چاپ سوّم) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مقدمه به قلم حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای.

میرابوالقاسمی، سیّد محمّدحسین (۱۳۸۹ ه.ش) **طالقانی و دگرگونی تاریخ؛ پژوهشی در اسناد و اندیشه‌ها**، تهران (چاپ اوّل) شرکت انتشارات قلم.

نصیری، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۴ ه.ش) **اثر آفرینان، تهران**، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج۵ / ص ۵۷ – ۵۸. مدخل «کمره‌ای، میرزا خلیل بن ابی طالب صیمری»

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۶ ه.ش) **کارنامه و خاطرات آیةالله هاشمی رفسنجانی**، دفتر نشر معارف انقلاب، ج ۱ و ۸.

نشریات

اطلاعات حکمت و معرفت

حسن لاهوتی (اردیبهشت ۱۳۹۰ ه.ش) (مقاله) **کریم شاعر و جلال عارف**، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۶۲.

ارمغان

امیری فیروزکوهی، سیّد کریم (اسفند ۱۳۳۶ ه.ش) مجله ارمغان، دوره بیست و ششم، شماره ۱۲.

بینات

محسن قرائتی (بهار ۱۳۷۵ه.ش) **گفت‌وگو با: حجةالاسلام و المسلمین قرائتی** (مصاحبه‌کننده) حسن پویا، مجله بیّنات.

پژوهش‌های نهج‌البلاغه

احمد معتمد (تابستان و پاییز ۱۳۸۱ ه.ش) (مقاله) **مقدمه ای بر کتاب عالم و آدم**، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۴ و ۵.

جوان

ناصرالدین کمره‌ای (۱۹ آذر ۱۳۹۱ه.ش) روزنامه جوان، شماره ۳۸۵۰ با عنوان: «**جستارهایی در حیات اجتماعی و فرهنگی آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای؛ در تکاپو برای کلمه توحید و توحید کلمه**»

حوزه

جلالی، غلامرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۹ ه.ش) **الگوهای چهارگانه وحدت اسلامی و نظریه میرزا خلیل کمره‌ای**، مجله حوزه، شماره ۱۵۶، ص ۳۳۹.

خردنامه همشهری

جعفریان، رسول (آبان ۱۳۸۶ ه.ش) **تبلیغ روی کاغذ: مطبوعات دینی**، شماره ۲۰.

شاهد یاران

کمره‌ای، ناصرالدین، (شهریور ۱۳۸۶) **گفتگو با حجةالاسلام ناصرالدین کمره‌ای با عنوان: «گفتنی‌هایی از یک تعامل دیرین»** ماهنامه شاهد یاران، شماره ۲۲.

رسالة الاسلام

رسالة الاسلام، السنة الثامنة، رمضان ۱۳۷۵ - العدد ۲.

رسالة التقریب

رسالة التقریب» بهمن ۱۳۷۶ - شماره ۱۸ با عنوان: **«مشاریع علمیة»**.

روزنامه اطلاعات

روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ مهر ماه ۱۳۶۳ ه.ش. **اطلاعیه درگذشت حضرت آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای**.

روزنامه اطلاعات مورخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۶۳ ه.ش) **اطّلاعیه مراسم چهلم حضرت آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای**.

جعفریان، رسول (۲۳ و ۲۴ و ۲۹ مهر ۱۳۸۶ ه.ش) **مرحوم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای و مسائل حج**، روزنامه اطلاعات.

کمره‌ای، خلیل (پنجشنبه اوّل آبان ماه ۱۳۵۹ ه.ش) **پیام آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به سران کشورهای عربی. این ننگ را عرب به کجا می‌برد؟!** روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۲۶۹.

کمره‌ای، ناصرالدین (۱۷ / ۳ / ۱۳۹۵ ش) **نامه ناصرالدین کمره‌ای در تکذیب خبر «بی‌بی‌سی» فارسی**، روزنامه اطلاعات.

انا لله و انا الیه راجعون: حضرت آیةالله حاج میرزا خلیل کمره‌ای به لقاء الله پیوست، روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ مهر ماه ۱۳۶۳ ه.ش، شماره ۱۷۴۲۳.

روزنامه کیهان

روزنامه کیهان، ۹۱/۶/۲۵، شماره ۲۰۳۰۶، ص ۱۲.

علوم حدیث

سیّد مرتضی عسکری (تابستان ۱۳۸۰ ه.ش) **گفتگو با آیةالله سید مرتضی عسکری** (مصاحبه‌کننده) محمد هادی خالقی، مجله علوم حدیث، شماره **۲۰.**

طالب حق

کمره‌ای، خلیل (بهمن ۱۳۳۶ ه.ش) **تجلیات قرآن در بیان سوره الرحمن**، مجله طالب حق، شماره ۹.

فرهنگ اسلامی

خسروشاهی، سیّد هادی (شهریور ۱۳۹۲ ه.ش) **اخوان المسلمین و ایران در گذر تاریخ**، ماهنامه فرهنگِ اسلامی، شماره ۲.

کتاب ماه دین

دوانی، علی (آبان ۱۳۷۷ ه.ش) **خاطراتی از علامه فرزانه استاد فقید محمد تقی جعفری**، مجله: کتاب ماه دین، شماره ۱۳.

منتظری، مجتبی (اردیبهشت ۱۳۸۸ ه.ش) **اندیشه‌های حدیثی استاد علی اکبر غفّاری**، کتاب ماه دین، شماره ۱۳۹.

کیهان فرهنگی

سیّد مرتضی عسکری، (مقاله) **اسلام، تحریفها و واقعیتها**، مجله کیهان فرهنگی، دی ۱۳۸۰ – شماره ۱۸۳،

غفّاری، علی اکبر (خرداد ۱۳۶۵ ه.ش) استاد علی اکبر غفاری احیاگر میراثی از تشیع (مصاحبه) کیهان فرهنگی، شماره ۲۷.

مشکوة

محمد واعظ زاده خراسانی (پاییز ۱۳۷۲ ه.ش) **ضایعه در گذشت آیةالله العظمی گلپایگانی مرجع عالیقدر جهان تشیع قدس سره الشریف**، مجلهٔ مشکوة، شماره ۴۰.

محمد واعظ زاده خراسانی (زمستان ۱۳۷۳ ه.ش) **ضایعه درگذشت آیةالله العظمی اراکی قدس سره**، مجله مشکوهٔ، شماره ۴۵.

میقات حج

جعفریان، رسول (زمستان ۱۳۸۲ ه.ش) **مرحوم آیةالله میرزا خلیل کمره‌ای و مسائل حج**، میقات حج – سال دوازدهم – شماره چهل و ششم.

نامه فرهنگ

حائری یزدی،مهدی (بهار ۱۳۷۴ ه.ش) **فلسفه پی جویی حقیقت و هستی**، مجله نامه فرهنگ، شماره ۱۷.

نگین

خدیو جم، سیّد حسین (۳۱ فروردین ۱۳۴۹ ه.ش) **مجتبی مینوی، محیط طباطبائی، دکتر فریار، دکتر نجم آبادی، دکتر شهیدی و ... در کنگره هزاره شیخ طوسی**، مجله نگین، شماره ۵۹.

نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد

الفاسی، علّال (بهار ۱۳۵۱ ش) **گزارشی از کنگره شیخ طوسی، مطالعات اسلامی**، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، شماره ۲.

وحید

صدر، محسن (اسفند ۱۳۴۹ ه.ش) **یادداشتهای صدرالاشرف (ملاقات با ملک ابن السعود)**، مجله وحید، شماره ۸۷.

هنر

مجله هنر (زمستان ۱۳۶۵ و بهار ۱۳۶۶ ه.ش)، **مرگ چنین خواجه نه کاری است خرد (در سوگ روانشاد استاد ابراهیم بوذری، هنرمند و خوشنویس)** شماره ۱۳.

یاد

کمره‌ای، خلیل (زمستان ۱۳۶۵ ه.ش) **خاطرات حضرت حجةالاسلام حاج میرزا خلیل کمره‌ای**، مجله یاد شماره ۵، صفحات ۲۹ تا ۳۳)

یغما

خسروانی قاجار، علیرضا (دی ۱۳۳۶ ه.ش) **قبله اسلام**، مجله یغما، دوره بیست و ششم، شماره ۱۰.

یغمایی، حبیب (اسفند ۱۳۵۷ه.ش) (مقاله) **برای کتابخوانان: سروش مقدس، مجله یغما**، شماره ۳۶۶.

پایگاه‌های اینترنت

وبگاه رسمی استاد سیّد هادی خسروشاهی: khosroshahi.org با عنوان: «گفتگو با استاد سیّد هادی خسروشاهی، مجاهدین و حزب توده در خط امام! (بخش نخست)» ؛ «نقش آیةالله تسخیری در موضوع تقریب در گفت و گو با استاد خسروشاهی، (۲۴ / ۱۱ / ۱۳۹۰)»

خبرگزاری ایسنا: www.isna.ir با عنوان «**پیام آیةالله صافی گلپایگانی به همایش علمی حماسه حسینی**» مورخ یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۹۰، کد خبر: ۹۰۰۱.